میکرو فیلم تهیه شد

۱۳۸۴ /۲/ ۱۵

۱۵۱۱۶

فهرست شد

آستان قدس

کتابخانه آستانقدس

اسم کتاب تاریخ معاصر ج ۱ فارسی

مصنف شناخته نشد ~~احمد علی تبریزی~~

مؤلف

خطی سنگی تحریری

چاپی

سال ~~چاپ~~ یا تحریر محرم ۱۳۳۲ عدد اوراق ۹۷

جزء کتب تاریخ شماره خصوصی

شماره عمومی ۱۵۱۱۶ شماره قبض

واقف مکتبة الامام امیرالمؤمنین ع تاریخ وقف اردیبهشت ۱۳۶۵

طول ۲۱٫۱ عرض ۱۷ شماره صفحات

۱۰۲

در اول حوت تعطیل در ۲۰ شروع با بستان الی اول ثور و از ۲۵ ثور شروع با بستان الی ۱۲ جوزا ختم خواهد گردید

18755

3395

اهدائی دفتر
مکتبة
الامام امیر المؤمنین علیه السلام
در تهران به کتابخانه
آستان قدس رضوی
مشهد
۸

اهدائی دفتر
مکتبة
الامام امیر المؤمنین علیه السلام
به کتابخانه
در تهران
آستان قدس رضوی
مشهد

۲۶

مكتبة الامام امير المؤمنين عليه السلام العامة
العدد
التاريخ
الامام امير المؤمنين عليه السلام

آستان قدس رضوی
مشهد

بسم الله الرحمن الرحیم

تاریخ معاصر

مقدمات شورش بزرگ فرانسه — شورش کبیر فرانسه شورشی است که واقع شده است [illegible] صدد [illegible] از ریشه زد
اوضاع فعلی را [illegible] بود دیگر استبداد سلطنت در دوران جدید تولید شده بود
این انقلاب را امور متعدده تهیه کرده است اول حس آزادی طلبی اروپائی انتشار کتب و آثار علمی در فرانسه [illegible] نظر آزادی [illegible]
دیگر را به سلطنت استبدادی راضی کرده بود [illegible] شده است) [illegible] از ادبیات و علوم و حکمت در مردم [illegible]
با آن که فهمیده بود وضع بهتر را در دنیا ممکن است این علت عمده که است در ابراز شورش [illegible] دیگر علت دیگر
را در تحت این [illegible] قرار داد روز بروز حس آزادی [illegible] استبدادی [illegible] در فرانسه تمام [illegible]
[illegible] تا اندازه ممکن بود [illegible] استبدادی [illegible] ضعف ارکان [illegible] امنیت [illegible] ادای [illegible]
[illegible] دیگر [illegible] بود [illegible] استبدادی [illegible] سلطنت
[illegible] قدرت [illegible] بود [illegible] ارکان [illegible] ظلم [illegible] ولی
[illegible] طبقات [illegible] از طرف [illegible]
از [illegible] بر حسب [illegible] ثروت مملکت شده بود . از طرف دیگر [illegible] طبقات [illegible]
[illegible] به تقرب [illegible]
عیب این اوضاع [illegible] بود اول آنکه این ترتیب [illegible] مملکت [illegible] و [illegible] عدالت [illegible]
[illegible] دوم آنکه [illegible] استبدادی [illegible] ملت [illegible] اروپا [illegible]
[illegible] مطالبات [illegible] ملت [illegible] محروم [illegible] معارف [illegible] شدند و روز بروز
این عیوب بیشتر ظاهر شد و [illegible] رفع آن برای مردم بیشتر محسوس [illegible] گذشته از ترقی [illegible] اسباب [illegible]

بود علی‌الخصوص بین ملل مختلفه تولید میکرد چنانکه میتوانیم بگوئیم خیال اصلاح و خصوصاً آزادی طلبی از انگلیس وارد [illegible]
سرایت کرد این را در اوایل مائه هیجدهم میلادی مشاهده میکنیم که در فرانسه مونتسکیو خیالات [illegible] انگلیس اقتباس کرده
بود چون فرانسه بواسطه سابقه تاریخی و تربیت و فشار حکومت در وضعی واقع شده بود که حکومت استبدادی در آن
برای آن مملکت لازم بود و از طرفی دیگر معروف است که اینها هم از اکثر ممالک اروپا بیشتر اهمیت داشت در مائه
هیجدهم فرانسه کانون خیالات فلسفه سیاسی و آزادی خواهی و اصلاح طلبی شده بود از این رو دیگر در مائه هیجدهم برای تمام
اروپا اصلاحات جدیده در وضع هیئت اجتماعیه [illegible] اینست [illegible] اروپا به خصوصیات نوینه [illegible]
فرانسه [illegible] ظاهر شده است وقتی بعضی از سلاطین مثل پادشاه پروس فردریک کبیر و کاترین دوم امپراطریس روس و امپراطور اطریش
تقریباً پیرو حکمای فرانسه شده و مراقب اصلاحات و از کتب فرانسه لذت برده بودند اقدام به بعضی اصلاحات کردند و میتوان گفت
نیمه دوم مائه هیجدهم دوره اصلاحات مملکتی است بتوسط سلاطین و وزراء
اول مرتبه بعضی اقدامات [illegible] بعضی اصلاحات در پرتغال بود بتوسط Pombal وزیر آن مملکت [illegible]
مجبور به اطاعت کرده اقدام به انفصال [illegible] پرتغال نمود و از زراعت و تجارت و صنعت ترقی [illegible] در اسپانیا
[illegible] به Florida Blanka [illegible] Aranda در [illegible]
ضعیف کردن [illegible] و [illegible] کرده [illegible] اصلاحات [illegible]
زراعتی [illegible] Plaisence [illegible]
[illegible] اصلاحات کرده [illegible] اقدام [illegible]
[illegible] صنعت و تجارت و اقتصادیات [illegible]
[illegible] Colbert در دانمارک فردریک پنجم [illegible] اقدامات
[illegible] این اقدامات [illegible] صنعت و تجارت [illegible] برای رفع موانع آزادی تجارت میشد [illegible]

معروفترین سلاطین که اصلاحات مملکتی کردند فردریک دوم و ژوزف دوم امپراطور اطریش و کاترین دوم امپراطریس روس
[illegible] اقدامات ایشان را در فصل جداگانه خواهیم گفت ولی در این اقدامات عنوان عملی را حس [illegible]
[illegible] اقدامات [illegible] قدرت استبدادی ایشان را [illegible] قدرت استبدادی
خود را حفظ میکردند چنانکه بعضی [illegible] فرانسه [illegible] این اقدامات ایشان [illegible]
احتیاج فوری [illegible] اصلاحات را رفع میکرد [illegible] ایشان [illegible] تا کنگره وینه ۱۸۱۵ [illegible]
مملکت فرانسه [illegible]
[illegible]
[illegible] Males [illegible]
[illegible] Necker و Turgot و Berlin [illegible]
نظر داشته است چنانکه در ابتدای کار [illegible]
تجارت [illegible]
[illegible] اقدامات [illegible] Turgot [illegible] تجارت و ترقی صنعت ([illegible])
[illegible]
[illegible] اصلاحات [illegible]
[illegible] اقدامات [illegible]
[illegible]
[illegible] (Compte bleu) [illegible] Compte bleu [illegible]
چون این اصلاحات [illegible] فرانسه اقدام به [illegible] انقلاب فرانسه [illegible] است

انقلاب فرانسه در ۱۷۸۸ در حالی بروز نمود که اروپا بواسطهٔ آزادی‌خواهی [illegible] مشغول آن
آن بود دولت انگلستان و لهستان [illegible] ریاست جمهوری کرده اسباب ترقی آن مملکت را از هر جهت فراهم نمود
و مملکت [illegible] تا زوال [illegible] تمام رسیده بود و از جهت اوضاع سیاسی امریکا [illegible] روس و پروس و اطریش بود
مشغول تقسیم لهستان و ضعیف کردن عثمانی بودند و آخرین تقسیم لهستان در ۱۷۹۳ یعنی در عین قدرت شورش فرانسه [illegible]
بنا بر این ممکن است [illegible] مملکتی در حال مرکزی [illegible] اروپا را مشغول داشت [illegible] اصول شورش فرانسه بود
[illegible] واقعه برای پیشرفت شورش فرانسه [illegible] زیرا [illegible] روس و پروس و اطریش برای اشتغال به تقسیم
لهستان تا حدی [illegible] فرانسه [illegible] به فرانسه کرده [illegible] اقدام [illegible] کرده‌اند

اوضاع فرانسه در موقع شروع انقلاب

اوضاع فرانسه در این موقع [illegible] مردم منقسم بطبقات [illegible] بودند طبقهٔ اول روحانیون و طبقهٔ دوم اشراف
روحانیون و اشراف دارای امتیازات (Privilégiés) [illegible] قرار [illegible]
[illegible] بطبقات زارعین و صنعت‌کاران تحمیل [illegible] و چون [illegible] ملک
[illegible] تحمیل [illegible] عده [illegible] اشراف [illegible]
ظلم [illegible] ملک [illegible] حقوقی برای [illegible] (Tiers état)
[illegible] روحانیون
[illegible] تحمیلات [illegible] اشراف [illegible] روحانیون [illegible]
طبقهٔ ثالث [illegible] قرار [illegible]
[illegible] طبقهٔ ثالث قرار [illegible] اشراف و روحانیون طبقات مختلف [illegible]
طبقه [illegible] اشراف [illegible] طبقهٔ اشراف [illegible]

(Gentilhomme de Campagne) [illegible] زراعت
[illegible] بوده [illegible] ظلم [illegible]
[illegible] از این [illegible]
و از امتیازات اشراف [illegible] محروم بودند

[illegible] طبقهٔ [illegible] روحانیون [illegible] املاک و ادارات
[illegible] املاک و ادارات [illegible] ظلم [illegible]
[illegible] طبقهٔ ثالث بودند [illegible] این طبقه [illegible] فرانسه [illegible]
[illegible] (Bourgeois) [illegible] امتیازات اشرافی [illegible]
[illegible] طبقهٔ ثالث [illegible] طبقهٔ صاحب امتیاز (Privilégiés) [illegible]
[illegible] حقوق اشراف [illegible] عده [illegible]
[illegible] (Lettre de cachet) [illegible] ترتیبات [illegible]
[illegible] کارگران [illegible] صنعت‌کاران [illegible] تحمیلات [illegible] ترتیب [illegible]
[illegible] ترتیب [illegible] صنعتی [illegible] مردم [illegible]
[illegible] صنعتی [illegible]
[illegible] ترتیب [illegible] غیر منظم [illegible] عدالت [illegible] عدلیه [illegible]
[illegible] از اجزاء [illegible] تمام [illegible]
محاکمه [illegible] محاکمه [illegible] از برای تمام طبقات [illegible]
[illegible] مجازات [illegible] گذشته از این

گذشته از این معایب عدلیه جزء اقل از آنهم بقدر کفایت معایب است زیرا هنوز ادارات مذهبی در بعضی از اطراف محکمه مخصوصه بخود داشتند و در فرانسه ادارات مذهبی خیلی نیرومند بود ولی فعلاً آن ادارات وسیله (احکام) استبدادی دربار برای نفی بلد و حبس بیان که آن بود ترتیبات حکومتی امور راجعه بوزارت داخله خیلی درهم بود زیرا تقسیمات ادارات فرانسه با وجود تعلقات دولتی هنوز بهمان تقسیمات قرون وسطی بود (ایالات قدیمه مثل Provence و) و در هر ایالتی و شهری از مملکت رسوم و عادات جدا بود و [illegible] قانونی شده بود بنابراین دولت باید هر ایالت را با یک سبک جداگانه اداره کند و این ترتیب از حیث قوانین قضائی و ترتیبات مالیات هم میشد و با همه گذشته از عدم تساوی بین طبقات میان اهالی ایالات مختلفه هم مساوات نبود از آنچه تا کنون ذکر کردیم میتوانیم نتیجه بگیریم که در فرانسه قبل از انقلاب که امور خیلی راکد بود یا بعضی از آنها را اصلاً [illegible] اول وقتیکه [illegible] دولت در قوانین و در جمله [illegible] ملیت است دوم انتظام کافی در ترتیب ادارات دولتی نبود سوم تمام انواع آزادی از قبیل آزادی شخصی و سیاسی و آزادی کار و عقاید و مطبوعات (مذهب کاتولیک رسمی بود و از زمان فسخ حکم نانت مذاهب دیگر آزاد نبود بلکه گاهی اوقات از طرف کاتولیکها بر آنها تعدی میشد) لیکن ابداً هم این عدم آزادی عقاید را [illegible] زیرا آن اینکه ادارات مذهبی بواسطه ثروت هنگفتی که داشتند دارای نفوذ کامل بودند علاوه تمام تأسیسات خیریه و تعلیم ابتدائی در دست آنان بود نیز باید بدانیم از مطبوعات [illegible] کتبی را که مخالف استبداد دولت یا مخالف مذهب کاتولیک بود توقیف میکردند و نویسندگان را زندانی و [illegible] دنیا شرائط امور را [illegible]) چهارم مساوات در حقوق سیاسی و مدنی و قضائی (منصب قضات [illegible]) اشراف بود و باید [illegible] [illegible] رجوع میشد [illegible] امور حقوق [illegible] اضافه میشد و [illegible] اسباب [illegible] دولت [illegible] و آن اغتشاش امور مالیه دولتی بود و در قرون جدیده شرح دادیم که اسباب شد که دولت با وجود مجتهدات بر عموم مجبور میگردید و قرض برای رفع [illegible] [illegible] بهمه رفته رفته بر کسر دولت و مجتهدات [illegible] مردم کشید [illegible]

بعلاوه چون خیلی مقروض شده بود دولت از عهده ادای قروض خود برنمی‌آمد و احتمال ورشکستگی برای آنهائیکه بدولت قرض داده بودند میرفت و خیلی مایه نگرانی بود [illegible] ترتیب خرابی مالیه بود که بالاخره اسباب بروز شورش شد

شروع انقلاب و تشکیل اتاژنرو

در تاریخ قرون جدیده دیدیم که بعد از عزل نِکِر وزرائی که جانشین او شدند خیلی [illegible] کرده و بر اغتشاش مالیه دولت افزودند تا کار بجائی رسید که اداره امور مربوطه به دولت [illegible] از قوت خود [illegible] مجتهدات بر عموم [illegible] کسری کند [illegible] از این ترتیب احکام راجع به این امر اجتناب کرد و گفت این کار موقوف به انعقاد اتاژنرو [illegible] دربار [illegible] کرد (تشکیل [illegible]) برای اینکه شاید بدون انعقاد اتاژنرو بتوانند کاری بکنند [illegible] مجلس [illegible] با مجمع بزرگان (Assemblée des notables) را ایجاد کرد و در همین اثنا Calonne وزیر مالیه [illegible] خارج را کرده بود [illegible] نکر [illegible] اصلاحات [illegible] نکر [illegible] نکر را دوباره بوزارت [illegible] کرد و بعد از انتخاب او [illegible] از قرض دادن بدولت [illegible] فوراً [illegible] به نکر قرض دادند [illegible] انعقاد اتاژنرو [illegible] نکر هم از ابتدا [illegible] رأی را اختیار کرده بود لهذا حکم انتخاب نمایندگان برای اتاژنرو در [illegible] ۱۷۸۹ برحسب معمول اتاژنرو [illegible] از نمایندگان طبقات ثلثه بود و هر طبقه [illegible] نماینده انتخاب مینمود ولی چون کثرت ملت [illegible] از طبقه ثالث بود (تقریباً از [illegible]) [illegible] این ترتیب را قبول کند [illegible] نکر ترتیب Double représentation را اختیار کرد یعنی قرار داد که عده نمایندگان طبقه ثالث دو برابر نمایندگان هر یک از طبقات دیگر باشد

[illegible] نمایندگان طبقه ثالث [illegible] طبقه دیگر [illegible]

این ترتیب [illegible] طبقه ثالث [illegible] طبقه ثالث [illegible]

عهد مملکت بوده خیلی کمتر از حق واقعی خود نماینده داشته فقط برای اینکه بتواند با دو طبقه دیگر برابری کند ولی چون
در این وقت میان تمام اصلاح طلبان بر سر دمکراسی(?) اعتدال بود همراهی بعضی از اشراف و روحانیون امیدوار بودند
به همین قرار (در بین روز آغازین) اصلاح شده در ضمن انتخابات اهالی هر شهر و ولایت مطالبات ترتیب داده شده
تقاضاهای ملت از دولت را که مطالبات نوشته شده بود برای نمایندگان ارسال Cahier میگفتند و
عموماً این تقاضاها کتبی تحویل بود در اکثر آنها انتقاد از تشکیلات دولتی [illegible] و [illegible] و مطالعات
و نسخ [illegible] خواسته بودند اشراف و بیشتر روحانیون هم از بعضی امتیازات گذشت کرده [illegible] را
کرده بودند و طبقه ثالث بخصوص نسخ حقوق فئودال را هم خواسته بود [illegible] طبقات [illegible]
ولی در تمام این مطالبات [illegible] (چند هزار) نمایندگان انتخاب شده بود [illegible] طبقات [illegible]
کنند در اصلاحات تدریجی پیش بروند

دولت در تقاضای جمع بودن طبقات ثلاثه در مجلس امتیاز [illegible] قرار داده بود تا آنکه در مجلس رأی آنها را جمع [illegible] مختلف قرار داده
ولی طبقه ثالث را [illegible] و کوشش سعی کرده بود [illegible] این طبقه نسبت به دو طبقه دیگر [illegible] (تقاضای افتتاح رسمی آن [illegible]
نفوذ ملکه و اشراف [illegible] بر نفوذ [illegible] غلبه کرده بود) چون مجلس افتتاح شد (پنجم مه ۱۷۸۹) در ترتیب
رأی دادن اشکال [illegible] پیش آمد دولت [illegible] برای [illegible] رسمی برای نمایندگان هر یک از سه طبقه اطاق جداگانه
در نظر گرفته بود [illegible] نمایندگان هر طبقه جداگانه [illegible] رأی دهند [illegible] هر طبقه را
یک رأی محسوب بدارند در مقابل این [illegible] کثرت سعی کنند [illegible] هر طبقه را [illegible] حقیقی [illegible] اکثریت [illegible]
نمایندگان [illegible] اکثریت محسوب دارند در این صورت مسلم بود که طبقه ثالث مغلوب خواهد بود زیرا [illegible]
روحانیون و اشراف بتوانند با یکدیگر موافقت [illegible] این دو طبقه هم رأی باشند طبقه ثالث تقاضای
رأی انفرادی کرد و چند روز کار به مشاجره گذشت پادشاه رأی اشراف و روحانیون را تقویت کرد طبقه ثالث اعلام کرد

که عاقبت بزرگ کشمکش‌های نمایندگان طبقه ثالث در تالار بزرگ مجلس جمع شده اظهار کردند که چون نمایندگان این طبقه
نماینده اکثریت ملت بلکه نماینده تمام ملت هستند به تنهائی بدون شرکت نمایندگان دیگر میتوانند کار بکنند و اسم
این مجمع خود را مجلس ملی Assemblée nationale گذاردند و اکثریت نمایندگان روحانیون هم بتدریج
به آنها اضافه شدند دولت برای جلوگیری از اقدامات نمایندگان طبقه ثالث [illegible] قرار گذاشت [illegible] بطور معمول قدیم
قرار داد و یک مجلس رسمی فوق العاده با حضور شاه منعقد شود و تصمیمات لازمه [illegible] که [illegible] مجلس عمومی منعقد میشد [illegible] و برای
بهانه تهیه برای حاضر کردن تالار برای مجلس رسمی تالار را بستند [illegible] درباریان [illegible] در ۲۰ ژوئن
چون نمایندگان مجلس خواستند وارد تالار شوند [illegible] جای مناسبی برای بازی Jeu de paume
نمایندگان مجلس ملی یعنی نمایندگان طبقه ثالث و اکثریت روحانیون در آنجا جمع شدند و قسم خوردند که مجلس را نگاه بدارند
و از یکدیگر جدا نشوند تا برای فرانسه ترتیب کنستیتوسیون بدهند این قسم معروف است به Serment du
Jeu de paume [illegible] از تاریخ وقایع [illegible] فرانسه [illegible] چون [illegible] از این واقعه [illegible] چند نفر از
جانب پادشاه نزد نمایندگان فرستاده و ابلاغ حکم شاه را [illegible] نمایندگان [illegible]
جواب گفتند از جمله میرابو Mirabeau که از اشراف ولی نماینده طبقه ثالث بود یکی از [illegible]
سؤال و جواب بود گفت برو به آقای خود بگو ما به اراده ملت اینجا جمع شده‌ایم و جز بزور سرنیزه بیرون نخواهیم رفت

Va dire à ton maître que nous sommes ici par la volonté du peuple et nous n'en sortirons que par la force des baïonnettes.

پادشاه جرئت نکرد [illegible] با نمایندگان مقابله کند و بعد از چند روز [illegible] مجلس را قبول کرد و به نمایندگان اشراف و
بقیه نمایندگان روحانیون حکم کرده در مجلس داخل شوند و برای ترتیب عنوان [illegible] مجلس [illegible] تبدیل یافت

عهده نمایندگی خیلی کمتر از حق واقعی خود نماینده داشته فقط رای آنها مساوی با دو طبقه دیگر برابری کند ولی چون
در این وقت میل تام اصلاح طلبان به مدنیت و اعتدال بود به همراهی بعضی از اشراف و روحانیون امیدوار بودند
به همین قرار (در پیری روز آشتی) راضی شوند در ضمن انتخابات اهالی هر شهر و ولایت برله‌ها ترتیب داده شده
تقاضاهای ملت از دربار داده بودند به منزله پروگرام بود از برای نمایندگان این لوایح Cahier نامیده شد و
عموماً این تقاضاها کمتر [illegible] بود و در اکثر آنها انعقاد [illegible] در رعایت [illegible] و تقاضا و اصلاحات
و نسخ [illegible] خواسته بودند اشراف و بعضی روحانیون هم از [illegible] حقوق [illegible] و بعضی [illegible] را [illegible]
کرده بودند و طبقه ثالث [illegible] نسخ حقوق فئودال را هم [illegible] بعد از [illegible] تصدیق [illegible] طبقات [illegible]
ولی در تمام این [illegible] آن خیلی [illegible] بود (چند هزار) نمایندگان [illegible] بود [illegible] طبقات [illegible] را حفظ
کند در اصلاحات تدریجی پیش بروند

ولی در [illegible] طبقات [illegible] در مجلس امتیاز [illegible] قرار داده بود تا آنکه [illegible] آنها را [illegible] مختلف قرار داده
ولی طبقه ثالث را [illegible] کرده بود [illegible] این طبقه نسبت به دو طبقه دیگر [illegible] (افتتاح رسمی [illegible])
[illegible] اشراف [illegible] چون مجلس [illegible] (پنجم مه ۱۷۸۹) در ترتیب
رای [illegible] برای نمایندگان هر یک از سه طبقه [illegible]
[illegible] هر طبقه [illegible] نمایندگان [illegible] هر طبقه را
یک رای محسوب [illegible] این رای [illegible] کند [illegible] طبقه را [illegible] اکثریت [illegible]
نمایندگان [illegible] اکثریت محسوب دارند [illegible] طبقه ثالث [illegible] زیرا [illegible]
روحانیون و اشراف [illegible] موافقت [illegible] این طبقه هم رای [illegible] طبقه ثالث تقاضای
رای [illegible] کردند [illegible] روز کار [illegible] پادشاه رای اشراف و روحانیون را تقویت کرد طبقه ثالث [illegible]

عاقبت پس از کشمکشهای بی‌نتیجه نمایندگان طبقه ثالث [illegible] اظهار کردند مجلسی جمع شده [illegible] چون نمایندگان این طبقه
نماینده اکثریت ملت بلکه نماینده تمام ملت هستند به تنهائی بدون شرکت نمایندگان دیگر می‌توانند کار بکنند و اسم
این مجمع را مجلس ملی Assemblée nationale گذاردند و اکثریت نمایندگان روحانیون [illegible]
به آنها اضافه شدند حرکت دربار [illegible] از اقدامات نمایندگان طبقه ثالث [illegible] قرار [illegible]
قرار گذاردند [illegible] مجلس رسمی [illegible] پادشاه [illegible] مجلس عمومی منعقد [illegible] فرستاده
[illegible] برای حاضر کردن تالار برای مجلس رسمی [illegible] را بسته [illegible] در روز [illegible] در ۲۰ ژوئن
چون نمایندگان مجلس خواستند وارد تالار شوند [illegible] تالار [illegible] برای بازی Jeu de paume
نمایندگان مجلس ملی یعنی نمایندگان طبقه ثالث و اکثریت روحانیون در آن تالار جمع شدند و قسم خوردند مجلس را نگاه دارند
و از یکدیگر جدا نشوند تا برای فرانسه ترتیب کنستیتوسیون بدهند این قسم معروف است به Serment du
Jeu de paume [illegible] وقایع [illegible] فرانسه محسوب [illegible] چون [illegible] از این واقعه [illegible] چند [illegible]
جانب پادشاه [illegible] نمایندگان فرستاده و [illegible] حکم شاه را ابلاغ کرد [illegible] نمایندگان [illegible]
جواب گفت [illegible] میرابو Mirabeau [illegible] از اشراف ولی نماینده طبقه ثالث بود یکی از [illegible]
[illegible] گفت برو به آقای خود بگو ما به اراده ملت اینجا جمع شده‌ایم و جز به زور سرنیزه بیرون نخواهیم رفت

Va dire à ton maître que nous sommes
ici par la volonté du peuple et nous n'en
sortirons que par la force des baionettes.

پادشاه جرئت نکرد [illegible] نمایندگان [illegible] کند و بعد از چند روز [illegible] مجلس را قبول کرد و [illegible] نمایندگان اشراف و
بقیه نمایندگان روحانیون [illegible] کرده در مجلس [illegible] شدند و به این ترتیب عنوان [illegible] به مجلس [illegible] تبدیل [illegible]

و بعد از چند روز دیگر مجلس جنرال سیمویت تا ذیل اهالی برای فرانسه ترتیب دهد عنوان هیئت مؤسسه Constituante
یا Assemblée nationale constituante اختیار کرد

هیئت مؤسسه

هیئت مؤسسه در نهم ژوئیه ۱۷۸۹ به این اسم موسوم گردید و تا سال سنه ۱۷۹۱ دوام کرد در این مدت ترتیبات اساسی فرانسه را دارای سلطنت مشروطه کرد و لوایح بعضی اصلاحات کلی کرد و بعد خواهیم دید در ضمن این کار آن دائماً مشغول کشمکش با دولت بود و البته اغلب شهرها پاریس و بعضی اهالی ولایات هم حامی مجلس بوده و با هیئت طرفیت کرده و البته شرح آن وقایع را باید در ضمن تاریخ هیئت مؤسسه بدهیم

گرفتن باستیل — هیئت مؤسسه در مقابل افتتاح آن زور نفوذ ملکه و اشراف بر نفوذ نکر غلبه کرده بود و چون لوئی شانزدهم شخصاً ضعیف بود و علاوه عزم راسخی نداشت ابتدا از جنس کشمکش وقتی کار زشت میدید باز برای نکر و سایر خیرخواهان اظهار میکرد ولی تا رگ نفوذ ملکه و درباریان در وجود او بیشتر میشد یعنی هرچه زمان کار ملت بیشتر پیش رفت میکنند ملکه و اشراف و درباریان بیشتر به هیجان می‌آیند و سعی میکنند در بارگاه هرا لطف نمیت وادارند تا بعد از آنکه مجلس عنوان هیئت مؤسسه اختیار نمود یک باره لوئی شانزدهم مغلوب نفوذ درباریان گردید و بعضی دسته‌جات قشون را به پاریس طلبید و در مقابل تقاضای دخترهای هیئت مؤسسه که حله موقعی قشون بود نکر را معزول کرد عزل نکر باعث وحشت اهالی پاریس گردید و گفته عزل نکر نشانه Saint le roi renvoi de Necker علامت قتل عام آزادی طلبان است مثل شب Barthélemy (از قتل آزادی طلبان را Signal de la Sᵗ Barthélemy des patriotes میگفتند) در ایام عزل نکر مردم در باغهای عمارت سلطنتی و در کارگاه‌ها بعضی اجتماعات میکردند و بر ضد استبداد دولت نطق میکردند و چون کاملاً عزل نکر معلوم آمد در چند دقیقه آنکه برآمدند جمعیتی مسلح شدند و چند توپ به دست آوردند روز بعد یعنی در ۱۴ ژوئیه ازدحام در بین اهالی پاریس وسیع شده بود با قشون دولتی در کوچه ولی مثل سابق این دفعه

تمه باستیل بود زیرا در نزدیک قلعه مردم میگفتند سلطنت دولت را برای زد و خورد باستیل برده اند و بعلاوه امیدوار بودند در آنجا اسلحه به دست آورند و از طرف دیگر باستیل چون از مدتها قبل محبس سیاسی بود تمام مردم نفرت کلی از وجود این قلعه داشتند و آنکه از ابتدای جمعی اهالی به باستیل رو کردند لهذا اتمام جمعی مسلح شده بودند و توپها را به دست آورده بودند ترجمه باستیل نزد پس از چند ساعت قراولان آن قلعه به تحقیر ورود آنها رضایت داده با توپ دفاع کنند قلعه مفتوح گردید و حاکم قلعه باستیل را با حکم عسکریت غضب ملت دانسته سر او بریده و بر نیزه کردند و از این موقع به بعد شهرها و کاسبان و اشراف طرفدار استبداد را از وقوع این حوادث از فرار اسلحه کرده آنها اهالی پاریس برای آنکه همیشه حاضر دفاع از مجلس و آزادی باشند برای خود حاکم انتخاب کرده Maire و قشونی به اسم Garde national تشکیل یافت

بعد از آنکه پاریس و اطراف آن عنوان اسلحه ملی برداشت و بهانه خود اینک این حکم که دولت و ملک را در شهرها و ولایات فرانسه به ضمیمه گذاشتند پرچم قرمز را انتخاب کرده بودند گذاشتند و این رنگ قرمز و آبی و سفید را برای بعد انتخاب کرد که در این موقع الوان قرمز و آبی و سفید را ترکیب کردند و پرچم سه رنگ امروزه که پرچم مخصوص آزادی طلبان بود ترتیب تشکیل یافت و بعد از فرانسه بعد از فتوحات امروز در غالب ممالک پرچم سه رنگ را معمول شد و آنها نیز به آزادی عام گرفتند و برای آنکه تغییر وضع حکومت خود را نشان دهند پرچم را در همه جا برافراشتند

ترک امتیازات شرافتی — چنانکه ملاحظه کردیم کشمکش بین دولت و ملت از ابتدای تأسیس مجلس عمومی تا تاریخ ۱۴ ژوئیه دائمی بود ولی اعمال انقلاب مرکزی در این دوره کمتر از آن واقع شده است مثلاً فقره مهمی اول تخریب باستیل و بعد ترک امتیازات اشراف در ولایات اشراف هنوز قلعه‌ها داشته Chateau و اکثر ترتیبات سابق برای حکم داشتن آن متصرفات اشراف با زارعین و رعایا غالب بودند که خیلی دیر موقع این قلاع خیر است نیز از طرفداران استبداد بر ضد ملت بودند و رعایای ولایات (ولایات) چنانکه بعد شرح دهیم از امتیازات اشراف و ظلمهای آنها به تنگ آمده بودند و چون خبر فتح باستیل در ولایات منتشر شد اهالی هر جا که توانستند مسلح شده تشکیل قراولان ملی دادند به طور منظم یا غیر منظم (اکثر به طور هجوم) قلاع اشراف و خانه‌ها و باغهای

حمله به باستیل و ولایات محبوب میشد هر جمله بود در بیشتر جاها این قلعه‌ها را خراب کرده و غارت کرده و میسوزاندند ولی بیشتر کاری

که میکردند این بود دفترهایی و امتیازات اشراف را بدست آورده میسوزاندند و کمتر دست به چیزهای دیگر میزدند این ترتیب اغتشاشات ابتدائی انقلابی

رعایا یعنی در ولایات بود و هر روز خبر اغتشاش جدیدی به پاریس میرسید در این موقع در مجلس ملی از اولی خواهان غلبه داشت در چهارم

ماه اوت در یک جلسه پارلمانی برای رفع اغتشاش در ولایات منعقد شده بود یکی از نمایندگان اظهار کرد که

علت این اغتشاش امتیازات ناحق اشراف است بنابراین چاره رفع آن نسخ آن امتیازات بود یکی از نمایندگان اشراف

گرفته نطقهای مهیج کرده و حال همانی در عموم افراد هیجانی که دیگر ایشان شدند و قبل از ختم جلسه صدور حکم الغای

(صاحب امتیازان مجلس) با جمیع امتیازات خودشان را ترک کرده و این کار با الغاء نسخ کلیه امتیازات و حقوق اشرافی

اگر چه مجبور شدند که در روز بعد قانون این نسخ را امضا کند جلسه چهارم اوت با اشتهار این جلسه یک نوع کودتا بود

جلب پادشاه و مجلس از ورسای به پاریس

— کارهای انقلابی در پاریس که در روز ... میکند ... [16]

در یک هفته پس از ورسای به پاریس ... که در ... برای ... انقلابات ... جلوگیری کند و با

اراده ملی دو لوئی شانزدهم ... مخالفت کند زیرا تا وقتی از انقلابات فرانسه مرکز مهم انقلاب پاریس بود و تمام کارها لغو

شدند ... چون ورسای خارج از شهر پاریس بود ... خود را حفظ کند و هر طور صدمه ... میخواهد

به یک ... پاریس ... هم از خارج طرف شد لذا امورکه در اول ... که مردم بودند

اندازه تحرک ... واقع شد گرانی ارزاق بود (علت این گرانی کمپانی ... بود ... بعنوان جلوگیری از قحطی

یا گرانی ... میشد ... کمپانی ... میرساندند و آنرا بعد ها مورخین ... Pacte de famine گفتند)

علت گرانی ارزاق ... این بود ... که ... طرفداران ... برای اینکه ... از ... مرتضی ...

بیشتر ... گرانی میشد در پاریس نان هیچ ... در ماه اکتبر زنها برای نان ... که در دکه ... مردها ... با ...

میرفتند ۵ الی ۶ هزار زن چوب و نیزه و هر نوع اسلحه بدست آورده بدست گرفته چند توپ را هم حرکت دادند

نسبت به ورسای ... و ... قراولان ...) ... حرکت کردند زنها به این طریق وارد ورسای شده

عبارات ... بهجوم آوردند ... فریاد میزدند نان ... پادشاه ... بالاخره پادشاه و خانواده سلطنتی مجبور به آمدن به پاریس

شدند ... پادشاه ... مجلس هم به پاریس آمد

تشکیل اتحاد ملی فرانسویان

— پس از ... اصلاح قوانین و آداب ... در ولایات ... فرانسه

... بعد از اینکه انقلاب ... ولایات ... امتیازات اشرافی نسخ و عموم اهالی ولایات ...

... خود را ... و برای اینکه ... قرار گذاشتند جشن ... در پاریس بگیرند و هر ولایتی نماینده از کارکنان به پاریس فرستادند ...

... ولایات ... اتحاد ... Fédération ... جشن ... جشن ...

Fédérations ... نامیده این جشن ... با ... ۱۷۹۰ واقع شد ... باستیل را ... خراب کرده

بود و جشن را ... آن ... روز چهاردهم ژوئیه قرار دادند ... باستیل را ... کرده و در آن ... جمع شده رقص عمومی

در ... قرار ... پاریس و ولایات ... از صد هزار نفر بود ... در میدان ... میدان ... خانه

... ترتیب داده بود ... لوئی ۱۶ در آن ... خانه ... [با اسم وطن] به قسمت ... کرد ...

... La Fayette سردار قراولان ... تمام ولایات ... قانون ملت ... فرانسه قسم خورد

... این ... ولایات فرانسه ... قبول ... کردند (... بعد از قسم سردار ...) از نتیجه

... فرانسه ... از این سال ... ۱۴ ژوئیه عید ... فرانسه ... ۱۶ ... اعتقادی ...

... فطرت ... ۱۴ ژوئیه ... جشن ...

... اگر چه اکثر ... اقدامات ... بعد ... تا اینجا ...

حرکات انقلابی ... اقدام ... انفصال ... نوع ارتجاع ... برای اینکه ... علت

آن ترتیب را بفهمیم باید کارهای ... را ... شرح دهیم

کارهای هیئت مؤسسان — نظر بقدری که سابقاً دیده ایم مبنای کارهای هیئت مؤسسان ترتیب انواع آزادی و مساوات در مقابل قانون و منع امتیازات و تکمیل هیئت فرانسه و ترتیب ادارات منظم موافق با آزادی و مساوات برای حصول این مقاصد کافی نبود در قانونهای اساسی انواع آزادی و حقوق ملکی و مدنی برای افراد فرانسویان نوشته شود و موقع اجرا گذاشته شود بنا براین اول کار بزرگ هیئت مؤسسان تدوین قانونهای اساسی بود و تقریباً در تمام مدت هیئت مؤسسان مشغول این کار بود و این قانونها در چند دفعه نوشته شده و تصحیح شده [illegible] از آن [illegible] یک رشته از قوانین اساسیه بود در یک دفعه حاضر نشد بااین ترتیب در سال اول یک قانونهای ترتیب داده شد و لیکن در سال بعد مواد دیگری لازم دانسته و بر آن اضافه کنند و بعد از آنکه مواد جدید اضافه شد دفعهٔ ثانی آنها را مرتب کرده مجموعاً تصحیح شده و این مجموعه است قانونهای ۱۷۹۱ مینامند

اما کارهای مهم هیئت مؤسسان در غیر جزء قانونهای اساسی خارج از آن است چند چیز از قبیل ذیل است

تقسیمات ایالتی — فرانسه سابقاً ۵۲ ایالت غیر متساوی بود ۵۲ ایالت را تبدیل به ۸۳ ایالت متساوی با یکدیگر کرده و تقسیمگاه حدود این ایالات جدید را غیر از ایالات قدیمه قرار دادند برای آنکه [illegible] قدیمه [illegible] فراموش شود تقسیم و [illegible] کنند تغییر کرده است (District Département, Commune, Canton)
جز اینکه بعد [illegible] فتوحات فرانسه [illegible] ایالات جدید افزوده شده است [illegible] فرانسه [illegible] ۸۹ ایالت است [illegible] — تعبیر به arrondissement شده است برای هر یک از این تقسیمات [illegible] یک هیئت اداری مخصوص ترتیب دادند

ادارات قضائی یا ترتیب عدلیه — [illegible] اجزای آن [illegible] نبود [illegible] خود [illegible] ترتیب محاکم حقوقی و جزائی شبیه بهم [illegible] دادند [illegible] طرز تعیین قضات و عدم [illegible] محاکم [illegible] هیئت مؤسسان محاکم تعیین [illegible] بود [illegible] هرکسی [illegible] او [illegible] شده

مساوات در مقابل قانون در خانواده — برای آنکه در فرانسه [illegible] مساوات [illegible] در تقسیم ارث Droit d'aînesse (حق [illegible] آن تمام دارائی به اولاد ارشد میرسید) منسوخ کردند و تقسیم ارث بین اولاد بتساوی قرار دادند برای حصول مساوات [illegible] [illegible] امتیازات [illegible] برای آنکه [illegible] از [illegible] ازدواج و اداب [illegible] مساوات [illegible] دفتر [illegible] Etat civil را ترتیب دادند (دفتری که تولد و ازدواج و مرگ هرکس در آن ثبت میشود) قبل از [illegible] فرانسه اداب ازدواج و اداب دفن و اداب تولد [illegible] مذهبی بود [illegible] مذهب کاتولیک [illegible] از [illegible] امتیازات [illegible] [illegible] تحقیقات شد [illegible] ازدواج [illegible] رسم [illegible] دارات آنها را در قبرستانهای عمومی [illegible] دفن کنند [illegible] کاتولیک نیست و از حقوق [illegible] بموارد مذکوره محروم است [illegible] تولد و ازدواج و مرگ [illegible] ادارات مذهبی [illegible] Etat civil [illegible] ثبت [illegible] ترتیب Etat civil [illegible] از این [illegible] مذهبی را [illegible] تولد و ازدواج [illegible] تحویل کردند [illegible] از [illegible] فرانسه [illegible] از [illegible] مذهب [illegible] ثبت [illegible] حقوق را [illegible] کاتولیک [illegible] در حق همه منظور نمایند

برای مساوات در مقابل قانون [illegible] را برای تمام مردم [illegible] قرار دادند [illegible] تقسیم را مساوی قرار دادند [illegible] مهم [illegible] اصلاح امر مالیه [illegible] پیدا [illegible] برای [illegible] قرضهای قدیمه دولت ولی باید [illegible] ادارات را انجام دادند ولی [illegible] درست [illegible] منظم کنند [illegible] روز [illegible] مالیه فرانسه خراب [illegible] دولت این [illegible] مخارج [illegible] آن بود اما برای [illegible] قرضهای دولتی [illegible] [illegible] مختلف اختیار نمودند ولی هیچکدام نتیجه کافی نداد [illegible] برای [illegible] در اموال [illegible] مذهبی را ضبط نموده [illegible] قرضهای دیگر [illegible] در آن [illegible] تقسیم [illegible] [illegible] و [illegible] ادارات مذهبی اداره شد [illegible] هیئت مؤسسان [illegible] ادارات مذهبی و برای مصارف [illegible] ادارات مذهبی را ضبط [illegible] آن [illegible] اموال را [illegible] [illegible] دولت در مقابل [illegible] این اموال [illegible] [illegible] (اکنون [illegible] از آن [illegible] است)

باب کرد و آنرا بپول رواج کرد (فرق آن با اسکناس آن بود که بر آن قرار بگیرند و قیمت آن در راه کم میشد) از جهه حکم برات تجارتی [illegible] سهام شرکت پیدا کرده بود و قرض دولت را بتوسط این [illegible] ادا کردند و رجوع بفروش املاک مذهبی کردند و پولش را در بانک دولتی نگاه میداشتند

قانون اساسی و اعلان حقوق بشر — هیئت مؤسسه در ضمن نوشتن قانون اساسی خواست بتقلید اعلان حقوق انگلیسها و امریکائیها [illegible] ترتیب داده بودند صورتی از حقوق طبیعی انسان ترتیب بدهند که مخصوص بیک مملکت و یک زمان نباشد [illegible] افراد خواسته اصول [illegible] قانونهای را بر آن مبنی قرار داده بودند اعلان کند لهذا [illegible] اصول کلیه [illegible] عقاید فلاسفه ترتیب داده [illegible] قرار داده [illegible] قانونهای مبنی بر این اصول خواهد بود و آن صورت را اعلان حقوق بشر نامیدند Declaration des droits de l'homme et du citoyen

بعد از آن در صدر قانونهای جدید [illegible] نوشته شده است [illegible] اعلان حقوق بشر در صدر قانونهای که [illegible] حقوق بشر که در صدر قانون اساسی ۱۷۹۱ نوشته شده از تمام چیزهائیکه باید بعنوان [illegible] ترتیب داده اند [illegible] اعلان حقوق [illegible] انسان بالطبع آزاد است و باید انواع مختلفه آزادی را دارا باشد و هیچ کس حق ندارد [illegible] حکم کند مگر در صورتیکه از جانب [illegible] هیئت [illegible] قانون [illegible] یک ملت [illegible] یک هیئت [illegible] باید قرار داده شده و جدا از یکدیگر مجری شوند [illegible] Séparation des pouvoirs [illegible] انواع آزادی [illegible] Souveraineté du peuple [illegible] اعلان حقوق بشر و قانونهای اساسی [illegible] قانونهای است

قانون اساسی

بعد از اعلان حقوق بشر [illegible] قانونهای [illegible] تمام انواع آزادی [illegible]

[illegible] از لوی [illegible] از یکدیگر مجزی [illegible] ترتیب [illegible] قوه مقننه را بیک مجلس مرکب از نمایندگان باسم Assemblée legislative و قوه قضائیه [illegible] از جانب ملت منتخب میشدند (بترتیب [illegible] که سابقاً ذکر کردیم) راجع کرده است پادشاه مجلس مقننه را نمیتواند منفصل کند و فقط [illegible] قوه مقننه [illegible] veto suspensif [illegible] توقیف قانون [illegible] مقننه [illegible] قانون [illegible] از نمایندگان مجلس مقننه [illegible] قرار داده بودند [illegible] حکومت ایالات و ولایات [illegible] هیئت مدیره و انجمنهای ایالتی و ولایتی و غیر آن داده شده است و اختیارات آنها را طوری قرار داده بودند [illegible] قانونهای [illegible] اقسام [illegible] مالیات مستقیم و غیر مستقیم [illegible] کرده است و برای [illegible] در این اقسام مالیات [illegible] است [illegible] اسم Impôt به Contribution بدل کردند [illegible] ذکر کردیم [illegible] هیئت مؤسسه [illegible] قوانین [illegible] قانونهای [illegible] قرار داده [illegible] قانونهای [illegible] و غیر از شرایط [illegible] شرایط [illegible] و غیر آن [illegible] شرط [illegible] قرار داده بود بواسطه این شرط [illegible] مردم فرانسه را از انتخاب کردن محروم میشدند و فقط [illegible] انتخاب کنند و این مسئله [illegible] قانون [illegible] اعلان حقوق بشر [illegible] پیدا کرده است [illegible] حقوق بشر [illegible] از [illegible] عیب بزرگ [illegible] قانونهای [illegible] عدم اطاعت ولایات [illegible] [illegible] آن [illegible] Coup d'Etat [illegible] غلبه کند

قانون مدنی برای ادارات مذهبی — [illegible] قانونهای [illegible] آن [illegible] در ترتیب انتخاب [illegible] ادارات [illegible] عدم تجربه در [illegible] اصول [illegible]

(از زمانیکه قانون‌هائی با انفصال کامل قوا مشخص بیان کرده بود نظر داشتند بطوریکه میتوان ماخذ اصلی را در قانون
های رعایت کرده از کتاب روح القوانین قرارداد اجتماعی بدانیم) ثانیاً عدم اطمینان کامل بدولت بجهتیکه سعی داشتند حتی المقدور
دست قدرت پادشاه را کوتاه کنند کمیته خطا بزرگ هیئت مؤسسه این بود که قانون‌هائی را نمیتوان دانست زیراکه نظر بتایید
وجود این معایب امکان داشت و در موقع بروز وقایع شدیده قانون‌ها مجری باشد بزرگترین خطا هیئت مؤسسه در این بود
که خواست تغییرات و اصلاحات خود را بمذهب و ادارات مذهبی هم بسط دهد و این مسئله از دو جهت شدت خطرناک بود اول از همه کاتولیکی
مسلک و مداخله در مذهب و عقاید مردم بود دیگر اینکه علت این مداخله فقط بی تجربگی داشت بنحویکه غضب و هراس عموم
در آن دخالت داشت زیراکه مجلس اکثر آنها معتقد شده بودند ان مینیستها و مدتی در سیاست فرانسه کاتولیکها بوده و
با بی‌اطلاعی داشته و از آنچه راجع بآن دارند تجاوز نکند

مداخله هیئت مؤسسه در ادارات مذهبی باین شکل واقع شد دخواسته امور اداری را با هم مذهب بعهده اداره بر قرار داشت و کلیه از
امور روحانی و عبادات مجزی کند و امور اداری مذهب را در تحت اقتدار دولت قرار دهد مثل سایر امور دولتی برطبق قرار
بدهند بعبارة اخری خواست ادارات مذهبی برطبق قوانین واضحه ملت و برطبق اجزاء منتخبه ملت اداره شود و عیب این کار در
این بود و برخلاف عقیده کاتولیکها قوانین مذهبی بایستی بتوسط مجامعی Concile وضع شود و کشیشها و اجزاء ادارات
مذهبی منتخب و محکم پاپ باشند نیز هیچ کس غیر از هیئت کنیسه و شخص پاپ حق مداخله در امور روحانی و اداری مذهبی
ندارد و متی هیئت جامعه عیسویان نظر باین عقاید (اصلاح امور مذهبی) هیئت مؤسسه قوانینی برای ادارات مذهبی و کشیشها
وضع نموده بنام Constitution civile du clergé (قوانین مدنی برای کشیشها روحانی)
بموجب این قوانین تقسیمات مذهبی خاک فرانسه را با تقسیمات ... قدیمه بود تغییر دادند آن تقسیمات را با تقسیمات
ایالتی موافقت دادند و تعیین کشیش و اسقفها ادارات مذهبی را بانتخاب ملت قرار دادند بهمان طرز انتخاب قضاة و بعضی از
اعضاء دیگر دولت و کشیشها مکلف شدند در حفظ این قانون و اطاعت دولت قسم بخورند و در امور اداری مذهبی

تبعیت پاپ را نکنند برای اینکه هر کشیشی در رتبه خود رسمیت پیدا کند باید کشیش دیگر بعضی از آداب مذهبی در حق او بعمل آورد
و رسمیت آن آداب بعهده پاپ بود در قوانین مزبوره ترتیبی اختیار کردند که بدون این آداب هم کشیش بتواند در رتبه
خود رسمیت پیدا کند و مقصود از این کار این بود که قید بجا آوردن آداب مذهبی موجب محرومیت بعضی از مردم از بعضی تشریفات
مذهبی تشریفات خارجی از مداخله پاپ و برک شود پاپ این قانون را قرار دادند و معین اعتراض کرد و اکثریت کشیشها از قسمی
که در قانون معین شده بود امتناع کردند و بدین ترتیب کشیشها دو دسته شدند یک قسمت قسم خورده را موسوم به Assermenté
دسته دیگر امتناع کنندگان از قسم موسوم به Refractaire هیئت مؤسسه قوانین سختی بر ضد کشیشهای Refractaire
وضع کرد این مسئله اکثریت روحانیون را که طبقه بزرگ با نفوذی بودند بر ضد قانون‌های دولتی باز حالت دشمنی به ارتجاع بزرگی
انداخت عده کثیری از مردم را (خصوصاً مردم ولایات) نتیجه بدیگر آن اینکه لوئی ۱۶ از جهة عقیده مذهبی در همراهی با انقلاب
طرفداران حفظ قانون‌های مشروطیت و چون حفظ قانون‌های مشروطیت را با وجود این قانون مذهبی مخالف با تکلیف دینی و حقوق
عاقبت عقیده او ضدیت با قسم برضد قانون‌های ملی است

فرار لوئی شانزدهم و هیئت مؤسسه — لوئی ۱۶ بعد از قوانین راجع بادارات مذهبی مصمم بمخالفت با هیئت مؤسسه
و ترتیب مشروطیت گردید ولی در پاریس نمیتوانست از لوازم کار کند و مجبور بود خود را منقطع از پاریس حرکت کرده و از ولایات و مخبرین ممالک
خارجه بهبولت با کمک برسانند
امید او بکمک خارجی از همه بیشتر بود و از پادشاه (برادر زن او است) با وجود اطلاعش برای مداخله در امور فرانسه از آنجا که از برادر
کمک برد و از طرف دیگر امرائی که از فرانسه مهاجرت کرده در خارج سعی مینمودند و اعلیحضرت را تقویت دولت را انقراض بدهند دارد
هر صورت لوئی ۱۶ با تبدیل لباس با ملکه و اطفال خود از پاریس فرار کرد ولی در راه شناخته و او را توقیف کرده بپاریس
رجعت دادند و چند روزی عنوان سلطنت او را توقیف کرده و هیئت مؤسسه بشخصه امور مملکت را اداره میکرد تا از وقت در فرانسه
کمی بود که جمهوری شده بود زیرا عقیده عمومی از ضد این بود که ترتیب جمهوری فقط در ممالک کوچک قابل اجرا است از ممالک

بزرگی مثل فرانسه نمیتوان امور را بطرز امور جمهوری اداره کرد چند روزی حکومت هیئت رئیسه کرد تجربه معلوم نمود که بدون
پادشاه هم ممکن است امور اداره شود بنابراین یک دسته جمهوری طلب پیدا شدند و خواستند هیئت رئیسه عوض شده بر
عزل لطمه بپادشاه را ملحوظ داشتند بجای هیئت رئیسه حکومت بدست جمهوری طلبان داده شود کسانی که عریضه دادند
شوق جمع میشدند جلوگیری کرد آنها را بقوه قهریه متفرق کردند بالاخره روز ۱۹ اوت قانون اساسی را تا خاتمه
بفصل اول دوره ثانی مرتب شده بود امضا کرد هیئت رئیسه بموجب آن قانون لایحهٔ ابطال و نیابت سلطنت
را با درگاه برگردانید و اظهار کرد در اول کار هیئت با فرمایشات نقض میشود هیئت رئیسه بموجب آن حقوق نقض و بموجب
قانون اساسی مجلس مؤسسان به مجلس مقننه Assemblée législative واگذار کرد

مجلس مقننه — نمایندگان هیئت رئیسه برای اظهار رأی عزل فعلی قرار داده در هیچ یک از اعضای مجلس مؤسسان مجلس مقننه نشوند
بنابراین تمام اعضای مجلس جدید اشخاص جدید بی تجربه در کار بودند در صورتیکه وقایع زمان هیئت رئیسه مخالفت سلطنت را باشد
در اعتقادات مرتب را معلوم کرده بود با این مرحله روابط بین ملت و دولت نکرده بود در مجلس جدید نمایندگانی بودند برای
تقسیم سلطنت می‌نمود که حکومت نمایندگان ملت باشد بعضی دیگر طالب جمهوری بودند و چون ابتدا جزء عده این نمایندگان
از ایالت Gironde بودند آنها را Girondins نامیدند دسته ژیروندن اکثر مردمان با ...
و دانشمند و کریم الاخلاق در اعلاء اصول نیکی و اخلاق روی دنیای قدیم بودند و میخواستند فرانسه دارای جمهوری مثل جمهوری آتن
و دنیای قدرت خود مختاری و حسن اخلاق اهالی مملکت را مقرر دارند سایر نمایندگان طرفدار سلطنت مشروطه یعنی Constitutionnels
بودند بنابراین شروع احزاب سیاسی در فرانسه بود اختلاف بین مخالفین جمهوری و سلطنت ظاهر شده بود از
ابتدای انقلابات در پاریس انجمنهائی برای حفظ مجلس و ازدیاد ترتیبات داده شده بود بنام Clubs کلوب این
انجمنها در اصل انجمنهای ... بود در کلوبها برای ملاقات مردم یکدیگر را در فرانسه کلوبهای انقلابی میگفتند در آنجا
از اشخاص ... مطالبی که در مجلس باید مذاکره شود و وقایع روز گفتگو میشد و اعضای کلوب بعد از مباحثه و مذاکره برای

رفتار خود رأی اتخاذ میکردند تقریباً کلوبها مجالس دارای ترتیب منظمی شده بود و منعقد میشد در تمام امور سیاسی از مجلس بیشتر
رأی خود را بکار میزدند در تغییرات و وقایع مملکتی دخالت داشتند کلوبها بتدریج آراسته قوت گرفتند و در نزد مجلس مقننه هیچ اهمیت پیدا کرد
مداخله آنها در امور پاریس زیرا نمایندگان ملت اکثر اعضای کلوبها بودند و بمناسبت اشتراک عقیده در یک کلوب جمع میشدند
باین ترتیب بین نمایندگان و اشخاص خارجی که دارای یک عقیده بودند یا عقیده ایشان بیکدیگر نزدیک بود با هم رابطه پیدا کردند و از
ترتیبات کلوبها برای دشمنی و اداره منظم داشتند بالاخره ترتیب پارتی Parties و احزاب سیاسی از آن آمد
اول کلوب معتبر پاریس کلوب ژاکوبن Club des Jacobins بود (اسم اول این کلوب مجمع طالبان قانون
اساسی و ژاکوبن اسمی بود که مخالفین کلوب بطور استهزاء گفتند) بعد از این کلوب کلوب دیگر تشکیل شد از جمعیتی که ابتدا
در صومعه Couvent des Cordeliers جمع میشدند این دو کلوب مرکب از جمهوری طلبان بودند
و با یکدیگر مربوط بودند و مدتی حقیقتاً مملکت فرانسه را اداره میکردند و منشأ انقلابات بودند
از کلوب ژاکوبن جمعیتی جدا شده روزی آن کلوب را اصلاح نمیدانستند در اواخر کنستیتوسیون ۱۷۹۱ بود (اشاره به ...
سلطنت را میخواستند) از آن کلوب جدا شده کلوب دیگری بنام Feuillants تشکیل دادند در هیئت مؤسسان
اختلاف خیلی ظاهر شده بود ولی در مجلس مقننه بواسطه نفوذ کلوبها اختلاف جزئی ظاهر کرده نمایندگان فرقه کنستیتوسیونل طرف
دست راست مجلس نشستند ژیروندن ها طرف دست چپ قرار گرفتند و از آن زمان ترتیب دست راست و دست چپ در مجلس پیدا شد
(دست راست محل موافقین و دست چپ محل مخالفین دولت است) و بعدها آنهائیکه عقاید ملایمتری داشتند در وسط
می‌نشستند باین ترتیب مجلس منقسم به دسته شد دست راست و مرکز و دست چپ در انتهای طرف دست چپ در طبقات رفیع
صندلیهای مجلس محسوب میشد چند نفر نمایندگان جوان در منتهای مخالفت را با دولت داشتند و غالباً پاریس بودند برای برداشتن سلطنت
و بطالت از اول بعنوان قرار گرفته بودند و چون در مرتفع ترین محلهای مجلس بودند موسوم به Montagnards شدند ولی در
در مجلس مقننه این دسته چندان اهمیتی پیدا نکردند نمایندگان جمهوری طلب و سلطنت طلب هیچکدام نتوانستند ... برتری

جنبهٔ جمهوری‌طلبی غلبه کرد و القاب سلطنتی را (اعلیحضرت) موقوف کرده در ضد اعلامیهٔ کشیشهای Refractère
احکام سخت دادند

در ضمن کشمکشهای داخلی مجلس زود‌فرو دائمی هم جنگ دیگری در کار بود یعنی ۱۹ کابینهٔ ... مجلس شد که [illegible]
از اواسط ... باطناً بین دربار فرانسه و دربار اطریش و مهاجرین فرانسوی و درباریان خارجه تدریجاً تبانی بود و شاهزادگان بزرگ
مثل برادران پادشاه لویی روابط دائمی در کار بود عاقبت دربار برای آنکه هیئت وزرائی داشته باشد طرف اعتماد ملت و بتوانند
به واسطهٔ آن طبقات دیگر از لوئی طبیعتاً را تسلیم کنند و ضمناً اعمال باطنی خود را به واسطهٔ رکابوی آنها پیش برند با یک نظر هیئت وزرائی
از حزب ژیروند اختیار کرده و این وزرا چون بعضی رسمی را امضا و یک جزو آن نداشته مردم Culottes
بونت پوشیدند همراه ایالات اشراف که طرفدار اشخاص ایشان را sans Culottes می‌نامیدند

اعلان جنگ با اطریش — ۱۷۹۲ — جنگ نیز شیکنیقه مهاجرین در دربار آلمان غربی بود در برابر لوئی ۱۹ ...
لوئی ... دیکتاتور بود و ... به شاهان خارجه ایشان بود. دولت ... برای سعادت دولت فرانسه باطناً مذاکرات کرده
ضمناً خود آنها هم تهیهٔ قشون می‌کرده عاقبت با مرام ایشان امپراطور اطریش و پادشاه پروس اعلام کرده و اگر سلطنت دیگر حاضر برای
شده ایشان هم حاضر خواهند بود این اعلام را مرسوم به Déclaration de Pilnitz است. مهاجرین
کشتی‌های دیگر صورت دادند فرانسویها گمان کرده اطریش و پروس عزم جنگ با فرانسه نموده در صورتی که ابتدا این طور نبود. در این موقع
بعد مجلس اسباب تقصیر کابینه ژیروندن‌ها و آن کابینه برای آنکه پیش‌دستی کرده از حملات جنگ اطریش و پروس جلوگیری
کنند ضمناً لوئی ۱۶ را دلیل جنگ با اطریش کرده همراه آن او را از آنکه اطریشیها طرفدار او باشند مأیوس کنند با هم
پادشاه با اطریش اعلان جنگ دادند

شد تکشمکش بین دولت و ملت خلع لوئی ۱۶ از سلطنت — بتصمیم بعد که ایم در ابتدای جنگ برای فرانسویها
خوب نشد و چیزی از شروع جنگ نگذشت که پروسیها هم داخل شدند و سردار ایشان اعلامات رسمی منتشر کرد و ضمیمه

نفرات فرانسویها برخورد و فرانسویها از میان مبتلی کرد که همان آنکه تقصیر را از هواخواهان سلطنت و دولتهای خارج قشون بیرون دانسته
و در ضمن آنکه اعلان کرده (وطن در خطر است) مشغول قشون‌گیری شده روزی هم دربار پاریس اجتماع کرده به عمارت سلطنتی حمله نموده
و به واسطهٔ متانت و بردباری پادشاه در آن موقع از تعرض به وی منصرف شدند ولیکن همان شورشی به این واقعه ختم شد و در روز دهم اوت
۱۷۹۲ در حالتی که قشون داوطلب از ولایات به همان وارد پاریس شده مخصوصاً یک دسته که از شهر مارسی
می‌آمدند سرود فرانسه را که تازه ساخته شده بود می‌خواندند و به واسطهٔ این این سرود همان مردم جمع شدت یافته بود در پاریس
مشغول تهیه و ترتیب حکومت که از برای شهر بود باسم Commun insurrectionel اقدامات
این حکومت انقلابی اسباب کشمکش بین شهرها و عمارت دولتی دقراول‌ها که لوئی ۱۶ در آن وقت بود و قشون آنجا تخریب
زد و خورد واقع شد و به مجلس مقننه پناه برد ولی بعد از رفتن او مجلس زد و خورد تا عصری واقع شد قراولان که در مجلس همان کرده جمع
لوئی شانزدهم را خواسته مجلس مقننه این کار را جزو اختیارات خود ندانسته بعد از هنوز ان مقدار جرأت حاصل نکرده بود که این
ترتیب حکومت را تغییر بدهد لهذا سلطنت لوئی شانزدهم را توقیف کرده و یک قوه مجریهٔ موقتی به اسم Conseil exe -
cutif provisoire انتخاب کرده تمام اختیارات دولتی به آن هیئت واگذار کرده و قرار دادند مجلس جدیدی
برای تعیین تکلیف پادشاه و ترتیب قانون اساسی جدید منعقد شود و انفصال مجلس مقننه را اعلان کرده هیئت مجریه موقتی در پاریس
تمام اختیارات را به حکومت انقلابی واگذار کرده و چون در موقع انقلاب تمام فرانسه تهدید پاریس اداره می‌شد و این
حکومت تمام فرانسه را حکومت انقلابی پاریس واگذار کرده و در صورتی که اختیارات هیئت مجریه و این حکومت انقلابی ... بود
بعد از انعقاد مجلس جدید هم اختیارات امور اجرائی به دست این حکومت انقلابی بود کار بزرگی در همان مدتی در داخله فرانسه
واقع شد قتل عام بعضی از محبوسین سیاسی بود و حکومت انقلابی به عنوان آنکه بر وطن خیانت کرده آنها را توقیف کرده بود قتل این محبوسین
به واسطهٔ انقلاب مهیج مردم واقع شد و چون در ماه Septembre واقع شده است معروف به
Massacre de Septembre است

مجلس کُنوانسیون — مجلس جدید را که پیش بودیم به Convention nationale بود و در آن زمان
کنوانسیون هم عضو ثابت مؤسسه یعنی مجلس جاری داشت تا زمان های Convention کنوانسیون در ۲۱ سپتامبر ۱۷۹۲
منعقد شد تا ۲۶ اکتبر ۱۷۹۵ دایر بود در انتخابات این مجلس شرط مالیات و سن را شرط لازم نبود؛ به جهت انتخابات
تقریباً عمومی شده بود و چون غیر متمولین در کمال دلخوشی انتخابات شدند حزب ژاکوبن در دارای ترتیبات مرتب بودند در
انتخابات پیشرفت کلی کردند (بر اثر اقدامات ژاکوبن اکثریت انتخاب‌کنندگان از انتخاب امتناع کردند) و در کنوانسیون
افراد سیاسی هیچ بیش از مجلس تقنینیه قوت داشتند در این وقت حزب کوه Montagnard خیلی اهمیت پیدا کرده
در تمام کیهان مجلس عموماً جمهوری طلب بودند ولی از ژیروندیست ها رسماً اظهاری نشده بود؛ و وزارت که نمی‌بود فقط لفظ حکومت
مشروطه معتدلی منحل شده در رقابت طرفداران دولت استبدادی در مجلس تقنینیه اظهاری نشده و طرفداران تمدید کلی اختیارات سلطنت نبود
در مقابل مشروطه طلبی نه منفی شده برای دشمن تا یک اندازه اعتبار داشته [illegible] که گذاشته بودند و جمهوری طلب بیدار کار بود
در کنوانسیون هم دو کار نمانده بود شد که (Montagnard) طرفدار حکومت انقلابی و شدت عمل از قبیل قتل‌های
فوق العاده در مقابل کسانی که منحل شده عدالت و قوانین جمهوری را پیش ببرند از اشخاص این پارتی Danton
و ژیروندن نیز در این خیر نبوده است اول آنکه Danton وزارت نمود دوم آنکه با حکومت انقلابی در این
موافقت داشته منحل شده بود و در حکومت انقلابی او را در مقام امور حکومت قرار داد حزب ژیروندن طرفدار ولایات
بودند یعنی منحل شده ولایات اهمیت پیدا کند

اعلان جمهوری و قتل لوئی ۱۶ — کنوانسیون بعد از اینکه منعقد شد لوئی ۱۶ را از سلطنت خلع کرده اعلان جمهوری داد
(مردم پاریس از خلع و اعلان جمهوری کشته و مجلس هم قبول کرد) بعد از اعلان جمهوری علیه [illegible] از ولایات مجلس کرد و
محاکمه لوئی ۱۶ را به عنوان خیانت از مجلس درخواست کرده ولی از مدارک است [illegible] کشف بعضی نوشتجات از کار
[illegible] ارتباط با لوئی ۱۶ [illegible] قرار محاکمه گذاشته شد مجلس کنوانسیون او را محاکمه کرده

حکم قتل او را داد در یکشنبه ۲۱ ژانویه در مقابل عمارت Tuilleries با گیوتین Guillotine گردن او را قطع کرده
قتل لوئی ۱۶ در وقتی بود که قشون اطریش و پروس تا نزدیکی پاریس آمده بودند و فرانسه به ارتجاع افتاد [illegible] و اطریش در موقع
نزاع و لوئی ۱۶ [illegible] قتل لوئی ۱۶ [illegible] لوئی ۱۶ شده بود برای فرانسه تهیج خیلی به بار و خطرات
تولید کرد و رفع آن خطرات را [illegible] به کار برد که عالم [illegible] به نظر میاید بطور خلاصه با آنکه در خطر بزرگ از این امر [illegible]
اول آنکه اکثر ولایات فرانسه را ضدیت با مجلس کنوانسیون و جمهوری وادار کرد دوم آنکه [illegible] دول معتبره اروپا ضدیت با
فرانسه متحد شدند

انقلاب بعد از قتل لوئی ۱۶ و ترور — مجلس کنوانسیون و حکومت انقلابیه پاریس در تقریباً [illegible] که [illegible] بود از طرف
[illegible] رفع انقلابات و شورش‌های داخلی را [illegible] از طرف دیگر به جهت دول اروپا [illegible] به فرانسه هجوم آورده بودند مقاومت کند در [illegible] کار مؤثر
پیش رفت کرده ولی بعد از تحمل صدمات و زحمات فوق العاده و صرف تمام قوای مادی و معنوی مملکت اقدامات را [illegible] خارجی
را دفع خواهیم دید [illegible] در دفعه [illegible] برای جلوگیری از مخالفت [illegible] که [illegible] حکومت انقلابیه و [illegible] اهل ولایات
[illegible] بزرگ در این موقع شد و [illegible] حکومت انقلابیه پاریس و کشمکشهای [illegible] با حزب ژیروندن و ابتدا Danton
و حکومت انقلابیه [illegible] ولی این پیشرفت اگرچه از اقدامات [illegible] جلوگیری کرد ولی به واسطه [illegible] Terreur
اسباب [illegible] و نفوذ حکومت انقلابیه [illegible] در میان [illegible] رؤسای حزب انقلاب [illegible]
بعد از آنکه حزب ژیروندن و Danton کشمکش‌های [illegible] با یکدیگر که [illegible] حکومت انقلابیه پاریس ۸۵ هزار نفر [illegible].
۹. [illegible] در مجلس کنوانسیون قرار داده توقیف ژیروندن‌ها را با این ترتیب خواستار شدند و مجلس مجبور را
اخراج ۲۷ نفر از اعضای ژیروندن [illegible] و [illegible] کنوانسیون تقریباً به دست Montagnard افتاد
کنوانسیون قانون اساسی جدیدی تهیه کرد در ۱۳ روز و عموم [illegible] ولایات [illegible] داده برای قوانین در مجلس تقنینیه
وضع [illegible] ترتیب Referendum (رجوع به آرای عمومی) قرار داد و وضع این قانون اساسی [illegible] اهمیت [illegible]

را از میان برداشته بود ولایات تماماً شوریده بودند راضی بکار مرکز دولت نبودند بخصوص ولایت واندِه Vendée و اهالی آن
طرفدار کشیشها و پادشاه بودند اهالی ولایت مذکوره یک جزء از کارهائی بوده بهتر از برای حفظ مملکت انجام میداد
کنوانسیون برای انجام مهمات جنگها و جلوگیری از ولایات که دچار شورش شده بودند (واندِه) مجبور شد از اجرای قوانین جدید
موقتاً صرف نظر کند و بنا بود از ابتدا هم آن قوانین را برای اجرا وضع کرده بود و مجلس تمام اختیارات را بدست گرفت
بطور حکومت نظامی این ترتیب را دیکتاتوری کنوانسیون Dictature Convention میگویند و
اعلان کرد که حکومت موقتی فرانسه تا موقع صلح انقلابی خواهد بود و حکومت انقلابی فرانسه مرکب از هیئت مرکزی و کمیته از
هیئتهای ولایتی بنام کمیته انقلابی Comités Révolutionnaires بود و هیئت مرکزی عبارت بود از
کمیته نجات ملی Comité du salut publique و کمیته امنیت عامه Comité
sureté général و محکمه انقلاب Tribunal révolutionnaire کمیته نجات ع
اجرائیات اداره کننده امور جنگ بود ولی بتدریج تمام اختیارات مملکتی را بدست گرفته حکم یک هیئت دیکتاتوری را پیدا کرد کمیته
امنیت عامه در امور تفتیش از حال اشخاص مظنون و توقیف آنها بود محکمه انقلابی در مرکز آن در پاریس و در ولایات دارای
نمایندگان منتخب بود اشخاص مظنون بمخالفت جمهوریت را محاکمه کرده غالباً آنها را محکوم بقتل میکرد کمیته های انقلابی ولایات
نمایندگان کمیته نجات عامه محسوب میشدند و شهرها و دهات که در ولایات بعضی از نمایندگان مجلس کنوانسیون را انتخاب کرده بودند و مأمورین
در ولایات در تفتیش در امور و توقیف اشخاص دیگر و ادارات مظنون بودند علاوه بر اینها از این مأمورین
بودند و بعنوان کمک بدولت و حکومت انقلابی در تمام امور دخالت میکردند و بعد از اینها دیگر پیشرفت کمیته نجات عامه میشدند
مجلس کنوانسیون بعضی حکمهای کلی برای جلوگیری از گرانی آذوقه و امور جنگ از قبیل حکم تعرض اجباری از مردم و سربازگیری اجباری
از مردم levée en masse وضع کرد که آن احکام نتیجه کلی داد ۸۰۰ هزار قشون حاضر
شد و با همین وسیله عاقبت پیشرفت کرد ولی در ضمن این کارها ترتیب روز بروز حکومت انقلابی هم رو به ترور گذاشت و بتدریج

وحشت ترور وقایع انقلاب فرانسه است ترور
ترور عبارت است از محاکم انقلابی که بشدت مشغول کار بودند و شهرها و اشخاص را که در آنجا بودند اشخاص مظنون را توقیف و
کرده بحکم آن محاکم بقتل میرسیدند در این ضمن اعدامهای زیادی بعمل آمد یعنی کسانی که مورد سوءظن واقع میشدند هر کس دشمنی
و غرضی داشت آن کس را نسبت به مظنونی متهم کرده و غالباً آن اشخاص بقتل میرسیدند مقتولین معروف ترور عبارت بودند
از هیئت ژیروندنها که توقیف شده و ماری انتوانت و عده زیادی از اشراف و Bailly حاکم قدیم پاریس در
ابتدای انقلاب و Danton که از رؤسای پارتی Montagnard و عاقبت با ترور مخالف شدند از اشخاص
دارای اهمیت که کشته شدند یکی از اهالی علمی و ادبی ام اشخاص معروف دوره حکومت انقلابی فرانسه است لاوازیه
André Chénier و Lavoisier عالم بزرگ شیمی در قرن ۱۸ و واضع علم شیمی است و برکوفی و
شاعر بزرگ که از بزرگترین شعرای زمان محسوب میشد و در جزو شعرای درجه اول فرانسه محسوب میشود
و مخصوصاً در ژوئن ۱۷۹۳ یعنی بعد از توقیف ژیروندنها اختیارات را بدست حزب Mont. افتاده بود کلمه ترور
هم ایشان و طرفداران ایشان بود در میان Mont. ها چند نفر معروف بودند که اسامی ایشان از قرار ذیل است
Marat و Robespierre و Camil desmulin و Danton دانتن
دانتن و دسمولن که با هم رفیق بودند و روبسپیر و مرا با هم دو نفر اول بعد ترور را میدانستند و از اعمال شدید ناراضی
و برای جلوگیری از خطرات خارجی و داخلی لازم میدانستند قانع بودند دو نفر ثانی ترور را وسیله پیشرفت تمام مقاصد خود قرار داده
بودند روبسپیر از نمایندگان هیئت پاریس و جزو خطبای با نفوذ بود مرا طبیب بود و ابتدا روزنامه نگاری شروع کرد و طرفداری
از فقرا میکرد بحق حمله میکرد تا چندی Mont. هم از شاخص او مخصوصاً حزب خود تنگ داشته دلائل برای
ترور هم باعث بسیاری قتلها بود عاقبت دختری بنام Charlotte Corday مرا را با چاقو کشت
ولی اینکار بکلی آنچه مقصود دختر بود نتیجه داد یعنی قتل مرا برای روبسپیر بهانه شد اختیار ترور را بدست گرفت دائرا قتل را بسط

رفتار روبسپیر باعث شد که اختلاف بین او و دانتن و طرفداران دانتن گردید زیرا در ضمن این وقایع قشون فرانسه در جنگ داخلی
و خارجی فاتح شده تقریباً فرانسه را نجات داده بود و دانتن و دمولن و رفقای آنها دیگر ترور را لازم نمیدانستند و بلکه مضر میدانستند
و مشغول خدمت شدند. دانتن یکی از خطبای نامی فصیح و با سخاوت بود نفوذ او در میان خلق بیشتر از روبسپیر بود و سایر همکاران او بود
روبسپیر و طرفداران او دانسته بودند که دانتن اسباب ختم ترور را فراهم کرده. در آن ضمن برای خاتمه دادن به این کشمکش روبسپیر را از بین
خواهد برد. روبسپیر پیش‌دستی کرده دانتن را از اعمال مظنون دانسته حکم توقیف او را داد. دانتن و روبسپیر هر دو از اعضای کنوانسیون
بودند. رفقای دانتن باو تکلیف فرار کردند در جواب گفت انسان نمیتواند وطن خود را با پاشنه کفش خود ببرد. انسان بواسطه فرار اگر
کشتی خود را سالم دربرد نمیتواند اسباب سعادت وطن خود بشود. دانتن و دسمولن و بعضی از رفقای ایشان را گرفته تقریباً [illegible]
این پیش‌آمد بر شدت عمل روبسپیر افزود. وقتی نزدیک از مجلس گذرانده ترتیبات محکمه را جمع مختصر و بدون استماع قول شهود قرار
داد و این ترتیب دوام کرد تا اینکه اعضای مجلس کنوانسیون البته آگاه شدند و مجلس جان هیچ احدی برای اتمام ترور نمی‌شد
غفلتاً رای بتوقیف و قتل روبسپیر دادند. بواسطه همان وسایل که برای قتل دیگران فراهم کرده بود مقتول گردید. و بعد از چند روزی
بعد از قتل او ترور دوام کرد ولی در پی چند روز بیشتر کشیده نشد. اسباب ترور شدن وقتی میرسید ترور نتیجه نداد چرا که مقدار [illegible]
از قوای [illegible] مشکلات در جمعه [illegible] کاست و [illegible] از نمایندگان کاری کنوانسیون را از میان برد. بنتیجه مجلس خیلی ضعیف
و به قوه [illegible] بود و در مردم [illegible] تولید کرده [illegible] را قوت داد. بعد از ختم ترور کنوانسیون را [illegible] باقی مانده
بودند و بیشتر نمایندگان اخراج شده بودند. [illegible] مجلس خواهد شد و [illegible] توقیف شدگان ترور را آزاد کرد و [illegible]
ترتیب ترور برطرف شد. ولی شاید [illegible] الحقیقت [illegible] عمومی [illegible] از [illegible] بود. [illegible] و این [illegible] باز
مردم را [illegible] داشت. [illegible] از دست ایشان خارج [illegible] مردم را [illegible] کنوانسیون [illegible]
کرده و جمعیتی بمجلس هجوم بردند و یک نفر از نمایندگان جوان را [illegible] مجلس را از [illegible] حفظ کند کشته سر او را
بریده [illegible] مجلس در مقابل این حرکات باکمال [illegible] سربریده [illegible] و مردم بواسطه این [illegible] مجلس [illegible]

مرعوب شده برگشتند ولی چند روز بعد سلطنت طلبها بواسطه ضعف آزادی طلبها قوتی حاصل کرده بودند با جمعیت مسلحی متجاوز از ۲۰ هزار
نفر خواستند بمجلس هجوم بیاورند. در همین وقت بناپارت که از سرداران جوان قشون فرانسه بود در پاریس حاضر بود و با کمال
جسارت نسبت بکسان بالادستش [illegible] مجلس را [illegible] خود کرد و با پنج هزار نفر هجوم کنندگان را [illegible] مغلوب کرده پاریس
را منظم کرد. بعد از ختم ترور که معروف به ترور روژ (قرمز) Terreur Rouge است بلافاصله ترور سلطنت طلبان
سلطنت طلبان قوتی یافتند و مردم را بضدیت با Montagne و آزادی طلبان [illegible] داده کارهای [illegible] در
پاریس بیشتر در ولایات آزادی طلبان را [illegible] کرده و بعضی از [illegible] و این [illegible] را ترور سفید Terreur
Blanche گفتند

کنستی توسیون ۱۷۹۵ — بعد از این وقایع ترتیب اکثریت [illegible] حکومت انقلاب را ختم کرده با اجرای قانون اساسی مشغول شدند
ولی کنوانسیون قانون اساسی را که بعد از قتل لوئی ۱۶ نوشته بود [illegible] قانون اساسی جدیدی ترتیب داد. قانون اساسی جدید
قوه مقننه را بدو مجلس بنام کنسیل Conseil واگذار کرد یک مجلس مرکب از ۲۵۰ نفر بنام Conseil
des Anciens و یک مجلس ۵۰۰ نفری بنام Conseil des cinq-cents و ریاست قوه مجریه
را به پنج نفر مدیر Directeur واگذار کرد و مجموع این هیئت مدیره Directoire نامیده شد. هیئت مدیره غیر از ریاست وزراء
بود یعنی در واقع ریاست جمهوری محسوب میشد. برای اینکه خطراتی از برای جمهوری پیش نیاید از جانب نمایندگان کنوانسیون قرار داده شد که [illegible]
از اعضای مجلس جدید بایستی از اعضای خود کنوانسیون مقرر شود

کارهای کنوانسیون — با وجود جنگهای خارجی و داخلی و وقایع [illegible] مجلس کنوانسیون [illegible] امور اداری مملکت را کرده است
[illegible] مجلس کنوانسیون را مجلس فرانسه [illegible] از تمام مجالس دیگر خدمت کرده است. فقط کلیه کارهای [illegible]
این مجلس برابری کند [illegible] مجلس کنوانسیون [illegible] تقسیم شده بود (اقتصادیات؟
[illegible] مدرسه‌های عالیه بوده) و [illegible] کارهای [illegible] از قبیل [illegible] و غیره [illegible]

مملکتی اقدام کرده بعضی را بتصویب رسانده و بعضی دیگر اقدام ایشان مقدمه انجام آن امور شد در دوره‌های بعد ادامه یافت مثلاً در
مخصوصی برای قروض ملتی ترتیب دادند و ترتیب اندازه‌گیری متری فرانسه را معمول داشتند بنابراین برای دفتر است در وضع قوانین شروع
بیک مجموعه قانون نمود ([illegible]) ولی در این کار چندان اقدامی ننمود زیرا که [illegible] و عقاید تمام ولایات
فرانسه یک شکل و مبنی بر اصول علمی باشد داشت سلسله تدریجی ترتیب دادند و تعلیمات ابتدائی را مجانی و اجباری قرار دادند ولی
شاید بواسطه نبودن [illegible] اجرا نشد در این تعلیمات متوسطه مدارسی باسم Ecole central تأسیس
کرده و بعد آنها تبدیل به College و Lycée شد و بعضی از مدارس عالیه و ادارات علمی را از قبیل Collège
de France - و مدرسه السنه شرقیه Langue oriental در صورتخانه بزرگ موسوم به Bu-
reau de longitude - و Muséum (موزه تاریخ طبیعی) و مدرسه حرف و صنایع و کتابخانه
ملی فرانسه و موزه لوور و مدرسه حقوق و طب و مدرسه معدن‌شناسی و مدرسه [illegible] (برای [illegible]) و بعد که
موسوم به دارالفنون Ecole Polytechnique و دارالعلوم عالی مدرسه Génie (قلعه‌گیری)
و یک مدرسه نظامی مقدمه مدرسه St Cyre که مدرسه حربیه معتبر گردید، از اینها آنچه [illegible] تکمیل در [illegible]
آخرین کار کنوانسیون این بود که ادارات راجع به [illegible] باسم آکادمی در پاریس و ولایات فرانسه بود و در بعد انقلابات
منحل شده بود [illegible] راجع به امور معارف باسم Institut de France ترتیب دادند و [illegible]
[illegible] این [illegible] است و [illegible] علمی [illegible] است و حیثیت و علم و [illegible] است و [illegible]
آن [illegible] راجع به معارف و ترقی علم [illegible] است چنانکه بعد خواهیم دید [illegible] از ترقی علوم
و صنایع [illegible] شده است

هیئت مدیره — بعد از انحلال کنوانسیون بموجب قانون اساسی که آن مجلس ترتیب داده بود هیئت مدیره حکومت فرانسه برقرار شد
و چنانکه دیدیم هیئت مدیره مرکب از پنج نفر بود و این [illegible] جمهوری بود چهار سال یعنی از اواخر سال ۱۷۹۵ تا ۱۷۹۹

[illegible] کرد و در این مدت غیر از جنگها [illegible] اثر اصلاحات خواهیم دید و وقایع مهمی برای ما قابل ذکر نیست باید دانست ضعف
ظاهر هیئت مدیره و بی‌کفایتی در اداره امور مملکت و حفظ جمهوری و نفاق بود چنانکه مدیرها با یکدیگر نمی‌جنگند و بر ضد هم اقدام
میکردند و عاقبت دو نفر از میان خود اخراج کرده و هیئت مدیره سه نفر شد و در مدت هیئت مدیره اوضاع فرانسه
به بی‌ترتیبی گذشت و [illegible] اوضاع [illegible] و کار هیئت مدیره تقریباً منحصر شده بود به زد و خورد بین مدیرها و جلوگیری از دسته‌بندیهای
سلطنت‌طلبان بر ضد جمهوری و دسته‌بندی جمهوریطلبان بر ضد یکدیگر هیئت مدیره زیرا مدیرها خود با یکدیگر نزاع داشتند
و [illegible] جلوگیری مینمودند به [illegible] سلطنت‌طلبان بر ضد هیئت [illegible] جمهوری و جمهوریطلبان [illegible] هیئت مدیره [illegible]
[illegible] طبقه دسته‌هایی که در هیئت مدیره با اقدامات شدیده و [illegible] Coup d'Etat [illegible] از آنها جلوگیری کرد [illegible] از
جمهوری بواسطه انقلاب و صدمات [illegible] بی‌کفایتی و [illegible] هیئت مدیره بیزار شدند و اقدامات هیئت مدیره بر ضد جمهوریطلبان
[illegible] را ضعیف کرد و اسباب [illegible] ناپلئون [illegible] سردار بزرگ فرانسه بود ترقی نمود و خود را بقدرت استبدادی رساند [illegible]
در بعد خواهیم دید هیئت مدیره را از میان برداشت [illegible] قنسول برای فرانسه ترتیب داد ظاهراً جمهوری و باطناً استبدادی بود ۱۷۹۲

جنگهای شورش فرانسه با خارجیها — مدت ده سال سراسر فرانسه برای حفظ مشروطیت و جمهوری خود با دول اروپا جنگیدند از ابتدای
این جنگها در زمان سلطنت مشروطه فرانسه یعنی در زمان لوئی ۱۶ در ۱۷۹۲ و انتهای آن در زمان کنسولی ناپلئون در ۱۸۰۲ بنابراین
میبینیم ابتداء و انتهای این جنگها هر دو را میتوان خارج از دوره جمهوری شمرد زیرا کنسولی ناپلئون هم اگرچه عنوان جمهوری داشت
ولی مقدمه امپراطوری او و در معنی یک قسم سلطنت بود جنگها در ۱۸۰۲ حقیقتاً ختم نشد بلکه قسمت بزرگ جنگهای امپراطوری
ناپلئون واقع گردید است ولی جنگهای امپراطوری ناپلئون را جزو جنگهای شورش فرانسه محسوب نمیدارند زیرا انقلاب کبیر فرانسه
را [illegible] اول [illegible] تا ابتدای کنسولی یا امپراطوری ناپلئون میشمارند و در عرض این مدت همیشه وقایع داخل فرانسه [illegible]
[illegible] خارج با هم مربوط بوده است

علت شروع جنگ — در سال [illegible] بعضی از [illegible] بودند در خاک فرانسه [illegible] آنجا هر [illegible] داشتند دارای حقوق [illegible]

در زمانیکه نفع امتیازات خود این اشراف سابق خود را آماده محاربه ساخته و خود را [illegible] نفع سابق شمرده هیئت [illegible] پروس در رقابت
فرانسه داشتند [illegible] برابر [illegible] دولت امپراطوری آلمان (دولت اطریش) دولت فرانسه پیدا شد دولت فرانسه
بعد از مذاکرات حاضر شد در حقوق فئودال آن امرا [illegible] ولی دولت امپراطوری [illegible] در عین آن
حقوق [illegible] موضوع اختلاف بزرگ بین دولت فرانسه و دولت اطریش شد یک موضوع اختلاف دیگر [illegible]
مهاجرین فرانسوی و تهیه های نظامی ایشان در آلمان [illegible] پیدا شد در این مورد دولت اطریش از اقدامات نظامی مهاجرین [illegible]
حمایت کرد ولی دولت فرانسه قانع نشد این دو اختلاف [illegible] اعلان جنگ فرانسه با اطریش شد

وضع قشون فرانسه در حین شروع جنگ — در حین شروع جنگ قشون فرانسه چندان حاضر برای کار نبود زیرا در [illegible]
قدیم تمام صاحب منصبان از نجبا و اشراف بودند و مهاجرت جمعیت زیادی از ایشان قسمت زیادی از قشون را بی صاحب منصب از
کار انداخته بود و عده کثیری از صاحب منصبان [illegible] همراه بودند و [illegible] برای دولت [illegible] جنگ [illegible]
خود آنها اسباب ضعف قشون [illegible] را فراهم میآوردند اما ملت فرانسه هم هنوز [illegible] برای جنگ [illegible]
[illegible] خراب بود [illegible] اسلحه و آذوقه [illegible] لوازم جنگ [illegible] صعوبت داشت [illegible]
[illegible] در همین حال جنگ شروع شد بی کفایتی [illegible] قشون قدیم ظاهر شد [illegible] در خطر بودن وطن را
اعلان کردند و قرار شد قشون داوطلب بگیرند [illegible] عمومی [illegible] چند نفر [illegible] مشغول [illegible]
های داوطلب شدند [illegible] از همه [illegible] مردم [illegible] اطفال [illegible] خود را [illegible]
داوطلبان ثبت نموده و برای رفتن بجنگ حاضر شدند دولت فرانسه خود را مجبور دید که آنها را با اسلحه و لباس و آذوقه [illegible]
[illegible] آن جنگ [illegible] ولی [illegible] آن [illegible]
سربازهای جدید فرانسه یعنی داوطلبان [illegible] لباس [illegible] آذوقه [illegible] جنگ [illegible]
[illegible] قشون [illegible] داوطلب [illegible] حفظ [illegible]

قلعه های [illegible] در انتظام داخلی مملکت [illegible] رجوع شد [illegible] تقریبا تمام جوانها را بجنگ فرستادند و تمام کارخانه ها را
تبدیل باسلحه سازی یا کارخانه برای سایر مهمات جنگی کردند و زنگهای کلیساها را آب کرده از آن توپ ریختند تقریبا تمام مردم حتی زنها
مشغول مهمات جنگی بودند بدین ترتیب ملت فرانسه [illegible] تمام [illegible] اردو [illegible] اضافه [illegible]
[illegible]
ادامه [illegible] تمام لوازم [illegible] فراهم شد

دوره های جنگ — جنگهای [illegible] فرانسه را [illegible] بچند دوره تقسیم کرد اول دوره جنگ با اطریش و دولت پروس [illegible]
[illegible] دولت اطریش [illegible] فرانسه [illegible] دوم دوره ورود دولت انگلیس در جنگ [illegible]
هیئت ائتلافیه [illegible] از دول برضد فرانسه [illegible] است به هیئت ائتلافیه اول Première Coalition سوم دوره
جنگ با اطریش و انگلیس چهارم جنگ [illegible] پنجم جنگ با هیئت ائتلافیه [illegible] شروع [illegible] جنگهای
[illegible] جنگهای امپراطوری شروع [illegible] در جنگ با فرانسه [illegible]
[illegible] دولت انگلیس [illegible] صلح [illegible] جنگ بود [illegible]
فرانسه [illegible] صلح کردند و بعد از مدتی دوباره شروع بجنگ کردند [illegible] این دول اطریش از همه بیشتر با فرانسه طرف
شده است دفعات صلح و جنگ [illegible]

(دوره اول)

بعد از اعلان جنگ باطریش در ۱۷۹۲ قشون اطریش بسرکردگی ارشیدوک شارل Archiduc Charles
بزرگترین سردارهای اطریش متوجه سرحد فرانسه شدند پروسیها هم [illegible] دوک دو برنسویک Duc de Br-
unswick [illegible] سردار [illegible] اطریشیها [illegible] دوک دو برنسویک چنانکه سابقا [illegible] کرده ام [illegible]
فرانسه [illegible] اعلامیه [illegible] حقوق پادشاه خود را (استبداد مطلق) [illegible]
[illegible] خواهد کرد و این [illegible] فرانسویها را [illegible] ولی اقدامات اولیه [illegible] قشون

بنظام قدیم شده بود و اطریشیها و پروسیها بسهولت داخل فرانسه شدند و قسمت مهمی از نواحی شمال شرقی را تحت قدرت خود درآوردند ولی
ابتدا انقلابیها که قشون دشمن تا نزدیکی پاریس رسید اضطراب و هیجان پاریسیها بر ضد [illegible] و تشدید این [illegible] بود ولی قشون
رسیده داوطلبان جدید با روحی [illegible] فرانسه قشون فرستاد در والمی Valmy جلوگیری از قشون اطریش و پروس [illegible] شد و در اثر
دیرپایی چون متوجه شد از والمی [illegible] بود راه پاریس را عبور کند مجبور شد تا قریب سرحد فرانسه عقب بنشیند با اینکه جنگ
والمی اول فتح بزرگ فرانسویها محسوب شده است و بابن قرار فرانسه نجات یافته است سردار مهم فرانسه در این جنگ اول Dumouriez
بود و ولادر سردارهای قابل فرانسه بوده است ولی در والمی بیشتر ثبات قدم کلرمان Kellermann
سردار دسته [illegible] قشون در روی بلندی والمی قرار داشته ولی [illegible] در تحت فرمان او بوده
[illegible] زیرا کلرمان [illegible] او [illegible] که آنها برای مقاومت [illegible] قشون [illegible]
حمله دشمن از روی بلندی [illegible] هیچ تکان نخوردند و [illegible] پس از آن
شلیکهای شدید [illegible] دشمن کردند [illegible] اطریش و پروس برای پیشرفت کار خود [illegible] قشون خود [illegible]
و قشون فرانسه در این موقع جمعیت [illegible] غیر نظامی است [illegible] مقاومت با قشون نظامی ندارند
ثبات قدم کلرمان [illegible] قشون پروس و اطریش را [illegible] بیرون آورد بلکه [illegible] از قشون فرانسه در [illegible] آنها [illegible]
بعد از جنگ والمی [illegible] قشون فرانسه از دفاع بحمله کشید و چون [illegible] متعلق باطریش بود قشون فرانسه [illegible]
متصرف شدند و بعد از چند فقره [illegible] Jemappes [illegible] بلژیک را متصرف شده به بندر انورس رسیدند
[illegible] — فتح بلژیک [illegible] کنوانسیون رسید (فتح والمی مقارن با افتتاح کنوانسیون گردید) و بنابراین مقارن شد با
قتل لوئی ۱۶) رسیدن فرانسویها به بندر انورس مخالف میل انگلیس بود زیرا انگلیس دولت بحری و تجارتی بود و [illegible] خود در اروپای
غربی فرانسه را دیده است (از نظر عظمت [illegible] و قدرت نظامی) [illegible] فرانسه را با آن خطر [illegible]
[illegible] انگلیس نظر [illegible] هم شدند با فرانسه زد و خورد کنند [illegible]

[illegible] کنند و [illegible] آنقدر در [illegible] دست بیابد [illegible] این عزم را کرد [illegible] Pitt
بود (پیت [illegible] در قرون جدید اسم او را خوانده‌ایم) و چون [illegible] انگلیس [illegible] از عهده [illegible]
[illegible] که در آن موقع قریب ۱۲۰ عموم دول اروپا را [illegible] آورده بود [illegible] دول اروپا را بر ضد فرانسه
تحریک کنند و [illegible] اول از دولتهای [illegible] پرتقال [illegible] روس [illegible]
اطریش انگلیس [illegible] اول را [illegible] از ابتدا قصد تجزیه فرانسه را ظاهر کردند انگلیسها [illegible]
کنند که [illegible] Dunkerque [illegible] بندرهای فرانسه را [illegible] خود قرار دادند اطریشیها [illegible] بلژیک را انتظار کردند
پروسیها [illegible] لرن [illegible] بنابراین ترتیب [illegible] که از ابتدای [illegible] اول [illegible] آلزاس
و لرن را انتظار [illegible] علت آن [illegible] اول آنکه آلزاس و لرن [illegible] جزو آلمان [illegible] ایالت [illegible]
[illegible] جزو آلمان شده [illegible] قرار [illegible] کذشته [illegible]
شورش را [illegible] جمهوری را از میان بردارند
در این موقع هجوم [illegible] اول [illegible] فرانسویها [illegible] قشون خارجی [illegible] اطریشیها [illegible]
شدند و پروسیها آنچه را [illegible] فرانسویها از ایالات [illegible] پس گرفته [illegible] و قشون [illegible] پیش آمده و قشون
اسپانیا و انگلیس هم از طرف جنوب پیش آمدند [illegible] جنگها [illegible] اطریش و انگلیسها از [illegible]
باتفاق برای [illegible] کردن [illegible] دشمن پیشرفت کرد [illegible] متعدد از فرانسویها [illegible]
و فقط قشون فرانسه [illegible] از محاصره خارج کنند [illegible] پیشرفت [illegible]
و فرانسویها [illegible] دفعه ثانی اقدام به گرفتن قشون داوطلب [illegible] فرانسویها [illegible] قشون جدید در
والمی فتح [illegible] قشون خارج [illegible] این فتح در [illegible] فتح والمی [illegible] Valmy
[illegible] پاریس را از خطر رهانید بعد [illegible] بلژیک [illegible] فرانسویها [illegible] دشمن [illegible]

مقارن همین وقت شورشیان وانده Vendée منقرض شدند و تمام این وقایع در ۱۷۹۳ واقع شد و در ۱۷۹۴
فرانسویها بلژیک و سواحل یسار رود رن را از جنگ دوباره فتح کرده و قشون فرانسه در زمان پیشگیری دو لشکر هلند را در ماه
گرفتند و در زمستان از سطح رودخانه یخ بسته گذشته و کشتیهای هلندی را در اول جلگه Helder در ساحل آنجا محبوس شده بود
اسیر کردند (ژانویه ۱۷۹۵) این فتوحات فرانسویها مقارن بود با تقسیم دوم و سوم لهستان و پیشرفت فرانسویها در کنار
دولت پروس به تقسیم کننده لهستان به سبب اختلال [illegible] اول شد هلندیها اول از همه در ۱۷۹۵ صلح کردند پروس
و اسپانیا دو ماه بعد در بال Bâle عهد صلح بستند دولت پروس تمام بلژیک و سواحل یسار رود رن را به فرانسه واگذاشت
اسپانیا یک جزیره آنتیل به فرانسویها واگذاشت، آن دولت بر ضد انگلیس عقد اتحاد بست هلندیها عهد دولت دیرینه تجربه
آنها با فرانسویها معاودت نمایند در ضمن این جنگ و صلح سابقاً جمهوری هلند [illegible] بود و مرکز [illegible] تبدیل به یک جمهوری
واحد باسم باتاو Batave شد

دوره سوم جنگ با اطریش و ایتالیا —— بعد از انفصال پروس … اول انگلیس و اطریش با خصومت باقی ماندند ولی …
اگر [illegible] فرانسویها نمیرسید … در وقع این جنگها یک نفر از … سوم به
کارنو Carnot مدیر امر جنگ بود و کلیه مهمات جنگ را او میکرد … طرح و نقشه جنگها را هم میریخت
و … نقشه کارنو برای … اطریش … این بود که سه اردو قشون از سه راه روانه اطریش
کنند دو اردو از سمت آلمان و یک از راه ایتالیا (سمت شمال ایتالیا تعلق به اطریش بود) این سه اردو با یکدیگر
در نزدیک وینه بهم رسیده متفقاً به آن شهر حمله کنند دو اردویی که از سمت آلمان … مجبور به مراجعت شده
و فقط اردویی که از سمت ایتالیا رفت پیشرفت کلی حاصل نمود و علت آن این بود که آن اردو را به بناپارت سپرده بودند
بناپارت از اهل جزیره کرس بود Corse و چون خانواده او فقیر بودند در مدرسه … تحصیل
کرده داخل مدرسه نظامی پاریس شده در سن ۱۶ سالگی (۱۷۸۵) از آن مدرسه با تصدیق فوق‌العاده …

خوب بیرون آمد و بعنوان صاحب منصب جزء داخل توپخانه شد در جنگهای شورش فرانسه جزو صاحب منصبان بود (بعنوان کاپیتن)
و در محاصره تولون Toulon از شهرهایی که … فرانسویها از تولون خارج … از شهر پیشرفتی کرده سبب
فتح آن شهر شد و به پاداش این کار به منصب سرداری رسید در سن ۲۴ سالگی در ۱۷۹۵ در موقع جنگ وانده او را در جزو توپخانه
مأمور آنجا خدمت کرده و او این مأموریت را تحقیر خود دانسته از رفتن امتناع کرد و معزول شد و در حال … در پاریس بود
… سرکوبی از جمله سلطنت طلبان پاریس شد چنانکه سابق ذکر شد بعد از آن به این خدمت سرکرده قشون پاریس را به او دادند عاقبت
سرداری اردوی ایتالیا را به او سپردند در صورتیکه سن او ۲۷ سال بود و صاحب منصبان مسن‌تر و کاردیده‌تر در آن اردو بودند ابتدا
صاحب منصبان اردوی ایتالیا نخواستند از او تمکین کنند ولی تمام … در اولین ملاقات چنان مرعوب و مجذوب شدند که ترک
مخالفت کردند در این وقت بناپارت جوانی لاغر و کوتاه قد و … بنظر میآمد ولی نگاه او اثر غریبی داشت و طرز … مهارت داد و روی
بصیرت از امور نظامی حرف میزد و همه کس را مطیع میکرد آنوقت که اردوی ایتالیا را تحویل گرفت تقریباً … قشون اول جنگ را
داشت ولی اردوی … تقریباً فاقد همه چیز بود حتی سربازها آذوقه و لباس نداشتند بناپارت با این حال آن اردو را از
کوههای آلپ از سر راهی در میان … عبور داد و به کمال شوق و غرابت … وارد ایتالیا کرده
طرح جنگ ناپلئون … این بود که … کثرت عده قشون در سرعت عمل غلبه نماید در جنگ ایتالیا عده قشون او خیلی کمتر از عده قشون
دشمن بود زیرا او فقط ۳۶۰۰۰ قشون داشت و اطریشیها چندین اردو وارد ایتالیا نموده با او مقابله کرده که مجموع آنها
مرکب از ۴۵ هزار بود در این مورد ناپلئون سرعت عمل را بعوض کثرت عده قرار داده به این ترتیب اردوی خود را جمع
متفرق کرد و با آن یک اردو با سرعت بجنگ اردوهای اطریش رفته یک یک آنها را شکست داد به این طریق جنگهای پیش شمار
نیس Nice و شهر ژن Genes … کرده راههای … جبال آلپ به او باز شد در مدت یک سال
۱۸ جنگ بزرگ و ۶۵ جنگ کوچک کرده است و چون ناپلئون از ایتالیا خارج شد در خاک اطریش پیش رفته …
اطریشیها برای صلح حاضر شدند ابتدا قرارداد متارکه و مقدمات صلح در لئوبن Leoben … و عاقبت در …

کامپو فرمیو Campo - Formio در ایطالیا عقد صلح است ۱۷۹۷ صلح نامه بر این عقد صلح
مهم است و فرانسه و انگلیسیه و ناپلیون بجهة خود این صلح را البته بود بنفع خود دیگر دولت بریده رفتار کرده بود اهالی ونیز
بر سر این رفتار با قوای فرانسه در حیطه جنگ ایطالیا محض ظرفیت جنگ با اردوی فرانسه کرده ناپلیون برای انکه شرایط صلح تهی
سوء تعبیر نکند و اطریش برضا شرایط اورا قبول کند جمهوری ونیز را از قسمت تقسیم اطریش نمود در عوض ایالت
Pays-Bas (Belgique) را از اطریش گرفت سابق بر این تصرفات اطریش در شمال ایطالیا از مجموع میلان و لمباردی
و بعض ایالات دیگر جمهوری بنام جمهوری Cisalpine تشکیل داده وضع جمهوری قدیم جنوا را هم تغییر داده جمهوری
بنام Republique Ligurienne ترتیب داده بود در صلح نامه فرانسویان هم امپراطور
اطریش سرحد فرانسه را در شمال شرقی رود رن شناخته از تصرف حرف نظر کرد و تصرفات ناپلیون را در شمال ایطالیا قبول
کرد و عقد معاهده مخصوص برای رفع اختلافات بین دولت امپراطوری آلمان و جمهوری فرانسه از خصوص اشراف ساحل رود رن
کنگره در شهر Rastadt دایر شود

نتیجه صلح بالا کامپو فرمیو برای فرانسه این شد که ممالک بلجیک و سلطنتی فرانسه از زمان لوئی ۱۴ انتظار داشت
بود رسید یعنی از طرف شمال رود رن و در جنوب شرقی ایالت ساوو آ Savoie هم بر فرانسه اضافه شد و در داخل
Avignon متعلق به پاپ بود از او تشریع کرده ببب انقلاب فرانسویان بر خود متعلق دانسته که در امور داخله پطلیس
قدیم کرده و بر خلاف ملل اتفاقیه در ابتدای جنگ نموده رسما اعلان کرده بود که جمهوری فرانسه قصد ممالک گیری ندارد
و فقط حفظ حقوق و حدود خود قانع است بلکه خارج سلطنتی فرانسه را دخیل کرده در افزودن ممالک مقصود خود حق
از اول بدی را هم در بعد ان اول کار گرفته در همه جا نظر داشته یعنی ابتدا اعلان کند در داخل آن هر قوم دارد که
یک حکومت برای خود انتخاب نماید ولی فقط این ترتیب را در ساوو آ و Avignon مجری داشته بعد از
بنی برای افزودن آن مملکت بفرانسه از اهالی آنجا از اول رای گرفته عده ای که رسما بر فرانسه اضافه نمود

چنانکه دیدیم چند جمهوری در خارج فرانسه در نقطه و اطراف آن تشکیل یافت چهار تابع فرانسه بود (این جمهوری ها را
Republique - Soeur میگفتند) این جمهوری ها در ترتیب صلح Campo - Fornio
جمهوری باتاو (هلند) جمهوری Cisalpine و جمهوری Ligurienne بعد از این صلح است بدیده
کار کرده ۱۴ را در موقع اقتدار آن پادشاه کرده یعنی مرافقه با جنبه از حق او نمود در ممالک دیگر که جمهوری های جدید تشکیل داد
Republique Romaine و از ایالت پاپ تشکیل داد و Republique Helvetique و از تبدیل
جمهوری متحده سویس یک جمهوری دیگر ترتیب یافت و ایالت Piemont متعلق به پادشاه ساردینی بود دیگر
شهر شهر نیز ضمیمه فرانسه کرده

سفر و جنگ مصر Campagne d'Egypte بعد از صلح با اطریش فقط دولت انگلیس در حال جنگ
با فرانسه بود و آن دولت در دریا غلبه داشت تصرفات خارجی فرانسه را در آسیا و در تقال را از آن وقت با فرانسه متحد بود
تصرف میکرد و فرانسویها را از آن دولت و تصرفات آن دست برداشتند لهذا بعد از جنگ اطریش تمام هم فرانسه معروف این بود
راهی برای غلبه بر انگلیس پیدا کنند سابقا چنین طرح ریخته بود که قشون کشی و اردو کشی به انگلیس نمایند و بالجمله اردوی مهمی را
فرستادن و جنگ با انگلیس ترتیب داده بود چون ناپلیون از جنگ ایطالیا مراجعت کرد اداره اردوی انگلیس کرده ناپلیون
نقشه را تغییر داده گفت بهتر آن است قوای خود را متوجه مصر کرده آن مملکت را بگیریم تا یک منبع معتبر داشته باشیم با خود
هندوستان پیدا کرده انگلیس را بواسطه توسعه هندوستان متاثر کنیم انگلیس اداره تصرف هندوستان نقشه بود و ناپلیون تا آخر
کار خود یعنی جلوی اول امپراطوری در خیال داشت چنانکه به دقت از دست اندازی به مشرق میترا نه طرف شرق و جملی بالکان
ایران برای دست اندازی به هندوستان بعضی مذاکرات نمود

در سنه ۱۷۹۸ کشتیهای بسیار از لشکر سرباز با ناپلیون بطرف مصر حرکت کرده در عبور از جزیره مالت
متوقف شده ناپلیون جزیره را پیاده کرده (این جزیره در تصرف شوالیه مالت بود صاحب کرده) ناپلیون اسکندریه را

بجانب کرخه ترعه قاهره شد مصر در آن وقت متعلق بعثمانی بود ولی از زمان جنگهای صلیبی یکدسته سرداران ترک بنام مملوک
در مصر سلطنت نموده در آن وقت قوه نظامی عثمانی در آن مملکت محسوب شد در واقع حکومت مصر را دارا بودند سرداران مملوک
جمع سوار دلیر رشید بودند لکن نظام مرتبی نداشتند ناپلئون و قشون او به اهرام نزدیک رسیدند در اهرام یا صحرای اطراف آن
در آن صحرا با سواران مملوک روبرو شدند ناپلئون خطاب بقشون خود نموده باهرام اشاره کرد و گفت از بالای این اهرام
چهل قرن ناظر شما است Soldats du haut de ces piramides
quarant siecles vous contemplent — و بهمین عبارت برهای
فرانسه جان بخشید آن آمد و سواران مملوک را با وجود تهور و رشادت آنها در حمله اول مغلوب کردند و بعد از این جنگ موسوم
بجنگ اهرام است قاهره را تصرف نمودند در همین وقت که ناپلئون مشغول فتح مصر بود امیر البحر فرانسوی در حرکت دادن کشتی
خود از ابوقیر تاخیر کرد و نلسون Nelson امیر البحر بزرگ انگلیس در آن جزیره برفاقت فرانسه تاخته آنها را کاملا
معدوم کرد و با این واسطه رابطه ناپلئون و قشون او کلیه با فرانسه و امید حرکتشان قطع شد ناپلئون ترتیبی اختیار کرد شبیه
به اینکه باید ابدی در مصر باشد یعنی بتنظیم قشون خود و اداره و اصلاح آن مملکت پرداخت انگلیسها عثمانی را تحریک
بجنگ با ناپلئون کردند و ناپلئون چون دانست قشون عثمانی از طرف شام متوجه بمصر است پیشدستی کرده بشام رفت
دار و بی عثمانی را در کوه طابور شکست داد و شهر عکه را محاصره کرد ولی نتوانست بگیرد و خبر شد که انگلیسها یکدسته قشون
عثمانی را از دریا وارد مصر خواهند کرد بسرعت برگشته بمحض اینکه قشون عثمانی در ابوقیر پیاده شدند ایشان را منهزم کرد
ولی در اوایل تابستان ۱۷۹۹ بواسطه اطلاعاتی که از شکست فرانسه و جنگهای جدید در اروپا و سختی که آن مملکت
گرفتار شده بود غفلتا به تنهائی بطرف فرانسه حرکت کرد و فرمان قشون خود را بیکی از سرداران موسوم به کلبر Kleber
واگذار کرد و کلبر تا ۱۸۰۰ مصر را نگاه داشت با وجود حمله‌های عثمانی و یک فتح بزرگی که در Heliopolis حاصل
کرد ولی چون باحتیاط ناپلئون رفتار نمیکرد اهالی از او رنجیده یک نفر مصری او را کشت و سرداری که جانشین

از انگلیسها در مصر مانده شده بود شکست خورده تسلیم شد و این قضیه مقارن بود بختم جنگهای فرانسه با دولت اتحادیه دوم و بعد از آن صلح با انگلیس
واقع شد و کشتیهای انگلیسی قشون فرانسه را از مصر بفرانسه مراجعت دادند
مصر به ترتیبی که دیدیم در دست فرانسه نماند ولی از نتیجه خارج این لشکرکشی این شد اول آنکه ناپلئون چند نفر از علمای بزرگ را از فرانسه
در جزو همراه خود برده بود آنها در امور طبیعی و تاریخی مصر مشغول تحقیق شدند و معلومات مهمه بفرانسه آوردند دوم اینکه ورود فرانسه
در مصر و اصلاحات ناپلئون مقدمه نفوذ اروپائی و تغییر وضع آن مملکت شد

تشکیل هیئت اتحادیه دوم و جنگهای کنسولی — چنانکه گفتیم دولت مدیره در ممالک فتح شده یعنی ممالکی که اداره نمود آن را بدست
عبارت بود از حمایت آزادی طلبان و سعی در برقرار کردن جمهوریها شبیه جمهوری فرانسه در ممالکی که لشکر فتح در اهالی آن پیدا میشد و
بهانه بدست فرانسه میداد چنانکه گفتیم از ممالک پاپ جمهوری تشکیل دادند و وضع جمهوری سوئیس را تبدیل نمودند بهانه بدست
در تصرفات پاپ فقط یک شورش بود و یک سردار فرانسوی در رم کشته شد تبدیل تصرفات پاپ بجمهوری Romaine
پادشاه ناپل را متوحش کرده بتحریک انگلیس و اطریش در صدد جلوگیری از فرانسویها در ایطالیا آمدند و قشون او ببزرگی یک سردار اطریشی
Mack وارد جمهوری رومانی شد در اول حمله جنگ فرانسه قشون بجبر گیری ناپل را روانه کرد و این قشون وارد شهر تورن
Turin شدند و پایتخت پادشاه Piémont پادشاه ساردنی هم بود از سلطنت آن مملکت استعفا
داده به ساردنی رفت و همچنین بفرانسه منضم شد قشون فرانسه ناپل را گرفته در آن مملکت اعلان جمهوری کرد (Republique
Parthénopéenne) بواسطه این وقایع پادشاه توسکان هم مجبور شد از مملکت خود خارج شود و قشون فرانسه
وارد فلورانس پایتخت آن مملکت شدند و اعلان جمهوری کردند با این طریق تمام ایطالیا بدست قشون فرانسه افتاده بود و باستثنای
ونیز باقی آن مملکت عبارت از جمهوریهای تابع فرانسه بود بنا براین دو جمهوری در خارج ایطالیا (جمهوری باتاو و جمهوری
Helvétique) و چهار جمهوری در ایطالیا در حقیقت تابع فرانسه بودند و ضمنا بعضی ولایات و شهرها مثل بلژیک
و شهر نیس که فرانسه ضمیمه شده بود این ترتیب دول اروپا را نگران و متوحش کرد بخصوص قدرت فوق العاده فرانسه

نشر از لوی دولتین متفقه مخالفت با فرانسه بود هیئت اتحادیه جدیدی از روس و عثمانی دولت اطریش انگلیس روس و بعضی
است سلاطین ممالک جمهوری شده بود بالطبع، این هیئت اتحادیه همراه بود. این دفعه باز در ابتدا قشون فرانسه پیشرفتی نکرده
بلکه در ایطالیا مغلوب شدند شکست بزرگی را خوردند در Cassano بود در این موقع روسها و اطریشیها متفق جنگ
میکردند و سردار روسی در ایطالیا رسیدیم به Souvaroff که از سردارهای بزرگ روسی بود و در جنگهای عثمانی و لهستان اسم برآورده بود

در ابتدای جنگها چون فرانسه غیر از سرحدات آن مملکت (سرحداتیکه مرحب معاهدات Bâle بال و کامپو فورمیو Campo
Formio) هم بود ولی از هر دو برابر شکستی پی در پی برگشته بر سرحدات خود رسیدند دفعتاً یکی از سردارهای

جوان معتبر برسیم به ماسینا Masséna در ریس محل خود را از دست نداده و در نزدیک زوریخ Zurich

شکستند - در تعاقب یک اردوی اطریشی و یک اردوی روسی توقف بود اطریشیها بعد از آنکه فرانسه را

را از ایطالیا بیرون کرده بیرون شده تمام ایطالیا را تصرف نمودند و سوواروف Souvaroff سردار

روسی را مانع پیشرفت خود دیدند. برای اینکه طرح جنگ را اطریشیها دادند این سردار با اردوی روسی

در ایطالیا بودند، اردوی روسی برای ملحق شدن به اردوی اطریشی بر سر راه آلپ در صدد رفتن بود

اضافه شود. این طرح نیز پذیرفته شد بموقع اجرا گذارده شد وقتی از آنکه سوواروف
Souvaroff برای رسیدن به اردوی اطریشی از سوئیس حرکت کرد
ماسینا Masséna موقع را مغتنم دانسته با جمعیت کمی اردوی روسی را شکست داد و بطرف راین ساده
Souvaroff - از آن سمت سوواروف که می‌آمد برگشته او را مجبور کرد از کوههای آلپ بطرف اطریش عقب بنشیند. سوواروف یا
جنگ هم تاثیرهای جنگی برابر کرد ولی بعد از آنکه نقطه توقف خورد قشون اول که کاری نبود این فتح زوریخ Zurich
شهرتی داشت فرانسه را از هجوم قشون خارجی بر فلات آن نجات داد ناپلئون که در مصر بود (Consul اول برکابینه)
خدمت قشون خود در القصیر الطرفیه دانسته از هیئت اتحادیه خارج شد. بعد لشکر جنگ بمصر با اطریش و انگلیس کرده در همان قایق
۱۷۹۹ ناپلئون از مصر بپاریس رسیده برتبه قونسول اول برقرار شد (در حقیقه بریاست جمهوری بود) طرح جنگ با اطریش را اطریش
ریخت و قشون عمده را بسرداری Moreau روانه آلمان کرد و قسمت معتبری از قشون را تحت فرمان ماسینا
بسوی ایطالیا کرد ماسینا جلوگیری از شهر ژن را در مقابل Mélas سردار اطریشی حفظ میکرد در آن شهر محصور شده
آنقدر مقاومت کرد تا ناپلئون از راه آلپ قشون جدیدی آورد ده ترتیب داده ایطالیا شد در وقتی تسلیم شد
و ناپلئون حمله بایطالیا رسید و موقع در آنجا کرد جنگ فتح Marengo بود و از قشون اطریش جنگ بری
کار نمود ۱۸۰۰ ولی جنگ آلمان اطریشیها را مغلوب نکرد و این دفعه اردوی Moreau کار را باخر رسانید
بیش آمد در آلمان نجوم پیشرفت کرده راه را بر اطریشیها تنگ نموده بالاخره اطریشیها را کشت و ترتیبی فراهم آورده اردوی
اطریش در موقعی برسیم به Hohenlinden در جنگ بود و قتیکه Moreau از فتح آن خوب
مطلع شده بود مجبور بجنگ شده لیکن و طوری شکست خوردند که دولت اطریش برای فرانسویها زرشد اطریش طلب صلح کرده در
Lunéville عقد صلح بسته شد ۱۸۰۱ و از ایطالیا سایر حدود نهای قبلی بود. این اضافه شده تقریباً
تمام ایطالیا در تحت تسلط فرانسویها باقی ماند بادشاهی در مملکت خود ستقر شد ولی قطع نظر از ممالک را فرانسویها

را فرانسویان اشغال کرده بودند و بموجب قرارداد لونویل با پاپ ممالکات او را هم رد کردند با تمام تعهدات رفع قدری از جنگ [illegible]
انگلیسها جنگ شدیدی کرده و در دریا غالب بودند در هر موقع عده از ممالکات فرانسه و اسپانیا و هلند و غیره را [illegible] را هم
با اضافه مصر در تصرف داشتند ولی برای این پیروزیها قریب ۱۵ هزار کرور فرانک خرج کرده بودند و تجارت و صنعت انگلیس
بواسطه این خرجها [illegible] در حال بحران شدیدی افتاده بود و کشور [illegible] بیش از آن نتوانسته جنگ را امتداد
دهد و کذلک [illegible] انگلیس اتحادی بر ضد فرانسه در اروپا ممکن نبود [illegible] از [illegible] انگلیس [illegible] بود
و در حق آن [illegible] اقدامات انگلیس [illegible] لهذا [illegible] انگلیس هم راضی بصلح شد و بعد از مذاکرات مقدماتی در لندن در Amiens
معاهده صلح بسته شد ۱۸۰۲ و انگلیس تمام ممالکات دولت سابق الذکر را رد کرد به استثنای [illegible] کاپ در افریقا
و جزیره سراندیب و وعده داد که [illegible] دولت را تخلیه کنند بشرط آنکه فرانسویان هم [illegible] را
تخلیه نمایند و معلوم است اول شرط صلح [illegible] جمهوری فرانسه [illegible] عهدنامه [illegible] اول [illegible]
انگلیس و فرانسه هردو [illegible] عهدنامه را [illegible] جنگهای شورش فرانسه [illegible] ولی حال صلح یک سال
بیشتر دوام نکرد [illegible] انگلیس [illegible] نقض [illegible] شد

رجال نودک شورش فرانسه — [illegible] اهمیت [illegible] است [illegible] برای [illegible]
چنین کار [illegible] وجود [illegible] رجال بزرگ لازم است چنانکه اگر بخواهیم تمام رجالی را که در شورش فرانسه [illegible] اسامی [illegible]
ذکر کنیم فهرست [illegible] ایشان [illegible] طولانی خواهد شد
رجال معروف انقلاب فرانسه دو طبقه میباشند یک طبقه کسانی که در ابتدای انقلاب [illegible] فرانسه کار کرده اند
طبقه دیگر سردارانی که در جنگها [illegible] ثابت [illegible] بعضی از رجال [illegible] طبقه [illegible] شمرد
از طبقه اول [illegible] La Fayette [illegible] قبل از انقلاب فرانسه در جنگ استقلال
[illegible] شهرت [illegible] در شورش فرانسه هم وجود او [illegible] اهمیت داشته است

Bailly اول حاکم پاریس در انقلاب فرانسه و اول رئیس مجلس [illegible] در salle de jeu de
paume در جواب [illegible] ۱۶ [illegible] نمایندگان را امر بخروج کرده گفت [illegible] ملت [illegible]
[illegible] حکم کند و میرابو Mirabeau [illegible] ناطق [illegible] انقلاب فرانسه [illegible] از اشراف بود و ابتدای
[illegible] اشراف [illegible]
از جانب اشراف [illegible] چنانکه پیشتر گفتیم نماینده طبقه ثالث بود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ۱۷۹۱ در
[illegible] Danton [illegible] دانتن [illegible] Des-
moulins [illegible] Robespierre , Marat و Siéyès [illegible]
[illegible] (ترتیب [illegible])
[illegible] Carnot [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
Carnot a organisé la victoire [illegible] را مرتب کرد

اما طبقه دویم یعنی سردارانی که در دوره اول مشهور شدند اول ناپلئون بناپارت که احوال او را نگاشته ایم و باز خواهیم دید
دیگری سردار بزرگ هُش Hoche که از جوانترین سرداران مشهور فرانسه است. هش مثل اکثر سرداران مشهور دوره
انقلاب از طبقات پست بود و بکفایت شخصی بعد از گذشتن مدتی بتدریج دارای رتبه عالی نظامی شد مهمترین علت پیشرفت او انقلاب
فرانسه کبیر و ملاحظه نسب را نمیکرد. هش گذشته از رشادت و تهور نظامی که در ابتدای کار خود ظاهر کرد به آن واسطه خود را
در سن ۲۳ سالگی بسرداری رسانید نخستین کار بزرگ در سرداری خود کرد اول جنگ [illegible] است در [illegible] جنگ [illegible] اول
در همان موقع [illegible] Wissembourg واقع شد [illegible] در همان وقت [illegible] واقع شد کار [illegible] فرانسه [illegible]
بود و در آن اثنا کفایت هش بروز کرد بعد از این خدمت بزرگ بواسطه حسد یکی از سرداران [illegible] در حکومت انقلابی [illegible] ایالت
[illegible] و حتی چندی محبوس شد و شاید اگر [illegible] در [illegible] Vendée و بعد از مدت
محبوس خود ایالت [illegible] را بعد از [illegible] در حال [illegible] بود و چنانکه باید اصلاح شد هش را مأمور آن ایالت
کردند و الحق [illegible] مهارت و رشادت [illegible] با کمال [illegible] بعد از آن [illegible] عدالت را [illegible] و [illegible]
رفتار کرد [illegible] و [illegible] [illegible] شدند [illegible] با کمال
[illegible] چنانکه [illegible] شد [illegible] در آن موقع از [illegible] مأمور [illegible] مجبور [illegible]
شدند دولت فرانسه در [illegible] قشون جدیدی برای رفع آن [illegible] ناپلئون [illegible] و سرداری این اردوی
جدید را به هش [illegible] خود هش [illegible] ناپلئون در ایطالیا [illegible] در آن
[illegible] اردو [illegible] ولی [illegible] در حرکت آن [illegible]
شد [illegible] ناپلئون و اطریش [illegible] صلح کرده [illegible] اردو را حرکت داده [illegible]
دیگر [illegible] اطریش [illegible] بود ولی [illegible] خبر [illegible] جنگ [illegible]
هش [illegible] از هش [illegible] است [illegible]

دو ملکت داری مردم را [illegible] است معلوم نیست که اگر او زنده بود با ناپلئون میتوانست امپراطوری شود یا نه
سرداران دیگر از نظر [illegible] دوموریه Dumouriez [illegible] از سرداران قشون قدیم بود و [illegible] در
ابتدای جنگ [illegible] اول [illegible] تسلیم دشمن کرده
ژوردان Jourdan و مُرُو Moreau و ماسنا Masséna این سه نفر جزو سرداران
[illegible] و امپراطوری [illegible] هر [illegible] اول شد چنانکه [illegible] [illegible] بود و ژوردان
[illegible] بود

قُنسول — دوره قنسولی از آخر ۱۷۹۹ ابتدا گرفته است تا ۱۸۰۴ و بنابراین پنج سال طول کشیده است و این دوره را اصلاح
خرابی های فرانسه [illegible] مملکت و فراهم شدن مقدمات امپراطوری ناپلئون [illegible] دوره قنسولی جزو دوره جمهوری و [illegible]
حکومت استبدادی ناپلئون است
جنگهای انقلاب فرانسه [illegible] آن مملکت [illegible] و عدم کفایت هیئت مدیره [illegible] و [illegible]
[illegible] بود چنانکه [illegible] و گذشته از ضررهای جنگ [illegible] خرابی [illegible] اداره [illegible]
[illegible] هیئت مدیره کار [illegible] رسیده بود که در خزانه دولت ۱۳۷ هزار فرانک بیشتر پول موجود نبود [illegible]
[illegible] و عدم [illegible] و [illegible] و [illegible] حقوق [illegible] عقب افتاده بود [illegible]
بود و [illegible] عمومی [illegible] افتاده بود [illegible] دزدی و راهزنی [illegible]
قدرت [illegible] و [illegible] ایشان را [illegible] [illegible] قشون [illegible]
حقوق [illegible] قشون [illegible] فرانسه [illegible] غارت [illegible] مردم فرانسه [illegible] انقلاب [illegible] خرابی [illegible]
دل [illegible] رسیده بود [illegible] سرداری [illegible] [illegible]
[illegible] در این حال [illegible] قشون فرانسه رسید [illegible] [illegible]

وضع را تغییر دهد از جمله سی‌یس که عضو دیرکتوار بود و به یک حکومت مقتدری معتقد بود سرداری با نفوذ لازم میدانست و بعد از قدری
تردید نظر او متوجه ناپلئون شد. در این ضمن ناپلئون هم در این خیال بود از مصر حرکت کرد و قبل از ورود به پاریس مابین او
و سی‌یس گفتگوها در این خصوص به توسط [illegible] چون ناپلئون به پاریس رسید نقشه طرح کودتا Coup d'état ریختند
در این موقع لوسین بناپارت Lucien Bonaparte برادر ناپلئون رئیس مجلس پانصد نفری بود
و دو نفر از مدیرها سی‌یس و ناپلئون و سی‌یس همراه شدند و طرح ایشان این بود مدیرها را به استعفا وادارند
و مجلس را وادار کنند به یک کمیته مرکب موقتی برای مراجعه در قانون‌ها اختیار بدهند در روز ۹ نوامبر ۱۷۹۹ م
مطابق تقویم انقلاب فرانسه ۱۸ ماه برومر Brumaire بود رئیس مجلس شیوخ مجلس را اطلاع کرد که یک دسیسه
سری مخفی بر ضد جمهوری واقع شده است و جلوگیری آن فوری است مجلس فوراً قشون پاریس را به ناپلئون داده مجلس را از پاریس
به یک نقطه خارج شهر منتقل کرد روز بعد دو مجلس منعقد شدند و قریب [illegible] مجلس پانصد نفری حفظ قانون اساسی قسم خوردند
پس از آن ناپلئون وارد مجلس گشت نمایندگان فریاد برضد او کرده Hors la loi [illegible]
بستند چهار نفر با نیزه همراه او بودند او را بیرون بردند و ناپلئون در واقع شکست خورده بود ولیکن در این اتفاق برادرش لوسین
موقع را غنیمت دانسته از مجلس بیرون رفته به عنوان ریاست مجلس برای قشونی که حاضر محافظت مجلس بودند نطقی کرده گفت مجلس
از نفوذ [illegible] شده است [illegible] نمایندگان را گرفته‌اند و این [illegible] در مجلس سردارها را کشیدند [illegible]
[illegible] اطاق [illegible] نمایندگان را بیرون کنند [illegible] اطاعت کرده و به این ترتیب اختیار به دست ناپلئون و سی‌یس
و همراهان او افتاد و شب از روز بعد از نمایندگان دو مجلس در اقلیت [illegible] جمع شده مجلس رسمی منعقد کرده سه نفر قنسول معین
کردند (ناپلئون و سی‌یس و یک نفر دیگر) و ناپلئون را هم قنسول اول در واقع به آن سه نفر ریاست
دادند و سه نفر قنسول را مامور کردند کمیسیونی برای تجدید نظر در قانون اساسی تعیین نمایند این وقایع معروف است
به کودتای ۱۸ برومر Coup d'État 18 Brumaire

[illegible]

قانون اساسی ۱۷۹۹ سال ۸ — اول کار قنسولها کمیسیون قانون اساسی بود [illegible] کمیسیون [illegible] ناپلئون را فقط [illegible]
و امور [illegible] در این موقع [illegible] دارای [illegible] اول شخص فرانسه است [illegible] از او [illegible] تمام مطالب [illegible]
و قدرت [illegible] سرداری در دست [illegible] چند قانون [illegible] تا عاقبت خود او طرحی
پیدا کرد [illegible] آن طرح قانون‌های [illegible] قانون‌های فرانسه است [illegible] قانون اساسی سال هشتم
و [illegible] آن تا آخر امپراطوری ناپلئون باقی بود بعد از اتمام قانون‌ها [illegible] رای عمومی قرار دادند (Plébiscite)
و به اکثریت [illegible] سه میلیون مردم به قبول آن رای دادند [illegible] کمتر از ۱۶۰۰ نفر [illegible] رای عمومی
تا ۱۸۰۰ طول کشید [illegible] قانون‌ها را [illegible] گذاشتن آن تمام [illegible] اجرا گذاردند
برحسب این قانون [illegible] سه نفر قنسول معین شده بود [illegible] ده سال [illegible] قنسول اول ناپلئون بود
و [illegible] تابع ناپلئون [illegible] دو نفر [illegible] (Le Brun و Cambacérès)
تمام فرانسویها عموماً از سن ۲۱ سالگی حق رای [illegible] درجه اول عشر عده خود [illegible] برای [illegible]
انتخاب [illegible] Notabilités Communales [illegible]
عده [illegible] انتخاب [illegible] Nota. Départementales [illegible]
[illegible] Nota. Nationales [illegible] قنسول اول [illegible]
[illegible] Sénat [illegible]
قنسول اول [illegible] Not. Natio. [illegible]
[illegible] Corps législatif [illegible] Tribunat [illegible]
[illegible] قنسول اول [illegible]
فقط [illegible] قنسول اول [illegible]

[illegible]

شورای دولتی مرتب در مجلس Tribunat مباحثه میشد و آن مجلس رأی به قبول یا رد میداد و سه نفر Tribun (اعضای تریبونا) آن قانون را مجلس مقننه Corps législatif برده عقیده خودشان در رد یا قبول را از جانب تریبونا اظهار میکردند و دلایل او را شرح میدادند و مجلس بعد از استماع نطق آن سه نفر رأی مخفی آن قانون را رد یا قبول میکرد و بعد از قبول بسمت آن به تصدیق قنسول اول میرسید مجلس سنا با وجود آنکه ظاهراً حق نفوذ به مجلس مقننه داشت و گذشته از انتخاب کننده سابق ذکر شد وظیفه آن حکم بر موافقت قوانین یا مخالفت آن بود با قانون اساسی یعنی هر امری را که تصور میکرد مخالفت آن با قانون اساسی است میتوانست فسخ نماید و آن مجلس موافقت یا مخالفت آنرا اعلان میکرد

اقدامات ناپلئون در دوره قنسولی — ناپلئون در شش ماه اول قنسولی قدری زیاد است در امور مملکت داری مشغول داود و با اندازه کار کرد و به قدر ... درست کرد اوضاع مرکز آن خرابی بود بعد از شش ماه به اندازه اصلاحات شده بود و ترتیبات جدید داده شده بود و حکومت جدید یک کار تأسیس داشت در صورتیکه در همین اوقات جنگهای خارجی با کمال شدت در کار بود

اول کار ناپلئون تغییر ترتیب ادارات خصوصه ادارات ایالتی ترتیبی را که مجلس کنوانسیون داده و در واقع مرکزیت حکومت را از میان برده بود ناپلئون تغییر داده قدرت دولت و ترتیب مرکزیت را برقرار داشت تقسیمات ایالات را که داشت فقط لفظ آنرا عوض کرده ... به Arrondissement و برای هر یک از آنها یک نفر حاکم قرار داده از مرکز معین شود و در تقاضای حکام فقط مجلس اسم کمیتی از ژنرال و کمی وارد ایالات و کمیسیونی برقرار کرد که کار این انجمنها فقط تقسیم جزء مالیات بود و ولایات و شهرها و قراء این حکام از جانب شخص قنسول اول معین میشدند و اصل این ترتیب مبنی بر قدرت استبدادی و مرکزیت شدید در جمهوری آخری فرانسه (از ۱۸۷۰ به این طرف) از حیث ... اصلاحات کرده اند ولی اساس آن همان است که ناپلئون گذاشته در ترتیب عدلیه و ادارات قضائی را هم ناپلئون تغییر داد و قضاة را ... و برای ایشان حقوقی قرار داده از جانب دولت معین میشدند ولی برای آنکه ادارات قضائیه که تابع اغراض دولت نباشد قضات را منفصل نکرده قرار دادند ترتیب محاکم همان است که هنوز در فرانسه معمول است ترتیب مالیه هم به آن طریق اصلاح شد و اصل آن باقی است (تقسیمات ... مالیات

مالیات مستقیم و غیر مستقیم و تعیین تحصیلدارها برای ولایات به ترتیب که ولایات و دهات (Percepteur تحصیلدار Controleur مفتش مالیه و تعیین Rece. général تحویلدار Receveur Particulier از برای اعتدالیات در ولایات) (مجموعه قوانین که از زمان ... تدوین کرده چون تمام بود ناپلئون از تمام کرد و این یکی از کارهای بزرگ ناپلئون بود)

عقیده ناپلئون این بود که مذهب بهترین کمک بزرگی در حفظ امنیت برای دولت باشد علاوه ممکن است در سایه لطف قدرت رئیس دولت باشد نظر باین عقیده و اصول بود که رابطه ... بین دولت و کشیشها ... ناپلئون مصمم شده با پاپ قرارداد ... در ... پاپ پیوس هفتم ... موضوع ... قرارداد را انجام داد قرارداد بین ... و پاپ را بطور عموم کنکوردا Concordat میگویند و این قرارداد ... لفظ ... است به موجب این کنکوردا ... و اموال مذهبی از جانب پاپ تصدیق شد و تعیین کشیشها به قنسول اول شد ... ایشان از جانب پاپ کشیشها باید به اطاعت دولت قسم یاد کنند ناپلئون بعضی فصول هم به Organiques (فصول الحاقی) به کنکوردا ضمیمه کرد و هر چه پاپ ... آن فصول ... این فصول ... دولت را ... مذهبی ... در ترتیب کاتشیزم Catéchisme (یعنی ...) ... قدرت رئیس دولت و اطاعت او را جزء فرائض مذهبی میگرفتند

اقدامات ... اصول کارهای ناپلئون بود و بعد از ... ادارات مملکت ناپلئون ... از قبیل اصلاح تحصیلات ... و تأسیس مدارس ... Légion d'honneur ... و ترتیب ... ment — و تأسیس بانک فرانسه و ... و اصلاح طرق و شوارع و انواع مختلف تشویقات برای صنعت و تجارت نموده است بطوریکه در هیچ ... تاریخ فرانسه برای اصلاح ترتیبات اداری و امنیت و آبادی مملکت به اندازه چهار سال قنسولی ناپلئون کار نشده است

مادام‌العمری شدن کنسولی — در ابتدای کار ناپلیون سلطنت‌طلبها گمان کردند در ترتیبات داده مقدمه برقراری سلطنت برای
لوئی بوربون خواهد بود و تندی از علت تصور آنها که از حسن تدابیر ناپلیون بود و دلالت بر کمال زرنگی او میشود توضیح آنکه
ناپلیون به اشخاص با تدبیر و عقاید هیچ نظر نکرد و هر کس را لایق کار دید به خدمت گماشت اعم از جمهوری‌طلب و سلطنت‌طلب برای آن
کار گماشت. اما ناپلیون برخلاف تصور سلطنت‌طلبان در صدد بود که برای شخص خود ترتیب مدتی بدهد و با نتیجه؟
قنسولی ده‌ساله اکتفا نکرده بعد از صلح Amiens که طرفداران او در سنا تکلیف کردند که در ازای خدمات
قنسول اول اجرت شکرگزاری او را برای ده سال دیگر انتخاب تجدید کرده ولی ناپلیون رأی سنا را به‌تنهائی قبول نکرد و
به بهانه طلب رأی عمومی بر تقویت رأی سنا داشت، چنانکه برای اخذ رأی عمومی به این طور سؤال کردند آیا قنسول اول
مادام‌العمر دارای این عنوان خواهد بود؟ سه میلیون و ششصد هزار نفر رأی قبول دادند در مقابل هشتصد هزار نفر رد و بهمین عنوان
قنسولی مادام‌العمری شد. در قانون اساسی هم بعضی تغییرات داد از جمله اختیار رتبتی معاهدات را به‌شخص قنسول اول واگذار کرد و ترتیب
انتخاب را هم تغییر دادند (انتخاب‌کنندگان درجه دوم و سوم مادام‌العمر شدند و هیئتی که آنها را Collège گذاردند
(و مجموع انتخاب‌کنندگان را Collège électoral گویند) و این انتخاب‌کنندگان فقط برای هر شعبه مقدار آن
دو طرف بشود دو نفر داوطلب انتخاب بکنند. سنا حق دادند در موادی به عنوان Sénatus Consulte
بعضی از اینها به قانون اساسی اضافه کنند

امپراطوری ناپلیون و جنگهای این دوره تا ۱۸۱۵ — سلطنت‌طلبان بعد از اینکه قنسولی اول مادام‌العمری شد از ناپلیون قطع امید شدند و [illegible]
مخفی بر ضد او کردند. عاقبت Moreau برای برداشتن ناپلیون با سلطنت‌طلبان و جمهوری‌طلبان اتفاق کرده
بخود همراه شد ولی آخر الامر این دسته‌بندی کشف شد و معروف است واقع شد در [illegible] دانگین
یکی از شاهزادگان بزرگ را به اتفاق [illegible] جماعت دادند [illegible] او را [illegible]
تیرباران کردند و گذشته از کشتن یکی از [illegible] به قتل رسید Moreau را هم تبعید کردند با این ترتیب سلطنت‌طلبها شدت

ترسیده آرام شدند ولی این دسته‌بندی بهانه شد که یک درجه دیگر مقام ناپلیون را بالا ببرد و چند روز بعد در ۱۸۰۴ بنا به حکم
یک Sénatus Consulte ناپلیون را لقب امپراطوری داده جمهوری فرانسه را به ناپلیون سپرد و امپراطوری را
در خانواده او ارثی کرد. ناپلیون پاپ را به پاریس دعوت کرده تاج امپراطوری را از دست پاپ گرفت
دوره امپراطوری ناپلیون ده سال طول کشید از ۱۸۰۴ تا ۱۸۱۴ در این مدت تأسیسات جدیدی نشد فقط تأسیس اداری ناپلیون
در ترتیب Université بود که بعد شرح خواهیم داد ولی [illegible] کارهای این دوره غالباً
قدرت شخص امپراطور و زیاد کردن وضع حکومت استبدادی مطلق بود و مخصوصاً کارهای بزرگ دوره امپراطوری جنگهایی است که
ناپلیون برای برقرار کردن فرمانروائی خود برپا کرده است و شرح هر یک از این جنگها نیز در تاریخ تمام اروپاست و جداگانه شرح خواهیم داد
ابتدای امپراطوری ناپلیون از زمان شهرت کمال قوای عقلانی و دماغی او بوده است و بیک نظر ابتدای نقصان کار او است در این موقع توجه کاری از
ناپلیون دیده شده است که هیچ در زمان نظیر نداشته است خود او گفته است در امور مختلفه در دماغ من مثل این است که جعبه جداگانه داشته باشد
هر وقت بخواهم در هر امری توجه [illegible] بیرون بیاورم و اصلاً [illegible] اسباب [illegible] حواس [illegible] تمام امور را از [illegible]
جنگ [illegible] ترتیب میداد [illegible] روز مدت کمی را صرف خواب و خوراک میکرد و بقیه اوقات مشغول کار بود در اوقات کار
او چند نفر منشی در حضور او می‌نشستند و او به هر کدام مطلبی را املا میکرد در تمام امور کمال مهارت و کاردانی داشت ولی با همین [illegible]
فوق‌العاده [illegible] غرور فوق‌العاده بود [illegible] برای شعبه به هیچ مشورت برای خود لازم نمیدانست [illegible]
کنسولی در جستجوی مردمان بزرگ داشته بود و ایشان را طرف مشورت قرار میداد در زمان امپراطوری از هیچ قسم اشخاص دوری جسته [illegible]
در اطراف خود جمع بکند و زینت به دربار [illegible] باشد. ناپلیون شخصاً همیشه لباس ساده داشت و وضع ساده رفتار میکرد [illegible] در زمان امپراطوری
هم این [illegible] را تغییر نداد ولی [illegible] ترتیب دربار امپراطوری [illegible] دربار لوئی چهاردهم مرتب کرده [illegible] عادات [illegible]
مناصب قدیمه دربار را برقرار نمود و اشراف را به دربار جلب کرده القاب و امتیازات اشرافی برای آنها [illegible]
داد [illegible] صورت ظاهر ارستقراطی قدیم تجدید شد. اضافه علت اشراف جدید [illegible] از کارهای بزرگ ناپلیون [illegible]

طبقات مختلفه مردم از سلطنت طلب و جمهوری خواه بهمرجه در اراده امپراطوری فرق نکند است در حالتیکه سلطنت طلبها و جمهوری طلبها
هر دو بشدت با او مخالفت میکردند

پلتیک خارجی ناپلیون — تشکیل هیئتهای دیپلماسی — انگلیس در موقع صلح Amiens فقط بواسطه شکست دائم از بحران
تجارت و انزجار طبع مردم از طول مدت جنگ راضی بصلح شدند و حقیقة از جنگ با فرانسه منصرف نبودند بعد از صلح دیدند در فرانسه با قدامات
ناپلیون از جهت ترقی میکند و تجارت آن مملکت لطمه میبیند و بر عکس اقتدارات خارجی آن سیر فزاینده چنانکه ناپلیون بعد از آن قسمتی از فرانسه
در اروپای غربی از جانب بین عیوض انوایم و جهت حامی کرده بود شگفت رسید در موقع یک بحران نمت داخله برای آنها چیزی که دیگر
به ناپلیون ترجیحی شدند بلاد و ترتیب امور و انیس رابطی و صلح دهخود دلو این ترقیات و هیجان رشد انگلیسها را از صلح پشیمان
میکرد تا زمانیکه ناپلیون برای ترویج تجارت و صنعت فرانسه خواست قدری از ورود مال التجاره انگلیس به فرانسه جلوگیری پیدا
کرده مانع ترقی صنعت آن مملکت بود جلوگیری کند و حقوق گمرکی را در سرحدات سعی کرد بعد از این کار انگلیسها جمال
خسارت صلح با فرانسه را از یاد برده از جنگ و دیده تصمیم بجنگ شدند از طرف دیگر برای تشکیل کشتیها در تحت نظر بیگانه ما لت
را الزام دید لهذه و موجب قرار داد با صلح Amiens است بیرون آن جزیره را تخلیه کند لهذا از تخلیه آن جزیره امتناع
در زمانیکه سفیر را با همانه قطع روابط اقدام بجنگ قرار داد و در اواخر تنزلیه دول اصلاح جنگ را مخاصمه کرده در
دریا متصرفین کشتیهای تجارتی و جنگی فرانسه شدند ناپلیون در همین حین امپراطور شد و بعد از امپراطوری بهمت گماشت بر اینکه قشون
به انگلیس پیاده کند و تهیه کار را کاملا به بنادر انگلیس برود و بتواند رفع خطر از طرف کرد در اول جنگ دریائی بکلی جنگ فرانسه
در بسیاری آنها بایستی قشون فرانسه از ماش عبور کند برای کشتی بهت تهیه مسیر برجد فرانسه بنای دولت روس
و اطریش بود با نظام خود انگلیس جلوگیری از نقاط جنگ فرانسه وسیله دیگر قشون را به انگلیس تشجیع کرد و اعلان کردن
روس و اطریش در جنگ ناپلیون را مجبور نمود که قشونی را که برای ورود به انگلیس تهیه کرده بود را جنگ آن دو
دولت گمارد بود (این قشون که در این موقع بجنگ با انگلیس تهیه شده قشون کبیر ناپلیون گفته اند grand armée)

قبل از آنکه قشون روس و اطریش از جانب دیگر بمقصد برسند ناپلیون خود را آلمان رسانده در اولم Ulm
(در نزدیکی دانوب) یکدسته قشون هشت هزار نفری اطریش را در جنگ (اولم برداری نیز چنین کرد و دیگر برداری نمود)
ناپلیون در این بهار و تابستان اولم مجبور به تسلیم کرد بر اثر این فتح راه وینه برای او باز شد و ناپلیون تا وینه پیش رفت و از آنجا با یک استقبال روبرو در بقیه
قشون اطریش تحت فرمان ... رفته در نزدیک شهر Austerlitz ... تن بجنگ کرد و قشون روس و اطریش را که ... از آن
انتخاب کرده بود شکست داد و بعد ... برفت قشون قشون را به دو دسته تقسیم کرد و یکی روسها و اطریشیها در این جنگ مغلوب شدند جنگ استرلیتز
یکی از بزرگترین جنگهای ناپلیون از جهت تدابیر جنگی که تاریخ جنگهای اروپا است در دسامبر ۱۸۰۵ بعد از صلح بعد از جنگ فرانسوا امپراطور اطریش
با ناپلیون ملاقات کرده و از در ... و صلح شد ولی در ضمن ... ناپلیون ... اجبار کرد که قشون روس و اطریش را باز قدری به عقب
از وینه راند عقد صلح در شهر پرسبورغ Presbourg در شرق وینه بسته شد و بموجب آن اطریش دارد که زیاد
ولایات عمده اداره خود (ولایات بندر ترلیت) را ... و ونیز مجموعا ... و نیز بعد از صلح Campo
Formio بایطالیا و آنچه از شهر ... بخش ... از ولایات اصلی اطریش از قبیل سوآب و تیرول و غیره آن و اگذار کرد و امپراطور
اطریش از عنوان امپراطوری آلمان صرف نظر کرد (پادشاه اطریش امپراطور آلمان بود از زمان امپراطوری ناپلیون لقب امپراطور اطریش
هم اختیار کرده بود و از صلح پرسبورغ تا آخر کار ناپلیون فقط با این عنوان خوانده میشد) ناپلیون ... و تیرول را به ...
... و باویر ... او متحد شده دادند و ولایات ونیز در ... را ملحق به دولت امپراطوری فرانسه کرد برای اینکه
این ولایت در سر راه مشرق است بود و یکی از مقاصد سیاسی ناپلیون این بود که در موقع تجزیه عثمانی شام و مصر را برای فرانسه بگیرد
(روسها و انگلیسیها هم طوری ... ایتالیا را تقسیم کرده از طرح تجزیه عثمانی هم بود و ... این واسطه در این اوقات غیر از جنگهای ناپلیون جنگ در اروپا
واقع شده است جنگهای روس و عثمانی است که ... بعدها اشاره به آن شد بین تجزیه عثمانی است و ... دولت روس را ... نزدیک
نسبت به جزیره بالکان تولید کرده که مسئله شرق Question d'Orient را که بعد شرح خواهیم داد ... کردند)

دولت امپراطوری ناپلیون بعد از صلح پرسبورغ — ناپلیون در وقتی که عنوان امپراطوری اختیار کرد نظر به تشکیل دولتی داشت

بنابراین لقب امپراطور قیصر که در این بود امپراطور اروپای غربی باشد این تیتر او در حقیقت بعد از صلح پرسبورغ منقرض گشت زیرا در آن امپراطوری فرانسه در اروپای غربی از حدود هلند و رود رن تا شمال ایطالیا بود تا حدود برنه و آلپ ایطالیا و با ضافه در ایطالیا از اطریش ایالات قدیمه ونیز را دارا بود بعد از این صلح چون پادشاه ناپل از فرانسه بریده بانگلیس متحد شده بود ناپلیون او را معزول کرده سلطنت ناپل را به ژوزف برادر خود داد و جمهوری باتاو هلند را هم چون قبلی اداره کرده بود بهم زده مملکت برادر دیگر خود را موسوم به لوئی پادشاه هلند کرد بعضی از ولایات فرانسه و خارج فرانسه را بعنوان پرنس و گرانددوک وغیره به برادرها و کسان خود بخشید و ایالت هانور را که متعلق به پادشاه انگلیس بود و در ابتدای جنگ تصرف کرده بود به دولت پروس واگذار کرد و پروس در عوض با او عقد اتحاد بست عده زیادی کارها برای اینکه دولتهای آلمان را از میان برداشته باشد در آلمان غربی یک اتحادیه از دول آلمان تشکیل داد موسوم به Confédération du Rhin در واقع رئیس این اتحادیه خود ناپلیون بود بعنوان حامی بالجمله در این امپراطوری فرانسه گذشته از ممالک متصرفه جز آن ایالت شده بود برای آلمان غربی و پروس و قسمتی از اطریش دستگاه تمام ایطالیا ریاست داشت بنابراین در این موقع ناپلیون امپراطور اروپای غربی بود چنانکه قشون او از این تاریخ بعد همیشه مرکب از تمام ملل اروپای غربی بود.

جنگ دریائی — در موقعیکه ناپلیون لشکر اطریش را در جنگ بری بدینطور مغلوب میکرد انگلیسها هم جنگهای بحری را در دریا پیش برده و در همین فتح اولم و استرلیتز یک شکست کلی به نیروی بحری فرانسه و اسپانیا وارد آوردند و بیان وجه در تمام زمان ناپلیون ملکه دریاها بعد فرانسه نتوانست قوای بحری دیگری تهیه نماید. این فتح انگلیسها موسوم به جنگ Trafalgar است و اجمال آن این است در این وقت کشتی جنگی فرانسه و اسپانیا قسمت عمده قوای بحری آن دو دولت بود از سواحل جنوبی اسپانیا بسمت سواحل فرانسه حرکت کردند نلسون Nelson امیرالبحر بزرگ انگلیس از حرکت آنها مخبر شد با آنکه بیش از ۲۷ کشتی نداشت در دماغه ترافالگار با آنها حمله آورده در ظرف پنج ساعت کشتیهای فرانسه و اسپانیا را منهدم کرد ولی خود او در این جنگ به یک گلوله فرانسوی کشته شد این واقعه در انگلیس اثر غریبی از حیث شعف داخل کرد

اما نتیجه این جنگ دریائی انگلیسها این بود که انگلیس بر دریاهای عالم مسلط شدند و کشتیهای فرانسه و اسپانیا را بآن درجه ضعیف نمودند که تصرف شد وسایل تسلیم کرده دور فرانسه در حال محاصره است و هیچ کشتی جنگی و تجارتی از هیچ سمتی حق ورود بنادر فرانسه را ندارد و بالاخره در اثر این نقطه انگلیسها دریاها را هم در جنگ با تصرف درآمده برای خطر ناپلیون برای فرانسه قطعی شد ترفیع اینکه اسپانیا از صلح پاک به بعد با فرانسه متحد بود و در جنگ ترافالگار قوای بحری و کشتیهای آن دولت فدای این اتحاد شد و چنانکه بعد خواهیم دید ناپلیون با وجود اینهم همراهی اسپانیا عاقبت دولت اسپانیا را از استقلال آن مملکت که تا آن زمان داشته ساقط و زحمت فراهم کرد.

هیئت اتحادیه رن Confédération du Rhin — در صلحنامه که بین فرانسه و اطریش بسته شد بعد از غلبه عنوان امپراطوری آلمان قرار اصلاح کار بزرگان آلمانی در دربار فرانسه ملک داشتند داخله نمودند و آن قرار این بود برای مجلس دیت آلمان به این مالکین در آلمان عوض داده شود مجلس دیت از جهت انگلیس بیشتر از ناپلیون بوده بیشتر امدکی از بعضی از املاک و سلاطین بگیرد و به آن انتخابی دهد عاقبت دیت به ناپلیون متوسل شد ناپلیون الکساندر اول امپراطور روس را هم در حکمیت با خود شریک کرد ولی در واقع در اینجا هم فقط برای نفع خود کار کرد و همین مسئله علت کدورت باطنی الکساندر و اتفاق او با اطریش در جنگ با فرانسه شد (چون از صلح پرسبورغ الکساندر امپراطوری ناپلیون را تصدیق نکرد) در نتیجه ناپلیون در این موقع از ممالک آلمان که در حدود غربی از ممالک حکمرانی آلمان رفته به این ترتیب عده ممالک آلمان خیلی کاسته شد و دولت هریک از آن ممالک که اراضی بلی افزوده شد ناپلیون در این تقسیمات منظور اصلی مداخله برای خود در آلمان ایجاد کرده ضمناً در آلمان را با خود همراه کند بلی لطف بزرگ فرانسه خطر بزرگی کرد زیرا درست فرانسه تا آن وقت همیشه از تقسیم ممالک آلمان و عدم یک قوه مرکزی در آن مملکت استفاده میکرد ولی اینکه ناپلیون کرد آلمان را به شکل یک قوه مرکزی متحده نزدیک کرد و بالاخره نظر این اقدام ناپلیون ضربت بزرگی به ملت آلمان بود زیرا حقیقتاً آلمان را به تشکیل دولت آلمان حاضر شد در اوقات ناپلیون با پروس متحد بود الحاق کرد در جنوب آلمان ممالک آلمان را در تحت یک قوه مرکزی بریاست پروس درآورند ولی بعد که با این اتحاد مخالفت کرد و بعد از صلح پرسبورغ شانزده ایالت آلمان غربی را با اضافه چند ایالت آلمان مرکزی را با او متحد نمود و اتحاد دو از آن دو با اطریش جدا شده در تحت مرکز ناپلیون

سفیر و مستمند ناپلئون بود (بادن و وورتمبرگ و باویر) و شنیده است فریدریک اتادی دلوند با لباس رسمی مخصوص ها
کنفدراسیون رن و با ناپلئون عقد اتحاد بسته و بالقب‌های ثابت که در دلوند و اختیار جنگ و صلح ثابت اتحادیه را با دو داکها کوزه

جنگ پروس و هشت اتحادیه چهارم — در این زمان پادشاه پروس فردریک گیوم سوم بود و اوادهاش متلون بار آمده بود کارهای
لفه بیت ناپلئون و کارهای او اتاد و امید در این ایام عمر با صلح نمودن به نظام پروس بوده با تجهیه معتقد بر اراضی ناپلئون بود زن
فردریک گیوم ملکه سیسی با اتاد پروس زن هاشت و فردریک گیوم کاهی برای وزرای خود کارهای به ملکه رجوع میکرد
جنگ هترلیتش اورا به اتحاد ناپلئون تصمیم کرد و تا این قصه بود ناپلئون هانور را در عوض بعضی ولایات پروس داده اگر امور
ولی انگلیس بعد جلو ناپلئون در مذاکره صلح در آمده و اورا واقفی کند که به پروس چنین گیری داده هانور را به پادشاه انگلیس پس دهد
ولی چون قصد حقیقی او این صلح نبود و مذاکره به نتیجه نرسید برای اینکه اطلاع به ناپلئون برسد به فردریک گیوم چنین نمایاند که ناپلئون
حاضر شده است هانور را بدل عوض از پروس گرفته بانگلیس دهد این شنیده فردریک گیوم را الضدیت وادار کرد و در دربار پروس
هیجان شورش فوق برضد ناپلئون پیدا شد و ملکه اگرچه صاحب منصبان جز ناپلئون ترجیح داد فردریک گیوم غفلتاً اولتیماتومی
برای ناپلئون فرستاد مبنی بر تخلیه آلمان و صرف نظر از آن ممالکات ناپلئون لیک هیچ موقعی از آنکه پروسیها تا به خود را دارا کنند
حدود فرانسه نبرد و مذاکرات خود را برای داخل کردن آلمان در جنگ با فرانسه نصرت روس و کتاکنه جای اینکه
پروسیها طرحی ریخته بود با ناپلئون در قشون فرانسه را غافلگیر کنند ناپلئون آنها را غافلگیر کرد قشون ناپلئون در ساکس
تقشون پروس رسید و در جنگ Auerstaedt و Jena در مدت شش روز قشون پروس را منهزم کرد
سردار حقیقی قشون پروس دوک دو برنزویک بود (ظاهراً فرمان جنگ با شخص پادشاه بود) و با وجود کفایت سردار پیر قشون پروس
در اثر بی تهیه برای بازگشت نبود طرح ریخته بود تا کامل در تباهی سقوط قرار گرفته اکتبر ۱۸۰۶ ناپلئون
در برلن داخل شد و سلطنت عمارات و حکم پادشاه پروس را در کال احترام نگه داشت از کارهای او در برلن
کرد این بود در مقبره فردریک کبیر رفته مدتی با آن مقبره نظر کرد عاقبت شمشیر او را برداشت کهف

این حال برای فردریک گیوم شهر ... سال از ۲ پروس و عده بین ۲۰ الی ۳۵ هزار نفر قشون نمود با این حال
روسها و سندها قبول اتحاد و با پروس را برضد فرانسه کرده (روسها قبلاً با انگلیس قرار ... با فرانسه را دلیل نموده و پادشاه
شده از ابتدا با فرانسه و ناپلئون سلطنت ادوارد ... از حق الهی تمدید فسخ کرده ... در تمام ... برضد فرانسه دائمی بود)
بعد از شکست پروس قشون روس به لهستان ... جنگ پیش بود ناپلئون با مصلحت خود را در این دید از نسبت قشون روس
پیشرفتی ... لهذا به قبول آنها به لهستان رفت و لهستانیها را به عنوان عظمت حقوق‌شان برضد روس و پروس تحریک کرد
و با ... برای روسها جنگ در لهستان ... شد سردار روس ... شد در ... جنگ کند روسها با قشون امپراطوری (ناپلئون)
مقاومت کنی ... در آنوقت ... بود ... در ... ۱۸۰۷ بین روسها و ناپلئون واقع شد در ...
و ... در حوالی ... Eylau ... روسها ... عقب نشسته ... قشون ناپلئون هم ... دور ...
... ۲۵ هزار ... (عده قشون فرانسه ۵۰ هزار و روسها ۷۰ هزار نفر بوده) ... این جنگ ... بود
و سردار روس Benningsen ... بود ... ناپلئون را ... جنگ ... قشون
خود را ... کرده بود ... ولی بعد از واقعه Heilsberg ... طرف ...
... مذاکرات صلح ... ناپلئون بود ولی روسها ... عاقبت ... ۱۸۰۷
در ماه ... Friedland ... روسها ... ناپلئون ...
غالب کرده ولی بعد از ... برای روسها ... روسها ...
با ... ناپلئون ... صلح ...
در ... Tilsit ... روسها ...
و ... عقد صلح ... عقد اتحاد ...

(چون پادشاه پروس با ناپلئون صلح نکرد ... ناپلئون ...
... کرده)

در این صلح ایشان روس را هیچ دخلی نکرده بتمام ریاست پروس را در مشرق رود البه بود از آن دولت مجزی کرد و ممکن قسمت لهستان
روس را جدا نموده که از دو قسمت باهم وارشو ترتیب داده بود ناپلئون امیر انتخاب کننده ساکس را لقب سلطنت داده که از دوک ورشو را با دو اعطا
و از ولایات غربی پروس و بعضی ولایات دیگر دولتی بنام وستفالی تشکیل داده سلطنت آنرا به برادر دیگر خود ژروم Jerome داده
و در این مملکت وستفالی داخل تا در آن شده و با بی انگلیس تمام اتحاد با دشمن پروس داخل در این اتحاد نبود

منع تجارت انگلیس در اروپا Blocus Continental و اتحاد با روس. — در مقابل منع مال انگلیس از
در دو بنادر در فرانسه کرده بودند (با ضافه تمام مال التجاره‌های فرانسوی را در دریا در هر جائی هم در اختیار داشتند مطلق ضبط
ضبط میکردند) ناپلئون در برلن حکمی داده مبنی بر اینکه بنادر انگلیس بال تمامه ایشان از ورود به بنادر فرانسه در حال تمامه با آن دولت
ممنوع اند و چون این منع را به این عنوان کرده بود انگلیس در حال محاصره است این منع را Blocus continental
ناپلئون از زمان شروع جنگ ثانی با انگلیس تقاضای انهم بزرگ داشت تا اینکه به ترتیب به شدت انگلیس را مغلوب کند دیگر اینکه در قاره اروپا
ترتیبی فراهم بیاورد در انگلیس تا دارای چیزی بر ضد او ممکن باشد تا بتواند بنفس عقب نقشه خیالات خود را انجام دهد و انگلیس را مقهور کند و دانسته بود
قوه فرانسه به تنهائی برای انجام کافی نیست و ممکن است یک دولت معتبر دیگر با او متحد باشد و با این نظر بوده روس تقی از
مخالفین آن غرض کرده آماده آن دولت را قبول کرد بعد از جنگ روس با ترکیه دولت دیگر پیدا کند تمام حکم برلن و سلسله
Blocus continental احتیاج اروپا با تمام یک دولت قوی‌تر زیاد کرد زیرا برای انجام کامل آن معاهده با تمام اروپا را
با جرای حکم خود مجبور نماید که دیگر از تقاضای ناپلئون تجزیه دولت عثمانی بود برای تصرف شام و مصر و دولت روس را جائی که مید انم متمایل بوده در خیال
این تجزیه بود نظر باحتیاج ناپلئون و مناقشات موقتی او با روسها در باب عثمانی بود عاقلانه یک ملاقات Tilsit که دشمن فوق العاده
ناپلئون و الکساندر تبدیل به آن دوستی شد و اصول مطالبی در موضوع اتحاد واقع گردید از قبیل اینکه الکساندر منع تجارت انگلیس را
در ممالک خود مجری دارد و به یاد شاه و پرده تکلیف صلح با فرانسه نماید و در صورت عدم قبول فنلاند را از آن دولت سوئد بگیرد و تصرف کند
چون در آن وقت قشون عثمانی مشغول جنگ با روس بود ناپلئون با شاه تکلیف صلح بر این صرفه نماید دارا عثمانی قبول

نکرده فرانسه و روس متفقاً عثمانی را تجزیه کنند و غیر از قسطنطنیه و رومیلی چیزی برای آن دولت نگذارند

رفتار ناپلئون با پاپ. — ناپلئون چون خود را جانشین شارلمانی قرار داده بود متوقع است پاپ هم مرئوس او باشد قبل از جنگ پروس
تمکین نماید حکم داده بود کشتیهای انگلیس را از مملکت خود بیرون کند بعد از حکم برلن به پاپ حکم کرد که امتعه انگلیس را در مملکت خود ممنوع دارد پاپ
مانند سلاطین دیگر اطاعت نکرد زیرا متوقع است در جنگ‌های ناپلئون طرف باشد و بعلاوه متوقع است ثابت کند که مطیع ناپلئون نیست ناپلئون
ابتدا ولایات پاپ را تصرف کرده و بعد از آن آنرا الحاق کرده و آنکه دستگیری فرانسه بود وضع نکرد پاپ او را تکفیر کرد و پاپ ناپلئون را
تکفیر کرد کشیشها و عموم کاتولیکها باطناً بر ضد او شدند ناپلئون در این زمان مشغول پاپ را بواسطه پیری و سوء رفتار که با او شده حال
ضعف پیدا کرده بود اینجا قرار داده بود که از او گرفته تمام اختیارات خود را در واقع با ناپلئون واگذار کرده ریاست او را اشتباه بود
و قبول کرده بود و بعدها در فرانسه توقف نماید چون پاپ از آن حال ضعف بیرون آمد ملتفت شد چگونه قرار داده از او گرفته اند
و آنرا تکذیب کرد و به حال شارع باقی بود تا در موقع جنگ لایپزیک و بعد جنگهای دیگر ناپلئون بواسطه گرفتاریهای دیگر او پاپ
را رها کرد ولی در ضمن این کشمکش ممالک پاپ را بر حسب امپراطوری از قبیل جزو ولایات فرانسه قرار داد

نتایج منع امتعه انگلیس برای فرانسه و ناپلئون. — منع امتعه انگلیس برای این بود تجارت انگلیس را زمین زده آنرا
تمام و مجبور به درخواست صلح نماید و عکس عاقبت ناپلئون را تمام کرد توضیح آنکه ناپلئون هر چه پیشرفت حاصل میکرد برای استبداد و
میل او به مطیع داشتن دول دیگر سبب می‌شد فرانسه و منع امتعه انگلیس او را مجبور کرد در برابر رقیب خود نسبت به دول دیگر
بجدی در این راه حرکت خود را داده و قبول نکند زیرا اگر یک دولت بود امتعه انگلیس را در مملکت خود راه میداد نتیجه موقوف
حاصل نمیشد تجارت انگلیس در اروپا جمیع طرف احتیاج مردم بود زیرا قند و پارچه و لباس از مستعمرات دیگر و محصولات ممالک از
قبیل اینها از انگلیس متوسط آنها به انگلیس به اروپا میآمد با منع تجارت انگلیس بحران تجارتی شدیدی در اروپا تولید کرده
استبداد ناپلئون و صرف وجه او را برای استقلال ممالک در اروپا هم هیجان کرد بعد از آن زمان ملل اروپا جنگ ملل خود را با
فرانسه و ناپلئون فقط جنگ دولتی میدیدند و برای خود نفعی در آن تصور نمیکردند با بواسطه رسیدن عنوان از او طمع بکوشش ایشان

باطناً با انگلیس آن جنگ‌ها [illegible] از لحاظ [illegible] بوضعیت باشند منع امتعهٔ انگلیس [illegible] فرانسه در داده
اش [illegible] بود برای سعادت ملل اروپائی با فرانسویها بی اثر کرد بی اثر [illegible] زیرا [illegible] از جهت خود او را از شر استبداد
ناپلئون خلاص کند از [illegible] منع امتعهٔ انگلیس تا ۱۸۱۰ اراده است(۱) [illegible] لوئی برادر ناپلئون که پادشاه هلند بود با ناپلئون در
اجرای حکم برلن در [illegible] او از سلطنت و [illegible] هلند [illegible] کرده (۲) جنگ پرتقال و اسپانیا که بعد شرح خواهیم داد (۳) جنگ
اطریش [illegible] شکستهای فرانسویها در اسپانیا (۴) رفتار [illegible] پاپ [illegible] و قبل از تمام [illegible] مذکوره [illegible]
[illegible] با ناپلئون [illegible] آلمان و پروس [illegible] از جنگ روس قشون ناپلئون در آلمان و پروس [illegible] کرد زیرا [illegible]
[illegible] بهر وسیله [illegible] غالب شود [illegible] ممالک آلمان [illegible] کرده بود [illegible] قشون [illegible] و قشون او [illegible]
[illegible] منظوره [illegible] مجبور بود برای فراهم کردن آذوقه و [illegible] اردوهای خود [illegible] هر گونه اقدامی
[illegible] بعد از غلبه بر پروس ناپلئون [illegible] آن [illegible] را [illegible] کند [illegible] مقاومت [illegible]
[illegible] از قرارداد [illegible] بیش از ۴۵ هزار قشون [illegible]
تا [illegible] آن را [illegible] قرارداد [illegible] قشون فرانسه در ممالک پروس [illegible] باشند [illegible] در این عنوان [illegible]
آنچه [illegible] خسارت [illegible] از آن شکستهای [illegible] فرانسویها [illegible] و آلمان بحالی رسید
[illegible] اقرار [illegible] ایشان دشمنی فوق العاده آلمانها را نسبت بفرانسه [illegible] کرده است و این [illegible]
در [illegible] این صدمات را از فرانسه [illegible] در آلمان و پروس [illegible] ناپلئون [illegible]

جنگ پرتقال و اسپانیا — پرتقالیها با انگلیس قرارداد [illegible] داشته [illegible] شده بود [illegible] آن [illegible] بنابراین [illegible] پرتقال
از اجرای حکم برلن امتناع کرد ناپلئون [illegible] در زیر [illegible] اسپانیا [illegible] تمام [illegible] بطرف [illegible] از
پرتقال کرده بود [illegible] پرتقال [illegible] خانواده سلطنتی به برزیل فرار کرد در ۱۸۵۷ ولی [illegible]
را [illegible] و انگلیسها [illegible] پرتقالیها [illegible] و از [illegible] ناپلئون طرف [illegible] شده [illegible]

در ابتدا قشون ناپلئون [illegible] تمام [illegible] بود و بیشتر پرتقال را در تصرف در آورده ولی [illegible] قطع نشد و آخر کار ناپلئون [illegible]
[illegible] در ۱۸۰۸ ناپلئون [illegible] قشون ۸۰ هزار [illegible] به بهانه تقویت قشون در پرتقال وارد اسپانیا [illegible] و این عبور قشون فرانسه
از اسپانیا و وضع [illegible] (اسپانیا) تحریک خیال ناپلئون شد [illegible] در عوض [illegible] اسپانیا [illegible] آن [illegible]
[illegible] سلطنت اسپانیا را از خانوادهٔ بوربن بیرون آورد در واقع ناپلئون چون خانوادهٔ بوربن را [illegible] خود [illegible]
[illegible] از کار [illegible] کند [illegible] بود [illegible] اسپانیا از [illegible] بود پادشاه [illegible] شارل
چهارم مدت زیادی سلطنت کرده بود این پادشاه مرد بی‌هوش [illegible] بود و تمام کارها را [illegible] Godoy
وزیر خود گذارده بود [illegible] فردیناند [illegible] بود [illegible] وزیر [illegible] مردم [illegible]
[illegible] قشون [illegible] Murat [illegible] مردم [illegible] شارل [illegible] مجبور شد ابتدا Godoy
را معزول کند روز بعد خود استعفا داد فردیناند [illegible] سلطنت [illegible] کرد مورا شارل را به تکذیب [illegible] استعفای خود و فردیناند
را [illegible] ناپلئون برای [illegible] سلطنت خود [illegible] کرد ناپلئون در این وقت [illegible] اسپانیا [illegible] شارل و فردیناند و Godoy
[illegible] استقبال [illegible] در فرانسه بشهر Bayonne [illegible] و فردیناند را مجبور کرد [illegible] سلطنت را [illegible] شارل [illegible]
[illegible] Godoy سلطنت اسپانیا را [illegible] ناپلئون [illegible] برادر خود ژوزف [illegible] سلطنت اسپانیا را داده و [illegible]
[illegible] ژوزف [illegible] قشون فرانسه [illegible] اسپانیا [illegible] برای قبول [illegible]
اول آنکه سلطنت [illegible] ناپلئون را [illegible] دوم [illegible] ناپلئون [illegible] انگلیس [illegible]
زیرا [illegible] اسپانیا [illegible] خدمت و جنگ با قشون فرانسه شدند [illegible] قشون فرانسه
فاتح [illegible] ولی [illegible] بزرگ [illegible] Bailen [illegible] فرانسویها در اسپانیا [illegible] انگلیس [illegible]
گرفته [illegible] فرانسویها را [illegible] کرده ناپلئون [illegible] اروپا [illegible]
[illegible] اول [illegible] اسپانیا [illegible] انگلیس [illegible]

به مادرید رسید و اعلان بعضی اصلاحات کرد که چیزهای آن عبارت از اختیارات کشیش‌ها و ترتیب ازالهٔ تفتیش و انتظام ادارات و ترویج تجارت
و صنعت ولی اکثریت مردم اسپانیا با این اصلاحات با نظر بغض نگاه کردند بلکه به واسطه نفوذ کشیش‌ها از ضدیت دست نکشیدند خواهی اهل مملکت هم در مقابل
آن اصلاحاتی که از جانب ناپلئون بود ترجیحی به آن نداشتند و قرار داد که در ناپلئون با الکساندر اول ملاقات کرد در ارفورت جایی مجمع
زیرا که Talleyrand وزیر امور خارجه فرانسه در رفتار ناپلئون راضی نبود به طوری با الکساندر اول مذاکره کرد و باطناً او را از ضدیت
ناپلئون وادار داشت شکست فرانسه در اسپانیا طوری بین دول اروپا را از ضدیت ناپلئون که به همان اندازه بود در این وسیله از خیال جنگ
با او منصرف نشدند لهذا ناپلئون در مادرید خبر شد که دولت اطریش مستعد جنگ شده است و به عجله از اسپانیا خارج شد بعد از حرکت او اسپانیا
به همان شدت قبل بلکه بیشتر از پیش با قشون فرانسه نزاع و زد و خورد کردند و در این جنگ منظر تقبل خطر حتمی بود که فرانسه از عهده آنها
برآید بلکه تمام ادوات اسپانیایی‌ها ... مستعد بود به دست گیرند در تمام نقاط نیز اسپانیا حمله کردند در شهرها اهالی محصور شدند و پس از آنکه
قشون فرانسه قلاع شهرها را به دست آوردند در خانه‌ها و دکان‌های شهر مقاومت می‌کردند و با تیر فرانسوی‌ها را که به خانه‌ها راه یافته بودند می‌زدند
شهری مثل مرسه سالها آتش ... مدت چهار ماه جنگ کرده و فرانسوی‌ها مجبور شدند که یک یک خانه‌ها را بگیرند و چهل هزار نفر از طرفین تلف شدند
در صحرا اهالی اسپانیا لشکرهای نیز دسته دسته از کوه‌ها به دسته‌های کوچک فرانسه حمله کرده و آنها را با انواع عذاب‌ها تلف می‌کردند ناپلئون مجبور شد
سیصد هزار از قشون کافی خود را به اسپانیا بفرستد و با ... فرستادن این قشون فقط این شد که ناپلئون تا آخر کار خود در اسپانیا شکست
فاتح قشون صحیح بود و اسپانیایی‌ها هم تنگ‌تر شدند بلکه انگلیس‌ها توانستند از راه پرتقال به اسپانیا خود را به سرحد فرانسه برسانند

جنگ اطریش و حیثیت واقعه ... — دولت اطریش از آخرین جنگ با ناپلئون در صورت صلح قشون خود را تقویت کامل کرده بود و مستعد
موقعی برای تلافی از شکست‌های خود بود در وقتی که ناپلئون در اسپانیا مشغول بود اطریش و انگلیس با هم متحد شده و ... انگلیس دولت و قشون اطریش
به باواریا حمله بود ناپلئون به عجله خود را مرتب کرده به همان ترتیب معمول تمام جنگ‌های خود قبل از آنکه اطریشی‌ها کار مهمی از پیش ببرند
ناگهان به باواریا رسید و بعد از چند شکست به قشون اطریش وارد آورد و دفعه دوم وارد وین شد ولی این دفعه فقط دولت اطریش
مهیای جنگ شده بلکه ملت اطریش مستعد دفاع شد دولت قبل از جنگ از ملت خود درخواست همراهی کرده سرباز ... اعلان

کرده بود و شماره‌ای از لوی ارد و جنگ بکنند سرباز با نظم ... قشون ... ذیل اکاری را ظاهر کردند با این واسطه ارشیدوک شارل سردار
اطریش با وجود شکست‌های باواریا توانست در وین مقاومت کند در کنار رود دانوب در شرق وین مهیا بود ناپلئون از وین برای جنگ با ارشیدوک شارل
به سمت شرق روانه شد و جنگ سخت خونریزی در کنار رود دانوب واقع شد و بعد از شکستی که قشون اطریش برای عبور قشون فرانسه از رود
دانوب فراهم کرده بود ... ناپلئون قشون خود را از رود دانوب عبور داد و پس از آن در یک جنگ سخت دیگر ناگهانی
در Wagram اطریشی‌ها را شکست داد و این آخرین غلبه بزرگ ناپلئون بود ولی ارشیدوک شارل بعد از این شکست باز اردوی
خود را جمع آوری کرد و اطریشی عقب نشست ... شکست قشون فرانسه را تهدید کند معذلک دولت اطریش تقاضای صلح کرد و در وین صلح نامه نوشته شد
1809 به موجب این صلح تمام ولایات اطریش در کنار دریای آدریاتیک به فرانسه داده شد و قسمتی هم از ولایات اطریش به
باواریا داده شد

قوت دولت امپراطوری ناپلئون و منتهای ترقی — حقیقتاً منتهای ترقی ناپلئون موقع فتح روس بود و از ابتدای جنگ اسپانیا اسباب
ضعف او فراهم شده بود ولی فتح واگرام او روی علامت ضعف را پوشانید با این حال در 1815 دولت امپراطوری ناپلئون شخص او
در منتهای درجه ترقی و اقتدار به نظر می‌آمد بعد از فتح واگرام ناپلئون ولایاتی را که در کنار دریای آدریاتیک گرفته بود با دالماسی که سابقاً گرفته بود
اضافه کرده تشکیل چند ایالت برای دولت امپراطوری فرانسه داد به اسم Province Illyrien قبل از آنکه قسمتی
از ولایات آلمان غربی و شهرهای لوبک و هامبورگ و برمن را هم برای اجرای کامل حکم برلن به ولایات فرانسه اضافه کرد به این
ترتیب دولت امپراطوری فرانسه متصرفاً در تحت اداره شخص او بود از هامبورگ منبسط بود تا کالابری و ولایت ناپل و ولایات کنار
دریای آدریاتیک (پرونس ایلیرین) را هم جداگانه داشت و تمام این قسمت‌ها منقسم بود به 130 دپارتمان و ولایات ایلیرین
و ایطالیا مملکت ایطالیا (ایطالیا شمالی) در سلطنت آن شخص ناپلئون بود به دولت دیگر فرانسه متصل می‌شد و میدانهای ...
آن مملکت ... و دولت‌های ... و سویس با وجود حکومت جداگانه تابع ناپلئون بودند در این سال (1810) اسپانیا را در تحت
سلطنت ژوزف و تابع ناپلئون می‌شمردند و جنگ‌ها را در آن مملکت در کار نبود عسکرهای بی‌اهمیت می‌شدند طفیل ...

ولایات اروپای مرکزی که در ضمن جنگ اطریش واقع شده بود همه رفع شد

تو تقلیب کارهای ناپلیون در امپراطوری او چنانکه پیش گفتیم مبنی بر ازدیاد قدرت استبدادی او بود و ضدیت انگلیسها و پافشاری ایشان او را
بیشتر وادار باین کار میکرد یعنی برای جلوگیری از فسادهائی که ممکن بود بتحریک انگلیسها در ممالک او بروز کند و همچنین برای تهیه لوازم جنگ مجبور بود روز
بروز قوه پلیس و اختیارات ادارهٔ نظمیه را برای جلوگیری از مردم زیاد کند و از طرف دیگر اطمینان داشت که هر قدر کارها بالا رود نظمیه از کمال اهمیت و
کثرت اعضا وزارت خانه مخصوص شد همچنین باید ملت زیرا انقلاب کند و قتل عام یاری بکند و این کارها بار اول شخص دیگری جز فوشه نبود
زیرا که در موقع جلوگیری از فتنه و فساد اگر مجبور باشد رعایت ترتیبات قانونی نکند وقت از دست میرفت باین جهات ناپلیون دائما از اهمیت
قوه مقننه که در ترتیب داده بود و در واقع شعبه خود او بود میکاست چنانکه مجلس تریبونا را الغا کرد و نسخ نمود و اختیارات سنا
را کاملا موافق میل و رای خود زیاد کرد از ۱۸۱۵ بعد یعنی در مواقع منتهای قدرت ناپلیون انتقاد و مجالس مقننه در اداره مملکت ترک
ماند و ناپلیون با چند نفر از عمال خود ترتیب امور را میداد ....

در تمام این دوره استبداد ناپلیون در همین موقع از لحاظ برای فرانسه و ممالک مفتوحه خود کار میکرد در نظر داشت که پاریس را پایتخت سیاسی
و علمی و صنعتی عالم کند یعنی میخواست طوری ترویج علم و صنعت کرده لوازم علمی و آثار صنعتی را در پاریس جمع کند که آن شهر جامع تمام کارهای
بزرگ صنعتی و جزو ادارات علمی باشد و همچنین در آبادی پاریس و فرانسه و ترتیب طرق و شوارع و بنای عمارات در داخل و خارج آن مملکت
بی اندازه ساعی بود علم را تشویق میکرد ولی از اول مطبوعات را نظر به ترتیبات استبدادی خود تحت نظر گرفت و ... جرائد را
محدود کرده مدیرهای ادارات جراید را شخصا معین میکرد و در روزنامه ها و کتب و تمام مطبوعات را تحت نظر Censure قرار داده بود
برای ترتیب تحصیل هم دو نکته را منظور گرفته بود اول آنکه تحصیلات متوسطه و عالی کاملا در دست دولت باشد تا آنکه جوانان را طوری تربیت
کند که در عقاید مخالفت با مصالح دولت امپراطوری نداشته باشند ثانیا آنکه اداره منظم یکنواختی داشته باشد تا تربیت مردم
موافق ترتیب خود ناپلیون برای آینده مفید باشد لیکن و همین قدر میدانیم که ناپلیون معتقد بود که هیئت اجتماعیه که
لیکن در ترتیب کارهای اداری باید باشد که آنها بر معارف باید قرار دارد ولی در دست نمیتوانیم بدانیم که یک چنین هیئت اجتماعیه

آنچه را صحیح بداند

ناپلیون نظر بمطالب فوق امر کرد که مدارس متوسطه و عالیه را که تا آنوقت در دست ادارات دولت درآورده و باشرکت ... در انتخاب ریاست
بگذشت تا وقتیکه از عموم و بر کتابهای عامه برای مدارس آنها ... ولایات را منحصرا بدست قرار داد و از مجموع مدارس و جایزهای دادارات رابع
معارف اساسی تشکیل داد و بنام Université de France که معنی آن میتوان گفت اکادمی
و برای احداث اونیورسیته یا Université طبقات ترتیب داده اصول آن هنوز باقی است
برای تشکیل اونیورسیته ترتیب مدارس سابقه را تغییر داده آنها را تکمیل نمود و مدارس عالیه که آنها مدارس متوسطه ... یعنی از مدارس معتبره فرانسه را
از آنها ناپلیون محسوب میداند اما مدارس عالیه و متوسطه هر دو در تحت نظام کاملی شبیه به دیسیپلین نظامی چون صاحب منصب ... اعمال ... با کثیری از مدارس
متوسطه (Lycée و Collège) بردن بنابراین ناپلیون باین مدارس بیشتر توجه داشت و دیسیپلین نظامی در آن کاملا برقرار بود که آنها
کارها را با آداب نظامی میگرفتند

یک فقره کار مهم دیگر ناپلیون که شاید بزرگترین خدمتی است که از او باقی مانده اتمام قوانین فرانسه است (Codes) تا زمان قنسولی قوانین مدنی و
تجارتی نوشته شده بود (Codes Civiles) در امپراطوری تا سنه ۱۸۱۵ باقی قسمتهای قوانین را هم نوشته به ترتیب قانون اصول
محاکمات مدنی (Codes de Procédures Civiles) و قانون جنایات [code pénale و اصول محاکمات جزائی] Instructions
criminels) و قانون تجارت را با تمام رسانیده مجموعه قوانین معروف به Code Napoléon
کردید و در اروپا و در خارج اروپا سرمشق برای قوانین شده

بعد از قوانین سابق الذکر بزرگترین خدمتهای ناپلیون آبادیها و راهها و ابنیه عالیه است که در فرانسه و خارج فرانسه بنا کرده است از قبیل راههای
فرانسه و ایتالیا و سویس و بعضی راههای داخلی فرانسه و ابنیه قشنگی برای نمایش ... امپراطوری مثل طاق نصرت ... و
ستون Vendôme که از فلز توپهائی که در اوسترلیتز گرفته ساخته شده است و شاید کار بزرگتر ناپلیون تشویقهای او از صنعتها
زیرا که نظر او برای این بود صنعت فرانسه طوری ترقی دهد که آن مملکت بی احتیاج از خارج صنعت اروپا برآید و ... اروپا محتاج

با انگلیس نباشد حکمی بود که دشواری آن هم از بعضی جهات ناپلئون را مجبور به بی ثباتی میکرد و از بعضی جهات دیگر باعث ورشکستگی بسیار و نیز چون قطع ارتباط
تجارتی بین فرانسه و انگلیس و ممالک خارج اروپا به تجارت و صنعت آن ممالک ضرر وارد آورده بود ناپلئون مجبور بود که راههای دیگر از قبیل کمک مالی و دولتی
به صنعتگران و تقویت آنها کمک کند چون نرسیدن امتعه انگلیس احتیاج اهالی را بمصنوعات داخله زیاد میکرد و ایشان را از بعضی چیزها مثل قند و پارچه
محروم مینمود کارخانهها و مراکز صنعتی بسیار بوجود آمد و مقدار مصنوعات خود را زیاد کردند و صنعتگران که عمال امور صنعتی را در دست داشتند در صدد برآمدند که از
دو چیزهای جدیده برای ساختن مصنوعات و اختراعات که از انگلیس میآمد فراهم کنند باید گفت که در گرفتن قند را از چغندر و کارگاه معروف به
Jacquard را اختراع کردند

در مقابل این خدمات و عقاید(؟) که ناپلئون برای فرانسه حاصل کرده بود و اتحاد فرانسه با ممالک مفتوحه که تا آن وقت بعضی امور دیگر اهالی
فرانسه را از آزادی بی‌اندازه و بی‌جهت بزرگ و ادامه کار را در فراهم ساختن راحت و امنیت و تمام این امور البته بواسطه کوشش بوده و مرتباً در کارها دخالت میکرد و دلی مخصوصاً
دوام جنگها اسباب نارضایتی مردم شد اول اخذ مالیات غیر مستقیم زیاد که اهالی فرانسه در زمان سلاطین قدیم از بعضی مالیاتهای غیر مستقیم شکایت داشتند
چیزی که باعث شد و دیگر از قرار از بزرگ کردن فرانسه نرخ مالیات غیر مستقیم را زیاد کرد ناپلئون برای خرج جنگها مجبور شد مالیات نمک و بعضی مالیاتهای
غیر مستقیم دیگر قدیم را برقرار کرده اقسام جدیدی هم بر آنها افزوده بود در ثانی سرباز گیری از شهرها و مردان کاری فرانسه را دائماً مشغول جنگ
داشت و در نتیجه تلفات جنگها عده زیادی را از میان میبرد

در ۱۸۱۰ یک امر تازه واقع شد که ظاهراً بر اهمیت و اعتبار ناپلئون میافزود ولی ابداً باعث خرابی کار شد توضیح آنکه ناپلئون قبلاً تصمیم گرفته بود که زن
اولی خود ژوزفین را که از او اولادی نداشت طلاق دهد و با یکی از دختران پادشاهان مقتدر اروپا ازدواج کند چون ناپلئون میخواست پادشاهی را که خودش تأسیس کرده بود در خانواده خود ارثی کند
ژوزفین (Prince Eugène نایب السلطنه ایطالیا بود) دارای پسری از شوهر اولش بود که او را به مقام عالی ترقی داده
و کارکنان ناپلئون او را طلاق گفته دختر امپراطور اطریش را که موسوم به Marie Louise بود تزویج کرد در مراسم عروسی باشکوهی
در پاریس فراهم نمود و از این وصلت جدید پسری پیدا کرد در اول تولد او را پادشاه رم لقب داد ژوزفین و کسان او دلتنگ شده
اقدام کردند که کسان ضد ناپلئون شدند

حال اروپا نسبت به ناپلئون ۱۸۱۱ جنگ روسیه و خاتمه کار او

در اروپا در مقابل استیلای ناپلئون تهیه ملتی و طغیان ظاهر گردید که از اواسط تشکیل در آن وقت از ۱۸۱۰ در بعضی شهرها شورش واقع شد در اطریش و پروس مردم بر ضد فرانسه قیام کردند و حاکمیت در
آلمان تا آن وقت بوقوع پیوسته بود فرزندان آن شهرها در رساله‌ها برای وطن خود نهضت دولت مقتدر و متحد برای آلمان خصوصاً از پروس حاصل میکردند و میدانستند که مجامع ملی و نهضتی
تشکیل داده بودند و از جمله انجمنی مخفی به اسم انجمن تقوی Société de la vertu در آلمان بود و جوانان سردارهای ناپلئون در بعضی نقاط
جنگ در کمال شدت دوام داشت و بعضی از اردوها در آنجا شکست خوردند ولی در اسپانیا ناپلئون قوی‌تر شد و شهرها را گرفت و بعد از سقوط Palafox
Marshal Masséna را که از بهترین سرداران خود بود با تمام قشونی که در آنجا بود به پرتقال فرستاد که از دست انگلیسها و قشون پرتقال آنجا را
مسترد نماید Wellington بعد از جنگ‌های متعدد که مشغول کار بود در ۱۸۱۰ ماسنا را مجبور کرد که از پرتقال خارج شود و در ۱۸۱۱ سرداران
ناپلئون حقیقتاً با فرانسه کمک نمی‌کرد و بهمین جهت شکست‌هایی که انگلیسها بر فرانسه وارد میکردند بر ناپلئون گران تمام میشد ولی در عوض در روسیه هم بر ضد ناپلئون بود و دلیل آن بود که
شهرها یکی بعد از دیگری از دست ناپلئون بیرون رفت و از آن طرف روسیه هم از ناپلئون رنجیده بود و تعرض پیدا کرده بود بالاخره در ۱۸۱۲ بین ناپلئون و روسیه جنگ شروع شد الکساندر اول
حال آنکه روسیه اتحاد ناپلئون و فرانسه را بی‌اعتبار کرد و روسیه هیچ از عداوت با فرانسه دست نکشیده بود و در حمایت Alexandre
ناپلئون متحدان را جنگ روس را که کرده بود و روسها در ملداوی و والاشی پیشرفت داشتند ولی بعد از آن بعضی عثمانیها که طرفدار ناپلئون بودند
در ۱۸۱۲ در شروع نزاع فرانسه و روس با روسها صلح کردند و با فرانسه همراهی نکردند در این جنگ از هر جهت تهیه قدرت ناپلئون در انتهای خود رسیده
و بر روسیه بود علت آن امر اول آنکه پس از سه سال که دیگر صدمه دیده بود در آنکه وطن خود را کمک نمی‌کرد و بالعکس دولت مقتدری
در آلمان بیشتر به روسیه امید داشتند و نظر سلاطین روس هم بر همین بود که تمام آلمان را در تحت اقتدار خود در آورد با این اطوار در روسیه
اصلاحات واقع شده بود که نسبت به تمام اروپا بیشتر قابل توجه است
اصلاحات پروس ـ گذشته از خرابیهای زیاد که در نتیجه ناپلئون به پروس وارد آورده بود ناپلئون برای تجزیه آن مملکت شرایطی معین کرد
در آنجمله شرائط این بود که پروس در زمان صلح به وقت بیش از ۴۲ هزار قشون نداشته باشد در پروس بعد از شکست ناپلئون در یک
پیدا شدند که با وجود این همه عقیده بودند که در مملکت خرابی دارد و باید اصلاحات مملکتی و نقطه کاری در میان آن کرد تا بر سلطنت ناپلئون

نمایند تا مختصر استقلالی هم برای پروس باقی گذارده و آن نگاه بدارم باقی دیگر مستعد نبود گشت وقتی پروس فقط در پس از کار است و با اینکه به نحوی
خسارتها را صرف کرده و تهیه تلافی از توهینهای وارده نمود و میکشید سرور تلافی حتماً پیش خواهد آمد فقط باید کاری کنیم که اسباب آماده شده از آن ترقی باشیم
اتفاقاً اشخاص بزرگ با تدبیر هم برای پروس کار کرده در اصلاح پروس نمودند از نفر از این اشخاص اول بارون شتن Stein (اشتین)
اول هم بواسطه مقدمات خود به روی مواضرب ناپلیون از پروس خارج شد و ثانیاً ژنرال شارن هرست Scharnhorst شارن هرست شد
و بعضی سرداران بزرگ مثل بلوخر Blücher دیده که در جنگهای با ناپلیون معروف شده وزرای پروس ترجیح این نکته شدند که انقلاب فرانسه
بواسطه مساوات عمومی ما بین افراد فرانسه قرار داده و تمام ملت فرانسه را بحفظ استقلال و حکومت خود معتقد نمود و قوت در مواقع خطر تمام قوای مملکت را
بکار میزند از این وقت به بعد چنین فرانسویها تقریباً دارای قوه فوق العاده شدند لهذا لازم که دیده در برای پروس هم اهالی وسیله آن قوه فوق العاده را
فراهم کنند و با این نظر اصلاحات خود را منحصر بقشون نکردند و در امور مالیه در ترتیب اجتماعی مملکت و نظام و قشون اصلاحاتی آوردند در اصول آن عبارت
مساوات بود در پروس طبقات اشراف و اعیان و اهالی دهات وجود داشته ترتیب فئودالیته داشت و امتیازات ایشان از بعضی شهرها زیاد بود قدیم فرانسه بود یعنی
اشراف نجیب املاک خود را رعایا اداره نمیکردند و آن طبقه نمیتوانستند صاحب املاک بشوند و رعایا نیز بالکلیه بندگی بودند ( ) اشتین
و شارن هرست اصلاحاتی صادر کردند که بموجب آن رعایا از بندگی آزاد شدند و اشراف حق فروش املاک به اهالی دهات را داشته و همچنین
بعضی اصلاحات دیگر در امور جاری کردند هم برای تمام (در بیستم ماه ترتیب دوازده وزارتخانه که هر دارای یک وزیر دائم شده بود) در قشون
هم بسیاری اصلاحات بود رتبه صاحب منصبی را بموجب امتحان قرار دادند و تمام طبقات حق حضور در این امتحانات داشتند و مدارس نظامی
برای تهیه صاحب منصب دایر کردند اما بزرگترین کارهای پروس تدبیری بود شارن هرست بکار برد برای اینکه معاهده با ناپلیون مانع بود که قشون پروس
بیش از چهل و دو هزار نفر نباشد و چند بار این عده را در واقع قشون جمع نمود این ترتیب را در آلمان Krumpers کرومپر
(اسبهای یدکی) نامیدند و معنی آن این بود هر ترتیب سریعی برای تربیت سرباز که افراد کرده سربازهای جدید را حاضر شده در عوض ایشان بکار گرفته
و بعضی بخدمت ترتیب دادند بجای ایشان میآمدند بدین طریق در مدت کمی همه قشون تربیت شده که در اول تنها دسته حاضر بود از ۴۲ هزار نفر معین
ولی در ۱۸۱۳ پروس توانسته ۳۰۰ هزار قشون حاضر کند

جنگ با روسیه — الکساندر اول امپراطور روسیه از بدایت مانع بود که ورشو در تقسیمات لهستان به پروس داده بود در قسطنطنیه
ناپلیون برای لهستان گراندوشه ورشو تشکیل داد و از طرف دیگر شهر پاریس کرده در قرارداد آن با امپراطوری عثمانی کرده نبود ظاهر کرده بود
همچو را به روسها نخواهد داد لهذا الکساندر متوحش بود اما دو واقعه دیگر پیش آمد که اشراف روس هم چندان با آن اتحاد رضا نداشتند زیرا در فرانسه
دارای ترتیب آزادی و مساوات بود متنفر داشتند و ثانیاً منع امتعه انگلیس که در اروپا شد زیرا قیمت غله از
انگلستان و سایر جاها انگلیس میرفت (تمام املاک روسیه مال اشراف بود و تمام غله زیادی را به تجار انگلیسی میفروختند) از ملاقات
ارفورت به بعد الکساندر همیشه منتظر موقعی برای قطع اتحاد بود بعد از آنکه بقیه خاک را در ۱۸۱۰ سرحدات خود را
جزئاً برروی تجارت انگلیس باز کرد و گمرک گزافی برای امتعه فرانسه (ابریشم و شراب Bordeaux و جنس و) گذاشت
ناپلیون گراندوشه الدنبورگ Oldenbourg را در آلمان شمالی برای اجرای حکم برلن تصرف کرد
این گراندوشه متعلق به یکی از منسوبان الکساندر بود در این کار اشتباه کرد در اوایل ۱۸۱۲ عهدنامه الکساندر اولتیماتومی برای
ناپلیون فرستاد در ژوئن آن سال جنگ شروع شد و بیست هزار نفر مرکب از روس انگلیس و
نبود زیرا الکساندر بواسطه قرار داد با همراه کرد ناپلیون با صد هزار
قشون که بیش از ۱۵۰ هزار آن فرانسوی بود بسمت روسیه حرکت داد و از رود نیمن در ماه ژوئن عبور کرده
در خاک روسیه شروع بجنگ کرد قشون روس در مرکب از ۳۰۰ هزار نفر بود از همه
مهمتر واقعه محاصره اسمولنسک Smolensk در روسیه غربی بود

مکتبة الامام امیر المؤمنین علیه السلام
کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد

در این محاصره روسها خیلی پافشاری کردند و چون فرانسه‌ها ناپلیون غالب شد شهر را آتش زده رفتند از این موقع به بعد طرح صلحی طلبید حاجت
از جانب روسها در جنگ ظاهر شد از ابتدای ورود ناپلیون به روسیه دهاقین و اهالی قصبات آن مملکت آذوقه‌ای خود را زیر خاک پنهان کرده
و انبارها را خراب نموده و آتش میزدند و از جلو قشون ناپلیون فرار میکردند لهذا قشون ناپلیون با سختی در مجاری بی آب و نان حرکت کنند
در جهت آب و آذوقه مرتب سیاه میشدند بعد از محاصره Smolensk قشون روسی هم همین طرح را اختیار کردند و با قشون ناپلیون
روبرو شدند در خرابیهای [illegible] در برابر بورودینو جنگ نمودند و چون ناپلیون رو به مسکو میرفت و مسکو شهر مقدس روسها بود با مر الکساندر سردار کل قشون
روس موسوم به Koutousoff که معلوم شد نزدیک به مسکو جلو قشون ناپلیون را بگیرد در کنار رود Moskowa و از آن
شهر عبور بکند با صد و سی[130] هزار نفر و ششصد و چهل[640] عراده توپ مقابل ناپلیون شد و او هم با ۱۳۰ هزار نفر و ۵۹۰ عراده توپ عملی جنگ کرد
و جنگ خیلی سختی در گرفت که تو نامند در آن جنگ خیلی زیاد بود (در جنگ آخری خود ناپلیون به طرف گارد عراده [illegible] پیشرفت کند)
عاقبت فرانسه‌ها با وجود تمام پافشاری روسها و شجاعتهای [illegible] غالب شدند و در این جنگ ۳۰ هزار از قشون ناپلیون و پنجاه هزار از قشون روسی
زخمی و تلف گردید ولی روسها بطرز منظمی عقب نشسته و طوری در حرارت جنگ باقی بودند [illegible] ناپلیون
بعد از این فتح با امید آنکه تصرف مسکو روسها را مجبور به صلح خواهد کرد وارد آن شهر شدند و حاکم شهر بعد از آنکه آنچه ممکن است آذوقه و آدوقه‌ای که
در مسکو بود که قشون فرانسه بخورد خراب یا حمل کرد و اهالی شهر را حرکت داده از شهر بیرون برده [illegible] گذاشت و بعد از رفتن او شهر را آتش
بزنند و مدت چهار روز حریق مسکو در کار بود ناپلیون چون از یک طرف امید داشت روسها مجبور بصلح شوند و از طرف دیگر مراجعت را برای خود
خفت میدانست و از سرما [illegible] در اردو [illegible] قدری وقت تلف شد امید الکساندر در روسها زمستان بود و
زمستان هم بیشتر از امید ایشان همراهی کرد [illegible] شروع شد [illegible]
زمین سیاه [illegible] برف تمام صحراها را گرفت و به واسطه فقدان آذوقه و لوازم توقف ناپلیون مجبور شد در آن سرما از مسکو مراجعت کند و
چون راه Smolensk تقریباً خراب شده بود خواست از راه دیگری مراجعت کند ولی Koutousoff که جلو او را گرفت و او را
مجبور بحرکت از راه اول نمود از یک طرف سرما و [illegible] از قشون [illegible] ناپلیون تلف میکرد از طرف دیگر قشون روسی هم در دنبال [illegible]

جنگ بزرگ ادوار [illegible] تا فرانسه‌ها برود خانه موسوم به Berezina رسیدند و با سختی زیاد [illegible] از آن عبور کنند
انبای صد و چهل ۱۴۰ هزار از قشون روسی [illegible] عبور [illegible] ایشان مخالفت [illegible] رودخانه را [illegible] از قشون فرانسه ۶۵
هزار نفر بیشتر باقی نمانده و بعد [illegible] در وقت عبور روسها غالب [illegible] از رودخانه عبور کرد ولی فقط ۸ الی ۹ هزار نفر از ایشان به جنگ روسها افتاد
بعد از این واقعه ناپلیون از قشون خود جدا شده [illegible] به فرانسه رفت و بقیه قشون در دسامبر ۱۸۱۲ [illegible] رسیدند در حالیکه عده تلفات
ایشان به ۴۳۰ هزار نفر رسید (بعد از ورود به روسیه هم باز یک عده قشون از آلمان کمک خواسته بود) از این قشون [illegible]
باز [illegible] آن مملکت آمده [illegible] زیرا [illegible] جنگ شده بودند و [illegible] قشون [illegible] مجبور شدند [illegible] بدون توقف [illegible]
اتحاد خصمانه — بعد از بازگشت از روسیه [illegible] روس [illegible] پروس [illegible] ناپلیون از فرانسه
باز سیصد هزار قشون جدید تهیه کرد [illegible] قشون [illegible] ۱۹ [illegible] با این قشون [illegible]
در بهار ۱۸۱۳ باز [illegible] جنگ با قشون [illegible] از این موقع بعد [illegible]
راه با ناپلیون طرف [illegible] متحد [illegible] (Autriche) چون متحدین [illegible] ناپلیون [illegible] اطریش
[illegible] در صورتیکه [illegible] قشون [illegible] اطریش [illegible] Metternich [illegible]
[illegible] ۱۸۱۳ [illegible] در پراگ شروع کرد [illegible] اطریش [illegible]
[illegible] در جنگ اول [illegible] Dresde ناپلیون [illegible]
[illegible] بعد از این شکست [illegible]
[illegible] (لیپزیک) [illegible]
[illegible]
[illegible] سردار جنگ [illegible]

یک جنگ سخت دلیرانه هر دفعه بیاد دسته رو برو شدند ایشان شکست یافتند بالاخره ترتیب جنگ ایطالیا را کاملاً بروز داد و این جنگها
معروف به جنگهای فرانسه است Campagne de France چون باین ترتیب جلوگیری از قشون متحدین برای رسیدن
به پاریس ممکن نبود طرح کار خود را چنین قرار داده بود که عقب سر ایشان را گرفته رابطه ایشان را با خارج فرانسه و از آنجا مهمات و لوازم کار را باین
ایشان نرسد قطع کند با این قطع رابطه در حالتیکه اهالی فرانسه بطور ترتیبی برای ایشان فراهم سازند ایشان را مستاصل قرار داده بود ولی این
طرح در صورتی مفید بود که پاریس قدری مقاومت نماید و لیکن شهر به هیچ وجه از عهده بر نمی آمد لهذا قبل از آنکه ناپلئون از خرابی کار پاریس
مطلع شود از اینکه قشون پاریس مجبور به تسلیم شد در موقع تسلیم پاریس ناپلئون در نیم سی مرد در چهار فرسخی شهر بود ناپلئون باز میخواست
جنگ نماید ولی سردارهای او دیگر همراهی نکردند و یکی از او جدا شده به قشون دشمن تسلیم شدند عاقبت او را وادار باستعفا کردند ناپلئون
در ششم آوریل ۱۸۱۴ استعفا داد امپراطوری را به پسرش Roi de Rome ناپلئون دوم واگذار کرد و ترتیب سلطنت
جزیره الب را با ... داده او بکسه قشون مختصری برای همراهی خود اختیار کرده بعد از آنکه اغلب مشهور در عبارت ... بود با ... از
قشون فرانسه بسمت الب حرکت کرد قشون متحدین عبارت بود از قشون پروس و روس و اتریش و سایرین در جنگ لایپزیک
بر ضد ناپلئون شدند و انگلیس و اطریش و بعضی از ممالک دیگر آلمان و چون شکست لایپزیک ظاهر شد ضدیت خود را با
ناپلئون ظاهر کردند و سردارهای بزرگ این جنگها عبارت از نفر اریوند بلوخر سردار پروس و بیناد[وت] پادشاه
سوئد و مورو که به آمریکا رفته بود و بواسطه سابقه عداوت خود با ناپلئون با روسها برگشته در خدمت متحدین
در آمده در جنگهای آلمان کشته شد و کوتوزوف سردار روس تقارن دقتی در متحدین از سمت شمال رفته
وارد فرانسه شدند و لینگتن سردار انگلیس هم با قشون انگلیس در پرتقال و اسپانیا برخورده از
طرف اسپانیا وارد شده مشغول زدن و شکست جنوب آن کشور گردید لطف یکه فرانسویها از هر طرف
گرفتار جنگ بودند و بعضی از قلعه‌ها و در تصرف قشون با قشون متحدین مقاومت میکردند ولی در وقتیکه
در استعفای ناپلئون این تقاضای فرانسوی را به اشاره کرد

عقب اول خانواده بوربن — سلاطین فرانسه ناپلئون اکثر شهرها در جنگهای آخری حاضر بود و بعد از تسلیم شدن قشون مفتوحه
در پاریس معلوم بود که از طرفها و کمکهای خصوصی از قشون متحدین برسد سلاطین دیگر اهالی و اروپا بر پادشاه و مملکت بخاطر شاهزاده خود ناپلئون
قبضه در زمان امپراطوری کامل بر ایشان اداره کرده در این موقع بر ضد او اقدام کرده او را از امپراطوری فرانسه معزول کرده و حکومتی موقتی برپا
داشته تالیران رئیس آن حکومت موقتی بود که ترتیب سلطنت برای فرانسه قرار داده‌اند جهت تالیران از جانب حکومت موقتی با متحدین سلطنت چند روز
فرانسه را القا کرد و بعد از انقلاب فرانسه قرارداد اینکه معروف بعهدنامه اول پاریس است برای تعیین پادشاه اراده سلاطین خارجه در این وقت
بمیل خود حکومت داری را قرار دادند لوئی هجدهم برادر لوئی ۱۶ یک پسر داشت و برادرش حکومت کرد بزرگ آن وارث سلطنت بعد از لوئی ۱۶
سلسله سلطنت را بانتقال نه داشته برادر او دیگری هم بود که حکم ارث در آن وقت لوئی ۱۷ وارث تخت نشد درجه اول لوئی ۱۶ تخت پادشاه
فرانسه دانسته لوئی ۱۸ می‌خواهند بعد از سلطنت طلب کنند مثل دیگر قشون محصور در موقع هجوم متحدین بفرانسه پیش و ایشان شدند
و لوئی ۱۸ برای رسیدن بسلطنت اقداماتی کرد ولی بعضی از سلاطین ممالک اروپا

خاصه الکساندر چندی بعد زیرا او داشت برنده تقدیر درجه اولی خود از یک نفر فرانسوی هم بود بازار او خدمات سیاسی و میل
که اوضاع قدیم فرانسه را برقرار کند ثانیاً چون در آن وقت که در جنگ خیلی کرده هیچ بد به ترتیب قدیم را کاملاً برقرار کند
ولوئی هیچ همیشه رابط حق هیچ امر مشترک بر اسباب انقلاب در فرانسه فراهم کند زحمات انقلاب کبیر و امپراطوری ناپلئون برای
اهل اروپا تولید کرده بود تکرار شود عاقبت تالیران و هواخواهان داخل و خارجی لوئی هجدهم الکساندر را راضی کردند
و مجلس سنا هم در همان زور استعفای ناپلئون لوئی هجدهم را بسلطنت انتخاب نمود و قرار داد این شد که قانون اساسی جدیدی برای فرانسه تهیه
ولی این قانون اساسی را طوری ترتیب دادند که حکومت می‌باید بشد یعنی در آن قانون تصریح بسلطنت میکرده بلکه در مقدمه
عبارتی قرار دادند مبنی بر اینکه پادشاه به موجب حق الهی سلطنت فرانسه را دارد و بعضی از اولاد رعایای خود عطا میکند این قانون را برای
اینکه هیچ غیر از قوانین اساسی قبل باشد و معلوم باشد چیزی است که پادشاه عطا داده دیگر از پس بگیرد بجای قانون اساسی فرمان
(Charte) نامیدند و این قانون اساسی تمام انواع آزادی ذکر شده بود ولی اولا ترتیب انتخابات مبنی بر تدبیر (شرط

شرط مالیات کافی) ناچار مرلواهای طوری نوشته شده بود که تهدید آمیز بود در حقیقت الکساندر روسیه هم بالاخره باقتضای فرمان ... کرد
با بعضی سلاطین متحد شد از پاریس حرکت کند و کم کم تمام مجلس داخل شدند در باب صلح لوئی هیجدهم توقف کرده بود و الکساندر ترتیب پیش آورد
در قتی از حرکت سلاطین فرمان ... هم انتشار یافت

سلاطین خارجه بعد از مراجعت از پاریس چون باید تکلیف ممالکی را که ناپلئون تصرف کرده بود آنها را بهم زده بود معین کنند ترتیب کنگره را در وینه
دادند و مشغول شدند نقشه اروپا را بطور خود تغییر کنند در این موقع بین دول اختلافاتی ظاهر شد فرانسه با انگلیس و اطریش دارای ... نماینده
در کنگره که در وینه و دول اروپا ـــ ... فرانسه چون ... از ... از دست رفته ...
مشیه ... حاضر کرد و نزدیک بود را ... تدارک و تهیه ... ولی در داخله سلطنت طلبان و ارتجاعیون
چون از خود لوئی هیجدهم ... بر تجدید اوضاع قدیم بودند معروف به Ultra-Royaliste شدند
و کینه ایشان ... لوئی هیجدهم بود ... برای لوئی طلبان ... و به تجدید رسوم و آداب قدیمه اصرار کردند و ادارات
برای ... در زمان انقلاب ناپلئون ... که به عنوان خدمت سلطنت ...
بی ترتیبی و ظلم و خرابی کردند ... از خانواده بوربن سلطنت متنفر کرده و تمام نظرها با وجود صد ...
از جنگهای ناپلئون ... ناپلئون متوجه این حال شده ... غفلت از الب بفرانسه حرکت کرد
و حرکت او بار دیگر ... در کنگره ... از دست رفت و این وقایع مراجعت ناپلئون
معروف به وقایع صد روزه است. ـــ

وقایع صد روزه ــ لوئی ۱۸ ... قشون ... بجلوگیری ناپلئون فرستاد ولی سربازها ... منصب ... صاحب منصبها
در ... خود او بودند ... ملحق شدند ناپلئون با عنوان امپراطوری به پاریس رسید لوئی ۱۸ شبانه از عمارت تولیری
Tuileries روانه شد Grenoble ... ناپلئون روز بعد وارد ... کرده ... در تالون ... امپراطوری
خود افزود ... تمام ... مذکور ... لوئی ۱۸ ... ولی بر ترتیب ... با عنوان امپراطوری ...

فرانسویها چون از این بازگشت ناپلئون مشعوف بودند ولی دول مخالف او در نمایندگان ایشان در کنگره وینه جمع بودند با وجود اظهارات
صلح طلبی او امپراطوری مجدد اورا قبول نکردند و اورا دشمن انتظام عالم خواندند . ژوئن ۱۸ معاهده با ... فرانسه ... و قشون
مختلط مرکب از ششصد هزار نفر از قشون روس و اطریش و پروس و انگلیس و غیره دول دیگر فراهم کرده به سمت فرانسه
حرکت کردند ناپلئون در مقابل ... در صدد ... دویست هزار نفر تهیه کرد و آنرا به دو دسته تقسیم کرده با یک دسته ۱۵۰ هزار نفری
بسمت بلژیک رفت در قشون انگلیس و پروس ... بود در جنگهای سابق پیش دستی کرده قبل از ورود دشمن بخاک فرانسه یک بیک
قشون ایشان حمله نموده بهر یک غلبه کند و بعد از ... بالاخره با یک دسته هفتاد هزار نفری در محل واترلو Waterloo
... Wellington ... اندازه قشون ... روبرو گردید در حالیکه گروشی Grouchy یکی از سرداران خود
را با سی هزار نفر بجلوگیری پروسها فرستاده بود برای اینکه نگذارد قشون پروس و انگلیس بهم ملحق شوند و سردار مذکور ... از اجرای
نقشه ... قشون پروس و انگلیس ... ملحق شود ... ولینگتن طرح جنگ خود را قبلا قرارداده بود ...
... از جای خود حرکت نکند تا بلوشر Blucher بیاری رسید ... گروشی هم نتوانست از پروسها جلوگیری کند ...
... ناپلئون یک جناح قشون انگلیس را شکسته نزدیک بود جناح دیگر را هم مغلوب کند سی هزار پروسی ... Bru-
xelles . ... قشون فرانسه حمله کرده و بعد از آنکه ... تقریبا ... تمام قوای خود ... قشون را هم عقب نمود
در این موقع ... بلوشر با سی هزار پروسی رسید داخل میدان شد و فرانسویها ... پروسیها
و انگلیسها مغلوب ... و ... متفرق گردیدند ناپلئون هرچه سعی کرد ... جنگ ... نشد
و اورا با حال ... از میدان جنگ بیرون ... ۱۸۱۵ ... واترلو ناپلئون به پاریس مراجعت کرد ولی
مجلس ... استعفا داده ... پسر خود ... ولی نه فرانسویها و نه دول اروپا ...
Roi de Rome را قبول نکردند و لوئی ۱۸ به پاریس مراجعت کرده ناپلئون از آن شهر خارج شد و بعد از
... چون محکوم بخارج شدن از فرانسه بود ... (پادشاه انگلیس ...) ...

او که Ste Hélène بجزیره Bellerofon از نفایس جنگی انگلیس شد ولی انگلیسها با او معامله اسیر کرده او را بجزیره سنت هلن
lène - برده و محبوس نگاه داشته در ۱۸۲۲ بعد از نوشتن تاریخ زندگانی خود (Mémoire) درگذشت

عهدنامه دوم پاریس - بر حسب معاهده ثانی پاریس ناپلئون در هجرت لوئی ۱۸ قشون اهل متحد و الوفا خاک فرانسه تا پاریس آمدند و مدتی در آنجا مقیم بودند و عهدنامه ثانی در پاریس بر لوئی ۱۸ و سایر اهالی تحمیل شد و حدود فرانسه را بحدود ۱۷۸۹ برگرداندند و خسارت جنگ معین کردند و برای اخذ آن مقداری از قشون خارجی در فرانسه ماندند و لوئی ۱۸ و وزرای او سعی وافر در خارج کردن قشون دشمن از خاک فرانسه نمودند و آنها را بعد از چند سال از آنجا برداشته است معروف به Libération du territoire و بعد از آنکه قشون خارجی از فرانسه بیرون رفته لوئی ۱۸ گفت که بقدر کفایت زندگانی کرده‌ام زیرا خاک فرانسه را خالی از قشون دشمن می‌بینیم

کنگره وینه - غلبه متحدین بر ناپلئون قسمت مهمی از اروپای غربی را که جزو ممالک فرانسه شده بود یا بعد از ناپلئون تغییرات مهم شده بود از فرانسه جدا کرد بنابراین باید برای آن ممالک تکلیفی معین بکنند
در جنگهای آخری دول معظمه مثل اطریش و پروس و غیر آن عنوان جنگ را آزادی ملل از تحت استبداد ناپلئون قرار داده و ضمناً از برای اینکه ملل را با خود همراه بکنند برعایای خود وعده داده بودند که اصلاحاتی مبنی بر آزادی در ممالک خود بکنند و حتی اینکه قبل از غلبه حق استقلال ملل و آزادی را نیز تصدیق نموده بودند ولی در باطن از حکومتهایی که بر سر کار بودند مقصود داشتند یکی ضعف کردن دولت فرانسه دیگر برگرداندن اوضاع سیاسی اروپا به ترتیب قبل از شورش فرانسه سیم جلوگیری از نشر آزادی و شورش فرانسه محرک آنها بود مقصود اول برابطه معاهدات پاریس انجام گرفت مقصود دوم را خواسته در کنگره وینه بعنوان تعیین تکالیف ممالک که از فرانسه جدا شده حاصل کنند و سیله برای مقصود سیم اتحاد مقدس شد شرح آن را خواهیم داد
اما در کنگره وینه سعی دول مصروف برای شد که نقشه سیاسی اروپا را به ترتیب قبل از انقلاب فرانسه برگردانند بلکه هر یک از دول سعی نمودند مقاصد سیاسی خود را در ضمن پیش ببرند مثلاً

روسها سعی داشتند لهستان خود را به ورشو و قسطنطنیه برسانند و پروسها میخواستند تصرف ساکس و بعضی شهرهای دیگر دولت پروس را در آلمان عظمت دهند اطریشیها میخواستند در ایطالیا دست یابند لهذا کار کنگره وینه عبارت بود از تجدید نقشه سیاسی اروپا موافق نظر اول پیشرفت دول معظمه در مقاصد سیاسی و اراده‌ها قبل نظر گرفته نبود چه رجعت بوضع قبل از انقلاب فرانسه در جاهایی که موارد مقاصد سیاسی مهمی در نظر بود اما هیچ یک از دول میخواستند ممکن نبود کاملاً پیشرفت کند زیرا در بعضی ممالک تغییراتی حاصل شده بود و چون تغییرات طبیعی نتیجه طبیعت بود برگشت آن ممکن نبود بنابراین مقصود اول دول در آن ممالک پیشرفت نکرد ثانیاً مقاصد سیاسی دول معظمه در بسیاری موارد با یکدیگر مخالفت داشت بنابراین مقصود اول کاملاً پیشرفت حاصل نمیکرد

کنگره وینه در از اکتبر ۱۸۱۴ تا ژوئن ۱۸۱۵ منعقد بود حقیقتاً کنگره سلطنتی بود چون اکثر پادشاهان سلاطین از قبیل امپراطور روس (الکساندر اول) و فردریک گیوم پادشاه پروس و فرانسوا امپراطور اطریش شخصاً با عده از سلاطین فرنگی امرای آلمان شخصاً در کنگره وینه حاضر بودند و سایر دول هم نماینده داشتند (باستثنای عثمانی) و نمایندگان معروف این کنگره عبارت بودند از مترنیخ Metternich صدر اعظم اطریش (در این هم سلاطین ایشان حاضر بود جداگانه نماینده هم داشتند) و Humboldt و Hardemberg نمایندگان پروس و Lord Castlereagh و Wellin-gton - نمایندگان انگلیس و تالیران نماینده فرانسه معذلک هیچوقت جلسه کامل از کنگره منعقد نگردید و کارها همه در کمیسیونهای مجزی از یکدیگر انجام گرفته شده بود و در آخر همه این نظریات دول شد عاقبت برای اینکه کارها با هم کنگره باشد عهدنامه‌های متفرق را جمع کرده باهم قرارداد آخری کنگره را امضا تمام دول نمودند و نقشه اروپا موافق قراردادهای کنگره وینه از قرار ذیل شد
در اروپا پنج دولت جزو دول معظمه شناخته شد انگلیس فرانسه پروس اطریش و روس
فرانسه از تمام انقلابات و فتوحات خود شهر avignon را که قبلاً متعلق به پاپ بود حفظ کرده بود و تنها دولتی بود که در معاهدات منضمه کنگره از متصرفات آن کاسته شد

انگلیس گذشته از تسلط کاملی در دریا جزایر دیگری هم در دنیا تصرف کرده جزیره مالت و جزایر ایونین در مدیترانه مملکت گویان
و جزایر تاباگو و ترینیداد در امریکا و کاپ در افریقا و سراندیب در آسیا و ایل دو فرانس و جزایر کوچک دیگر در جوار آن
در اقیانوس هند

پروس قسمتی از لهستان و یک ثلث از ساکس و مملکت ... بعلاوه شهر تورن (در ساحل ویستول) و اکثر ممالکی که از فرانسه گرفته شد متصرف گردید
از مجموع اراضی که از فرانسه گرفته شد پروس ایالت Rhénane که در ساحل رن در حد فرانسه تشکیل یافت (۲ نفر از اهل این ممالک به پروس ...)
به واسطه این اضافات ده میلیون نفوس بر رعایای پروس افزوده شد

اطریش بلژیک و بعضی اراضی در جنوب آلمان در بادیه واگذار شد و از دست داد در عوض ولایت سالزبورغ Salzbourg
را در آلمان و لمباردی و ونیز را در ایطالیا و دالماسی و راگوز Raguse در ساحل شرقی آدریاتیک دارا شد بنابراین ترتیب
چهار میلیون بر عده رعایای آن دولت افزوده شد فقط آن دولت به واسطه تصرف قسمت عمده دره پو Pô بر ایطالیا مسلط گردید

روس فنلاند را در سواحل بالتیک و بسارابی را در ساحل دانوب (از ممالک عثمانی) و قسمت عمده گراند دوشه ورشو را متصرف شد و چهار الی
پنج میلیون رعیه بر عده رعایای روس افزوده شد اما الکساندر اول از گراند دوشه ورشو مملکت مستقلی جداگانه باسم پلنی تشکیل داد و عنوان سلطنت
آنجا اختیار کرد و ترتیب مشروطیتی برای آن مملکت معین کرد

در دول کوچک یک عده دول جدید یا قدیم بود که در اطراف فرانسه تشکیل دادند برای اینکه آن مملکت را از دول معظمه دیگر اروپا مجزی کنند و آن دول از
قبیل بود (۱) دولت پی‌با مرکب از بلژیک و هلند در تحت سلطنت شاهزاده از خانواده اورانژ قرار گرفت و نتیجه بزرگ تشکیل این
دولت این شد که بلژیک را از اطریش جدا کرد به واسطه اینکه استقلال مملکت بلژیک میسر شد (۲) کنفدراسیون سویس مرکب از ۲۲
کانتن تشکیل یافته تمام دول اروپا بی‌طرفی آن را ضمانت کردند (۳) مملکت ساردنی مرکب از ساووا Savoie و
نیس Nice و Piémont و ژن و جزیره ساردنی بود

در آلمان هیئت اتحادیه رن را منقرض کردند (بعلاوه) چهار مملکت را باسم پادشاه باقی گذاشتند از قبیل مملکت باویر که بر آن

افزودند دوم مملکت ورتمبرگ سیم مملکت ساکس که مقداری از آن کسر شد چنانکه گفتیم به پروس افزوده شد چهارم مملکت هانور که برای
خانواده سلاطین انگلیس ترتیب دادند از ترتیبات قبل از ناپلئون فقط چیزی را که در آلمان تجدید کردند همان تشکیل دولت هانور بود در تحت سلطنت
خانواده انگلیس باقی در آلمان که ناپلئون تشکیل داده بود باقی ماند و با این ترتیب نتیجه مداخلات انقلاب فرانسه و ناپلئون در آلمان این شد که
۳۵۵ دولت آلمان تبدیل به ۳۸ دولت شد و ممالک مستقل تشکیل داده بود (Confédération Germanique)
این ۳۸ دولت مجموعاً تشکیل یک هیئت اتحادیه دادند موسوم به کنفدراسیون ژرمانیک که ریاست این هیئت اتحادیه در فرانکفورت و ریاست آن
با امپراطور اطریش (بدون آنکه عنوان امپراطور آلمان تجدید گردد) ولی ممالک غیر آلمانی اطریش و همچنین قسمت شرقی پروس (پروس
اصلی و لهستان پروس) از این هیئت اتحادیه خارج شدند

در ایطالیا متصرفات پاپ را باو رد کردند و همچنین ناپل را به پادشاه سابق آن مملکت از خانواده بوربن که در امپراطوری ناپلئون در
سیسیل بود رد کردند (مورا حاکم ناپل با وجود همراه شدن با متحدین خود در اول سلطنت صد روزه در صدد مخالفت و جنگ با پادشاه سابق
آن مملکت برآمده گرفتار و مقتول شد) چون جمهوری ونیز متعلق به اطریش و ژن متعلق به دولت ساردنی گردید اما ارزانی شده بود از
ایطالیا هم نتیجه کارهای ناپلئون قرار داد کنگره وین این شد که از عده دول آن مملکت کاسته شد آن مملکت به تشکیل دولت
واحد نزدیک شد در آلمان و ایطالیا خبر رحمت سلاطین این دو مملکت تغییرات حاصل نشد در ممالک اسکاندیناوی نروژ را
از دانمارک جدا کرده موافق میل برنادت به سوئد افزودند

محرم ۱۳۳۲
[signature]

اوضاع اروپا بعد از کنگرهٔ وینه

با وجود سعی دول در کنگرهٔ وینه برای تجدید اوضاع سابقه شورش فرانسه و دورهٔ امپراطوری ناپلئون اثر بزرگی در اوضاع اروپا کرده است از حیث اینکه اولاً
در اروپا تغییرات زیاد ایجاد کرده که نمی‌توان آن را مقایسه کرد چنانکه کنگرهٔ وینه هم با کنگرهٔ وستفالی که بعد از جنگهای سی ساله بواسطهٔ شیوع رفرم تشکیل شد
ولی هرگاه اثر انقلاب فرانسه را در کلیه عالم نظر کنیم باید بگوئیم نظیر این واقعه هیچ وقت نشده یا خیلی نادر بوده است زیرا انقلاب فرانسه منشأ و محرک تمام
تغییرات سیاسی و اجتماعی بوده است در هیئت جامعهٔ بشری.

انقلاب فرانسه و امپراطوری ناپلئون دو نتیجه ایجاد کرد در اروپا که بعد از آن مدار گردید حس طلب آزادی بود در تمام ملل و دیگر احساسات خصوصی
در بعضی از ممالک. در اینجا مقصود تغییر اوضاعی است که در اثر این دو قوه در ممالک مجاور فرانسه تولید گردید. از این آثار یکی حصول وحدت سیاسی بود
ترکیب بعضی از دول با یکدیگر (در آلمان و ایتالیا) و ترتیب حکومت مبنی بر آزادی لفظی و تأسیس حکومت جمهوری، از میان بردن
امتیازات قرون وسطی (فئودال) و معمول داشتن قانون فرانسه در بعضی از آن ممالک که به اسم قانون ناپلئون Code Napoléon موسوم است. از این آثار
دو جزء اول و آخر نه باقی ماند جزو اول که عبارت از ترکیب دول بود تغییر داده شد و ترتیب قراردادهای کنگرهٔ وینه را به اروپا طوری که در خیال آن بود
دو جزء دیگر نه از تغییر رسید نه جزء آخر در آنکه حکومت سابق آنها عیناً برقرار شد تا مدتی قوانین ناپلئون در بعضی از ممالک در...
در ممالک آلمان جزء امپراطوری ناپلئون شده بود و بعضی از ممالک دیگر آلمانی و ... در فرانسه اعتبار داشت که برای آن
و قانون ناپلئون را ... در کنگرهٔ وینه ولی از آن جهت که ترتیب ... وقایع سیاسی اروپا بعد از کنگرهٔ وینه
متوالی ... اول حس آزادی ... و ... سیاسی و ملل اروپا ... قدرت و تجارت ... در خارج اروپا
این امور هم را بعد از این تحت عنوان سیاست خارجی اروپا خواهیم دید. در اینجا همین قدر باید گفت که ... اول حس آزادی در خارج
اروپا هم انعکاس داشته و یکی از وسائل نشر آن امور هم نفوذ سیاسی و تجارتی اروپا در خارج اروپا بوده است.

حس آزادی — بروز و ظهور حس آزادی در اروپا دو نوع خیال و نظر از برای ملل تولید کرد. از آزادی نظری بشر که حقوقی است
نتیجه گرفته شد حکومت ... بدین معنی که افراد ملت ... اراده ایشان باشد ... تمام آزادی طلبان ... حکومت

شوند و از این عقیده انقلابات در داخله ممالک تولید شد را تبدیل حکومت استبدادی به حکومت ملی تولید حکومت ملی بعضی از مردم را
متوجه به این نکته کرد که افراد مردم باید آزادی حقوق بشر خود را بگیرند و ... اراده ملی برای آن ملت
اختیار کنند پس هر ملتی باید مرکب باشد از افرادی که همه یک جنس و نژاد خود باشند و جز یک ملت در تحت یک حکومت در آیند توجه
این نکته تولید جنبش ملی در ملل مختلفه اروپا کرد و جنگهای ناپلئون که از یک طرف حس مبنی بر آزادی را انتشار دادند و از طرف
دیگر به واسطه استیلای ناپلئون و قرار دادن ملل تحت تسلط در تحت حکومتهای که از خود نمی‌شناختند این حس ملیت را شدت دادند
چنانکه جنگهای آخری ناپلئون را بعضی آخری اطریش و غیره علیه ناپلئون را می‌توان گفت روز این حس بوده ... در
جنگهای آخری با ناپلئون بعضی از دول اروپا برای خود در عنوان حفظ استقلال و ... آزادی تشویق ملت کردند در کنگرهٔ وینه این
... را فراموش نمود در اینجا باید گفت که ... ... اروپا ... از این حس آزادی ... بلکه ... ملیت ... حق
با هر ... برای پیروی سیاست قدیم ... را برای زمین زدن ناپلئون جمع کرده صرف فراهم کردن استبداد مطلق
شخصی خود کنند و اقتضای این خیال این بود که در داخله ممالک خود از بروز حس آزادی جلوگیری کنند و در سیاست خارجی مردان
سیاسی از حس ملی مقتضی ... شخصی ... زمان ... ممالک اروپا جماعت کثیری از مردم ... طرفدار
قدرت استبدادی پادشاه و سیاست خارجی قدیم از سیاست خارجی ... این جماعت ارتجاعیون در کمال جدیت طرفدار
نیات ... بلکه در بعضی ممالک بیش از خود سلاطین طرفداری از استبداد ایشان کردند و سرپرست تمام ارتجاعیون اروپا مترنیخ
Metternich وزیر اطریش بود که تمام اهتمام خود را مصروف جلوگیری از انقلاب آزادی طلبان و حفظ قدرت استبدادی سلاطین کرد
مترنیخ معتقد بود بهترین ترتیب از برای عالم ترتیبی است که در طول زمان دوره‌های دول برقرار شده است بعبارت اخری بهترین
ترتیب ترتیب ماضی را می‌داند و گمان می‌کرد انقلاب ... برای هیئت اجتماعیه بشر مفید است در حالی که ادعای
او این بود که ... و سعادت هیئت اجتماعیه حفظ نظام است و انقلاب ... ضرورت دارد و ... پادشاه باید جبر
استقلال در نظم عالم ثمری ندارد. به این جهت نظر شاهی آزادی طلبان را بجز لطمهٔ خیلی بزرگ تشبیه می‌کند مترنیخ شخص خود

و مقاصد خویش هیچ اهمیت دیپلوماتیک که خود را سیاست فرو نگذارد نظم عالم است و در وقت مردن افسوس میخورد که بعد از او کی برد؟
حفظ نظم عالم نخواهد بود بعد از غلبه متحدین بر ناپلئون الکساندر اول بواسطه تأثیری که یکی از زنهای محترمه در نفس او پیدا کرده
دارا به تقدس و الهام و خصوصیت نسبت بمذهب مسیح داشته بود تخیل اتحاد و ترتیبی فراهم کند که بین سلاطین اروپا
روابط پدرانه و شاید به عیسویان خالص العقیده است مصمم نماید

و باین نظر عهد اتحاد را با امپراطور اطریش و پادشاه پروس بست و در حقیقت عقد اخوت و قرار داد صلح دائمی ببندد تا بعد بر یکدیگر بموجب
این اتحاد که موسوم به اتحاد مقدس شد با تمام سلاطین هم عهد شده است بلکه بر یکدیگر به الطاف و مراحمت رفتار کنند و اسباب پیشرفت عدالت
و سعادت ممالک خود را فراهم نمایند و در استقلال دولت یکدیگر سعی نمایند و اگر [illegible] از نقاط [illegible] در اهل هم عهد رفع
و اشغال کنند بعد از الحاق این معاهده سایر دول اروپا را هم بعضویت آن دعوت کرد و تمام دول معظمه باستثنای انگلیس در آن داخل شدند اما
علت اصلی انعقاد این عهد از دخول در این اتحاد این بود که [illegible] در ماده اول بیست نکرده و نیز مقصود و نیت را برای جلوگیری از آزادی طلبان و شورشهای
اثبات بود که وجود این اتحاد را برای پیشرفت مقاصد خود مغتنم دانسته بودند آن را اسباب به اتحاد و این دول برای جلوگیری از آزادی طلبان
و ملتیون کردند چون سلاطین و دول در آن وقت تشخیص دادند بر آزادی طلبی و حرکات آزادی طلبان را بلای بزرگی برای سلطنت
اجتماعیه و سیاسی ایشان تصور میکردند شده و اول اتحاد که حفظ حق الهی یعنی قدرت استبدادی سلاطین را مشهور نمودند یعنی بتوسط مترنیخ قبول
کردند اتحاد این دول هم عهد این است که از انقلابات داخلی ممالک خود جلوگیری کنند حتی بمداخله نظامی در آن ممالک بدون رضایت
پادشاه آن مملکت. این ترتیب معروف بطریقه مترنیخ شده است تا مدتی معمول بوده است و در موقع هر انقلاب مهم باقدام مترنیخ [illegible]
از دول هم عهد کنفرانسی تشکیل و قرار مداخله نظامی در مملکتی که انقلاب واقع شده بود میدادند

اما این اقدامات بجای ارتجاعیون برای احتیاط از اینکه مبادا شورش و انقلاب واقع شود بیشتر تحریک انقلابات کرد مثلا آزادی طلبان
و ملیون دیدند که دول به نظریات ایشان هیچ اعتنا نمیکنند بلکه در صدد اعمال قدرت استبدادی خود و جلوگیری از آزادی هستند برای
پیشرفت مقاصد خود چاره جز شورش و انقلاب ندیدند و چنانکه پیشتر گفتیم در سال [illegible] اروپا [illegible] تا [illegible] طلب آزادی

واضح و پدید میشد میتوان انقلابات ناشی از این دو [illegible] صورت پیدا کرد یکی صورت شورش در داخله ممالک دیگر صورت جنگ بین ممالک مختلفه
و این جنگها را میتوان به تحریک حس ملی واقع شده است جنگهای ملی (Guerre de Nationalités)
نامید در مقابل جنگهای که دول برای مقاصد سیاسی بایکدیگر کرده اند موسوم به جنگهای سیاسی شد (Guerre Politiques)
از یکطرف حس طلب آزادی و حس ملی متولد از یکدیگر بوده است غالباً با یکدیگر مخلوط شده و بهم کمک میکنند بنابراین کارهای شورشهای داخلی
مقدمه جنگهای ملی و کار نتیجه آن گردیده است غالباً با یکدیگر توأم بوده است از طرف دیگر جنگهای ملی و سیاسی اکثر با یکدیگر مخلوط شده
با یکدیگر کمک کرده و با این نظر نتیجه آن گفته جنگهای ملی هم اکثر برای پیشرفت آزادی داخلی ممالک و مقاصد ملیون منجر شده است
اما بواسطه قدرت دول و ارتجاعیون مانع از این بود و هر ترتیب [illegible] پیشرفت کند بلکه تاریخ اروپا در مائه نوزدهم عبارت شده
است از جنگ دائمی غلبه آزادی طلبان و ملیون در مقابل ارتجاعیون [illegible] چند دوره ارتجاع و غلبه ارتجاعیون و دول استبدادی ولی آخر الامر
نتیجه آن کلیه بطور منظم واقع شده است ضعف تدریجی دوره های ارتجاع است نسبت بیکدیگر و همچنین قوت دوره های نشر آزادی نسبت بدوره های قبل
حتی که از ابتدا مملکت فرانسه بواسطه انقلاب کبیر خیال آزادی را در اروپا نشر داده است با وجود ضعف بواسطه وقایع ۱۸۱۴ برای فرانسه
پیش آمد بعد از ۱۸۱۵ بعید هم میدانیم بگوییم مرکز تمام تغییرات راجع بآزادی مملکت فرانسه بوده است یعنی حال تمام اروپا از حیث
غلبه ارتجاع یا غلبه آزادی تابع حال فرانسه بوده است ولی بطوریکه میدانیم بگوییم اثری که وقایع فرانسه در خارج کرده است نشر قوت
آزادی بوده است و اثری که در عوض از سایر ممالک بر فرانسه وارد آمده است ارتجاع و برگشت قدرت استبدادی بوده است

در مقابل فرانسه که در انتهای غربی اروپا نشر آزادی میکرد وجود یک دولت هم در شرق اروپا به نشر آزادی و پیشرفت مقاصد ملیون کمک
کرده است و آن وجود دولت عثمانی است که بواسطه ضعف و عدم قابلیت عثمانیها از اقدام اقوام ملل بالکان برای آزادی خود از
حکومت آن دولت نمیتوانسته اند با ملل مغلوبه خارجی جلوگیری کند و چون تجزیه آن دولت منظور نظر اکثر دول اروپا بود در این مورد دول
استبدادی اروپا هم در تمام موارد از آزادی طلبان و ملیون تحت جلوگیری نمیکردند بلکه با مقاصد ملیون بالکان همراهی نموده بالنتیجه وقایع
بالکان به پیشرفت آزادی و ملیت در باقی اروپا هم کمک کرد در این مورد است که جنگهای ملی هیچ به شورشهای آزادی طلبان داخلی

کمک کرده است ضمناً وقایع این شبه جزیره بر اساس نظریات سیاسی در دول اروپا به عثمانی متلاشی شده تولید شده یکی مهمی در دوره فوق دیدیم که معروف

به مسئله شرق Question d'Orient

موافق ترتیبی که در فوق ذکر کردیم تاریخ وقایع اروپا را در دوره قرن نوزدهم از ۱۸۱۵ ببعد بدوره های ذیل میتوان تقسیم نمود (۱) دوره رجعت خانواده بوربن Restauration در فرانسه از ۱۸۱۵ تا شورش ۱۸۳۰ (۲) دوره سلطنت خانواده اورلئان از شورش ۱۸۴۸ تا ۱۸۴۸ (۳) دوره جمهوری دوم

فرانسه و امپراطوری ناپلئون سوم تا ۱۸۷۰ (۴) دوره جمهوری سوم فرانسه و در هر یک از این دوره ها وقایع را بر حسب اختلاف ممالک باید بقسمت های مختلفه تقسیم نمود و قبل از

شروع امور در دوره قرن نوزدهم واقع شده است عبارت است (۱) از انقلابات فرانسه و انقلابات دفع ممالک دیگر برای استقلال ملی (۲) انقلابات ... در وضع

مملکت برای طلب استقلال و آن نوع ممالک عبارت است از بیگانه (طلب استقلال شرکی) و ممالک اطریش ... در تحت ... بواسطه اختلاف

نژاد هر کدام حکومت جداگانه تشکیل ... خواستند طلب استقلال خود را از دولت ... گردند و ممالک ... ایتالیا و ... ممالک ...

ا... آن ... شد که ... تشکیل خود را ... میکند (۳)

لوئی هیجدهم مجبور شد حفظ املاک تقسیم شده را برای مالکین جدید آنها که از اولین امور قرار دهد و در ترمیم خرابی ها که به آنها رسیده قسم خورد مثل اینکه ارتجاعیون
از استرداد املاک و اموال مزبوره صرف نظر نمیکردند و این مسئله که از مرضهای مهم اقدامات ایشان بود تا عاقبت در سلطنت شارل دهم قانونی از
مجلس گذرانیدند مبنی بر دادن مبلغ گزافی [illegible] بابت صدی ۳ بر قیمت املاک ضبط شده به مالکین اول آنها تخمین از این قرار کرده بود [illegible] میلیون فرانک بعد
قانون انتخابات تا بودن طبعجات چند دفعه تغییر کرده است به همین جهت هر وقت ارتجاعیون غالب میشدند آن قانون را [illegible] تغییر میدادند و ترتیب انتخابات را طوری
میدادند که بیشتری از ارتجاعیون منتخب شوند و چند دفعه آزادی مطبوعات را طوری [illegible] کردند که هیچ آزادی برای روزنامه ها و سایر مطبوعات باقی نماند و گذشته از
ترتیب قانون [illegible] هم [illegible] قانون را [illegible] متصور خود [illegible] اقدامات میکردند از قبیل اینکه در مورد انتخابات مردم را به تهدید [illegible] از انتخاب
[illegible] ادارات [illegible] ارتجاعیون [illegible] مردم [illegible] کنند که راه [illegible]
[illegible] قرار میدادند و از [illegible] ایشان جلوگیری میکردند در واقع
آزادی طلبان غالب بودند قانون انتخابات و مطبوعات تغییر میکرد و اقدامات [illegible] ارتجاعیون جلوگیری میشد
[illegible] آزادی طلبان با ارتجاعیون [illegible] ایشان [illegible] Chambre
[illegible] Paris [illegible]
[illegible] قانون انتخابات [illegible] در دفعه اول انتخابات [illegible] ارتجاعیون قوت داشته و [illegible]
Ultra Roya - [illegible] ارتجاعیون [illegible]
[illegible] Chambre [illegible]

Chambre introuvable [illegible] از استبداد [illegible]
[illegible] آزادی طلبان [illegible]
[illegible] ارتجاعیون [illegible] آزادی طلبان [illegible] ارتجاعیون [illegible]
Chambre Retrouvée [illegible]
[illegible] Restauration [illegible]
[illegible]
[illegible] Congrégation [illegible] آزادی طلبان [illegible]
[illegible] Charbonnerie (Carbonarie [illegible])

در ۱۸۲۴ [illegible] شارل [illegible] ارتجاعیون [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible] آزادی طلبان [illegible]
[illegible] ارتجاعیون [illegible] ۱۸۳۰
[illegible]

ارتجاع در ممالک دیگر - در ممالک آلمان و [illegible]
[illegible]
[illegible]

آلمان - [illegible]
[illegible]
[illegible]

با ناپلیون نفسی اصلاحات میکرد از جمله اقداماتی که در آلمان کرد اونیورسیته برلن بود معروفترین عالم این شهر در آن بعد یکی از دارالعلمهای معتبر
اروپا شد Universität Berlin ولی چون در زمان تکمیل این اونیورسیته مقصود مهم تولید حس ملیت
با دشمن بود ترتیب اونیورسیته طوری داده شد که بیشتر ترتیبات ملی مردم را شامل میبوده است

ولی در این دفعه معلمین و متعلمین در امور سیاسی جلوگیری نشد بلکه از اقدامات اشخاص و مجامع مخفی در آلمان پیدا نمود تشویق میکردند با ترتیب
اونیورسیته برلن در این دفعه مدارس سایر دارالعلمهای آلمان را هم ترتیب کرد لکن بعد در ۱۸۱۵ تمام اجزای دارالعلمها دارای جمعیت سریه
وطن پرستی و دولت و لهذا برای آلمان نفرت و باقدامات تقلید و اظهار احساسات ملی عادت داشته لهذا مجامع مخفی خود را باهم انجمن
تقویت کرده داشته و در صدد تهیج مردم بر آمدند و همان اشخاص از تعاقب [illegible] [illegible] ظاهر میکردند
کار بجائی رسید که یکی از محصلین شعری را مردم به Kotzebue که از هواداران استبداد و طرفدار روس بود برای حرمت روسی [illegible]
ریاستی در ۱۸۱۷ [illegible] عید بزرگی بیاد کار ظهور مذهب پروتستان و جنگ [illegible] گرفته [illegible]
با [illegible] نمونه کتبی را که مبنی بر دفاع از استبداد بود جمع کرده آتش زدند و اظهار تنفر شدیدی نسبت باستبداد نمودند خبر این وقایع به
مترنیخ رسید مصمم جلوگیری از فتنه شد و کنگره یکی در Carlsbad دیگر در وینه فراهم کرده نمایندگان آلمان و اتریش در این کنگره
ترتیباتی برای جلوگیری از شورش در آلمان مرتبط انجمنها و مجامع و در تحت نظر قرار دادن مطبوعات و این قبیل اقدامات سعی کرده دولت
فرانکفورت مامور انجام این ترتیبات شد اگر در انظار با هیچکس اظهار همراهی با شورش بروز نکند اگر چه بر خلاف میل دولت ممکن بود ولی نشست
در آن بدلیل مداخله نماید

شورشهای اسپانیا – و پرتقال و ایطالیا – در ممالک اسپانیا و ناپل و پیمونت پادشاهان استبداد بقوت خارجی بمملکت خود برگشته خواسته که باز استبداد
مطلق رفتار کنند و اهالی مخصوصاً قشون از این وضع شاکی بودند زیرا صاحب منصبان قشون و صاحب منصبان دنیا ایشان در مملکتها مشروطه
در مدت فرار پادشاهان تکلیفی هم نبوده ممکن بود که حال بی میل بودند بلکه از پیش صاحب منصبان قشون مزبور را از ترک میدادند و لهذا در اوایل
هفت کردند در اسپانیا علت شکایت قشون این بود که دولت بعد از جنگ دفعی مملکت تصرف خارج دریایی و هم [illegible] [illegible]

در امریکای جنوبی قشون بی مواجب مینماند بعلاوه حقوق شان هم عقب افتاده در پرتقال پادشاه در زمان غلبه فرانسه به برزیل فرار
کرده بود بمملکت مراجعت نمیکرد و پرتقالیها از رفتار اش که بود شکایت به او که بمملکت مراجعت کند در پرتقال مرکز دولت از برزیل اهالی در برزیل
بیشتر از لحاظ جنبی حکومت انگلیسی که بود قشون اسپانیا که مدتی از ترکیب نگهداشته بودند عمومی از بی توجهی دولت داشته در ضمن از دو خواهش با فرانسه
معاشرت داشتند از این جهات از اول طلبیه شدند که بسیاری از صاحب منصبان داخل جرگه Franc maçon
بودند و این جمعیت علاوه که باسته بود دولت اسپانیا را ضعیف نمود در ۱۸۱۹ که دسته قشون مامور کشتیهای امریکای شمالی زیرا مدتها بود آنکه اول
شورش بود این قشون در شهر قادیس جمع شده بودند با فرانسه شدن لازم حرکت بود یکی از صاحب منصبان جوان موسوم به Riego
سرباز گرفته شورش داده قانون اساسی مجلس Cortes (نمایندگان اسپانیا) در ۱۸۱۲ ترتیب داده بود اعلام کرده و چیزی که
با او همراهی کنند ولی صاحب منصبان دسته قشون شمالی با او همراه شده و قرار که برای مطیع کردن ایشان رفته شد از جانب اشخاص آنها
و پادشاه مرسوم به فردیناند مجبور شد که قانون اساسی را قبول کرده به حفظ آن قسم خورد و مجلس Cortes را منعقد کرد (در قدیم اسپانیا مجلسی
داشته است مرکب از نمایندگان اشراف بر سم که آن را Cortes و دربار [illegible] انقلابات اسپانیا چون مجلسی را منعقد کرده همان مجلس قدیم را
داشته انجمن یا مجلس کرتس خوانده اند) از اول طلبه وقت یافته در انتشار قانون اساسی و حاضر کردن مردم برای حفظ از آن خود کوشیدند
شورش اسپانیا در پرتقال اثر کرده قشون پرتقال شوریدند و پادشاه مجبور بمراجعت به پرتقال شد و قانون اساسی را هم از روی قانون اساسی اسپانیا
نوشته بود بر حرف بی امضاء کرد ۱۸۲۲ ولی چنانکه بعد خواهیم دید این مراجعت او اسباب تجزیه برزیل از پرتقال شد بعد از امضای
قانون اساسی پادشاه پرتقال با رتبه اعیان آن مملکت همراه شده در صدد برقراری استبداد بر آمده و چندی هم موفق شد اما تاریخ
انقلابات پرتقال از سایر ممالک تفاوت دارد و تفاوت آن در مقدسی بدان ممالک همراه است زیرا پرتقال چنانکه پیش دیدیم دولت انگلیس
انگلیس بوده و دولت استبداد او از دول دیگر مملکت است همین بیشتر در میان انگلیس بوده است یعنی در زمان وزرای Conservative
استبداد طلب پرتقال متمایل است استبداد خواهان اقتدار و در زمان وزرای لیبرال از آزادی در آن مملکت
غلبه میکرد [illegible]

در زمانیکه در ایطالیا مجمع مخفی دیگری بود بنام Carbonari در زمان تسلط ناپلئون با ضدیت او و انواع [illegible]
تشکیل شده بود و این مجمع مرکب از جمعی مشتق بود بنام Vendite در ابتدا که در ایطالیا بود ولی بعدها انشعاب شد و همچنین یک [illegible]
رئیسه داشته در بابتی که تمام اعضای [illegible] باشند بدون آنکه اعضای آن [illegible] را بشناسند و چون در اهالی این انجمنها برای آنکه حزب مخفی باشد [illegible]
زمان منعقد میشد بنام کاربناری Carbonari موسوم شد بیشتر از اصحاب [illegible] و افراد قشون عضو این مجمع بودند در زمانی [illegible]
اقدام قشون و نفوذ مجمع کاربناری [illegible] شورشیان پیشرفت کرده ~~[illegible]~~ چون [illegible] تا نزل [illegible] را [illegible] اختیار
کرده و پادشاه [illegible] حفظ آن قسم خورد ۱۸۲۰

حرکت اطریش ابتدا کنگره در شهر Troppau در سیلزی منعقد گردید قرار مداخله [illegible] ایطالیا [illegible] اتفاق [illegible]
و چون [illegible] روس و پروس و اطریش نیز [illegible] در تاریخ [illegible] کنگره را [illegible] شهر لایباخ Laybach
در Carmiole منتقل کردند پادشاه ناپل را به کنگره احضار کردند و او چون از ناپل خارج شد [illegible] ضدیت با قانون اساسی [illegible]
[illegible] در کنگره [illegible] مملکت خود کرد و چون اطریش در ایطالیا قشون داشت قرار شد آن دولت [illegible] را انجام دهد
در موقعیکه کنگره [illegible] متفرق شود خبر [illegible] در ایطالیا رسید ~~[illegible]~~ [illegible] ~~[illegible]~~
~~[illegible]~~ یکی از شهرهای [illegible] [illegible] از چند [illegible] استقلال داشته [illegible]
با [illegible] از تسلط اطریشیها در ایطالیا [illegible] در [illegible] قانون [illegible] اول [illegible]
اطریشیها [illegible] ایطالیا [illegible] [illegible] در [illegible] تصرف [illegible]
پادشاه ایطالیا [illegible] اطریشیها خارج شود دیگر دولت بنام ایطالیا [illegible]

چون محرک این شورشهای ایطالیا [illegible] را دانسته قرار کنگره جدیدی برای [illegible] کنگره در شهر Verona در
ایالت ونیز منعقد شد ۱۸۲۲ [illegible] را [illegible]
از سال ۱۸۲۱ قشون اطریش در ایطالیا مشغول کار شدند ~~[illegible]~~ پادشاهی را [illegible] داده [illegible]

و همچنین شورشهای پیمونت [illegible] پادشاه آن مملکت [illegible] شورشیان را متفرق کرده (در مدت [illegible] [illegible] مجبور [illegible]
و برادر او [illegible] Charles-Félix پادشاه شده و با اطریشیها برای جلوگیری از شورشیان [illegible] کرد) [illegible]
از [illegible] [illegible] و [illegible] در [illegible] Lombard-Vénitie و [illegible] متعلق به اطریش [illegible]
مخفی [illegible] اطریشیها [illegible] [illegible] را [illegible] [illegible] [illegible] حبس کرده [illegible]
[illegible] [illegible] در حبس [illegible] [illegible] حبس [illegible] [illegible]
Silvio Pellico [illegible] Le mie prigioni [illegible] و آن کتاب [illegible] ایطالیا [illegible] [illegible]
در موقعیکه کنگره [illegible] برای ترتیب [illegible] منعقد شد در فرانسه کابینه [illegible] روی کار آمد [illegible]
[illegible] کنگره [illegible] Chateaubriand [illegible] فرانسه در کنگره [illegible] [illegible]
مذاکره کرده [illegible] فرانسه قرار گرفت [illegible] کنگره [illegible] فرانسه [illegible] [illegible] امور خارجه [illegible]
[illegible] [illegible] قانون اساسی آن مملکت کرد و چون [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
حکومت [illegible] پادشاه [illegible] شهر قادیس [illegible] قشون فرانسه [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] شورشهای [illegible] را [illegible] متفرق کرده [illegible] Trocadero
در حافظ آن شهر [illegible] حکومت [illegible] مجبور شد پادشاه [illegible] را [illegible] قشون فرانسه [illegible]
بر قدرت خود برقرار کرده [illegible] ۱۸۲۳ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] و مرکزی قبل از ۱۸۳۰ از اقدامات [illegible] و تمام [illegible] [illegible] برای جلوگیری آن [illegible]
از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] حکومت [illegible] [illegible] مملکت [illegible] ([illegible]) [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

یکی مسلکی به [illegible] نیز گزارش شده دسته دیگر بودند Modérateurs نیز دسته معتدل دایم در کار هم با کمال
سختی با هم مخالفت می‌کردند و به واسطه نزاع ایشان بود دولت عثمانی به قدری بی پناه و پرده بود

مسئلهٔ شرق — عثمانیها بعد از ورود به قسطنطنیه بزودی مالک شبه جزیره بالکان و تمام آسیای صغیر و کرانه‌های دریای
سیاه گرفته تا اواخر مائه هفدهم دولت عثمانی قدرت و اعتبار کلی در اروپا داشت ولی از مائه هیجدهم به بعد تنزل آن دولت
صورت ظاهر گرفت شد عثمانیها به واسطه اختلاف مذهب و نژاد در میان ملل اروپا اجنبی محسوب می‌شدند و ملل اروپا غیر از فرانسه
همه وقت با دولت عثمانی رابطه دولت نداشتند حتی در مائه نوزدهم در ابراز کلیه اروپا کمتر [illegible] داده بودند
عثمانیها را در جزو ملل اروپا حساب نمی‌کردند و ایشان را [illegible] دعوت می‌نمودند اما در دولت عثمانی ترتیب اداره قرار داده بود
و سلطان سمت خلافت داشت و [illegible] قوانین اسلام مجری بود ولی در معنی دولت عثمانی حکومت استبدادی بی اساسی
بی کفایتی بود و فقط صورت ظاهری از بعضی قوانین اسلام و چند [illegible] حفظ می‌کرد دولت
عثمانی با تحت قوانین اسلام با تمام مسلمین از ترک و عرب و [illegible] در اسلام قبول کرده [illegible]
یکی و همه [illegible] مسلمانان بودند لکن بعضی مسلمین [illegible] رفتار می‌شد و با غیر مسلمین
معامله رعایا [illegible] شرط ادای مالیات و قبول ذلت نسبت به مسلمین در بجای آوردن
آداب مذهبی و زبان و عادات و ترتیب [illegible] اما این ترتیب حقیقتاً غیر مسلمین را راضی
نمی‌کرد زیرا ترکهای عثمانی و همه تابعین [illegible] ایشان [illegible] همیشه مشغول ازدیاد
تعدیات نسبت به این ملکت خاصه غیر مسلمین بودند [illegible] علیه [illegible] و غارت می‌کردند
و انواع [illegible] آنها [illegible] عثمانیها به واسطه ملاحظه ظاهر از قوانین اسلام و مذهب
و عادت قدیم اکثریت [illegible] گذشته [illegible] به واسطه ترک عادات و رواج
قوانین اسلام [illegible] آن اقوام را [illegible] صحت ضعف دولت عثمانی [illegible]

عثمانیها در مدت توقف در اروپا از جهت معارف و صنعت و هنرها هیچ ترقی نکرده بودند و در ابتدای مائه نوزدهم حال غارتگری در از
عالم تمدن بودند در موقع فتح قسطنطنیه به نظر می‌رسید [illegible] نظام [illegible] اقتدار ایشان بود از [illegible] اول این جهت که
ترقیات نظام اروپائی را اخذ نکردند و نسبت به ملل اروپا در حال تنزل [illegible] آنکه حفظ نظم و اطاعت را در قشون خود [illegible]
و ینگیچریها یعنی قراولان [illegible] قدیم [illegible] بلکه [illegible] از ایشان [illegible] کرده بودند و [illegible] از مدت [illegible] از
مرتب [illegible] برای [illegible] حالی آنکه عثمانیها در موقع فتح قسطنطنیه منظم ترین قشون اروپا [illegible] را داشتند ([illegible]) در
مائه نوزدهم [illegible] بی ترتیب ترین قشون اروپا بود و [illegible] قدرت ایشان فقط [illegible] بود [illegible]
حکام [illegible] تابع عثمانی [illegible] دولت [illegible] اقتدار [illegible] ملل اروپا [illegible]
[illegible] ترقیات [illegible] عثمانیها [illegible] ضعف [illegible] دولت
را نسبت [illegible] مذاکره تجزیه عثمانی را به میان آوردند (این افکار در اواسط مائه هجدهم [illegible]) [illegible] تجزیه عثمانی [illegible]
اعتبار دولت روس [illegible] و اطریش [illegible] روس و اطریش به واسطه [illegible] عثمانی [illegible] تجزیه آن دولت [illegible]
کاملا نظر داشته زیرا [illegible] دشمن [illegible] ایشان [illegible] قسطنطنیه [illegible]
دولت عثمانی مانع [illegible] دریای سیاه و دریای مدیترانه بود در مائه هجدهم [illegible] شمالی و [illegible] دریای سیاه
را از عثمانی گرفته [illegible] کاترین دوم [illegible] روس و عثمانی تا ۱۸۱۲ [illegible]
روسها بعد از [illegible] شمالی و شرقی دریای سیاه [illegible] دریای سیاه [illegible] قسطنطنیه [illegible]
[illegible] (افلاق و بغدان) [illegible] ناپلیون [illegible] در حق عثمانی [illegible] سابقا
[illegible] عثمانیها برای آنکه با ناپلیون همراه شده باشند [illegible] ناپلیون [illegible] اطریشیها [illegible]
عثمانی [illegible] تجزیه عثمانی موضوع مذاکره بین روس و فرانسه شده بود

در داخله عثمانی از اواخر مائه هجدهم [illegible] آن دولت [illegible] روس [illegible] عیسوی عثمانی [illegible]

میکرد و اولین حرکت مهم از مردم ایروامی صربها مردمان فقیری بوده مشاغل ایشان زراعت گندم و نگاهداری گله‌های خوک میگذشت و بعضی از ایشان به طریق راهزنی و بعضی قشون اکی [illegible] میشدند و بعد از مدتی با رتبه نائب بعضی جزء مملکت خود برگشته و معتبر به اکلی ابن صاحب منصبان و صاحبان گله‌های خوک بوده مخصوصاً یکی چرچیه مشهور به علم را انبت باشی ایشان بلکه در فیما بین در ۱۸۰۴ با وجود مساعدت باشی حاکم ملکتان مملکت را ناراحت کرده مهمترین عیدها را القاب ساخته صربها بعکس ایشان بلده برده شورش کردند و قره شرد [illegible] نامی را بر ایالت نظامی خود برداشته در تحت ریاست قره [illegible] جورج قشون عثمانی را عقب نموده حالت روسیه را در آن وقت با عثمانی در حال جنگ بود ترتیب داده بلکه برای سرحد تعیین داد ولی چون صلح کرد ایشان را را تمام نمود (۱۸۱۲) و مردم با هم غیرت نمودند و قره [illegible] با جرأت فرار کرد طفیلی صربها دولت عثمانی به فرار قره [illegible] ختم شد و بعد از ۱۸۱۵ میلش [illegible] نامی از ایالت خوک همان کار قره [illegible] را پیش گرفت و مثل اینکه با قشون عثمانیها جنگیده بر ایشان غالب شد و سرداران عثمانی او را به سمت ریاست صربها شناختند میلش قره [illegible] را در رابطه ایشان مرحمت کرد و لقب عثمانی لقب امیر صربها گرفت ۱۸۲۰ و یک فرمان از لوی برای صربها در ۱۸۳۰ گرفت و شرح آن در آینده خواهد آمد.

اما یونانیها در نقطه مملکت خود جمع قهر و باطاعت نمودند در جزیره مره عثمانیان در شکل حکومت محلی از خود داشتند ولی تمام شهر جزیره یک حکومت مرکزی عثمانی در شهر [illegible] داشت که [illegible] قدیم کرسی تابستانی بوده و چنین در قلاع متحکم داشته و دست از عثمانیها الا حکومت مملکت که در کوههای یونان مرکزی و غربی یونانیها یکدسته قشون مخصوص داشتند که در طول سالیان گرگ حرکت نمودند و تسلیم کردن شخصهای از خود در ولایت خود وضع نمودند ولیکن بسیاری از ایشان به جنگ کوهها پناه برده راهزنی اختیار کرده بودند و این اشخاص مرسوم به [illegible] کار کلفت بوده و یونانیهای عیسوی آنها را به نظر مردمان ملت خود محسوب میداشتند بسیاری از یونانیها در ولایت غیر یونانی عثمانی متفرق بوده همچنین در بنادر مدیترانه ترقی عمده زیادی از یونانیها مسکن داشتند و در آن جنگهای ناپلئون و Blocus Continental تجارت دریای یونانی فرصت یافته به واسطه بیطرفی خود در بنادر مدیترانه بازرگانی تجارت کرده به این وسیله متمول شدند و بسیاری یونان برگشتند و در یونان تأسیس مدارس کرده و یونانیها به واسطه نقش از اهمیت تاریخی قدیم خود [illegible] حس ملیت ایشان بیدار شد در حالیکه در

داخله یونان از دستیابی سیاق الدوله قشون مأمور داشتند و در بعضی دیگر طرف تجار با منسوبه متمول برای دولت خرج جنگ فراهم نموده از زمان [illegible] دولت عثمانی داشت یک نوع پاشاهای عثمانی بوده در جهان حکومت خود طغیان یکی از پاشاها علی پاشای حاکم ایالت یانینه Janina مقدمه شورش یونانیها و استقلال یونان گردید بالجمله علی پاشا چون به دسته قشون مأمور دفع او شده از جمله یک جزء اسلحه و یونانیها فرصت در یونان مرکزی و مره طغیان کردند ۱۸۲۰ در آن وقت بعضی از جوانهای یونانی به عنوان اوتراسیتاریا که در بندر ادسا Odessa که جمع بوده انجمن مخفی به اسم Hetairia Philiké داشته و دولتی به اسم Ypsilanti از اهالی یونانی عثمانی را که انجمن دعوت نمودند و این جوان از طرف الکساندر اول بوده دیگر از ایشان در رسم Alexandre Ypsilanti بود صاحب منصب مخصوص امپراطور بود و این کس با شاهزاده نفری فراهم کرده به تجدید استقلال یونان هم از آن حرکت کرد ولی برای اینکه به دولت روسیه برود مانع رفت و الکساندر اول هم از اینکه حرکت او کاشف مقاصد او نسبت به عثمانی بود متغیر شده و الکساندر ایپسیلانتی به علت شکست ولذا کار او پیشرفت ننموده مجبور به فرار از طریق شد اما یونانیها جزیره مره در مورد اینکه علی پاشا شهر عثمانیها شده الکساندر ایپسیلانتی هم پیشرفت حاصل نمود و دست از ترکان برنداشتند و شهر Tripolitza را محاصره کردند و بعد از چند ماه محاصره عاقبت شهر را از قهر داخل شده و تمام ساکنین آن را منهدم ۱۸۲۱ در این وقت کشتیهای یونانی شروع به حمله به کشتیهای جنگی عثمانی کردند و یک مجلس مرکب از نمایندگان تمام یونانیها جمع شده استقلال یونان را اعلان کرده حکومتی مرکب از یک جمعیت و یک شورای پنج نفری ترتیب داده عثمانیها در مقابل این حرکات یونانیها در صدد آزار عیسویان یونانی برآمدند و در روز عید پاک [illegible] Patriarche را کشتند و به در کلیسا آویختند و یک دسته کشتی عثمانی به جزیره کیو Chio حمله کرده اهالی آن را که مردمان مرفه بودند سربازان جزیره را دو ماه به تیر هزار نفر از اهالی را کشتند و زن و بچه‌ها را اسیر گرفته بیست هزار نفر برده بغلامی فروختند و قضیه کیو اهالی تمام اروپا را فوق العاده به هیجان آورد ارباب عیسوی فقط به تعصب مذهبی و از لوی طلبان به واسطه توجه به نسبت حس آزادی و استقلال طلبی و ادبا به واسطه عشقی که به یونان از جهت سابقه تاریخی و ادبی آن مملکت داشتند رشته‌ها جنگیده ایشان داشتند با جمعی از یونانیها شده و آنکه با دلاوری از دسته قشونی باسم Philhellènes (دوستداران یونانیها) تشکیل یافته در ایالت یونانی یونانیها مشغول جنگ با عثمانیها شدند و از جمله ایشان لرد Missolonghi بایرون شاعر انگلیسی

انگلیسها چون مصر را از فرانسویها گرفته ممالکت را بدولت عثمانی تحویل دادند و دولت عثمانی حاکمی بمصر فرستاد ولی باز غلبه با امرای مملوک شد یکی از امرای
حاکم سابق ابوذکر [illegible] بود بعد از آن محمد علی پاشا این شخص مرد بلند [illegible] بود و بزودی حکومت شهر قاهره را یافت و حکومت تمام مصر را تصاحب کرد و هر چه
برای سلطان فرستاده حکومت خود را [illegible] بعد امرای مملوک را بجشنی دعوت کرده تمام ایشان را بضرب گلوله بقتل آورد ۱۸۱۱ پس از آنکه
مصر را بی مدعی دید [illegible] امرای مملوک خلاص کرد در صدد اصلاحات در آن مملکت برآمد و صاحب منصبان [illegible] قشون معتبری آراسته شد و صاحب منصبان
فرانسوی خواسته از رعایا ده هزار نفر با جبر بسربازی گرفت و تعلیم [illegible] کامل نمود و بزودی قشون او از قشون عثمانی بهتر شد ضمن این اقدامات از
سلطان عثمانی لقب خدیو و حکم موروثی بودن خدیوی مصر را در خاندان خود دریافت کرد محمد علی پاشا پسر رشیدی داشت موسوم به ابراهیم پاشا که در جنگها
غالباً سردار قشون بوده

چون بعد از واقعه کیو قشون داوطلبان اروپائی بیونانیها اضافه شده و انگلیسها در هر دفعه پول نقد و تدارکات [illegible] بیونانیها قرض دادند
با همه اینها کار شورش یونان بالاخره چنان شد که دولت عثمانی تمام قوای خود را صرف [illegible] کرده ولایت تسالی و اپیر و جزیره کرت را [illegible] گرفت
ولی قوای دولت عثمانی برای گرفتن یونان مرکزی و موره کافی نبود و باین جهت سلطان [illegible] محمد علی پاشا [illegible] محمد علی پاشا پسر خود را با [illegible] از
قشون و ۱۵۰ توپ بکمک عثمانیها فرستاد و سلطان ابراهیم پاشا را حاکم موره کرده و قشون مصری با آن شبه جزیره رفته بنای تاخت و تاز گذاردند
در یونان مرکزی شهر میسلنقی Missolonghi [illegible] در تحت محاصره عثمانیها بود و لرد بایرون شاعر انگلیسی در آن محاصره تلف شده و بعد از
یکسال اهالی چون بواسطه بی آذوقگی به تنگ آمدند زنها و بچه ها و پیرمردها را جمع کرده مردهای جنگی در میان ایشان را گرفته و با یکی از شهر خارج
شدند و شهر را بقشون عثمانی واگذاشته [illegible] ولی قشون عثمانی [illegible] شد و زنها و بچه ها و پیرمردها و سایر ضعفا مجبور ببرگشت
بشهر شدند و فقط مردهای جنگی جنگ کنان از میان قشون عثمانی عبور کرده رفتند عثمانیها وارد شهر شده تمام اهالی را بقتل رسانیدند یا اسیر نمودند
(۱۸۲۶) بعد از این واقعه قشون عثمانی آکروپل آتن را محاصره کردند در ابتدای شورش یونانیها این مسئله در اروپا طرح
شده بود ولی چون مقارن بود با کنگره ها که برای جلوگیری از شورشهای ایطالیا و اسپانیا تشکیل میدادند مترنیخ رئیس الوزرای اطریش [illegible] مقاصد [illegible]
خود [illegible] دخالت در امور یونانیها [illegible] بعنوان [illegible] یونانیها جانب [illegible] شد [illegible] اسباب [illegible] تقویت [illegible] ولی در

ضمن وقایعی در باب یونان اتفاق افتاد الکساندر اول مرد [illegible] از خیال همراهی با مترنیخ بیرون آمده مقاصدی در باب عثمانی داشت در خیال او
غلبه کرد [illegible] اروپا هم عموماً با یونانیها همراه شده بودند و انگلیسها چون با حکومت [illegible] یونان معامله [illegible] کرده [illegible] یونانیها
قرض داده بودند نمیتوانستند مستهلک شدن ایشان را قبول کنند مقارن این حال الکساندر اول درگذشته سلطنت به نیکلای اول رسیده [illegible]
[illegible] الکساندر [illegible] عثمانی عازم [illegible] و روسها و انگلیسها قرارداد با یکدیگر دادند [illegible] یونانیها و عثمانیها را صلح بدهند و
دولت عثمانی را مجبور به [illegible] حکومت داخلی بیونان دهند و یونان را دولت خراجگذار عثمانی قرار دادند [illegible] دولت فرانسه هم داخل در این قرارداد شد
(۱۸۲۷) و سه دولت متفقاً از دولت عثمانی متارکه جنگ خواستند عثمانی قبول نکرد و دول ثلثه هر کدام یک دسته کشتی برای جلوگیری دولت عثمانی
بسواحل یونان فرستادند کشتیهای مصری و عثمانی در این وقت در خلیج [illegible] ناوارن Navarin [illegible] جمع بود و ابراهیم پاشا در آن [illegible]
کشتیهای دول ثلثه [illegible] این [illegible] توقف [illegible] شدند و در این کشتیهای مصری [illegible] شروع کرد و [illegible] یک واقعه جزئی [illegible] فرمان داده
شد که تمام کشتیهای اروپائی شلیک کردند و جنگ درگرفت و عثمانیها و مصریها [illegible] شدند سلطان از این واقعه متغیر شده [illegible] خسارت [illegible]
چون دول ثلثه امتناع کردند سفرای ایشان را از قسطنطنیه بیرون کرد ولی انگلیسها و فرانسویها چون [illegible] بعد از آن یک دسته کشتی انگلیسی را
اجبار ابراهیم پاشا بمراجعت بمصر و یک دسته قشون فرانسوی برای حفظ موره قناعت کردند اما دولت روس اعلان جنگ کرد و قشون روس بسال
اول از دانوب عبور کرده بواسطه نقص لوازم [illegible] از قشون مجبور بمراجعت [illegible] دانوب [illegible] سال بعد [illegible] لوازم جنگ
بسمت قسطنطنیه متوجه شده ادرنه را گرفته و بیست هزار قشون روس بطرف اسلامبول حرکت کردند سلطان متوحش شده درخواست صلح کرد و معاهده
ادرنه بسته شد ۱۸۲۹ بموجب این معاهده یونان [illegible] بعضی از شهرهای [illegible] عثمانی و [illegible] دولت عثمانی [illegible] ۱۳۷
میلیون [illegible] خسارت جنگ [illegible] این جنگ و صلح استقلال یونان [illegible] عثمانی [illegible] روسها [illegible] عثمانی بود
بواسطه عدم تمکن آن دولت به ادای وجه خسارات [illegible] بهمین سال کنفرانسی از دول اروپا برای ترتیب امور یونان منعقد شده بعد از تجسس بسیار
پادشاه [illegible] را موسوم به اتن Othon سلطنت یونان معین کردند

تمام وقایعی که دیدیم در قسمت اول سلطنت سلطان محمود واقع شد این سلطان [illegible] در ۱۸۰۸ جلوس کرده در خیال اصلاحات کلیه در عثمانی بوده

و چون در این بطور کبیر مقاومه نکرد و در این حال در ایران کار بزرگی که کرد از میان برداشتن ینی چریها و تشکیل قشون جدید برای عثمانی بود تا
۱۸۲۶ بواسطه مقاومت وجود ینی چریها نتوانسته بود کاری کند و چون اصلاحات را با وجود ینی چریها محال دید در همین سال مصمم شد در ژوئن
ینی چری را از میان بردارد در ۱۸۲۶ قرار تشکیل قشون جدیدی داد و به ینی چریها حکم کرده داخل قشون جدید شوند و آنها شوریده عمارات
وزرا را غارت کرده و خراب شده خود وزرا را اذیت رسانیدند سلطان محمود مرتباً سربازهای جدیدی را که مطیع بودند ینی چریها را بکوشید از ~~عمارات~~ دولتی
میدانهای شهر رانده تمام ایشان را بضرب توپ و تفنگ تلف کرد و از آن بعد با همه بغرنجی ترتیب قشون جدید را داد و با صلاحات
دیگر هم بعد خود اهم را دیده پرداخت برای تکمیل قشون جدید ~~[illegible]~~ جوانهای عثمانی را بمدارس نظامی اروپا فرستاد و بمعلمین نظامی بتقلید مدارک
Saint-Cyr فرانسه برای سواره و پیاده نظام دایر کرد و صاحبمنصبان اروپائی برای تعلیم در اینجا خواست و یکی از آن صاحب
منصبان Moltke آلمانی بود که بعدها سردار کل جنگ فرانسه و پروس شد (قشونی که عثمانی تشکیل داد شبیه قشون یک دولت
اروپا نبود بلکه مخلوطی از تمام قشون اهل اروپا بود)

(وقایع اروپا از ۱۸۳۰ تا امپراطوری ناپلئون سوم)

فرانسه ۱۸۳۰ سلطنت شارل دهم — یکی از امور مهمه ۱۸۳۰ بر افتادن شارل دهم است که بواسطه نفوذ [illegible] کابینه بود وزرا
موافق میل مجلس نبود در ۱۸۲۹ وزرا را از میل مجلس فرض کرده و کابینه را انتخاب میکرد و طرف اکثریت مجلس باشند شارل دهم این ترتیب را هم
ترتیب [illegible] در انگلیس پسندیده است نمی پسندید و میگفت که من هیزم شکن دارم و چوب اره کنم تا آنکه شبیه پادشاه انگلیس سلطنت کنم عاقبت همین اسباب
فرانسه ۱۸۳۰ شد یعنی در ابتدای سلطنت شارل دهم رفتار دولت بطرز مخالفت با ترتیب مشروطیت شد و کابینه شارل بر خلاف میل مجلس
وزرائی بانهمه از اول [illegible] انتخاب میکرد و در میان آن کابینه [illegible] که در همین راه [illegible] و قوانین جدیدی بر ضد آزادی مطبوعات و اصلاح ترتیب
انتخابات برقرار کند ولی با میل مجلس نشد شارل مجلس را بر هم زده [illegible] وزرا را تغییر داده وزرای جدید انتخاب کرد و اکثر
ایشان جزو [illegible] سوء ظن [illegible] کابینه [illegible] اثر داشت [illegible] اروپا [illegible] از اقبال [illegible]
فرانسه که روز [illegible] کرد [illegible] از اهل [illegible] کرده و ترتیب رفتار خود را تغییر بدهد [illegible] عدم [illegible]

شارل نخواهد هم شد در مقابل [illegible] در افتتاح مجلس ۱۸۳۰ شارل در مجلس نطقی کرد و مجلس هم جواب داد و [illegible] ایجاد کرد [illegible] پادشاه
با همین اکثریت مجلس را منحل کند تا موافق آنچه در فرمان [illegible] ۲۲۱ نفر از نمایندگان [illegible] ۱۸۱ نفر [illegible]
اتفاقاً از الجزایر خبر فتح قشون فرانسه به مملکت [illegible] وزرا و پادشاه [illegible] محبوبیت [illegible]
و مجلس را منحل کرده ولی در انتخابات ثانی از ۲۲۱ نفر نمایندگان سابق ۲۰۲ نفر دوباره انتخاب شدند و ۹۸ نفر جدید هم از [illegible]
اگرچه وزرا با همین [illegible] فرمانهای [illegible] پادشاه حق دارد احکام و فرامین [illegible] برای اجرای قوانین و امنیت مملکت صادر
کند تا مجلس منعقد نشد منحل کرده و چهار حکم صادر کرد (Ordonnances) یعنی جلوگیری کند
از مطبوعات و [illegible] انتخابات [illegible] بعنوان اینکه [illegible] از ترتیب قانونی خارج شد دیگری [illegible]
با اطاعت [illegible] تبدیل [illegible] اعلانات و مقالات [illegible] چند نفر [illegible] فرانسه
[illegible] ترتیب [illegible] اربعه [illegible] مطبوعه [illegible]

آنها در کوچه‌ها مردم را بمقاومت با دولت دعوت کردند مردم برخلاف ترتیب [illegible] در کوچه‌ها با کالسکه‌ها و تیر و تخته و [illegible] سنگر
و هر چه بدست ایشان افتاد سنگربندی کردند و بین ایشان و قشون [illegible] جنگ درگرفت در آن وقت مردم [illegible] با قشون [illegible]
مقاومت کنند زیرا که اکثر [illegible] بعد از چند [illegible] سه روز بین مردم پاریس و قشون
[illegible] جنگ بود [illegible] سه روز معروف به Les Trois Glorieuses
[illegible] شارل دهم [illegible]
[illegible] Rambouillet رفت
[illegible] Duc d'Orléans [illegible]

در جلد سابق نوشته شد که پدر لوئی فیلیپ با کمال مراقبت بادشاهی بکند و بنا بر این معروف به Philippe Egalité
شده بود از فیلیپ پسری باقی بود موسوم به لوئی فیلیپ در جنگهای اول شرکت کرده بود و در جزو قشون آزادی طلب جنگ کرد
مدتی رحمت برد و چندی در سویس ... دفترداری بود بعد ... باریس مراجعت کرد و در همان وقت با آزادی
طلبان متحد شده ... مراوده داشت و منزل او یکی از مراکز آزادی طلبان بود در آن وقت چون لوئی هیجدهم در انقلاب واقع شده
و بعضی از هواخواهان لوئی فیلیپ اظهار کردند (به تجدید از اعمال شارل دهم که ... زاده سلطنتی را تغییر داد) برای قبول سلطنت لوئی فیلیپ حاضر بکنند
لوئی فیلیپ عمداً از پاریس خارج شده روز دیگر شهر ... و قایع ... شهر بود که ... جمهوری طلبها ... شده
جمهوری ... عمل ایشان ... و هواخواهان لوئی فیلیپ اورا در ... ترتیبی وارد شهر کردند و عموم مردم اظهار شعف از
ورود او کردند و ... برای ... بادشاه شده ... جمهوری طلبان از ... مخالفت ... و چنین قرار شد که عموم
لوئی فیلیپ را سلطنت اختیار نمودند جمعیتی از قشون ... در پاریس ... ورکت کرده ... شارل دهم گفته شد
در ... مراجعت ... و از ... خبر ... بلکه فرار کرد لوئی فیلیپ ... سلطنت فرانسه را از ملت فرانسه ...
... بیرق ... را تغییر داده ... سلطنت ... که ... در قانون اساسی ... داده
شد و لوئی فیلیپ ... حکمداری نموده ... قسم خورد و ... فرانسه ... بودند ... سلطنت او را
پذیرفتند و چون این واقعه در ماه ژوئیه واقع شد سلطنت لوئی فیلیپ سلطنت ژوئیه و خانواده او را ... ژوئیه میگویند
لوئی فیلیپ حقیقتاً آزادی طلب بود و طبقه اواسط ... توجه داشت ... بادشاه ... و ...
... سلطنت ... مراوده ... سلطنت ... داشت ... بود و با کمک قشون Garde national
... بود ... داشت ... سلطنت او ... ملل ... اهمیت ... و ... از کسبه و ...
... مشغول ... بود ولی ... نظام ... نظامی ... و ... بشید
آنها لوئی فیلیپ را آزادی طلبی ... داشت ... و ... باشد ... را

... در سال ۱۸۳۰ ترتیب داده شده بود ... فرمان ...
... ۱۸۴۰ را در ... آزادی طلبان شدند ... در فرمان ... تغییر داده
... ۱۸۳۰ ... جمهوری طلبها ... داده بود ... نمودند لهذا
... سلطنت لوئی فیلیپ جمهوری طلبان ... لوئی فیلیپ ... بادشاه ...
... جمهوری طلبان ... لوئی فیلیپ ... آزادی طلبان ... لوئی فیلیپ ...
سلطنت این بادشاه ... خانواده ... لوئی فیلیپ ...
تمام مدت سلطنت خود مشغول حفظ تخت و تاج خود باشد ... خانواده ...
... و آزادی خواهان جمهوری طلب و سلطنت لوئی فیلیپ ...

اوتوسوم ۱۸۳۰ در اروپا — استقلال بلژیک

... بلژیک ... هلند ...
قبول کرده بود ...
... بلژیک ... فرانسه ... کاتولیک ... بلژیک را ...
... سلطنت ... ۱۸۳۰ ...
... L'Indépendance Belge ... بلژیکیها ...
کاتولیک ... آزادی طلب ...
در کارها ... آزادی خواهان ... کاتولیک ...
... آزادی خواهان ... بلژیکیها را مجبور ... قبول ...
... و استقلال بلژیک ... کاتولیک ... بلژیک را مجبور ...
... ترتیب داده ... کاتولیکها ... آزادی طلب ...

میل نکته اداره مذهبی و سیاسی به نقطه‌ نبود مذهبی ترجیح داشته باشد و بنابراین اروپا از کوچک اتحاد و با آزادی سعادت کند و الله که بین پارلمان کاتولیک
و آزادی طلب برخیزد پادشاه هلند به کفش ایستاد دولت‌ها با کنفرانس لندن داشت لیکن نتیجه مرکب از چند ملت
به آنها نبود و فقط یک ملت ۵ ... در اواخر ... هلند ... بلژیکیها ...
مملکت یکی دانسته ... حقوق ... آزادی ... بلژیکیها ...
عنوان اتفاق کاتولیکها و آزادی طلبها ... بلژیکیها ... اتفاق ...
دولت هلند استقلال ... مجلس ... مخالفت بلژیکیها
با دولت ظاهر شده و داشت کم‌کم تجزیه بلژیک از هلند در میان مردم شروع می‌کرد در فبروری ۱۸۳۰ از فرانسه رسید بلژیکیها از خبر
شورش فرانسه ... مصمم شدند ... در موقع عید ... را جشن گرفته ... مقدمات شورش
کرده و ... بروکسل ... دیوار ... وقوع یافت مضمون آن
اعلانات این بود جمعه ۲۳ ماه اوت آتش بازی، شنبه ۲۴ چراغانی، چهارشنبه ۲۵ انقلاب. غدغن دولت از چراغانی از انقلاب
جلوگیری کرد و تا روز ۲۷ ماه مقدمات شورش کاملاً فراهم شده بود در این روز حکومت انقلابی در بروکسل منعقد شد و قشون ...
مدافعه حاضر بودند ... ده هزار قشون به بروکسل ... شهر ... شورشیان ... کرده از شهر دفاع کردند
و او را مجبور به بازگشت نمودند سربازهای ... بلژیک ... طرفدار حکومت انقلابی بلژیک شدند
حکومت هلند قشون ... شهر آنورس ... بلژیکیها فقط با قوه خود نمی‌توانستند
مملکت خود را استقلال کنند زیرا ... اولین ... قرار ... کنگره ... بلژیک ... مستقل ... در روز
... بلژیکیها ... زیرا ... دولت روس ... انقلاب لهستان مشغول شد و فرانسه و انگلیس ...
هم از ... داراکابینه لندن ... بلژیک ... اتحاد ... ۱۸۳۱
... بلژیک ... دولتها ... صورت گرفت

و تکلیف بر دولت جدید بلژیک را با هلند معین کرد ... هلند و بلژیک تقسیم نمود بلژیکیها قرار دادند
فرانسه و انگلیس را قبول کردند دولت هلند قبول نکرد و قشون هلندی در بلژیک غالب شدند دولت فرانسه قشون به حمایت بلژیکیها فرستاد
و هلندیها را از بلژیک بیرون کرد و در این موقع کار بزرگی که قشون فرانسه کرد گرفتن شهر آنورس بود از قشون ... هلند بلژیکیها ...
نظر گرفتند میل فرانسه بر سلطنت لوئی فیلیپ ... تمام ...
سلطنت ... لئوپولد ... آلمانی را به سلطنت انتخاب کرد از آن زمان بعد انقلاب در بلژیک ...
ولی بعد از آنکه استقلال بلژیک مسلم شد ... بلژیک ... از
پارتی کاتولیک و آزادی طلب ... کاتولیکها ... تعلیمات ... آزادی خواه از آن
زمان با کاتولیکها بیشتر ضدیت ... تعلیمات ...
کرده و هنوز این کشمکش در کمال شدت بین آزادی خواه و کاتولیک در کار است (پارتی کاتولیک بیشتر در فلاندر و اکثر اهالی دهاتی هستند و
آزادی طلبها در شهرهای صنعتی)

شورش لهستان

... الکساندر اول لهستان را منضم به روسیه نکرد بلکه حکومت جداگانه دارای ... برای آن ...
امپراطور روسیه پادشاه لهستان ... برای حکومت لهستان یک نفر نایب السلطنه از جانب امپراطور ...
لهستان ... الکساندر ... لهستان ...
نایب السلطنه ... برادر الکساندر ...
... امپراطوری الکساندر ...
شدت مخالفت آزادی طلبها و استقلال طلبان لهستان ...
... برای استقلال لهستان ... روسیه ... فرانسه

دیگر یک بلچیک به ارسیه لهستانیها هم شورش کرده و صاحب نفوذ جوان در سر نظامی بعبارت نایب السلطنه عقیقاً
جمهوریت و قورخانه را متصرف شده و مردم را بشورش طلبیدند نایب السلطنه و عمال و سربازان روسی در شهر را
تخلیه کرده اما بزودی میان آزادی‌خواهان در طریق عمل اختلاف افتاد روس و پروس و اطریش
برست آن لهستان بود بسته بودند بدولت رفتار کنند ولی ملاحظاتی کرده سیر بر اینکه مخالف سلطنت
لهستان نشده ولی صحبت بر دموکراتی میکنند با روسیه جنگیدند دلگی را از لهستان
برد از خود عموماً لهستانیها در این اقدام شورش با همه حمایت فرانسه و انگلیس نمود بیش کار نکرده
در انگلیس و فرانسه حال کار برا در نسبت به ترک اقدام از نسبت لهستان هم فرانسه
و عجب در این است و چون دیده فرانسه و انگلیس حاضر نیستند با روسها و
دیگر اتفاق بر آن شورش حسن بردی شده روی آن از برادران خود از تابعین
لهستانیها در زمان جنگ ثانی و جنگ ایران ... Paskévitch
نسبت لهستان را گشت داده شهر ورشو را تصرف کرد و لیکن آن شهر را به حکم الطبع دولت
لهستانیها هر چه تر دانسته بودند استقلال فراهم آورده و شهرهای مقاومت در دست آنان افتاد
هنوز که رودارتی در ایکوی امر جنگ شده بعد از ورود حدودی صلح نکرده یک نوبت به بسته که تسخیر ورشو صرف نظر کند اما تقاضای آن
در ورقهای یکدیگر در حرکت اول قشون ۱۲۰ هزار نفری به ... لهستان که بود بنتیجه الفت نفیدی کردند و به ترک
انکه در حرکت ترتیب موقع محاصره ورشو بین آزادیطلبان ... نزاع ... اعضای مجلس ... آزادیطلبان
از لهستان به پروس و فرانسه و انگلیس ... سیاست ... حکم ... بر اطفال
گذشتند لهستان و انقلام آن مملکت بروسیه داشتند ... لهستان قشون لهستانی را در ۱۸۳۲ ... لهستان فقط قسمت
مخصوص از روسیه ... Grand Duché ... داده بود در تحت حمایت روس و پروس و اطریش

متفرق ماند و لهستانیهای آزادیطلب در سایر ممالک جمع شده در صدد برآمدند که استقلال لهستان را تحصیل کنند ولی روسها و اطریشیها
کراکوی حکومت ... که تا آن وقت ... در ۱۸۴۶ ... شد بود جمهوری کراکوی را هم باطریش ملحق نمودند

۳- وقایع اسپانیا و پرتقال — فرانسه و انگلیس ... با لهستانیها ... کرده با آزادیطلبان اسپانیا و پرتقال مساعدت نمودند پادشاه
پرتقال ژان ششم در ۱۸۲۶ مرده پسرش Don - Pedro چون امپراطور برزیل بود و متعهد که بود سلطنت پرتقال را
با امپراطوری برزیل جمع نکند ... Dona - Maria را بجانشینی در سلطنت پرتقال معین کرده
... برای آن مملکت ... از سلطنت استعفا داد و چون Dona - Maria صغیره بود برادر دن پدرو را به
نیابت سلطنت برقرار کرد و دن میکل Don - Miguel رئیس جماعت مستبدین پرتقال بود ... را ...
قسم خورده بود در ۱۸۲۸ ... بتخت ...

در اسپانیا هم سلطنت بعد از مرگ فردینان هفتم به دختر او ایزابل ... رسید ... سلطنت را ... بعد (... زنان از تخت
بود فیلیپ پنجم ... زاده فرانسوی بود سلطنت اسپانی رسیده بود) فردینان هفتم بواسطه نفوذ زن خود Marie - Christine
برای اینکه سلطنت با ایزابل برسد آن قانون را نسخ کرده بود بتقویت مجلس Cortès فردینان برادر ... دن کارلوس رئیس مستبدین
اسپانیا بود دن کارلوس بموجب قانون قدیم ادعای جانشینی فردینان را کرده بود چون ایزابل صغیره بود مادر او ماری کریستین نیابت سلطنت داشت
و بین دن کارلوس و آن ملکه نزاع درگرفت و چون دن کارلوس رئیس مستبدین بود ماری کریستین برای پیشرفت خود مجبور شد با آزادیطلبان
همراه شود و این جنگ تبدیل گشت به آزادیطلبان و مستبدین ... در پرتقال بعد از چندی دن میکل ... انقلاب
دولت فرانسه و انگلیس ... از عمال ... پرتقال ... بعضی ... فرانسه ... دن میکل ... جنگ ...
این وقایع دن پدرو ... از امپراطوری آن مملکت استعفا داده به پرتقال آمد ... را از جانب ملکه دختر خود بدست گرفت
دن پدرو و ملکه طرفدار آزادیطلبان و دن میکل رئیس ... در آن ممالک جنگ ... کارلیست (یعنی طرفداران
دن کارلوس) درگرفت ... دن میکل و دن کارلوس ... ملکه ... پرتقال ...

دو مال روی ویرودی ولدانی . دن کارلوس و دن میگل در تحت فرانسه و انگلیس . همراه کرده‌اند در پرتقال دن پدرو خیلی زودتر برادر را عزل
غالب شده کنستیتوسیون ۱۸۲۰ را برقرار کرد و مملکت را امن نمود اما در اسپانیا جنگ خیلی امتداد یافت و علت آن دو امر بود اول آنکه رئیس
اهتمام سرداران و صاحب منصبان قوی نبودند در صورتیکه سرداران دن کارلوس بسیار زبر دست مردمان کاری بودند دویم آنکه اهالی ولایات
شمالی اسپانیا خیلی رشید . دن کارلوس را بر ایزابل بهتر می‌دانستند و علت آن این بود در ایالات شمالی امتیازاتی داشتند از قبیل ... مالیات
و در تحت ... ولایتی دارای حکومت تقریباً مستقل بودند و خارج بودند از خط گمرک اسپانیا . این امتیازات را Fueros .
می‌گفتند و آنها خیلی دلبستگی داشتند زیرا که این امتیازات برای ایشان ... حکومت مشروطه ... فوق العاده برای آنها ...
چون اهالی ولایات مزبوره برقرار شدن ... تمام اسپانیا ... این امتیازات خود را ... ایزابل ... همراه بودند چنانکه در
شورشهای زمان فردیناند هم ... کار ... عاقبت بعد از چندین سال جنگ ... کارلیستها ... اول آنکه سردار ...
برای او ... Convention ... اهالی ولایات سابق الذکر قرار دادند که امتیازات آنها را ... نگاه دارند
و آنها ... جنگ ... بعد از این قرار داد ... دن کارلوس ... کنند
در اسپانیا و پرتقال ازلوی طلب ... Exaltados ... Moderados ... ازلوی طلب معتدل ...
... سابق گذشت در پرتقال ... در تحت ... در اسپانیا ... ازلوی
طلبان ... بجهت ... سرداران ... اسپانیا ... سرداران
... انقلاب و شورشهای ... کارلیستها ... آسوده ...
و اسپانیا ... بنهایت رسید ... در این مقام ... سردار ... کارلیستها
اسپانیا ... ولی ... در این مرتبه ... ایزابل
را اعلان کرد ۱۸۴۳
نتایج دیگر شورش ۱۸۳۰ در اروپا . در ... ۱۸۴۰ ... ایطالیا و آلمان ... شورشهای ... است

... مثل اینکه ... در ... دولت سویس ... ازلوی طلبان شده ... اراده است برای ... دیگر نیست
تورش ۱۸۳۰ در سویس هم اثری کرده است و در این مملکت اهالی ... رادیکال ... اول استقلال پانزده کانتن
هر یک از ولایات ... Canton دیگر ... Radical رادیکال ... ازلوی طلبی ... حکومت ... طرفدار
... سوئیس برای ... در این اتحاد ... ده کانتن ... و اهالی
... ولایات ... طرفدار ... Sonderland ... رادیکالها ... برای
... ۱۸۴۷ کنستیتوسیون ... کشیده شد
نتیجه ... شورش ۱۸۳۰ در ... تولید انقلاب کرده است ... در ایطالیا و آلمان ... اثری کرده
در ... بتدریج ... اسپانیا و پرتقال و سویس
محمد علی پاشا و فتح شام . چنانکه ... محمد علی پاشا ... مصر ... دولت عثمانی ... از او ...
... محمد علی پاشا ... واقعه ... محمد علی پاشا ... در سمت جنوب مصر
... در آن ... ترقی ... فتح کرده ...
... بعد از طرف جنوب ... محمد علی پاشا ...
سمت شمال ... ابراهیم پاشا ... محمد علی پاشا ...
... محمد علی پاشا ... تجارت ... ترتیب ...
... ابراهیم ... محمد علی پاشا ...
با وجود ... عثمانی ... ولایت ... دولت ...
در جنگ ... سلطان محمود ... محمد علی پاشا ...
که محمد علی پاشا ... ۱۸۳۲ ابراهیم پاشا ... شام ... ابراهیم پاشا شهر عکه و دمشق را

را گرفته و بسهولت تا کنار سفیر رفت و در قونیه قوای عثمانیها را شکست داد و عقب نشینی قراولان قشون او تا سواحل دریای مرمره رسید ثروت
ابراهیم پاشا پیشرفت اورا به قسطنطنیه رسانید و سلطان محمود را فوق العاده مضطرب ساخت و دولتها را متوجه اوضاع عثمانی کرد و سلطان از نیکلا امپراطور روس
برای کمک بر ضد دشمن داخلی خود کمک خواست نیکلا موقع غنیمت شمرده برای تصرفات خود فوق العاده در عثمانی نفوذ یافت هنوز تا مدتی که کشتی جنگی با لشکر
فرستاد و دوازده هزار قشون روسی برای حمایت پایتخت پیاده شدند حضور نفرات جنگی و قشون روسی در بغاز فوق العاده اسباب خیال سه دولت انگلیس و فرانسه و اطریش
شد زیرا از رسیدن این وقعه تقدیر در آنکه عثمانی در تحت حمایت روس باشد مجبور گردیدند سلطان عثمانی را مجبور کردند قبول کند تا قدرت محمدعلی پاشا
اورا از جنگ منصرف کنند و در معاهده کوتاهیه ۱۸۳۳ حکومت شام و ادانا را به محمدعلی پاشا واگذارند. با تشکیل دولت محمدعلی پاشا در
سرحد آسیای صغیر منبسط شد تا حجاز و یمن و صدود حبشه (محمدعلی پاشا اول فتح کرده بعد فتح حجاز بود در ۱۸۱۸ و بعد از آن فتح نوبه نمود در ۱۸۲۰)
و اهمیت دولت مصر از خود دولت عثمانی زیادتر شد دولت روس مجبور شد که قشون خود را مراجعت دهد ولی در عوض این مدت معاهده ای در بین
روس و عثمانی در خونکار اسکله سی بسته شد مبنی بر اینکه دولت روس در مواقع لزوم قشون کافی برای دفاع دولت عثمانی به آن دولت قرض بدهد
و در عوض دولت عثمانی حق عبور از بغازها که واقع بین دریای مدیترانه و دریای سیاه را منحصراً به کشتیهای جنگی روس بدهد یعنی بحریه جنگی دول دیگر را از عبور از آن
بغازها منع نماید به این ترتیب دولت عثمانی در واقع در تحت حمایت روس درآمد و دریای مرمره و بغازهای طرفین آن حکم بندر نزدیکی برای بحریه جنگی
روس پیدا کرد و از لحاظ سوق الجیشی برای آن دولت روس حق دخول مدیترانه … این مسئله و اهمیت مهمترین وقایع عثمانی و مسئله شرق است زیرا
اهمیت فوق العاده مسئله شرق از زمان بستن عهدنامه خونکار اسکله سی ظاهر شده است. یکی دول اروپا را مجبور کرده است که اسباب بهم خوردن
آن معاهده را فراهم کند و بعدها برای اینکه عثمانی در تحت حمایت روس درنیاید و به این وسیله روسها مدخل مدیترانه را تصرف نمایند دول اروپا مجبور
شدند سیاست اجتماعی حفظ دولت عثمانی را … این حمایت جمعی نتیجه است که دولت عثمانی را از خطر تجزیه حفظ کند در هر حال دول اروپا
در صدد بهم زدن معاهده خونکار اسکله سی برآمدند بخصوص که بین سلطان محمود و محمدعلی پاشا بعد از چند سال مجدداً جنگ شد … سلطان محمود حکومت شام
را که از روی رضا به محمدعلی پاشا داده بود … داشت قشونی به شام برای استرداد آن ولایات فرستاد و ابراهیم
پاشا قشون … عثمانی را در … شکست داد و … هزار اسیر و ۲۵ هزار تفنگ و تعداد ۱۴۰ عراده توپ به غنیمت گرفت

۱۸۳۹ مقارن این وقت سلطان محمود درگذشت سلطان عبدالمجید پسر شانزده ساله جانشین او شد و جوانی این سلطان اسباب گستاخی کار
عثمانی گردید چنانکه امیرالبحر بحریه عثمانی بحریه خود را به اسکندریه برده تسلیم محمدعلی پاشا کرد و نزدیک بود که عنقریب محمدعلی پاشا سلطان عثمانی خواهد شد
و … دولت روس برای جلوگیری از این کار به موجب معاهده خونکار اسکله سی اسلامبول را تصرف خواهد کرد دول اروپا برای جلوگیری از پیشرفت
فوق العاده محمدعلی پاشا و ملغی کردن معاهده خونکار اسکله سی … در عثمانی شدند و … دول فرانسه انگلیس و اطریش ترتیبی برای مداخله اجتماعی
دول اروپا در عثمانی پیشنهاد کردند و … روس و پروس قبول نمودند اما دولت فرانسه با محمدعلی پاشا در اصلاحات مصر … کار گذاران
فرانسوی کرده و … تقویت نفوذ آن دولت در آنجا … انگلیس بهمین جهت مخالف … بود در موقعی که به لحاظ رقابت پیشرفت ملک
انگلیس و … لوئی فیلیپ … سفیر روسیه در لندن … مداخله فرانسه … دول دیگر با یکدیگر … که مصر را بطور موروثی
و حکومت شام را مادام العمر به محمدعلی پاشا بدهند محمدعلی پاشا این قرارداد را قبول نکرد بعد کشتیهای انگلیس و اطریش سواحل بیروت را گلوله ریزی کرده
شهر را تصرف کردند و محمدعلی پاشا مجبور شد ولایت شام و بحریه جنگی عثمانی را رد کند ۱۸۴۰ این وقعه عهدنامه خونکار اسکله سی
را بهم زده بود … برای اینکه … در مسئله محمدعلی پاشا دولت فرانسه … قرارداد بغازها را مبنی
بر منع عبور بحریه جنگی تمام دول از بغاز بسفر و داردانل است منعقد کردند و این قرارداد قبول شد بواسطه آن معاهده خونکار اسکله سی ملغی گردید

اصلاحات داخلی عثمانی - … سلطان محمود دوم اقدام به اصلاحات در اوضاع داخلی عثمانی کرد و به برداشتن ینگیچریها و ترتیب قشون جدید شروع نمود
سلطان محمود مصمم بود که به تقلید اروپا تمام اوضاع را تغییر دهد و برای ترتیب لباس و امور جزئی دیگر هم احکام صادر کرد … از زمان او …
رجال عثمانی عمامه را بدل به فینه کردند اما سلطان محمود بواسطه مخالفت عمومی جز در اصلاح قشون خیال پیشرفتی نکرد در زمان سلطان عبدالمجید
رشید پاشا وزیر او … در فرانسه و انگلیس توقف کرده بود و … خیالات آزادی طلبانه … اصلاح و تکمیل قشون
جدید را تکمیل کرد و طرحهائی برای دولت عثمانی ریخت و … اسباب ترقی آن دولت و مملکت را فراهم ساخت در ۱۸۳۹
در یک مجلس رسمی … گلخانه … اصلاح کلیه سیاسی و اداری دولت عثمانی را اعلان کرد و اصل این اصلاح ترک هر گونه امتیاز
بین مسلمین و غیرمسلمین و مساوات تمام رعایای سلطان در … قانون بود اما عموم رجال عثمانی و … مسلمین طرفدار اوضاع قدیمه

نمود رشید پاشا را مغلوب و بر احوال کفار ترجیح دادند و از اول سعی که برای اصلاحات مذهبی شده بود رعایت نکردند بلکه به آن احکام مخالفت کردند نتیجه این شد که رشید پاشا جز به اصلاح بعضی امور مالیه و گمرک به نتیجهٔ دیگری موفق نشد و رفتار ترکها نسبت به عیسویها باقی ماند و راه بهانهٔ مداخله برای دول معظمهٔ اروپا در دولت عثمانیه از میان نرفت

دورهٔ انقلابات ۱۸۴۸ و غلبهٔ ثانی ارتجاع — در فرانسه شورش ۱۸۳۰ راه تکمیل جمهوری بود و با سلطنت خاندان ناپلئون مرسوم سلطنت لوئی فیلیپ پیش آمد و با این سلطنت مستبد ... گفت به وجه اسمیه خیالات آزادی‌طلبان قدری پیشرفت کرد و لکن سلطنت فرانسه حکومت متوسطین شد ... لکن متوقف از شورش ۱۸۳۰ صورت نگرفت در ایطالیا و آلمان هم ... بعد از شورش ۱۸۳۰ ارباب آزادی‌طلب و مللی جنبش شروع پیشرفت حاصل نکرد و چون ترتیب اتحاد ... که در هر مملکت بر احوال تغییر اوضاع مشغول تهیه کار خود شدند در تهیه اهمیت در هر قسم ... را در نظر داشته انجام دهند بالاخره اخیری تهیه قوهٔ مقدری برای شورش کردند و این دفعه بروز انقلاب از ایطالیا بود ولی ما به پیروی ترتیب سابق احوال دیم فرانسه را مقدم خواهیم داشت

فرانسه — در فرانسه مقدماتی که برای شورش ۱۸۴۸ از چندی پیش فراهم شده است چیز اهمیت دارد از این باب که تهیه آن امور ... تغییر در حکومت ترتیب حزب سیاسی منظم در آمدن بر احوال مذهب کاتولیک که هنگامی آزادی‌طلبان و کاتولیکها را اصلاحات رقابت و کشمکش خونین در آورده است دیگر ظهور عقاید سوسیالیسم و تشکیل حزب سوسیالیست و البته اهمیت این نکتهٔ دوم در این موضوع بیشتر است زیرا امروز جدی است در این وقت در دنیا ظاهر شده است سوسیالیسم حقیقتاً امر سیاسی نیست زیرا در این طریقه منظور اصلی تغییر وضع حکومت و ادارهٔ هیئت اجتماعیه نموده بلکه نظر به امور تربیتی داشته یعنی در هیئت سیاسی مد نظر نیست و وضع رفتار افراد هیئت اجتماعیه نسبت به یکدیگر چگونه باشد و به چه طریق و به چه ترتیب رفتار افراد با یکدیگر در تحت نظام در آورد و بیشتر معتقدین آزادی‌طلب این است که رفتار افراد نسبت به یکدیگر به آزادی و مبنی بر رعایت مساوات باشد و در تحت نظام امور هیئت اجتماعیه را اداره بکند قدرت حکومت اجتماعیه باشد و با این نظر طرفدار حکومت می‌شدند و در سیاستها درجه بر وضع حکومت اهمیت نمی‌دادند و در عقاید معتقدین ایشان تغییر وضع مالکیت به نحوی که کارگر بتواند از دسترنج کار خود متمتع شود ولی چون حکومت استبدادی و از طرف دیگر حکومت‌ها ... ترتیب اسباب جدید در فرانسه اسباب را منافی

اشراف و بورژوازی بکرد و ممکن نبود با خیالات سوسیالیستها همراهی کند طلب حکومت ... را با رای عمومی مقدمهٔ پیشرفت اصلاح اجتماعی یعنی تغییر مالکیت و وضع کارگران قرار دادند

اول دفعه که حزب سوسیالیست ظاهر شد در زمان هیئت مدیره بود و شخصی مرسوم به بابف Babeuf ترتیب حزبی داده و نسخ مالکیت شخصی و برقرار کردن مالکیت اشتراکی را درخواست نمود و گفت زمین مال هیچ کس نیست و میوه مال همه مردم است و همین طریقه است که کمونیسم Communisme و کلکتیویسم Collectivisme گفته‌اند اما بعد از بابف تا شورش ۱۸۳۰ دیگر ترتیب حزب سوسیالیست داده نشد در صورتی که اولین رئیس سوسیالیسم در فرانسه از قبیل سن سیمون Saint Simon و فوریه Fourier در این دوره بودند با این همه این رئیسین اول به بیان اصول عقاید خود و تشکیل اجتماعات مختصری در تحت نفوذ خود ... اکتفا کرده و داخل امور سیاسی نمی‌شدند سلطنت لوئی فیلیپ مقارن بود با زمانی که دایر شدن کارخانجات بزرگ ... که شروع ... بحران صنعتی و تغییر حال کارگران شد زیرا چون کارخانه‌ها ... عدهٔ زیادی است به مقدار کثیر مصنوعات تهیه کنند و ... مصرف آن مصنوعات زیاد شروع ... متصدیان کارخانجات چنانکه سابق محتاج نبودند و مزد عمله را پایین آورده بودند این ترتیب ... و در دوره ... پیش آمد ... و کارگران ... و این ترتیب اسباب شد که طریقهٔ سوسیالیست پیدا شد و ... کارگرها موافق این طریقه ... Louis Blanc لوئی بلان ... معروف او ... Organisation du travail ... و تمام افراد ... حقوق مختلفه از قبیل حق آزادی و مساوات حق کار هم دارند و هیئت اجتماعیه مکلف است برای بیکارها کار پیدا کند و چون ... هیئت اجتماعیه است باید ... دایر کردن کارخانه‌ها ... این تکلیف را انجام دهد ... این کتاب ... سوسیالیستها ... را ... کارگرها ... در موضوع مطلب ... حال ایشان است ... سوسیالیسم ... کارگرها ... اصلاحی ... در نظر داشته ... حال ... شهری ... و این ... اصلاح حال ایشان

موضوع گفتگو نبود و این مسئله گذشته از بعضی مناقشات یک عیب بزرگ دیگر داشت و آن این بود که در صورت لشکرکشی کار [illegible] مرافق
عصیان لوئی سفید [illegible] راههای [illegible] هم برای عملیات شهرت نیابد چنانکه بعد از شورش ۱۸۴۸ همان ترتیبی که اشراف
لوئی سفید و لشکر حزب رژیلیسم در سالهای آخر فیلیپ واقع شد

از لشکر حزب کاتولیک یا [illegible] شده در دربار و فرانسه بعضی از کشیشها طرفداران مذهب کاتولیک ملتفت شدند که صحیح مذهب کاتولیک را این
نیست [illegible] طرفدار استبداد باشند بلکه شاید [illegible] آن مذهب [illegible] آن [illegible] مساوات [illegible] داد [illegible] اصول مذهب کاتولیک
[illegible] مخالف نیست بلکه مذهب کاتولیک [illegible] از آزادی [illegible] حزب [illegible] شده [illegible] برای [illegible] مذهب کاتولیک
لازم است از اول عقاید و [illegible] تعینات است [illegible] کاتولیکها [illegible] کاتولیک و لیبرال [illegible] استقلال [illegible] که [illegible]
[illegible] فرانسه [illegible] Lamennais [illegible] از سلطنت طلبان شده بود بعد از ۱۸۳۰ مسلک
سابق [illegible] [illegible] ادارات [illegible] از تحت اداره دولت [illegible] پاپ [illegible] قطع
حقوق و [illegible] ادارات [illegible] Lamennais [illegible] Lacordaire با او همراه شد [illegible]
[illegible] در خصوص قطع اداره [illegible] L'avenir [illegible] کشیش خارج
داخل [illegible] جمهوری طلب و [illegible] شد [illegible] کاتولیک [illegible] برای حزب [illegible] قرار داد
[illegible] لاکردر [illegible] مذهب کاتولیک [illegible] از این تعلیمات [illegible] از تعلیمات [illegible]
داده بود [illegible] لاکردر [illegible] لاکردر [illegible] مذهب کاتولیک [illegible] لاکردر [illegible] خطبا [illegible]
[illegible]

[illegible] Légitimiste [illegible] (بعد از ۱۸۱۵)
[illegible] را [illegible] légitimiste [illegible] طرفداران سلطنت قدیم را در تمام ممالک
légitimiste [illegible]

[illegible] ۱۸۳۰ [illegible] Parti de la Résistance [illegible] Parti [illegible]
طلب [illegible] و [illegible] Parti du mouvement [illegible]
شده [illegible] جمهوری طلب [illegible] حزب [illegible] ۱۸۴۰ [illegible] زیرا [illegible]
بود [illegible] حزب [illegible] ۱۸۴۰ [illegible] داده [illegible]
و [illegible] ۱۸۴۰ [illegible] جمهوری طلب [illegible] ۱۸۴۰ [illegible]
است [illegible] ۱۸۴۰ [illegible] فرانسه [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible] نظر [illegible]
[illegible] Casimir Périer [illegible] لوئی فیلیپ [illegible]
[illegible] لوئی فیلیپ [illegible]
[illegible] Thiers صاحب کتاب معروف انقلاب فرانسه [illegible] Guizot [illegible] اصلاحات جدید [illegible] لوئی [illegible]
[illegible] لوئی فیلیپ بود [illegible] وزارت [illegible]
[illegible] مدارس ابتدائی [illegible]
[illegible] فرانسه [illegible]
[illegible] اصلاحات جدید [illegible] لوئی فیلیپ [illegible]
[illegible] فرانسه [illegible]
رواج داده بود [illegible]
[illegible] Partie de mouvement [illegible] جمهوری طلبان [illegible]
[illegible] فرانسه [illegible]

شده بود تیرس واقعه‌ای که در طرفداری گیزو بر ضد همراهی با انگلستان تولید کرده بود و از همین جهت فرانسه تقریباً حال انگلیس را در زمان منهدم در وزارت
والپل پیدا کرده بود. برای اصلاح این مفاسد دو کار عزل گیزو و اصلاح ترتیب انتخابات را اتخاذ کردند مذاکرهٔ این اصلاح در روزنامه‌ها
و مجامع خیلی جاری شد

شورش ۱۸۴۸ — در ابتدای سال ۱۸۴۸ غیر از جمهوری‌طلبان همیشه در خیال شورش چیزی نبود هیچکس در خیال شورش و انقلاب نبود بلکه اظهار
چنین واقعه هم نداشته. مخالفت با گیزو از راه مقاومت بین طرفداران دولت شاه بود و علت مخالفت آنها این بود که گیزو را برای
تقریب جمعیت و اتحاد تقدیم نشده بلکه مخالفت فقط به اظهارات در مهمانی‌ها و مجالس ضیافت بود (Opposition de salons
جمهوری‌طلبان بیشتر مخالفین دولت از راه تجدید مقررات و سوسیالیست‌ها در برای پیشرفت مقاصد خود در ترتیب جمهوری را اختیار کرده بودند میل مهمانی
را در ضمن آنها با گیزو مخالفت می‌شد نیز که مقدمه برای پیشرفت مقاصد خود دانسته در مهمانی‌ها داخل شدند. به علاوه برای طلب اصلاح انتخابات قرار
مهمانی بزرگی داشتند و جمعیتی از تمام طبقات مخالف با دولت [illegible] در آن مهمانی حاضر شوند دولت مهمانی را قدغن کرد ولیکن جمعیت زیادی از مردم
جمع شدند و کار به جاهای سخت کشیده بود. لوئی فیلیپ قراولان ملی را با اسلحه احضار کرده بود در نیمهٔ روز ایشان را خبر کرد قراولان ملی
از طرف دولت ایشان تغییر نموده و به اظهارات مخالفین دولت مساعدت داشتند. در آن روز یکدسته از قشون رسمی دولت خواسته بود بر کنار کنند
از جمله آنها جلوگیری کردند و همراهی قراولان ملی با شورشیان ظاهر شده لوئی فیلیپ دانسته که کار از دست رفته گیزو را معزول و تیرس را به ریاست وزرا منصوب کرد
مردم خیلی خوشوقت شدند و شب آن روز چراغانی کردند جمعیتی در کوچه‌ها طلب کشتی چراغانی گردش می‌کردند و جلو پنجره‌ها که چراغ نداشت فریاد می‌کردند
Lampions ، Lampions یعنی چراغ‌ها. رو در رو گردش کنندگان دسته از سربازها که رسید جمعیتی از گردش کنندگان کشته شدند از این واقعه
تا روز بعد تولید شورش بزرگی در پاریس کرد و چون لوئی فیلیپ در پاریس دید دسته از قراولان ملی بر ضدش هستند و طرف ایشان رفت قراولان ملی
فریاد کردند زنده باد اصلاح (اصلاح انتخابات) la Réforme لوئی فیلیپ از این حرکت به اندازه‌ای ترسید که از این شورش که سلطنت
باقی بماند مأیوس شد و صحبت کرد که او از دولت استعفا داده سلطنت را به پسر خود که صغیر بود منتقل کند لوئی فیلیپ بعد از استعفا در تحت
محافظت یکدسته قشون در تحت شارل دهم روانهٔ انگلیس شد و ملکه زن او پسر خود را به مجلس برد سلطنت او را اعلام نمود ولی شورشیان داخل

مجلس شدند و ضمن سلطنت و نصب جمهوری را خواستار شدند. مجلس تقریباً درخواست ایشان را قبول کرد. یکی از نمایندگان برقراری جمهوری را پیشنهاد
کرد و Lamartine شاعر بزرگ فرانسه که از وقت از نمایندگان بود جمهوری را به نطق باقوت پیشنهاد و آن را اعلان نمود و
مجلس چند نفر از اعضای مجلس را برای تشکیل حکومت موقتی پیشنهاد نمود و سه نفر را هم از خارج مجلس پیشنهاد کردند در بین آن‌ها یکنفر مقرر دیگر از آن بیرون
لوئی بلان سوسیالیست بود

جمهوری دویم یا جمهوری ۱۸۴۸ و امپراطوری ناپلئون سوم — حکومت موقتی در پاریس ۱۸۴۸ ترتیب داده شده اعلان جمهوری
داده اظهار کرده مجلس مؤسسه برای عمومی Suffrage Universelle برای ترتیب قانون اساسی جمهوری
منعقد خواهد شد ولی سوسیالیست‌ها مشوش بودند قبل از انعقاد مجلس مؤسسه مقاصد خود را انجام دهند و از آن مردم برای طریقه تبدیل
سوسیالیست حاضر نمایند تا مجلس مؤسسه مجال نبود لذا آن را باید کشتن داد. طریقهٔ مذکوره موافق باشند لهذا عملیات را واداشتند
به درخواست تقویت انتخابات نمودند و عملیات پاریس این خواهش خود را آشکار شورش ظاهر کردند و حکومت موقتی ایشان را
را چند ماه تعویق انداخت در ضمن این مدت لوئی بلان و حکومت همراه آن او
حکومت موقتی را وادار به کشایش کارخانه‌های ملی نمودند دولت معدن کرد در همه جا بیکاران کار خواهد داد در شورش ۱۸۴۸ به سبب عرضت بسیاری از مردم بیکار بعضی از
بیکاران سرمایه‌داران از پاریس رفته بودند و بعضی دیگر بعد از آن هم ترک معامله و کار نموده بودند. با وجود این کار کارخانه‌ها بود در محل این صنعتی افزوده شده بود و بالنتیجه
عده‌جات بیکار به پاریس آمده بودند و چون اعلان دولت منتشر شد از خارج شهر هم عده زیادی از مردم بیکار به پاریس آمدند. برای دولت ترتیب کارخانه‌های ملی در آن
عده مردم بیکار را مشغول کند ممکن نبود معدوده وزیر فواید عامه در انجام کارها و مخارج مشتبه با تعیین مدت برای اشتغال عده‌ی مذکوره کار کارخانه‌های
واقعی عده‌جات بیکاری را در پاریس جمع شده بودند به قسمت تقسیم را به کارخانه‌ها راه دادند در بعضی از آن راه آهن عمده به تنهایی واداشته و چون انجام
تمام شد و کار دیگری پیدا نشده بود که عده‌جات را بدان اشتغال دهند در خارج آن میدان را بدون آنکه مفید فایده باشد جابجا کند نمودند
عده زیادی بیکار را ماهیانه در دولت مجبور شده می‌دادند با ایشان نزد می‌بردند و این مزدی که به کارگرها داده می‌شد خیلی قلیل بود و به سبب آنها نشاط
اما سوسیالیست‌ها برای پیشرفت مقاصد خود بیشتر به شورش و عملیات تشویق می‌شدند و عملیات ایشان فراهم نمودند و تزلزل در بنای ملکی

و سرمایه داران از این راه طریقهٔ رپوبلیک را تهدید نموده بود اسباب تزلزل مملکت و منزلهٔ ناامنی شهرها گردیده بود و بیشتر کارها را خراب ابتدا
و مملکت را از نظم انداخته بود این واقعه در مدت تحریک اشخاص رپوبلیکها بود که مردم را با خود موافق کنند مخالف گویند و چون رفته
رفته تحریک شهرت نمود حکومت برقی از ایشان جلوگیری کرد و اینه دفعه اش ثابت. را موقع خود ندان که و دولت رپوبلیک
منعقد گردید و رپوبلیکها در انتخابات پیشرفتی نکردند و برتری کاتولیکی سلطنت طلبان با پیشرفت داشت و در کارها دخالت نمیکرد اما حامی تمام این
وقایع این شاه بود بعضی عملیات و به اواخر آن در داخله مخالفت نمود که عداوت کشتی تولید شد زیرا عملیات حزب رپوبلیکها را حامی خود
میدانستند ملتفت او طریقهٔ ایشان شده بودند و اواخر نمی دادند چون فرزندانی مدت غلبه رپوبلیکها را دیده بودند. ایشان مخالف گردیدند
اما دولت پرسه ترتیب قانون های را برسم قانون های ۱۸۴۸ بموجب این قانون قوهٔ مقننه یک مجلس و لغو قوهٔ مجریه با یک رئیس جمهوری
دولت وزرای او بود و باز در این قانون های عیب انفصال کامل قوه مقننه با قوهٔ مجریه و تفکیک آنها را ملحوظ نکرده بود رئیس جمهوری و
مجلس بر هم بالتمام با شماره عمومی منتخب شدند

برای ریاست جمهوری چهار نفر کاندیدا بود یکی از این چهار نفر Cavaignac سردار که از آن وقت در کارهای دولت رئیس بود دیگری
لوئی ناپلئون بناپارت بود پسر لوئی بناپارت برادر ناپلئون اول و پادشاه هلند بود لوئی ناپلئون بناپارت از ابتدای عمر کارهای او مجامع
کاربناری ایطالیا و کارهای در انقلابات فرانسه داخل شده بود و با آزادی طلبان فرانسه و استقلال طلبان ایطالیا همراهی میکرد ولی با طلبه نظر او [illegible]
ناپلئون اول در امپراطوری فرانسه بود لکن عامه مردم فرانسه از عملیات و سایر عوام شهری و روستائی فقط اسم ناپلئون میشنیدند و این اسم در نظر آنها
عظمتی داشت بعلاوه خواهان برای رسیدن بریاست جمهوری با دسته جات جمهوری داخل و از روی همراهی نمود برتری کاتولیک و غیر ایشان و
کاتولیکها که از قبل شرایط ایشان اقدام کرده بود ظاهراً با آنها همراه بود و کاتولیکها که اکثریتها دارای یک میلیون نیم و لوئی ناپلئون اکثریتها دارای
پنج میلیون نیم رأی داده شد و بالاخره ناپلئون رئیس جمهوری گردید

اما در انتخاب مجلس هم عدم اکثریت عامه اسباب شده نمایندگان کاتولیک و برتری کاتولیک و [illegible] مخالف جمهوری [illegible] اکثریت
جمهوری طلبان در اقلیت افتادند و مجلس [illegible] را [illegible] منسوخ کرد و از [illegible] را در موافق [illegible]

بود برقرار نمود و از آن وقت کشیشها توانستند مدارس تأسیس کنند در مدارس دولتی هم نفوذ [illegible] کارهای دیگر مجلس اغلب [illegible] بود و
پیشرفت خیلی ناپلئون در باطن در صدد تبدیل جمهوری با امپراطوری بود موفقیت داشت از جمله قوانینی در باب انتخابات نوشته در حقیقت رأی
عمومی را محدود کردند و این مسئله اسباب عدم رضایت عامه مردم گردید بعلاوه برای آنکه مقدمات برقراری سلطنت با خانوادهٔ سلطنتی قدیم را فراهم بیاورند
قوانین ارتجاعی مبنی بر تحدید مطبوعات و جلوگیری از مجامع دیگران وضع نمودند این قوانین برضد جمهوری و شخص لوئی ناپلئون بود ولی بر ترقیات
او و پیشرفت مقصود او گردید مدت ریاست جمهوری چهار سال بود و ناپلئون میخواست مدت را [illegible] چهار سال را به ده سال [illegible]
و چون مجلس با نظر او موافقت نکرد قوانین ارتجاعی و تحدید انتخابات را بهانه قرار داده بعد از کنکاش ظاهری با مجلس مجلس را بطور غیر قانونی
منحل کرد ۱۸۵۱ و بعد از انحلال مجلس اعلانی منتشر کرد مبنی بر دعوت عموم مردم بطریق Plebiscite که مطلب ذیل را رد یا قبول
کنند (ملت فرانسه تقاضای [illegible] لوئی ناپلئون بناپارت را میخواهد و با اقتدارات لازمه برای ترتیب یک قانون اساسی جدید بدهد)
در ضمن این اعلان عبارتی بود بر اینکه مجلس یک کانون دسته بندی شاه ذمه ناپلئون [illegible] را [illegible] ملت را این خود مجلس حکم
قرار [illegible] لکن بعد از این اعلان ناپلئون شخصاً در اکثر ایالات [illegible] که دسته ای از مخالفین او را دستگیر نمودند و [illegible] ابطال
۵ [illegible] شد و در ۳۲ ایالات حکومت نظامی برقرار کرد در انجال رأی عمومی در باب [illegible]
هفت میلیون و پانصد هزار رأی آن را تصدیق کرد و بعد از این رأی محکمهٔ فوق العاده باسم کمیسیون Commission
Mixte برقرار کردند [illegible] ده هزار نفر را [illegible] از این مملکت اخراج کردند از جمله اخراج شدگان
هشتاد و نفر از نمایندگان مجلس بود و معروفترین این هشتاد نفر تیئیس Thiers مورخ و ویکتور هوگو شاعر بزرگ فرانسه
[illegible] در تمام مدت امپراطوری ناپلئون سوم در حال اخراج بود و [illegible] ناپلئون [illegible] او را در مقابل ناپلئون اول [illegible] ناپلئون
کوچک گفته اند ناپلئون صغیر Napoléon le Petit لقب داده است

در ضمن کودتای ناپلئون در ایالات در بعضی نقاط [illegible] و بعضی از مردم فریاد زنده باد امپراطور کردند ناپلئون و طرفداران او این
کار را دلیل بر رضایت ملت فرانسه به برقراری امپراطوری قرار دادند و در [illegible] ناپلئون در ۱۸۵۲ بموجب آراء

بطور عامه غیر منتظره Plébiscite باو داده شد و بعد ترتیب دولت باسم ناپلیون سوم لقب امپراطوری اختیار کرد (پسر ناپلیون اول را ناپلیون
دوم محسوب میداشتند و کشتی در ۲ دسامبر ۱۸۵۲ انگلیس کشتی تر بود ناپلیون اول در امپراطوری خود ترتیب داده بود و بنا برایت
امپراطوری ناپلیون سوم در واقع جهت استبداد بود اما ناپلیون سوم رأی ملت عامه مردم مخالف او نشود نظر برای مبنای امپراطوری خود حکومت
ملی را قرار داده رأی عامه را در انتخابات برحسب ظاهر ملاحظه داشت و بالکل انتشار میکرد و امپراطوری ناپلیون سوم در جهت استبداد بود
فرانسه مبدأ آن بود در شورش ۱۸۴۸ در ممالک دیگر اروپا به ترتیب شورشهای تازه پیدا شد و آن شورشها با تابع کلی شبیهی
شده بود و مایه نفوذ از توابع فرانسه تا حدی نظرهای از توابع ممالک دیگر بود

(انقلاب اطریش)

چون وقایع ایطالیا و آلمان خیلی مربوط به اطریش است بهتر آن است مقدمةً ذکری از اوضاع اطریش داده شود بعد از آن ممالک بنمائیم
دولت اطریش چنانکه مکرر دیده ایم بواسطه دخالت در امور آلمان و ایطالیا ذات و بین امپراطورهای آن مملکت با بستگی و خصوصا
رابطه وجه تسریع مرکز استبداد و حرکات ارتجاعی اروپا بود بعد از ۱۸۱۵ با وجود اینکه ایالات آلمان را متحداً از تحت
ریاست اطریش بکشی داده سلاطین اطریش با خود در امپراطوری اطریش جدا میدید و با این ترتیب برای اطریش فقط عنوان امپراطوری
باقی مانده بود و دولت امپراطوری اطریش دولت مقتدری شده بود زیرا در اداره ممالک متوزع و ترکیب ممالک مختلفه بعض
بر خلاف اداره اطریش ایالات اطریش و بهم و بنگری و غیره آن ترکیب تحت حکومت واحد درآمده بود و مرکز و بالجمله آن
ونیز بود و بواسطه معاهده ۱۸۱۴ و قرارداد کنگره وینه تحت عهده ایطالیا شمالی مستقیماً تحت امپراطوری شده (لمباردی و ونیسی)
و چون هر کدام از آنها نژاد و زبان و Sclaves هم از نژادهای آن اطریش بودند این هر دو نیز در تحت نفوذ
اطریش بود ریاست آن ایالت آلمان اگرچه خیلی به شخص امپراطور اطریش میدید با برای دولت اطریش اسباب عجب زیاد بود
و بعداً به تدریج فسیه و عجز ولایات تقویت نمود و آلمان سیاسی و در بیان تمام این عوامل و ... اسباب ضعف دولت اطریش بیده است
در همه بالطبع آن دولت را خارج از نظام نگاه داشته و آن ضعف نژادی و مذهب و زبان اهالی است زیرا ممالک اطریش ترکیب است از Magyars ترک اسلاو

و نژاد مجار و نژاد آلمانی و ایطالیائی دارای چهار نژاد مختلف نژاد اول اسلاو بعد بر حسب تقسیم ممالک و اختلاف مذهب در قسمتهای مختلفه محسوب میشدند بعضی از آنها
تابع حکومت اطریش و بعضی دیگر تابع حکومت بنگری بودند اما نژاد مجار چون یک ملت واحد بودند بیشتر از سایرین قدرت داشته و باین ملاحظه وجه تسمیه آنها در
تقسیم ترکیب اطریش مشابه بود که شده است لوئی حکومت قدیم بنگری را از بیان بردارند و مجلس ... مرکب از دو اطاق و صحیح شده بود مجلس انگلیس بود باقی ماندند فقط ... آنها
در توانسته بودند که ... امپراطوری بطور اساس مجلس را صحیح کاشته بودند بطوریکه در لغو مالیات رأی نمیدادند در اطریش حکومت مرکزی بکلی استبدادی بود از موقع در دوره میترنیخ
دکتر ... میرسید در ولایات اصلی اطریش آنجنانی ایالات و در ولایت بهم ... از قدیم با قی مانده بود و فقط ترتیب حکومت را
عوض میکرد و بواسطه استبداد و حکام و ماموری و مالیات وضع شده هیچ کاری را بدون اذن اداره مرکزی و تمام امور را مرکز نفوذ امپراطور ... ز
با جمیع کارها خیلی تبانی میکردند در ۱۸۳۵ فرانسوا امپراطوری مخصوصی با ناجمیله از دربار کرده و بطرف اول تجدیدی بر فرانسه و
بواسطه ضعف بعضی دیگران بود تشویق اهم اختیار امور را در اینکه گذاشته بود بواسطه بیداری دیگر عقیده است به خوبی به تمام کارها رسیدگی نماید باین ملاحظه ترتیب حکومتی
اطریش تدریجاً سست شده و مخصوصاً از انتشار روزنامه و کتب و جزء ها و خیالات آزادی طلبی را از ترکیب تا دانشمندان ... تا مید و مخصوص
در اوایل ۱۸۴۸ در وینه و شهرهای دیگر تحت تأثیر آزادی طلبی بودند به ترتیب حکومت مشروطه شهرها در تمام ممالک اطریش
در آن واحد حس آزادی طلبی و طلب استقلال پیدا شده و بعضی کشمکشها از قبیل کشمکش اهالی ولایت Croatie
یک ... و مجارها ... و ایجاد ... پیش آمد

. . . .

و استعداد شورش و انقلاب در تمام ولایات اطریش ... خبر شورشهای ایطالیا و شورش فرانسه در ۱۸۴۸ رسید در وصول این خبرها در
اطریش و بنگری و در ولایات دیگر تولید شورش و انقلاب کرد بطوریکه ترتیب ملت و وضع حکومت داد اب در هم اطریش بکلی خراب شد
و در هم است بعضی و تابع این شورشها هم خیلی بعضی و در هم متغیر شد بجهت مجبور باین قدر که بعضی از ملل بزرگ شورش یک شهر وینه
و دیگری با جمعیت بنگری و در این شورشها اطریشیها و مجارها بر سر امتیازات فئودالی را الغاء کردند در انقلاب وینه میترنیخ مجبور باستعفا
و بیرون رفتن از اطریش شد

در این انقلابات بود که دولت اطریش بواسطهٔ اینکه از تمام ممالک فاصله داشت از فرانسه و ایطالیا و آلمان خبرهای متوالی میشنید
و کم‌کم تمام ولایات و نقاط اطریش یکی بعد از دیگری [illegible] از اینکه نتوانسته از انقلابات جلوگیری کند [illegible] شورش ان شاهد
و در همین وقت در ایطالیا بین دولت پیمونت و اطریش ترتیبی [illegible] جنگ درگیر بود اما قبل از جنگ [illegible] مقدمات پیشرفت در ایطالیا
ظاهر شد جنگ [illegible] با اطریش [illegible] راه [illegible] ولایات مختلفه بود متفق شدند چون عهدی
[illegible] کرده [illegible] ضعف شد [illegible] ایشان را [illegible] ضعیف کرد لهذا [illegible]
[illegible] ایشان را [illegible] آنگاه [illegible] از ولایات [illegible] اطریش رفته [illegible]
[illegible] و [illegible] راه [illegible] اطریش [illegible] بود مجبور کرده [illegible]
خارج [illegible] (میرزا [illegible] دولت [illegible] متفق شما بودند)
اما [illegible] سلطنت [illegible] داشت [illegible]
بیرون [illegible] و بعد از [illegible] ریاست [illegible] کوچک [illegible] دولت [illegible]
انقلابات [illegible] حکومت [illegible] برقرار کردند [illegible] قسمت [illegible]
[illegible] وقت [illegible] فرانسوا ژوزف [illegible]
[illegible] فرانسوا ژوزف [illegible] دولت اطریش [illegible]
[illegible] چون [illegible] در شهر پشت Pesth [illegible] Charles [illegible]
[illegible] دولت اطریش [illegible] غالب [illegible] ۱۸۴۹ [illegible] اطریش
[illegible] کار [illegible] ۵۰ هزار [illegible] کند [illegible] آن مملکت [illegible] شد
دولت اطریش از دولت روس کمک خواست [illegible] فرستاد [illegible] چون [illegible] شده
[illegible] اطریش [illegible] روس [illegible] ۱۸۵۰ [illegible] اطریش

[illegible] برقرار کردید و [illegible] انقلابات ایطالیا و آلمان هم [illegible] شد [illegible] انقلابات [illegible] شد
در حکومت [illegible] آن مملکت [illegible] آن مملکت [illegible] ولی برای اطریش انقلابات [illegible] زیرا
دولت بعد از غلبه [illegible] رژیم [illegible] را [illegible] برقرار نکرد

ایطالیا — بعد از اینکه در بعضی از ممالک ایطالیا به تقلید شورش ۱۸۳۰ در فرانسه اهالی شورش کردند دولت اطریش [illegible]
ایطالیائیها در صدد فراهم کردن مقدمات کار [illegible] بر آمدند [illegible] آزادی [illegible]
طرفدار [illegible] دولت واحده در ایطالیا انجمن مخفی [illegible] و طبقات مختلفه ایطالیائیها [illegible] این انجمن
موسوم به ایطالیای جوان Giovane Italia [illegible] ایطالیائیها را [illegible] اتفاق و [illegible]
ایطالیا و [illegible] دولت واحده برای آن مملکت [illegible] ایطالیا [illegible] دولت [illegible] ایطالیا [illegible]
[illegible] شده [illegible] عموم [illegible] وطن‌خواهان [illegible]
شده و [illegible] را Risorgimento [illegible] Resurrection [illegible]
[illegible] بعضی [illegible] وطن [illegible] [illegible] پادشاه [illegible]
[illegible] جواب گفت ایطالیا [illegible]
[illegible] این عبارت [illegible] وطن‌خواهان ایطالیا [illegible] وطن‌خواهان ایطالیا [illegible]
اول آزادی‌خواهان [illegible] ایطالیا [illegible] ایطالیا [illegible] تمام
ایطالیا [illegible] دولت واحده [illegible] اطریش در ایطالیا [illegible]
[illegible] اخراج اطریش از ایطالیا [illegible] آزادی‌خواهی [illegible]
[illegible] ایطالیائیها [illegible] ایطالیا [illegible] اطریش [illegible] ایطالیا [illegible]
[illegible] در ۱۸۴۶ [illegible] از [illegible]

و کار دنیا بهانه به جدید دست وطن خواهان ایطالیائی رسید شاه لویز کیتی را الذکر از خانواده اشراف ایطالیا و به تقدس و حسن طبیعت و وطن خواهی
شناخته شده بود بمقام پاپ انتخاب کردند و اسم پی نهم یافت عموم اهالی به نهم شد و در هوای سرور به زنده باد پی نهم ترنم میشد
همه‌جا در مرفوع ایطالیائی گردید و ابتدای پی نهم در ولایات پاپ بعضی جدیدات اهالی را تقویت تشکیل یک مجلس برای مشورت مرکب از منتخبین
همراهی نمود انتخاب پی نهم دیگر امرای را با آزادی خواهان اسباب قوت قلب آزادی طلبان شد در تسکان و سردنی بعضی اصلاحات
درخواست کردند در تسکان و بعد از ارث شارل البرت پادشاه سردنی بعد از تمرهای بسیار به ملاحظه ترس از اطریش ذاتاً عقیده داشت
آزادی خواهان را قبول کرد اطریشیها در مقابل این کارها شارل البرت به ترک بدن و پانصد را که در آنجا بودند باقی بود ... شده بود
در شهر Ferrara که از املاک پاپ قرار داده است این حرکت اطریشها بر شدت هیجان آزادی خواهان ایطالیا افزود و قبل از آنکه شورش
۱۸۴۸ در فرانسه شورش شد در همین سال اهالی لمبارد و ونیز بر ضد ... ترک مخالفت با اطریش را آغاز نموده بودند در سر
الحصار ... بر دولت اطریش شوریدند و بعد از ایشان اهالی سیسیل بر پادشاه خود فردینان شوریدند و بعد از شش روز جنگ در پالرمو
وطنیان تمام اهالی سیسیل فردینان از ترس قبول کرد قانون اساسی و یک قشون نا ... و امید ... سیسیل و سایر ممالک ایطالیا کرده
اهالی سردنی و پیمن و ... شارل البرت داده داد به جو ... بخط اسند لو خورده بود بعد از مدتی تردید قبول
شروطیت کرده ترتیب قانون اساسی داد و گراندوک تسکان را بعد از یک شورش مختصر از ترس پیشرفت آزادی طلبان تصاریح مملکت
او کرده بود قبول کند ... رسید کرد پاپ ... بازلوی خواهی شناخته شده بود قبول کند تا ... رسید ... ولی او را هم خبر ... فرانسه داد
لقبول نمود بزودی ... ایطالیا و برای درخواست آزادی ... برای استقلال ایطالیا و کشف دولت ... در آن ممالک تعقیب
نامعین و چون خبر شورش وینه با ایطالیا رسید اهالی لمبارد در ... میلان ... یک شکست ... اطریش سالکی ... بودند در میلان
جمع شدند و نایب السلطنه اطریش ... و او را مجبور بقبول گشتند قرارداد کرد که از آنگاه با قشون اطریشی نیای ... خود را کشید
و اطریشیها مجبوراً بخلیه میدان شدند در ونیز هم اهالی از غلبه اهالی میلان قوت قلب یافته شوریدند و اطریشیها را بیرون کردند و
جمهوری نمودند و غیر از قطعه زمینی بین قلعه جات واقع در سر حد لمبارد و ونیز جائی برای اطریشیها باقی نماند ... ایطالیائیها ... ان

کردند برای وصول مقصود خود کافی است هر به اهالی لمبارد و ونیز در اخراج اطریشیها کمک کنند و شارل البرت کمک ایشان رفت و اهالی
ممالک دیگر هم حتی رعایای پاپ هم ... جنگ با اطریش ... دولت کالاتولیک ... شده است حکومت خود را مجبور نمودند قشون
بکمک اهالی لمبارد و ونیز و شارل البرت نمودند و قشون پیمن از اطریشیها و بعد از رسیدن کمک از اطریش به لمبارد و ونیز حمله آورده جلوگیری نمود
و اهالی لمبارد و ونیز و ... پارم و مدن به الحاق ولایات خود به پیمن رأی دادند در سوم ژوئیه شارل البرت را پادشاه ایطالیا خواندند
اما زودی غلبه با اطریشها شد و قشون پیمن را از لمبارد بیرون کردند و آن ولایت را تصرف و آزادی خواهان را ساکت و ونیز تنها
مقاومت کرد و شارل البرت مجبور به ترک جنگ و صرف نظر از لمبارد کرده و قدری از علت پیشرفت اطریشها اختلاف بین خود ایطالیائیها
و مخالفت ظاهری پاپ و مخالفت باطنی فردینان پادشاه ناپل فردینان بعد از غلبه اطریشها شروع به مخالفت با آزادی طلبان کرد و
در رم جمهوری طلبان و زیر پاپ را بسم ... Custozza و شهر ... خول ... جمهوری بود طرف ... قرار داد بود دکتر ...
او را در ... مقتول کرد جمهوری طلبان هیئت اجماع ... ساخت پاپ ... درخواست کمک ... در سر ... جنگ با اطریش کرده بود
امتناع کرد و در حضور او ... قرار داد ... طرف شد و قشون ایطالیائی ... قرار دادن ... مردم ... پاپ ... کرده ... پاپ ...
دلو ... درخصوص درخواست مردم ... شد و ... قرار کرد و اهالی رم ... جمهوری نمودند ... در تسکان
اختلاف بین جمهوری و گراندوک کار را با اعلان جمهوری کشانیده بود در ۱۸۴۹ شارل البرت چون ... اطریش را در ... شغول دیده بار
دیگر ... شروع ... با اطریش کرد اما قشون اطریش ... کرده وارد خاک پیمن شدند و قشون پیمن مجبور به بازگشت شدند
در Novara ... بعد از یک روز جنگ قشون پیمن ... شکست داد شارل البرت مجبور به درخواست صلح شد ... اطریش ...
شرایط ... تکلیف کردند او بهتر دانست از سلطنت استعفا بدهد و همان شب استعفا داد و پسرش ویکتور امانوئل دوم پادشاه شد با
اطریشیها صلح کرد ... سبب ... غلبه اطریشها در ایطالیا که ... از تصرف ولایات ... تصرف شده ... تسکان شد
و در صورتیکه اهالی ... برای رفع ... اطریش ... خود ... را ... را ... قشون اطریش ... تسکان
دار ... با ... فردینان در ممالک خود ... استبداد را ... برقرار کرد ... پاپ ... بعد از ... فرار ...

دول کاتولیک ایتالیا خواسته بود بعضی از تغییرات اساسیه که مقتضی بود اجرا داده بود لیکن اطریش برخلاف نوار از هیچ جهت

نهضت ایتالیایی مرکزی و جنوبی مخصوص فرانسویها برای اینکه نگذارند اطریش رم را بگیرند قشون برای جلوگیری ایشان به آن شهر فرستادند

ولی اهالی رم قشون فرانسوی را به آن شهر راه ندادند و ورود خود را به فرانسویها گفتند و در ضمن آن صاحب منصب قشون فرانسوی کشته شد

رهبر طبقه فرانسویها رم را گرفته پاپ را تسلیم کردند و به سبب ترتیب حکومت استبدادی سابق را در آنجا برقرار نمودند و قشون فرانسوی تا

سال ۱۸۷۰ در رم ماندند پیه‌مون در مقابل آزادی‌طلبی و وطن‌خواهی اهالی ایتالیا محافظ استبداد در رم و مانع یگانگی ایتالیا

و امپراطور ایتالیا گردید و در سال تمام سلاطین ایتالیا نقطه دیگر ایتالیا را مشروطه دادند بود کشور اطریش با ... نمود

در آنجا برقرار کردن استبداد را الطاف خوب با او خواهند داد تبدیل نمود

آلمان — با وجود میل وطن‌پرستی برای اینکه ممالک آلمان صورت آزادی را بگیرد از ۱۸۱۴ بعد اکثر ممالک آلمان جزو جبر عادات

قدیمه با رابطه حکومت فرانسه و ... ۱۸۱۲ داده شده بود دارای کنستیتوسیون کم شد بعد از آزادی بود نشر ... ارباب را ... بودند

قدیم ... بود ... از ممالک کنفدراسیون جدید یکی ... تعدادی از ... آزادی‌طلبان در سال

بعد از ۱۸۱۵ برای ... سلاطین دارای ممالک جزو آلمان بود ... گذشته از داشتن کنستیتوسیون برای حکومت خود

با آزادی‌طلبان ... سعادت ... آزادی‌طلبان ... شورش ... اقدامات اطریش و احکام مجلس

دیت ... آزادی‌طلبان و آزادی‌طلبی ... جلوگیری کرده بود ... بعد از ۱۸۳۰

اتفاق افتاد ... در ممالک آلمان جنوبی ترتیب مشروطیت ... و اهالی ... آلمان

... فرانسه ... آزادی‌طلب بودند ... جمهوری‌طلب در میان ایشان بود اما ممالک شمالی آلمان اهالی آن

کمتر ... آزادی‌طلبی ... آزادی‌طلبی از ایشان کمتر مشاهده میشد زیرا فرانسویها و انقلاب فرانسه ...

... داشتند ... انقلاب آزادی‌طلبی کار فرانسویها بود آلمانهای شمالی ... فرانسویها از آن

احتراز داشتند ... اهالی آلمان شمالی ... آزادی‌طلب ... بیشتر ... داشتند ولی تمام آلمانها از

جنوبی و شمالی در حرکات آزادیت ... آلمان و میل به یگانگی و وحدت مرکزی در آلمان شرکت داشتند و چون یکی از دول آلمان شمالی

پروس بود ... قدم بزرگ را برای یگانگی و وحدت در آلمان دولت شمالی برداشت ... پروس برخلاف

... از ... گمرک در ممالک آلمان ... دول ... گمرک بین ... را از پروس

در عوض ... گمرکی شرکت ... مکاتبات ... دول ... نسبت ... این قسم ... دیگر که

را ... زولورین نامیدند و چون ... نفع ... از ... کارات ... آن ممالک ظاهر شد ...

ترتیب ... ملیت آلمانها ... تمام دول آلمان باستثنای اطریش ... ابتدا ... ممالک شمالی آلمان

بوده‌اند

با یگانگی ممالک آلمان جنوبی ... آزادی و ... آزادی‌طلب ... فراهم کرده بودند ممالک

آلمان شمالی اولین ... آلمانها را فراهم نمودند اما در آلمان ... ایطالیا ... آزادی‌طلبانه ...

با ... ترکیب ... آزادی‌طلبان ... اما ... در پروس ... از دول آلمان

محروم ... آزادی و ... اقدام ... آزادی‌طلب در ... آلمان ...

کار کردند و آزادی‌طلبان پروس بیشتر در برلن ... فرانسه بودند

فردریک گیوم ... پادشاه پروس ... ۱۸۴۰ ... و اگرچه پروس ...

... آزادی ... ۱۸۴۰ فردریک گیوم ... فردریک گیوم

پادشاه شد و ... کنستیتوسیون ... این پادشاه ... آزادی ...

با آزادی‌طلب ... ولی ... اختیارات سلطنت ... دولت ... قرار

... پادشاه ... آزادی‌طلبان ... آزادی ...

بودند ولی ... فردریک گیوم ... آزادی‌طلبان ... شده ... فردریک

گیوم چهارم به جای قانون اساسی یک فرمانی باسم Patente (که نوعی از فرامین قدیم در زمان فئودالیته و اطاعت شیوخ) داده
مطابق آن فرمان در ۱۸۴۷ مجلسی در برلن باسم Landtag منعقد شد ولی در جلسه افتتاح نمایندگان مجلس
مزبور گفت و از ایشان خواستند خود را ... اراده‌ات برانند و طلب کنستیتوسیون کنند بلکه از ایشان خواهش کرد به او برای جلوگیری از انقلاب
همراهی کنند و چون مجلس مزبور در موضوع قرض به فردریک گیوم نخواست کمک کند مطابق میل او رأی نمایندگان را در همان سال منفصل کرد

انقلاب ۱۸۴۸ — خبر شورش ۱۸۴۸ در فرانسه تولید انقلاب زیادی در آلمان نمود و در همه جا انقلاب بروز کرد که
در مملکت باد اکثر در روس انقلابی به درستی باد ظاهر شد بتمام آلمان انقلابات و از آن گفتگو پارلمان عمومی آلمان
برای ترتیب مرکزیت آلمان و نوشتن قانون اساسی برای دولت مرکزی که ... انقلاب ولی ... زبان انقلاب ... بود که
ترتیب کنستیتوسیون بود

در ولایت باد اول خواهان ... دعوت از نمایندگان تمام ممالک آلمان نموده یک پارلمان مقدماتی تشکیل دادند و این پارلمان چنین
رأی داد به یک پارلمان دیگر که عمومی از تمام ممالک آلمان منتخب و منعقد شود ترتیب قانون اساسی برای آلمان بدهد چون در این
وقت روابط انقلابات ... ممالک مختلفه دول آلمان تقریباً حال ... و جمعیت داشتند از اقدامات انقلابیون خواهان جلوگیری
نکرده بلکه نمایندگان خود را در مجلس ... انقلابی طلب نمودند در تمام آلمان انتخابات نمایندگان پارلمان شروع شد و مجلس
... لزوم تغییر کنستیتوسیون آلمان را اظهار کرده رأی با انفصال خود داده و منحل شد پارلمان مهم مجلس ... در فرانکفورت منعقد
شد ... منعقد و مشغول مذاکره بود ... که ... در ... رأی کنند ... مشغول می‌شد اول آنکه طرز حکومت جدید
چه باشد دوم آنکه کدام ممالک داخل در دولت آلمان جدید باشند سوم آنکه ریاست دولت آلمان جدید را بکدام دولت دهند در مسئله
اول چندان ... دیده ... که حکومت جدید باید ... از اول باشد اما در مسئله دوم و سوم اختلاف شدیدی
پیش آمد مذاکره در مسئله دوم اسباب تولید دو ... در آلمان گردید ... تمام ممالک قدیمه آلمان را با متعلقات و ملحقات
آن ... داخل آلمان کنند اگرچه ... از ممالک ... نباشند این دسته موسوم به طرفداران آلمان کبیر شدند

و دسته دیگر ... دولت جدید آلمان فقط ... باشد و ... آن ... آلمانی باشند این دسته موسوم به طرفداران آلمان صغیر شدند ... چون
... ریاست دولت ... بدون ... دولت جدید طرفداران
آلمان کبیر ... ریاست ... حق تقدم ... دولت اطریش ... داده شود و در صورت ...
... آلمان صغیر اطریش ... آلمان ... خارج شود ... پروس ... و عاقبت طرفداران آلمان صغیر ...
و ... دولت مرکزی ... در ابتدای انعقاد پارلمان ... داده ... با اطریش ... روابط دیپلماتیک ... آن ...
خارج از آلمان قرار ... پروس را ... آلمان ... در ضمن این وقایع اطریش انقلابات ... را
... پروس از یک طرف اطریش ... از طرف دیگر در داخله مملکت خود شروع ... پارلمان ... اطریش
آلمان ... دولت آلمان ... اطریش ... کرده ... نمایندگان ممالک خود را از پارلمان ... تا
را ... اطریش ... دولت ... ۱۸۴۹ ...

اما ... این ... در ... فردریک گیوم ... از ... کرده ...
و در ... دولت مرکزی آلمان ... کرد ...
و مجلس ... قانون اساسی ... منعقد شد اما ... فردریک گیوم ... فردریک گیوم ...
... اطریش را ... از انقلابات ... را ... کرد ...
... پروس ... فردریک گیوم ...
... انقلاب ... ممالک آلمان ... مملکت باد ... جمهوری ... از
آلمان ... جمهوری ... در آلمان ... دولت ...
... پروس ... در آلمان ... اطریش ... آلمان ...
... اطریش ... مخالفت ... دولت ... آلمان ... اطریش ...

از دولت اطریش نمود ، ایالتی دولت روس هم تغییر شد ولکن مجدداً تجدد ... دولت آلمان گردید فردریک گیوم ... دیگر [illegible]
اقدام کرده بود تا ۱۸۵۰ ، از تصرفات ... در این سال مجدداً ... بر [illegible] اقدام شد و ... بجای آن گردید و از آن زمان
تا ... [illegible]

نتیجهٔ انقلابات ۱۸۴۸ — در نتیجهٔ انقلابات ۱۸۴۸ ... [illegible] ترتیبی ... از آنرا دیده
[illegible] ... ظاهری و معنوی ... [illegible] ... از جهت استبداد سنه ۱۸۵۰ را میتوان نظیر سنه
۱۸۱۵ دانست ... انقلابات ... در فرانسه و آلمان و ایطالیه در هر کدام نقشی داده بود در فرانسه ناپلئون
[illegible] ... ناپلئون اول ... استبدادی برقرار نمود ... قرار داده ... ظاهر رای عمومی
را ... [illegible] ... در فرانسه از انقلاب ۱۸۴۸ ... برقرار ... ایطالیه
انقلابات ... [illegible] ... اطریش ... ایطالیه ... کرده ... دولت ... آن [illegible]
[illegible] ... دولت ... ایطالیه
آلمان هر کدام یک دولت دارای ... [illegible] ... ایطالیه
... آلمان ...

اثر انقلابات اروپا در خارج این قطعه — تشکیل جمهوریهای امریکا — در نیمهٔ اول قرن نوزدهم [illegible]
تمدن اروپا ... [illegible] ... عالم را فرا نگرفته ... انقلابات اروپا در ... [illegible]
مگر در قطعهٔ امریکا ... [illegible] ... از قطعهٔ اروپا ... امریکا ... [illegible]
قسمت ... [illegible] ... در نیمهٔ اول قرن نوزدهم ... [illegible] ... زبان ...
[illegible] ... دولت فرانسه ... [illegible] ... امریکا ...
مالک ... [illegible] ... دولت ... [illegible] ... حکومت ... [illegible]

... [illegible] ... امریکای انگلیس ... در نیمهٔ اول قرن نوزدهم ... [illegible]
... [illegible] ... در قسمت ... [illegible] ... از انگلیس ...
... انقلاب ... [illegible] ... امریکای ... حکومت
استبدادی اسپانیا ... بود

کلنی های اسپانیا — ... کلنی های امریکا ... تا ... قرن نوزدهم ... [illegible]
امریکای جنوبی ... تحت حکومت ... حکومت ... در قسمت مرکزی ... امریکای
جنوبی ... امریکا ... [illegible] ... اسپانیا ... [illegible]
... اسپانیا ... ([illegible]) ... اسپانیا ... [illegible]
... [illegible] ... اسپانیا ... امریکا ... [illegible]
... [illegible] ... امریکا ... تمام طبقات ... [illegible]
... [illegible] ... حکومت مرکزی ... استبدادی ... [illegible]
تجارت ... اسپانیا ... [illegible]
... [illegible] ... اسپانیا امریکا ... [illegible]
در ... [illegible] ... امریکا ... اسپانیا ... قرن نوزدهم
[illegible] ... برقرار ... [illegible]
داده ... انگلیس ... [illegible] ... اسپانیا ...
ناپلئون ... [illegible] ... اسپانیا ... [illegible]
... ناپلئون ... اسپانیائی ... [illegible]

شروع شد Guatemala نصرت، بایقه اسپانیه‌یه رجوع ایله وکیل دی خودنما ، انلرک اتمام امرده قوت نموده دایمی صدقت منفی شورش

کم برضد دولت اسپانیا و طلب استقلال کوه بهمنیز بعدازه جهت خانزاده قدیم سلاطین اسپانیا سلطنت دولت اسپانیا و امریکا حامی اسپانیولری

جدید راسته بر لطیفه ان دولت اسپانیا کیده تربتی اهالیسی امرکزیک و ونزوئلا نیز شهر Caracas ده مملکت شروع کرد که

۱۸۱۱ در منزلی Hidalgo داقدام برتری کرده ایله کرفتار و مقتول شد و در کاراکاس پیشرفت شورش ایتمز

ایله، در اقدام Bolivar زعیم شورش حکومت انقلابیه کشی تایید و بعدلر را رای مدت جنگ عنوان دیکته ترک داوند

ولی کاراکاس دونز دید شورش ابتدای الیه دولایت امریکای جنوبیه و مرکزی ایله یافت، آخر از همه مکزیک حاکم که بعد از آن

Ayacucho مدت ۱۰ سال جبر کرده شورش واستقلال را کرفته بود بسیه دیمن حکام وقتل اسپانیه و شورشیان در همه جا حکایت

رضع بر جمهوریه مکتبهی اسپانیا ، تبدیل نامیدن در کرفت و در همه جا ابتدای شورشیان ترکشدن اسپانیا غالب شده تا در ۱۸۲۴ کلیتاً تمام

کلنیه اسپانیولرکت اطاعت آن دولت خارج کردید و دولت اسپانیه که تشکیلات کلنیهای امریکا دست داده بود ، استقلال کلنیه‌لر تصدیق

برابطه شورشی منقطع در تفاوت مختلفه دولتده ریاست رؤسای متعلق واقعیات عمده بعلاوه اهالی کلنیه‌های زیر در هیچ وقت در امور حکومت

دولتی داخلی نبوده و اسپانیولیانرا در شهری رسیده و مکتبی ایلکار بر آنها لوح شده اشتباه ساختمان از دهن دولایت مختلفه و طبقات مختلفه

برطرفداری تقابل در کرفت و جنگهای ایله روداق شدت تا در نیمه دوم مائه نوزدهم نتیجهٔ آن جنگها کلنی جمهوریهای حالیه امریکای جنوبی کردید

و نیز از قیام آن کلت تقسیم قطعی ممالک امریکای جنوبیه واقع شده است نیز احتمال بعضی تغییرات درباره فی فقهای جمهوریه‌ها ب ادای ایله که

سبب اختلاف اهالی جمهوریهای اسپانیولی امریکا و عدم کفایت ایشان درسیاست داخلی ، مبارزه بوده است و ترتیب اداره را دارند و بوقت

انلرک برای استقلال حتی ترده واقع شده بود از ملت اکثر اسپانیائی امریکا برده و تقسیم شد از آن جمله تقسیم به پارتی Conservateur

ویارتی لیبرال شد و نظیر پارتیهای اروپا است و از جمله تقسیم به پارتی Centraliste نیز بر اصول دولت واحد در مرکزیت

در حکومت ویارتی Federaliste مخالف پارتی اول و بر اصول تجزیه ممالک متحده ترتیباً از حدود ۱۸۶۰

بعد پارتی لیبرال شروع غلبه نموده است

کلنی پورتقال یا برزیل

و برزیل وضع حکومت ، پورتقالیها اگرچه استیلای بعد از حسن اداره لکن با کلنیهای اسپانیا تفاوت بود چونکه مملکت و رابطه تجارت و

حکم و زراعت کلنیه جمیع مستعمرات بود و نیز وضع استعمارات و استقلال آنهم که توضیح کردیم مثل آنها بود چنانکه پیش از این در وقت فرانسه ۱۸۰۶ بر

پورتقال غالب شده خانزادهٔ سلطنتی پورتقال به برزیل رفته و پایتخت آن مملکت را مقر آن ملکت خود قرار دادند و تقریباً برزیل دولت مستقل شد

مجزا از پورتقال و مرکز دولت شده بعد در تاریخ ۱۸۲۰ جبر بر جهت به پورتقال شد اهالی برزیل نخواستند ثانیاً تابع پورتقال کردند و ذون پدرو

پسر پادشاه ، اهالی برزیل همراه شده حکومت برزیل را از پورتقال جدا کرد و باسم پدرو اول امپراطور برزیل شده و تا زمانی برای برزیل ریاست اولو

اهالی برتیه منقسم بود ، پارتی نژاد یک پارتی پورتقالیهای جدید دیگر پارتی پورتقالیهای قدیم (Portugais) و پارتی پورتقالیهای قدیم از مخالفت

امپراطور که ذیه وعلاقه‌مندیها لوازم ایشان کشیده شد استعفا داده پسرش پدرو ثانی به پورتقال رفت و پدرو دوم در حال صغیری

جانشینی او کردید و این امپراطور چون کبیر شد ظاهر ترتیب پارلمانی را نگاه داشت ولی باطناً خود حکومت میکرد مدت حکمرانی او جمیع اصناف

ورفع القاب و تدریج نمود و مستعمرات تاریخ طبیعی جاری بود و ترتیج خرید و فروش سیاه‌ها را منع کرد و برزیل را از همه جهت

جمیع ترقی داد لکن صاحب منصبان نظام در باب عدم توجه نسبت بایشان داشت و اهالی ولایات بر ضد حکومت

حکام ازمالکی از وکلای شوند ، در باب مسئله پیک پارتی جمهوری طلب در برزیل کشیده شد و در یک

ترقی و در پیچ در اردو بود پارتی مدیر حکومت ترقی باب عدالت صاحب منصبان

کمک داده خانزاده امپراطوری را باروپا فرستادند و جمهوری حالیه برزیل را تشکیل

دادند ۱۸۸۹ بر سطح حسن اداره برتقالیها و مخصوصاً حسن اداره امپراطور پدرو دوم برزیل

از تمام ممالک امریکای جنوبیه پیش است

وقایع مهم اروپا در نیمه دوم قرن نوزدهم — نیمه اول قرن نوزدهم از ۱۸۱۵ ببعد تقریباً وضع بین دول اروپا
و کشمکش دول در دفعه دوم یک بار لوی طبیعی بوده است نیمه دوم قرن نوزدهم از اوایل امپراطوری ناپلئون سوم تا لکره [illegible]
بیشتر دوره جنگهای ترقی بین دول اروپا است در حقیقت بعد از ۱۸۱۵ آزادی و ترقی دول از انقلابات
داخلی و سیر آن در مقابل قدرت استبدادی خود جز در کشور شرق در مراتع دیگر دول اروپا را از خطرات [illegible]

در حقیقت منافع جدید که تطرق جدیدست مایکر بازداشته بود ولی این کار در نیمه دوم قرن نوزدهم با تمام جد و جهد دول حفظ استبداد و جلوگیری از انقلابات ممکن نشد
میسر شده بود و اکثر دول اروپا دارای کنستیتوسیون و پارلمان بودند و ... وضع حکومت ملی که [illegible] ترقی علم و صنعت
افکار عموم مردم را جمیع روش تر و سیاسی کرده و در اثر اهمیت مطبوعات رای عامه را اهمیت داده در ممالک استبدادی و غیره استبدادی و غیره ایجاد کرده بود
و از دیاد جمعیت و تهیه روابط جلوگیری از اقدامات آزادی خواهان را بسیار مشکل نموده و ... بر ترقی آنها از دیاد جمعیت بود
دول را متوجه منافع تجارتی ممالکت خود کرده حفظ دول اروپا از لحاظ هر دولتی حال صلح بجنگ مهر [illegible] جلوگیری از نشر آزادی خسته کرد لهذا در نیمه دوم
قرن نوزدهم دول اروپا و دیگر اهرام از عوامل بود چه اندازه آزادی طلبان و ملیون در بعضی از آنها تأثیر داشت بیشتر توجه خود را معروف
سیاست خارجی کرده و خواهی نخواهی حاضر شدند برای پیشرفت مقاصد سیاسی مادی خود با عناصر آزادی طلب داخل ممالکت موافقت کنند یا چندان
مخالفت صریح ننمایند

در اروپای غربی دول دارای استبدادی مطلق باقی نماند بود و فقط در فرانسه در دوره امپراطوری ناپلئون سوم آثار آن با نسبه مهمی ترقی یافته در اروپای مرکزی
جائیکه بدون کنستیتوسیون و اقتدار زیاد بود ممالک اطریش و ممالک ایطالیا با استثنای پیمن و بعضی از ممالک آلمان ایطالیا و آلمان بالطبیعه
در ضمن تشکیل دولت مرکزی از جوگر دول استبدادی تکلیف خارج شد و اطریش در ... جنگها مجبور به قبول کنستیتوسیون گردید باری در نیمه
دوم قرن نوزدهم بعد از ۱۸۷۰ غیر از روس و عثمانی دولت دیکتاتوری در اروپا باقی نماند

جنگهائی که در ابتدای دوره در اروپا واقع شده است قسمت بوده در یک مجلس در خط این است و این قسمت از قرار از جنگهای ایطالیا جنگهای روس
جنگهای عثمانی و در تمام این جنگها باستثنای یک جنگ بین روس و اطریش و جنگ عثمانی ... که در این جنگها است در یکی از آنها دست فرانسه در کار
ناپلئون سوم دخیل بوده ... ما در این مقاله نمیخواهیم بگوئیم دول باعث جنگها فرانسه و ایطالیا و روس و روس بودند و نکته یک دولت که همیشه در جنگهای راجع بعثمانی
دخالت کرده و آن دولت انگلیس است در هر صورت چنانکه گفتیم وقایع مهم سیاسی اروپا را باید بدو باب بر در کار در منافع خود برگذار نموده دارای
مراحله دو کرد و وضع داخل و خارجی دولت فرانسه و ایطالیا و روس در رابطه این جنگها تغییر کلی حاصل نمایند

فرانسه در زمان امپراطوری دوم — امپراطوری ناپلئون سوم را دولت امپراطوری دوم Second Empire
مینامند در این مدت در فرانسه در رشته تغییر وضع مهمی نداشت که تغییرات راجع به ترقیات صنعتی و تجارتی شدید در تغییر
تدریجی وضع حکومت یعنی انتقال آن از اصول استبدادی شدید بحکومت آزادی و پارلمانی و نظر باین تغییر فرانسه این دوره را دو قسمت میکنند یک
قسمت امپراطوری استبدادی Empire autoritaire دوم امپراطوری آزادی Emp. libéral
ناپلئون سوم برای اینکه اهالی فرانسه و همچنین دول اروپا با امپراطوری او مخالفت نکنند رسماً اظهار صلح جوئی کرده بود و گفته بود روش دولت
امپراطوری من طرفدار صلح خواهد بود (L'Empire c'est la paix) اما اسم ناپلئون و یادآوری
افتخارات جنگهای ناپلئون اول و مقتضیات سیاسی وقت مانع از پیروی این سیاست بود و بعد از چندی ناپلئون سوم احساس کرد در رأی عامه در فرانسه
ممکن نیست دوست با اقتدار او موافق باشد و برای اینکه نظرها را متوجه امور خارجی نماید مجبوراً رأی عامه از مخالفت با قدرت او منصرف شود
در نتیجه سیاست جنگ جوئی را اختیار کرد اما این روش او که سیاسی موقتی در نظر گرفته بود نتیجه داد زیرا که در اثر جنگها و خرج جنگ و لزوم
استمداد دولت از ملت عدم رضایت شد و بر اثر طبیعی آن زمان برای حفظ قدرت استبدادی اضافه کرده و ناپلئون مجبور شد
تدریجاً کنستیتوسیون دولت را بآزادی نزدیک کند و بالاخره نتیجه ترتیب حکومت پارلمانی کامل بر قرار شد لیکن در دوره انقلاب ۱۸۷۰ کارها
در فرانسه که در اینجا بودند ناپلئون را از امپراطوری خلع نموده جمهوری برقرار کردند و چون این عهد را میتوان از وقایع مربوطه
جنگ فرانسه و پروس محسوب داشت میتوانیم بگوئیم از ابتدای امپراطوری ناپلئون سوم تا لغو سلطنت در فرانسه تدریجاً امروز با در دو انقلاب است

فوق العاده تقویت شده است

دولت پیمون — ویکتور امانوئل پادشاه پیمون در گذشته از اینکه کنت کاوور رئیس وزرای پیمون را با وجود اعتراضات دولت اطریش نگاه داشت [...]
رشته‌های ترقی را بر پا نمود و برای اینکه بتواند بهتر به تنظیم مشغول باشد تمام کارهای دیگر را بعهده وزرای خود گذاشته بود [...]
او فقط با امور نظامی بود [...] در این حال در تهیهٔ بزرگ [...] که قشون پیمون ترقی نمود و اهمیت خاصی پیدا کرد دیگر اینکه
ترتیب پارلمانی و مسئولیت وزرا خوب پیشرفت میکرد و وزرا هم توانسته‌اند به تصحیح مالیه و تدابیر سیاسی در سیاست خارجی بپردازند کنت
کاوور رئیس وزرای پیمون برحسب عقیده [...] از آزادی خواهان با انگلستان راه رابطه را مفتوح کرد و در فرانسه با حکومت پارلمانی خیلی مراوده نمود
و در ضمن احساسات ایتالیائی به شدت طرفدار یگانگی دولت واحد برای ایتالیا گردید [...] به ریاست وزرا رسانید [...]
و یکی از بزرگترین وزرای [...] شمرده میشد کاوور منظور واحدی در نظر گرفت این بود که تمام ایتالیا را ملحق به پیمون کرده و یک
دولت واحد ایتالیا را تشکیل دهد و برای انجام این مقصود وسیله در نظر گرفت اول ازدیاد قدرت پیمون به توسط اصلاحات داخلی و ترقی صنعت
و تجارت مملکت را تقویت نماید و در پیشرفت این مقصود خیلی کار کرد راه آهنها [...] و قرارداد تجارتی با خارجه [...] اسباب
رواج تجارت ابریشم پیمون شد. در این حین قصد آزادی خواهان ایتالیا طرف دولت پیمون برای اینکه چند دفعه ایتالیائیها به اتفاق کاوور که
[...] انقلابات ۱۸۴۸ [...] شکست خورده بودند ترتیب آنکه در بین دولت پیمون و یک دولت خارجی مقتدر
زیرا خوب دانسته بود عدم پیشرفت ایتالیائیها در دورهٔ قبل به واسطه تفرقه بین خود ایشان و تنها بودن قوای ایتالیا در مقابل
اطریش [...] دولت مقتدری [...] ممکن بود با پیمون در صدد با اطریش همراهی کند دولت فرانسه بود و با نتیجه کاوور به وسایل مختلفه
در صدد طرح دوستی با ناپلئون سوم [...] اردو با دولت پیمون بود

وضع پروس بعد از کنستیتوسیون ۱۸۵۰ — فردریک گیوم چهارم چنانکه پیشتر دیدیم به تشکیل دولت مرکزی آلمان در صدد [...] ریاست
آن با پروس باشد مایل بود و اقدامات او در تحت باب کنستیتوسیون پروس برای نتیجه هیچ کار نبود اما این پادشاه از ابتدای عمر
مختصر اثر اختلال دماغ داشت در عاقبت بکلی مجنون گردید و با نتیجه بعد از کنستیتوسیون ۱۸۵۰ از وجود او اثری بروز نشد

از ۱۸۵۸ که مملکت [...] فردریک گیوم [...] سلطنت کند و برادر او گیوم در [...] به نیابت سلطنت پرداخت در ۱۸۶۱ بواسطه فوت
فردریک گیوم چهارم پادشاه گردید گیوم اول [...] رئیس [...] در ظرف [...] نظام در
قشون بود و از این جهت [...] در عهد نامه [...] پروس [...] شدت طرفدار یگانگی دولت [...] آلمان [...] قوی نمودن قشون پروس را باید است
چنانکه در ۱۸۴۹ [...] گذشته بود [...] که آن حکومت کند [...] را قطع بکند [...] از ابتدای وقتی گیوم اول
اختیار امور مملکت را بدست گرفت در صدد اصلاح قشون برآمد برحسب ترتیب تمام اهالی پروس مجبور به خدمت نظامی بودند ولی این ترتیب درست اجرا نمیشد مدت
خدمت نظامی سه سال بود و بواسطه کمی [...] نصاب قشون حاضر در تحت اسلحه [...] هزار نفر باشد [...] دولت پروس در حال صلح بیش
از ۱۲۵ هزار و در حال جنگ بیشتر از ۲۱۵ هزار قشون [...] گیوم میخواست [...] مدت خدمت نظامی را [...] کند [...] در حال
جنگ به ۴۵۰ هزار نفر برسد مجلس [...] با اصلاحات نظامی گیوم [...] خرج آن مخالفت کرد کار به [...] رسید که گیوم [...] استعفا بدهد [...]
در این وقت [...] به نظر او آمد [...] پرنس دو بیسمارک Bismarck وزیر مختار پروس در فرانسه [...] پیش برد و بیسمارک
به ریاست وزرا معین کرد و این کار در سنه ۱۸۶۲ واقع گردید بیسمارک از اشراف پروس [...] بود [...]
بود و در امور سیاسی جز به نفع و [...] مادی معتقد نبود [...] مسائل [...] را در امور سیاسی بیهوده میدانست اگرچه در ربع
[...] انقلابات [...] جمهوری طلبان [...] شدت [...] مرکزی [...]
طرفداری داشت ولی بیشتر از گیوم وسیله [...] جنگ و خونریزی را باید است چنانکه گفته است [...]
بیسمارک برخلاف رأی مجلس شروع [...] اقدام به اجرای اصلاحات [...] گیوم برای قشون [...] چنانکه [...] گیوم گفته بود چهار
سال پروس با اداره حال [...] صدمات [...] برای جنگ [...]
منظور [...] خود لازم میدانست فراهم آورد و این اقدامات [...] دولت پیمون [...] تمام ایتالیا را [...]
ژرمن و [...] پیشرفت [...] کمک شد

(جنگهای اروپا در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم)

جنگ کریمه — نیکلا امپراطور روس همیشه در صدد تصرف اراضی عثمانی بود و مکرر در صدد تجزیه عثمانی برآمد و با انگلیس مکاشفه کرده
با او شرکت نماید اما چون انگلیس ها عداوت تمام داشتند متهم شده به نهایه عثمانی را متفرق نمود و این بهانه را پیش کشید که بین عیسوی های ارتدکس
بیت المقدس با غیر ارتدکس ها بیشتر اما سلطان عبدالمجید در مقام حفظ استقلال خود و بیرون آمدن از تحت نفوذ روس بود حق را کاتولیک عیسوی های
غیر ارتدکس داد و الکساندر نیکلا به خشم آمده سفیر فوق العاده موسوم به ~~منچیکوف~~ Menchikoff به باب عالی فرستاد و از سلطان در
خواست کرد حق حمایت از امپراطور روس بر تمام رعایای ارتدکس عثمانی بشناسد و چون سلطان فوری قبول نکرد منچیکوف خواست تهدید به
کشتی اولتیماتوم شد و منچیکوف Menchikoff قطع روابط کرده به روسیه برگشت

انگلیس پیشرفت روس را در بالکان مخالف منافع خود دیده نیز خواست ترس آنکه مبادا منافع خود را در ممالک عثمانی مخلوط بدهد با ناپلئون سوم از انگلیس
در ترقی امپراطوری او با او ضدیت کرده بود و تشخیص داده لهذا انگلیس و فرانسه برای جلوگیری از اقدامات روس متحد شدند و چون قشون روسی داخل
ولایت ملداوی و والاشی شد با عثمانی عقد اتحاد بسته و کشتی های فرانسوی و انگلیسی به حمایت قشون عثمانی در حوالی داردانل لنگر انداختند و در وقت
عثمانی ها در قلعه سیلیستری و در حدود نود و پنج هزار انگلیسی و فرانسوی و واسطه تهدید اتریش در قشون خود از خاک عثمانی تخلیه کرده
متفق همراه شدند با تهدید شدید اطریش روس ها را مجبور به بازگشت نمود و در والاشی دانوب جنگ زودی ختم شد زیرا روس ها
از خاک عثمانی خارج شده بودند و متحدین در اطراف ولایت در صدد برای تهیه آذوقه دو متحد انسته از ایشان انتقال کند اما حال خصومت با تجربه
و از اقدام فرانسه و انگلیس تماماً حاضر شده روس ها در شبه جزیره کریمه و در کنار دریا قلعه محکم Sebastopol را بنا کرده بودند
و آن قلعه نظامی برای قطعه شبه جزیره لازم بود لهذا متحدین قرار دادند قلعه سباستپل را خراب کنند در صورتیکه قشون کنار
دانوب گذشته از صدمات جنگ از مرض و قحطی صدمه دیده بود آن قشون را با لوازم جنگ و آذوقه و لوازم محاصره فوق العاده
از راه دریا به شبه جزیره کریمه بردند (سپتامبر ١٨٥٤ ترتیب) و در نزدیکی Eupatoria ٢١ هزار انگلیسی و ٣٠ هزار فرانسوی و
شش هزار قشون عثمانی پیاده کردند و بعد از یک جنگ مهم در کنار رود آلما با قشون روس فیروز شده از ایشان عبور کردند به سباستپل
رسیده و آن قلعه را محاصره کردند (گرفتن تمام آن قلعه ممکن نبود) محاصره قلعه ده ماه طول کشید و یکی از سخت ترین محاصره

و جنگهای زمان بود زیرا محاصره کنندگان گذشته از محاصره قلعه در وضع سختی و دارای مهمات بسیار ناقص بودند با قشون روس هم در برابر کلدش
العقده به میدان جنگ کنند و برای زمستان و کمال رسیدن آذوقه و ارضی و موانع بسیار دیگر نیز در کار بود در فرض این محاصره که در وزیر
پیشین همیشه تصمیم پیدا کردن موقع را برای حمله از بالا یک بار دیدن ... فرانسه و انگلیس و عثمانی که به نه هزار قشون به کریمه فرستاد
قشون متحدین با قشون روس خارج قلعه سه جنگ بزرگ کردند و تماماً فیروز شدند الا آنکه از هر جهت ایشان را کرده نتوانستند به واسطه لوازم فوق العاده
محاصره و خراب کردن تدریج سباستپل پرداختند اما یکی از صاحب منصبان روس موسوم به Colonel Totleben در بنا
مهمی برای دفاع قشون به طریق ... دیده و آنها اختراع کرد و روس ها با سرعت حیرت انگیزی استحکامات قلعه را خودشان تعمیر و برپا
می ساختند با اینهمه بعد از ده ماه محاصره محاصره کنندگان رابطه گرفتن مجموع استحکامات Malakoff که برجی سباستپل بود
شدند و روس ها قسمت را از مهمات و بنای قلعه آتش زدند و شبانه سباستپل را تخلیه کردند در این جنگ انگلیسی ها شهرت را نکرده داده
و قشون پیمونت هم که یکی از بیش از این اقدام کرده نشان دادند در مقابل همگی جنگ کند فرانسه و انگلیس تمام قشون خود را به ١٥٠
هزار نفر رسانیده بودند و شبانه تا یک هزار خندق برای رسیدن قلعه کندند و شصت هزار توپ به کار انداختند
در مدت محاصره نیکلا از غصه و بیماری وفات کرد و الکساندر دوم به جای او نشست و خلاصه الکساندر دوم ... جنگ سباستپل حاضر برای صلح شد و کنگره از
نمایندگان فرانسه و انگلیس و روس و عثمانی و اطریش و پیمونت و پروس در پاریس منعقد کرده و عهد نامه معروف پاریس را در ١٨٥٦ در ضمن
جنگهای روس و عثمانی و برای ابدی نمایندگان ولایت ملداوی و والاشی و تحت حمایت روس قرار داده شده بود و عهد نامه پاریس ملداوی و والاشی
و سربستان دارای استقلال داخلی شدند و تحت حمایت ~~دول~~ عثمانی تحت دول اروپا و دولت عثمانی را از روس که به تعهدی گرفته
~~دریای سیاه~~ حرکت کشتی جنگی را در دریای سیاه برای تمام دول حتی روس و عثمانی ممنوع نمود و این در دولت روسیه که ... در
دریای سیاه داشتند قرارخانه دربانی این دریا ممنوع گردید دول اروپا خود خاک عثمانی را تمامی ضمانت کرده یعنی در صورتیکه کسی
به خاک و استقلال عثمانی تعرض کند راجع به عموم دول اروپا خواهد بود
از سه ماه بعد در تحت حمایت ... استقلال رومانی دیگر مقدمات جنگ فرانسه و اطریش برای خارج کردن اطریش از ایطالیا

این مسئله ... Malakoff ... ١٢ ...

استقلال رومانی که بی‌شک شد در معاهده پاریس قرار دادند ایالات مولداوی و والاشی هر کدام یک حاکم برای خود انتخاب کنند و مطلقاً آن‌ها
حاکم را نتوانند منصوب کنند با یکی باشند و دولت مولداوی و والاشی باید از یکدیگر مجزی باشند اما ناپلئون سوم که نظر در ظاهر
رأی عمومی مشیران سلطنت‌ها در فرانسه نگاه داشته بود با استقلال همراهی [illegible] موجب [illegible] از همین رو خود در امور
سابقه ایطالیا کرده بود طرفدار اصول ملیت (Principe de Nationalité) بود و در زمان امپراطوری [illegible]
طرفداری [illegible] از [illegible] ناپلئون سوم [illegible] مولداوی و والاشی
مساعدت کرده [illegible] دولت [illegible] حکومت انتخاب کنند [illegible] استقلال [illegible]
[illegible] حکومت [illegible] و دولت [illegible] ۱۸۶۵ در ۱۸۶۶ [illegible]
[illegible] حکومت [illegible] ناپلئون [illegible]
انتخاب کردند [illegible] دولت [illegible] عثمانی [illegible]

اما مسئله [illegible] ایطالیا این بود [illegible] در جنگ [illegible]
[illegible] ناپلئون [illegible]
[illegible] فرانسه [illegible] ایطالیا [illegible]
[illegible] دولت اطریش [illegible] قرار داد [illegible]
ایطالیا شد

جنگ ایطالیا — چون ناپلئون [illegible] برای جنگ [illegible] شروع [illegible] دولت اطریش را [illegible]
[illegible] دولت اطریش [illegible] ۱۸۵۹ [illegible]
[illegible] دولت [illegible] ناپلئون [illegible]
[illegible] ناپلئون [illegible] از جبال آلپ عبور کرده [illegible]

ایطالیا شده [illegible] ایطالیا از جبال آلپ تا دریای آدریاتیک [illegible] جنگ [illegible] فرانسه [illegible]
و اطریش [illegible] جنگ [illegible] فرانسه [illegible] جنگ [illegible]
[illegible] اطریش [illegible] Magenta [illegible] جنگ Solferino [illegible]
جنگ [illegible] ناپلئون [illegible]
فرانسه [illegible] اطریش را از ایطالیا خارج کند [illegible]
[illegible] روس [illegible] جنگ ایطالیا [illegible] ایطالیا [illegible]
[illegible] فرانسه [illegible] ناپلئون [illegible] امپراطور [illegible] فرانسه [illegible]
[illegible] Villafranca [illegible]
دولت اطریش [illegible] ناپلئون [illegible] اطریش [illegible] ایطالیا
[illegible] اطریش [illegible]

نتایج جنگ ایطالیا — [illegible] جنگهای ایطالیا [illegible]
ایطالیا [illegible] اطریش و روس

[illegible] اطریش [illegible] فرانسه [illegible]
[illegible] Villafranca [illegible]
[illegible] روس [illegible]
[illegible] اطریش [illegible] ۱۸۴۸ [illegible] اطریش در ایطالیا [illegible] اطریش [illegible]
فرانسه [illegible] جنگ [illegible] اطریش [illegible]
[illegible] اطریش [illegible]

برای فرانسه امروزه بعد از صلح زوریک در ایطالیا پیش آمد یعنی الحاق پارهای کوچک و قسمتی از متعلقات پاپ به پیمونت بهانه شده ناپلئون سیم
در مقابل همراهیهائی به پیمونت کرده بود عوض بخواهد ساووا و نیس را بعد از گرفتن رأی عمومی از اهالی آن دو ولایت ضمیمه فرانسه نمود
در ایطالیا نتایج جنگ ایطالیا و همراهیهای ناپلئون سیم با ترتیب پیمونت منتهی بانضمام تمام ایطالیا به پیمونت گردید باستثنای ونیز و رم و توابع آن
و احوال این وقایع آنکه بعد از ختم جنگ ایطالیا اهالی دوکنشینهای پارم و مدن و دوکهای خود را بیرون کرده بعد از جنگ در صورتی که در
قراردادهای صلح زوریک برجعت والیان و دوکها به مقر حکومت ایشان رأی داده شده بود اهالی آن دو دوکنشین با ولایت Romagne
متحد گشته با کاوور رئیس وزرای پیمونت پیوستند در نتیجه رأی اهالی بانضمام خود به پیمونت آن دو را ضمیمه کرد

یکی از رؤسای وطن خواهان ایطالیا در ختم در تسریع اتحاد بسیار کار کرده بود و در جنگ ایطالیا هم ... کاریبالدی
Garibaldi سیسیل و ناپل را از تصرف ... بیرون کرده ... تمام متعلقات پاپ
و توابع آن تصرف کند با این ترتیب ... فرانسوی ... ونیز
بود ... کاریبالدی ... قشون ... از هزار نفر ... اطلاع
سیسیل حرکت کرده در سال ... و آن ... متصرف که ...
مملکت ... ولایت ... قشون ... ولایات ... زیرا قشون
ساحلی فرانسه ... شهر و توابع آن ... قشون مانع از ...
برای ... قشون ... قشون پیمونت و ...
شده ... کاریبالدی ... ولایات ... عنوان ... جمهوری طلبی بود
لزوم ... ولایات پاپ ... (شهر ...) ... اول
را تصرف ... کاریبالدی ... کاریبالدی ...
سلطنت ... کاریبالدی ...

نمی آمد و بکنه (?) ... ولایات پاپ فرانسه ... ممالک ... رسید ... فرمان ... جنگ ... کاریبالدی
و قشون اورا ... قشون ... قرار ... در شهر Gaeta محصور شده ... تسلیم
... مجبور به تسلیم شد ۱۸۶۱ ... مملکت های ... ونیز و شهر رم جائی از ایطالیا خارج از ... پیمونت
... اهالی ... ولایات ... رأی داده بودند ... رأی گرفتند
ممالک جدیده بموجب رأی عمومی ضمیمه ... (در ضمن این وقایع ... ضمیمه شده بود) و اهالی ولایات جدیده
انضمام ... ... کاوور ... مملکت ... پیمونت را ... و بعد از ...
ایطالیا ... ولایات ... پادشاه ایطالیا شد ... ایطالیا

جنگ دوشها یا جنگ دانمارک — ... پادشاه پروس ...
... Schleswig-Holstein ... پروس ...
... جنگ ... پروس ...
... پروس ...
... پروس ...
... آلمان ...
بین آلمان و دانمارک ... Lauenburg - و Holstein و Schleswig
Lauenburg - ... آلمان ... پادشاه دانمارک ... شلزویک ...
از آلمانی ... ۱۸۶۴ ... دانمارک ...
... کلیتیان ... دانمارک ... دولت
... دانمارک ... پروس ...

واین دو دولت به سهولت با دانمارک طرف شدند اطریش قبول کرد که قشون در تحت جنگ سه دوشی را تصرف نمایند و از دانمارک گرفتند

تمام شبه جزیره را گرفتند و دانمارک مجبور به مصالحه صلح و ترک تصرف هر سه دوشی شد موافق ترتیب بایستی دوشی‌ها

مطابق رای مجلس ترتیب حکومت سه دوشی معین شود اما بیسمارک برای آنکه این امر مطابق میل پروس بشود این موضوع را کشمکش با اطریش پیدا کرد دولت

اطریش تکلیف کرد که تصرف سه دوشی را با پروس تقسیم نماید قبول نمود و قرار بر این شد که Lauenbourg به پروس واگذار

شود در عوض مبلغی پول نقد به دولت اطریش داده شود و دو دوشی دیگر در تحت نظارت این دو دولت اداره شود پروس شلسویک

را اداره کند و اطریش هلشتین را

جنگ پروس و اطریش — مسئله دوشی‌ها موضوعی را برای آن به آن ترتیب جنگ بین پروس و اطریش گردید بیسمارک دولت

به وجه کمال خوبی قشون پروس اطلاع داشت و قبول این دولت و قشون دولت اطریش هیچ یک با بیسمارک مساعد نمیدید

پروس را به سهولت با اطریش طرف کند و اسم قبیح متجاوز بودن به دولت ایطالیا گفته و فقط و نیز را که داشت بنا را این

دولت ایطالیا به سهولت ممکن بود با پروس همراه شود و توقع داشت آنهم برای ایام بیسمارک بسیار خوب بود فرانسه نیز بیسمارک

گفته است اگر در این وقت ایطالیا و فرانسه باتی از این حق کند وزیر بزرگ نبی بیسمارک دکا دور را بعد از هر زمان که دلگیر

دکا دور بعد از کشمکش زیادی ناپلیون سوم با پروس عقد اتحادی ممکن با ناپلیون کشمکش را به اتمام کرد ۱۸۶۶

بیسمارک این در زیر آن اتحاد با ایطالیا فرصت خالی که در نقشه طرز اداره دوشی‌ها ترتیبی کرد که در مخالف سه دوشی اطریش

باشد بلاد به رای مجلس و ترتیب تغییر وضع هیئت اتحادیه آلمان را طرح کرد (امثله تکلیفی سابقه نمود چنانچه فردریک گیوم چهارم

هم قبلا بعد از انفصال پارلمان فرانکفورت این عنوان را کرده بود) دولت اطریش در تقابل مجلس دیت را دادار کرد

تحکیم هیئت اتحادیه با پروس رای داده و کمی آنکه این رای در مجلس دیت داده شد قشون پروس به اراضی فورا به مصاحبت ممالک اطریش

آلمان با اطریش همراهی داشته حرکت نمود قشون ایطالیا هم از طرف ونیز حمله نمود

قشون پروس به سرعت پیش رفتند و بر همه جا غالب شدند به اسباب حیرت تمام اهل اروپا گردید در عرض چند روز از یک طرف قشون پروس

ممالک سایر دولتهای آلمان را که با اطریش متحد بودند به تصرف در آورد و از طرف دیگر دو قسمت مهم قشون پروس در ترکیب از راه‌ها به بوهمیا در تحت

فرمان شاهزاده فردریک شارل و دیگری در تحت فرمان شاهزاده فردریک (ولیعهد پروس) نزدیک بهم حمله برده هر کدام فتح

در تیم فهم کردند که در اوایل بعد متصرف شدند و در محل سادوا با قشون اطریش که در تحت فرمان سردار معروف به Benedek

بود فتح بزرگی کردند نظیر جنگ بزرگ ناپلیون اول که قشون اطریش را مقهور کرد در این جنگ قشون پروس در حدود ۲۸۰ هزار نفر

و قشون اطریش تقریبا ۲۰۰ هزار نفر بود و از اطریشیها ۳۱ هزار نفر مجروح و مقتول شد و ۱۳ هزار نفر اسیر و ۱۸۷ عراده توپ بزرگ

افتاد و پروسیها بعد از این جنگ به طرف وین تا Nikolsbourg که در ۵۰ کیلومتری وین بود پیش رفتند

در ایطالیا قشون ایطالیا ۱۲۰ هزار نفر و قشون اطریش ۸۰ هزار نفر بود در تحت فرمان ارشیدوک آلبر با اینکه اطریشیها فاتح و

ایطالیا به دلایل معدوم شدند و قشون بحری ایطالیا هم در یک جنگ دریائی شکست خوردند ولی شکست اطریش از پروس طوری بود که در ایطالیا هم فتوحات

حاصل از آن اثری نکرد

در Nikolsbourg قرارداد صلح مقدماتی را داد و صلح بین اطریش و پروس در اوت ۱۸۶۶ عهد صلح در پراگ بسته شد به موجب این سه ماه

اطریش از هیئت اتحادیه آلمان خارج شد و هانور شلزویک و هلشتین و هسه و ایالت Hesse Electoral

و فرانکفورت که صحیح متعلق به پروس و ونیز متعلق با ایطالیا گردید و دولت اطریش قبول کرد هر گونه هیئت اتحادیه جدیدی که پروس در آلمان تشکیل دهد

به رسمیت بشناسد

با این ترتیب ایطالیا مالک ونیز شد و پروس دارای ولایاتی گردید که تمام خاک او را از روس شرقی تا کنار رود رن به یکدیگر متصل نمود و تصرفی را

در مجلس پروس از ... بعد هم بعد در نظر گرفته شد انجام گرفت با تقاضای کشمکش دولت و اهالی آلمان در تحت ریاست پروس ببدل صلح

پراگ دولت پروس تمام ممالک آلمان شمالی را که در شمال رود مین واقع بود در تحت یک هیئت اتحادیه برای ریاست پروس در آورد

برای هیئت اتحادیه مذکور قانون اساسی مرسوم به Reichstag رایشتاغ که مرکب از نمایندگان تمام ممالک آلمان شمالی هیئت اتحادیه

دارای قشون و لشکری مقرر قشون پروس در تحت فرمان پادشاه پروس و همچنین بودجه کل برای مصارف قشون نیز به مرکز اتحادیه کشتیرانی

کرده و در الطاف او باعث رنجش بینی پادشاه روس و مملکتی ز اتریش دو دولتی شرکت داشت تا در داکونار کرده از این بابت فعلاً که
دولت آلمان جنوبی یعنی باویر و ورتامبرغ و باد خارج بود حتی بعد از صلح پراگ بیسمارک با ناپلئون سوم
باطناً در مذاکرات بود تا به اندازه‌ای وعده داده بود که امید داد که [illegible] تا در جنگی [illegible] فرانسه خواهد بود ناپلئون سوم در این مذاکرات
قبول کرده بود با دولت روس در تملک بلژیک و سرحدات جنوبی آلمان نسبت به آن دولت مساعدت کند [illegible] حالت [illegible] از این صورت فراهم آمده
تقویت باز [illegible] در تصرف [illegible] بلژیک [illegible] بیسمارک باطناً این مذاکره را کتبی [illegible] شده [illegible] ناپلئون
با وجود ضدیتی و بیوسی [illegible] از شدت تغییر نیافت ناپلئون سوم بالاخره آلمان [illegible] عقد [illegible] و تمهید شده [illegible] از
پنهانی آن [illegible] بینی [illegible] نکند [illegible] حاصل نشده [illegible] دولت [illegible] کاملاً
دفتر با اهمیت [illegible] خدمت ایشان [illegible] ناپلئون [illegible] برای دخول در [illegible]
آلمان [illegible] بیسمارک [illegible] با فرانسه [illegible] از روی [illegible]

در نتیجه بود جنگ ۱۸۷۰ را مشیر گردید

جنگ فرانسه و پروس — فرانسویها زودتر [illegible] در تهیه از [illegible] ترای [illegible] و اتباع [illegible] در مقابل [illegible]
با طرفین بعد از فرصت از جنگ [illegible] در مقابل جنگ با فرانسه بود فرانسویها [illegible] جنگ [illegible] و در ضد [illegible]
ترای [illegible] بود [illegible] جنگ پیدا شده بود ناپلئون سوم و وزرای او و [illegible] اصلاح [illegible]
[illegible] و [illegible] در حوزه اقدام کند [illegible] ایشان مخالفت کرد [illegible] فرانسه [illegible] در صدد
[illegible] روس [illegible] آلمان [illegible] ناپلئون و دربار فرانسه [illegible] این وضع [illegible] و [illegible]
حال صلح را [illegible] بیسمارک [illegible] باشد [illegible] جنگ بین فرانسه و آلمان [illegible] بعد از جنگ
اطریش [illegible] سلطنت اسپانیا را [illegible] در [illegible] فرانسه [illegible] در [illegible]
واقع شده [illegible] را خلع کرده بودند [illegible] شاهزاده [illegible] انتخاب کند بیسمارک باطناً

اسباب فراهم آورد و یکی از شاهزادگان خانواده Hohenzollern خود کاندیدای ایشان داد [illegible]
فرانسویها به این اتفاق [illegible] شدت [illegible] خود در مقابل آلمانها شده [illegible] اوضاع زمان [illegible]
شدن فرانسه [illegible] مطرب [illegible] در فرانسه [illegible] تمام مردم [illegible] صلح [illegible] به فرانسه جنگ
کرده [illegible] ناپلئون سوم [illegible] در دفع [illegible] کوشش کرد [illegible] دولت فرانسه شاهزاده [illegible]
داد [illegible] اسپانیا [illegible] را رد کند ولی وزیر [illegible] فرانسه [illegible] خاطر فرانسویها از [illegible] قول [illegible]
[illegible] هوهنزولرن [illegible] نکند [illegible]
فرانسه [illegible] در [illegible] بنابر [illegible] نکند [illegible] در [illegible] بیسمارک در
مجلس [illegible] امید [illegible] فرانسه [illegible] جنگ [illegible] بیسمارک [illegible]
Wilhelm [illegible] ترح [illegible] فرانسه به بیسمارک رسید بیسمارک
[illegible] خیلی [illegible] بیسمارک [illegible] از Wilhelm [illegible]
جنگ [illegible] Wilhelm [illegible] هیچ وقت [illegible] بیسمارک [illegible]
را [illegible] و عبارت اول و آخر را باقی گذاشت [illegible] این عبارت [illegible]
(سفیر فرانسه از اعلیحضرت پادشاه اجازه خواسته است [illegible] اعلیحضرت [illegible] شاهزاده
خانواده هوهنزولرن [illegible] سلطنت اسپانیا [illegible] این [illegible] کند [illegible] اعلیحضرت [illegible]
را [illegible] خدمت [illegible] دارد [illegible])
فوراً این عبارت را بیسمارک داد [illegible] آلمان [illegible] و به فرانسه [illegible] آلمان و فرانسه [illegible] این خبر
اسباب هیجان مردم شد زیرا [illegible] سفیر فرانسه را نسبت به پادشاه [illegible] و فرانسویها [illegible]
سفیر [illegible] در فرانسه [illegible] مردم [illegible] مردم [illegible]

ازوزیر جنگ درباب وضع قشون سؤال کرد داو اطمینان داد که در مدت هیچ کم و کسری [illegible] ۵ هزار
قشون حاضر خواهد کرد دولت فرانسه اعلان جنگ به پروس کرد
دولت پروس قشون خود و تمام ممالک آلمان را فورا حرکت داد و در تحت فرمان [illegible] و فرمان [illegible] Moltke
عده قشون آلمانی [illegible] سرداران مشهور [illegible] Moltke [illegible] سردار جنگ [illegible] تجاوز از پانصد
هزار نفر شده بود و فرانسه برخلاف [illegible] در [illegible] جنگ [illegible] پانصد هزار [illegible] آلمان حاضر کند قشون
آلمان به سه دسته قشون فرانسه [illegible] هر دسته [illegible] قشون فرانسه که [illegible] (۳۰۰) هزار نفری در تحت
فرمان Bazaine در دسته دیگر در تحت فرمان Mac-Mahon بود و ناپلئون سوم
در این وقت گذشته از پیری [illegible] مزاجی [illegible] فرمان قشون را در دست [illegible] و با تمام
جمیع [illegible] شکست خورد و آلمانها [illegible]
از ولایات را گرفته [illegible] وارد شدند و Bazaine [illegible] متعاقب
نشینی شد [illegible] ناپلئون [illegible] قشون آلمانی در تحت فرمان
خود Moltke او را در حوالی Metz [illegible] Mac-Mahon
کمک رسانیدن ناپلئون شد [illegible] فرانسه که [illegible] Mac-Mahon
[illegible] Sedan [illegible] جنگ [illegible]
۱۸۰ هزار آلمانی و ۱۲۵ هزار فرانسوی در گرفت [illegible] شدند [illegible] جنگ
Bazaine [illegible] در Metz محصور شد و قشون آلمانی او را محاصره
کرده [illegible] قشون Mac-Mahon [illegible] ناپلئون سوم [illegible] سدان
شکست [illegible] و ناپلئون تسلیم شد [illegible] جنگ سدان [illegible]

چون خبر [illegible] سدان به پاریس رسید جمعیتی از مردم [illegible] (Corps législatif) [illegible] ناپلئون
[illegible] Gambetta [illegible] از میان
[illegible] Gouvernement de
la défense nationale [illegible] حکومت دفاع ملی [illegible] بیسمارک
شرایط [illegible] برای صلح [illegible] فرانسه [illegible] به تمدید جنگ [illegible] و آلمانها [illegible] پاریس
[illegible] حکومت دفاع ملی [illegible] پاریس [illegible]
[illegible] پاریس [illegible] جنگ فرانسه و آلمان [illegible] چهار ماه طول کشید و فرانسه [illegible]
[illegible] Versailles [illegible]
[illegible] قشون آلمان در ولایات [illegible] پاریس [illegible]
[illegible] شهر [illegible] رسانید [illegible] قشون [illegible]
[illegible] Bordeaux [illegible] فرانسه
[illegible] با [illegible] شهر
Bismarck [illegible] قشون آلمانی [illegible] از ۱۰۰ هزار نفر [illegible] Bismarck [illegible] پاریس
[illegible] حکومت دفاع ملی [illegible]
[illegible] صلح [illegible] فرانکفورت [illegible] ناپلئون سوم [illegible] در ۱۸۷۵
[illegible] صلح فرانکفورت در ۱۸۷۱ واقع شد بموجب عهدنامه فرانکفورت [illegible] تمام ایالت الزاس [illegible]
[illegible] شهر [illegible] ده هزار کرور فرانک [illegible]
[illegible] از قشون آلمان [illegible] فرانسه [illegible]

اما فرانسویها بر خلاف ترتیب اکثر ملل [illegible] زودتر از موعد را پرداختند چنانکه برای قسط اول دولت [illegible] قرض خواست ملت فرانسه پنج میلیارد حاضر کرده

نتایج جنگ فرانسه و آلمان — جنگ فرانسه و پروس تکمیل وحدت دولت ایطالیا و همچنین تکمیل وحدت آلمان را اعلام نمود در ایطالیا وحدت شد زیرا که در ۱۸۷۰ به واسطه ناپلئون سوم که از شکست اول مجبور شد قشون فرانسه را از رم بخواهد و دولت ایطالیا در تصرف رم بلا مانع شد (بعد از تصرف رم دولت ایطالیا عمارت واتیکان را با سالی چند میلیون مستمری و [illegible] حقوق سلطنتی و حق فرستادن سفیر به ممالک خارجه برای پاپ معین کرد ولی پاپ [illegible] از بابت تصرف رم [illegible] و واتیکان را [illegible] دیگر چیزی را از دولت قبول نکرد و در عمارت واتیکان منزوی شد قطع رابطه با دولت ایطالیا نمود) و ایطالیا [illegible] رم را پایتخت قرار داد اما تکمیل وحدت آلمان در ۱۸۷۱ در [illegible] اول [illegible] در ورسای [illegible] از [illegible] عمارت [illegible] امپراطوری آلمان [illegible] آلمان جنوبی [illegible] آلمان [illegible] تمام آلمان [illegible] آلمان [illegible] آلمان دارای [illegible] شد

در فرانسه نتیجه یکی این جنگ [illegible] امپراطوری ناپلئون سوم [illegible] امپراطوری [illegible] جمهوری [illegible] فرانسه [illegible] دوره حکومت دفاع ملی [illegible] و انقلاب [illegible] بعد از ختم جنگ حکومت دفاع ملی [illegible] عموم ملت فرانسه برای [illegible] جمهوری حکومت [illegible] فرانکفورت [illegible] پاریس [illegible] جمهوری [illegible] و کامبتا [illegible] جمهوری [illegible] پاریس [illegible] فرانسه [illegible] کامبتا [illegible] جمهوری [illegible] جمهوری ثالث است [illegible] ۱۸۷۵ [illegible]

جنگ با عثمانی و کنگره برلن

[illegible] عهدنامه پاریس [illegible] ناپلئون سوم [illegible] ۱۸۶۲ [illegible] عثمانی و [illegible] قشون عثمانی [illegible] عثمانی [illegible] ۱۸۶۷ [illegible] دولت روس [illegible] پاریس [illegible] عثمانی [illegible] بالکان [illegible] جنگ عثمانی [illegible] ۱۸۷۴ [illegible] بالکان [illegible] عثمانی [illegible] ۱۸۷۵ [illegible] بالکان [illegible] ۱۸۷۷ جنگ [illegible] Plevna پلونا [illegible] عثمانی [illegible] پلونا [illegible] San Stefano [illegible] قسطنطنیه [illegible] عثمانی [illegible] بلغارستان [illegible] عثمانی [illegible] دولت روس [illegible]

مداخلهٔ اجتماعی اروپا بهم در مسائل بالکان [illegible] شد که منجر شد [illegible] عهدنامه سن استفانو به تصویب دول اروپا رسید و تحریکات [illegible]
انگلیس شد اکثر مواقع قوی دولت انگلیس بود و دولت اطریش هم [illegible] از تصرف مقدونیه در عثمانی محروم بود خیلی دلگیر بود لهذا
چون در موقع فرانسه در صدمات جنگ ۱۸۷۰ مبتلا بود [illegible] اقدام نزدیک نمود دولت انگلیس با اطریش متفق شده
دولت آلمان را هم همراه کرده دولت روس را مجبور نمودند که [illegible] برای جنگ جدیدی [illegible] تمکین نمود و کنگره [illegible]
برلین در تحت ریاست بیزمارک کنگره تشکیل [illegible] عهدنامه سن استفانو را بهم زد مقدونیه را به عثمانی رد کرده و برای روملی شرقی
استقلال داخلی قائل شده بلغارستان را دولتی تابع عثمانی قرار دادند و پادشاه آن با انتخاب اهالی آن مملکت باشد و لیکن [illegible] و هرزگوین
را بدون آنکه از حمایت عثمانی خارج کند در تحت اداره اطریش قرار داد و استقلال رومانی و سربستان و قره طاغ را کاملا مستقل شناخته
و سربستان و رومانی هر کدام اراضی و شهرهای جدید از خاک عثمانی دادند (در نتیجه سربستان دارای [illegible] ممالک [illegible]
[illegible] شد) و در عوض اضافات رومانی بسارابی را به روس داد ۱۸۷۸

بنابر این بعد از معاهده برلین حال ممالک بالکان ترتیبی که در معاهده ذکر شد بود [illegible] بعد از کنگره برلن هم بعضی تغییرات واقع شد از قبیل
الحاق بلغارستان و روملی شرقی بیکدیگر در ۱۸۸۵ و استقلال داخلی جزیره کریت بعد از کشمکشهای بین یونان و عثمانی و عثمانی
و دول اروپا بر سر این جزیره [illegible] از نتایج این کشمکش جنگ عثمانی و یونان بود که عثمانیها در آن جنگ فتح کردند [illegible]
تا نتیجه آن [illegible] ولی دول اروپا نگذاشتند نتیجه مهمی از این جنگ برای عثمانی حاصل شود بعد از کنگره برلن مسئله شرق
[illegible] بالکان [illegible] دول بزرگ اروپا [illegible] دول بالکان در مسئله عثمانی [illegible]
[illegible] جنگ اخیر عثمانی و دول بالکان [illegible] و همچنین جنگ دول بالکان با یکدیگر و در موقع [illegible] کشمکشهای [illegible]
بین دول اروپا [illegible] دولت روس و اطریش و آلمان و فرانسه و انگلیس [illegible] اخیر [illegible] برای
بالکان [illegible] داخل [illegible] بالکان کردند

[illegible] جنگ [illegible] عثمانی [illegible] سلطان عبدالعزیز [illegible] سلطان عبدالحمید [illegible]

شکی نبود در تحت ریاست مدحت پاشا اسباب انقلابی فراهم کرده سلطان عبدالعزیز را از سلطنت خلع کرده بعد از چندی [illegible]
[illegible] سلطان مراد پنجم را به سلطنت برداشتند ولی چون این سلطان مرد ابله بود بعد از سه ماه او را
هم بعد از سه ماه خلع نموده سلطنت را به سلطان عبدالحمید ثانی دادند و مدحت پاشا صدراعظم شد و قانون اساسی برای
عثمانی ترتیب داده پارلمانی منعقد کردند ولی چون نمایندگان آن پارلمان [illegible] این اقدام [illegible] اروپا [illegible]
[illegible] با صلح [illegible] عثمانی [illegible]
عثمانی شده [illegible] دول اروپا [illegible] با صلح [illegible]
دیگر [illegible] سلطان عبدالحمید [illegible]

تغییرات داخلی انگلیس

در ضمن وقایع اروپا در [illegible] در انگلیس [illegible] تغییراتی [illegible] از اول [illegible] انگلیس [illegible]
[illegible] ایرلندیها و انگلیسها [illegible] تاثیر انقلابات اروپا در آن مملکت برده [illegible] آن از اول [illegible]
اجتماعی و اصلاح امور [illegible] و اصلاح ترتیب حکومت ایرلند [illegible]

مدت [illegible] تا حدود سنه ۱۸۳۰ در انگلیس غالبا کابینه Conservateur روی کار بوده [illegible]
[illegible] مردم و میتینگها Meeting اقدام با اصلاح جدی نشد [illegible] پادشاه انگلیس ژرژ سوم [illegible]
[illegible] ژرژ چهارم [illegible] در ۱۸۳۰ سلطنت به برادر ژرژ گیوم چهارم رسید و در ۱۸۳۷ ملکه ویکتوریا رسید و چون
[illegible] سلطنت آن [illegible] سلطنت [illegible] انگلیس از [illegible] سلطنت ملکه ویکتوریا [illegible]
[illegible] (از ۱۸۳۷ الی ۱۹۰۲) [illegible] تمام اصلاحات [illegible] انگلیس [illegible] در زمان سلطنت این ملکه
واقع شد اصلاحات انگلیس [illegible] ترتیب [illegible] از [illegible] کاتولیک [illegible] از اول [illegible]
[illegible] ۱۸۲۹ [illegible] اصلاح ترتیب انتخابات [illegible] اصلاح در ۱۸۳۲ و ۱۸۶۷ و ۱۸۸۴ [illegible]

۱۸۸۵ (۳) قبول ترتیب انتخابات از ۱۸۴۷ تا ۱۸۶۰ [illegible] اصلاح حکومت ایرلند در تمام مدت [illegible] مورد
مطرح بوده و تا حال نتیجه مهمی از آن گرفته نشده است

اصلاح انتخابات — اصلاح انتخابات هیچ اهمیت دارد زیرا ترتیب انتخابی را در انگلیس کاملاً عوض نموده است. انگلیس در مائه
هیجدهم و اوایل [illegible] دارای حکومت مشروطه پارلمانی شده بود ولی ترتیب انتخابات در آن مملکت کاملاً ارستوکراتی بود
و مشروطیت انگلیس مبنی بر سلطنت [illegible] زیرا انتخاب [illegible] اشرافی [illegible] و املاک با شراف تعلق داشت [illegible]
همین حال باقی است و عموم مردم در انتخاب نمایندگان [illegible] نداشتند. عیب ترتیب انتخابات انگلیس فقط [illegible] آن [illegible]
در طرز تقسیم نمایندگان [illegible] و طرز رأی دادن [illegible] بود. نمایندگان مجلس Commons [illegible]
و قصبات انگلیس بود (این [illegible] Chambre des Communes گویند) [illegible] نمایندگان
[illegible] ترتیب [illegible] Commons [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] Gladstone [illegible] اصلاح [illegible]
انگلیس [illegible]
[illegible] ترتیب [illegible] انگلیس [illegible]
[illegible] ترتیب [illegible]
مسئله ایرلاند — [illegible] در تاریخ [illegible] انگلیس [illegible] اهمیت دارد ایرلندیها از ابتدای انضمام این جزیره
با انگلیس [illegible] ایرلندیها [illegible]

[illegible] انقلاب انگلیس [illegible]
[illegible] ایرلندیها [illegible]
[illegible] تمام ایرلند را [illegible] حکومت [illegible]
[illegible] انگلیس [illegible] املاک [illegible] اشراف انگلیسی [illegible] ایرلند [illegible]
[illegible] انگلیس [illegible]
[illegible] املاک [illegible] انگلیس [illegible]
[illegible] این [illegible] ایرلندیها [illegible]
انگلیس از طرف [illegible] دولت انگلیس [illegible] ایرلندیها [illegible]
[illegible] اصلاحات [illegible] ایرلندیها [illegible]
شد ولی [illegible] اصلاحات [illegible] ایرلندیها [illegible]
[illegible] ایرلندیها [illegible] O'Connell
[illegible] Parnell [illegible] ایرلندیها
[illegible] حکومت [illegible] برای ایرلند [illegible] Home rule [illegible] H. R.
[illegible] املاک ایرلند را به ایرلندیها [illegible]
۱۸۹۴ ولی در ۱۹۰۳ [illegible] املاک را [illegible] ایرلندیها [illegible] و قبول کرده

~~آزادی دهاقین~~

آزادی دهاقین در روسیه

در روسیه چنانکه میدانیم دولت در کمال شدت قدرت استبدادی خود را تا این وقت حفظ کرده و از شدت رفتار دولت آزادی طلبانه نیز جلوگیری نموده
بلکه هنوز هم جلوگیری میکند بعد از یک انقلاب آزادی طلبانه در روسیه پیدا شد و جلوگیری دولت آزادی طلب را بیشتر ضعیف شده با وجود این
دولت را وادار کرده [illegible] آزادی طلبان شدید [illegible] در میان عامه [illegible] هر کدام انتظام [illegible] اجتماعیه پیدا شده و این [illegible] را
[illegible] که [illegible] (و مکتب [illegible] دولت برای نظم [illegible] اجتماعیه) میباشد [illegible] Nihiliste و [illegible]
[illegible] از [illegible] ممالک دیگر اروپا شدید و چون دولت [illegible] هر کدام [illegible] را [illegible] اجتماعات [illegible] ها و [illegible]
[illegible] خود [illegible] کشتن [illegible] در [illegible] دولت [illegible] و [illegible] Terrorisme
را [illegible] ایطالیا و اسپانیا هم [illegible] اختیار کرده اند [illegible] نیهیلیستها [illegible] روسیه را تلف کرده [illegible]
[illegible] بلکه [illegible] از آزادی [illegible] نیهیلیستها [illegible] نیهیلیستها [illegible] دولت
میان مردم [illegible] شده [illegible] در [illegible] است [illegible] بهتر [illegible] با معتقدات جدیده
مملکت روسیه [illegible] حکومت و ترتیب اجتماعی مملکت [illegible] از ممالک دیگر اروپا عقب بود (در اواسط [illegible]) [illegible] طرز
حکومت ترتیب Bureaucratie [illegible] مطلق امپراطور و اجزای دولت بوده و ترتیب اجتماعی [illegible] ترتیب [illegible] و [illegible]
[illegible] از [illegible] از آن [illegible] مملکت [illegible] املاک مملکت متعلق [illegible] امپراطور و [illegible] متعلق با شراف [illegible] و رعایای آن
املاک [illegible] املاک امپراطور [illegible] اشراف [illegible] میشدند و [illegible] دهاقین [illegible] از رعایا مملوک [illegible] مملوک
اشراف [illegible] در [illegible] و یا [illegible] برای [illegible] کنند و یا [illegible] خدمت کنند این حال [illegible] رعایا [illegible]
[illegible] از [illegible] بود در موقع [illegible] روی [illegible] این [illegible] که شدند و چون [illegible]
[illegible] امپراطور [illegible] از وضع روسیه [illegible] مخالف معتقدات [illegible]
[illegible] دهاقین [illegible] امپراطور [illegible] آزادی [illegible] اصلاح [illegible] آزادی رعایا بود

[illegible] و [illegible] برای آزادی دهاقین [illegible]
[illegible] املاک روسیه [illegible] که دهاقین از [illegible] و در زمین و ملک [illegible]
[illegible] و اگر دولت [illegible] ایشان [illegible] از [illegible] الکساندر رفع این اشکال را [illegible] نموده
[illegible] رعایا را از مالک [illegible] و [illegible] دهاقین [illegible] ملک [illegible] داده [illegible]
[illegible] دهاقین [illegible] تقسیم کند [illegible] از آن املاک را برای [illegible] از دهاقین [illegible]
[illegible] اشراف و مالکین [illegible] دهاقین [illegible] ایشان املاک را [illegible]
[illegible] املاک [illegible] رعایا از اشراف [illegible] از ترتیب [illegible]
[illegible] امروز در ترتیب املاک روسیه [illegible] است

الکساندر دوم گذشته از آزادی رعایا اصلاحات دیگر هم در وضع روسیه کرده [illegible] از همه اصلاح [illegible] عدلیه [illegible]
[illegible] فرانسه [illegible] ترتیب [illegible] داده بود در ۱۸۸۱ [illegible] که [illegible] نیهیلیستها [illegible]
[illegible] برای او [illegible] و او را تلف کردند و [illegible] الکساندر سوم [illegible] از [illegible]
[illegible] ترتیبات [illegible] را در جلوگیری از آزادی طلبان [illegible] نیهیلیستها و [illegible]
[illegible] دولت [illegible] مشکل [illegible] عدلیه [illegible]

ممالک متحدهٔ امریکای شمالی بعد از الغاء غلامها

[illegible] امریکا [illegible]
ترک [illegible] قانون [illegible] قرار [illegible] فرانسه [illegible]
ترک [illegible] و [illegible] امریکا [illegible]
[illegible] ممالک [illegible]

انگلیسها اول دفعه ترک این کار را کردند و ~~حتی~~ اشیان نفی در خاک انگلیس غلامها را از او گرفتند و در ۱۸۴۸ فرانسه‌ها هم پیروی
انگلیسها را کردند و از آن ببعد بتدریج دولتها و امریکا خرید و فروش دکان هرا و غلامها ترک شد و فقط در ممالک اسپانیول این رسم باقی ماند
(با وجود همه کوششهای دولت انگلیس هنوز خرید و فروش غلامان در حوالی افریقا بطور قاچاق باقی است)
اما مسئله آزادی غلامان در اتازونی چندان کار آسانی نبود زیرا در ممالک جنوبی اتازونی زراعت مخصوصاً زراعت پنبه توتون و شکر قند بدون
سیاهان که در عرف جنوب و صرفه مالکین در آن ممالک اقتضا نمیکرد در زراعت خودشان امریکا را از این آزاد کنند لهذا ممالک جنوبی اتازونی طرفدار
برده فروشی بودند در صورتیکه ممالک شمالی چون از کار سیاهان چندان حرفه برای خود لیاقتی نمیدیدند طرفدار ترک آن بودند تا مسئله در موارد الحاق ممالک
جدیده و داخل کردن آنها بدولت ... ریاست ... ممالک امریکای شمالی رجب ... شده بود در موقع تأسیس هر مملکت جدید
نمایندگان ممالک جنوبی در کنگره مخالفت میکردند که ممالک جدیده حق خرید و فروش غلامان داده شود ... ممالک شمالی مخالفت میکردند
شده موضوع کشمکش شدیدی شد تا در ۱۸۶۰ که نماینده ممالک شمالی یعنی طرفداران ترک برده فروشی مردم Abraham Lincoln
بریاست جمهوری اتازونی انتخاب شد و ممالک جنوبی اتازونی ... مقدمه آزادی غلامان را آماده میدیدند لهذا دولتی علیحده در جنوب
داده تجزیه خود را از ممالک شمالی اعلان کردند و یک کنفدراسیون ... تشکیل دادند و Richmond را پایتخت خود کردند
لنکلن و ممالک شمالی اتازونی تصمیم گرفتند جنوبیها را با قوه بزور داخل اتحاد کنند از این رو جنگ کشید و این جنگ معروف
به جنگ تجزیه است Guerre de Sécession چهار سال طول کشید از ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ و در صورتیکه هیچکدام
از دو طرف در ابتدای کار قشون کافی نداشتند ... در همین حرب ... سواره ... نظام در ... از
بزرگترین جنگهای قرن نوزدهم شد قشون تمام اتازونی در اواخر به هزار نفر و در مدت این جنگ فقط ممالک شمالی ۲۷۶۰۰۰۰
نفر قشون بجنگ در آورده و در سال آخر ۱۰۰۰۰۰۰ و ۹۰۰ هزار سرباز در جنگ داشتند و دو هزار جنگ مختصر و ۱۱۲ جنگ بزرگ کرده
عاقبت شمالیها یک به یک تمام جنوبیها را گرفته پیش رفتند تا به پایتخت ایشان رسیدند و ~~شهر ...~~ سردار قشون ایالات
متحده ... Grant سردار شمالیها ... جنوبیها را به داخل ریاست اتازونی مجبور کرد و ...

عدم کفایت صنایع و تدارکات جنوبیها در این جنگ برای ممالک شمالی تلف ۳۰۰ هزار نفر و ۱۵ میلیارد فرانک برده است و خسارت جنوبیها
در دست نیست Sudistes را و جنوبیها را Nordistes و Fédéraux یا شمالیها نامیدند در موقع این جنگ
شکست خوردند ... از این جنگ خرابیها پیش هم ... که در این موقع اتازونی از اقیانوس اطلس تا اقیانوس کبیر امتداد داشت و مکزیک تا اقیانوس
کبیر لطمه یافته بود ... بر سید ... یهودان ... از فرانسه و فرانسه‌ها از اسپانیا و کالیفرنی از مکزیک و ... حالات و بهادر ... اروپائی برای
سکن ... و آباد کردن اراضی غیر مسکونه واقع بین ممالک اصلی اتازونی (واقع بین رودخانه میسیسیپی و اقیانوس کبیر) از این اراضی بقسمتی جمعیت
آن بعدها از مهاجرین سیل آسا سرازیر شد که یک مملکت جدید و از ... ریاست اتازونی ... دو ... اتازونی ... در اوایل آن اروپائی
بودند و از حیث ... اراضی ... از ممالک اروپا را داشت از ... از ... جمعیت و ثروت و تمام تشکیلات ... هیچ ترقی که او ... جنگ
بین ممالک شمالی و جنوبی ... بعضی ... شهری ... آن ... دارد ... در ... این جنگ ... اتازونی ... ای ... خود را
به انگلیس ... از ... جمعیت اروپائی ... نوزدهم ... عموم مردم اروپا را ... ثروت ... که دانید و
کشف معادن جدید طلا در کالیفرنیا ... گرفتن ... از اروپا به اتازونی ... جمعیت آن ممالک ... استعداد و ...
فوق العاده اهالی برای ... صدمات جنگ سابق الذکر ... کرده اتازونی را از همه جهة ترقی دادند در زمان Saint-
Alliance اروپا ... ممالک آمریکای ... اروپا ... ممالک امریکا ... را ...
Monroe ... در آن ممالک ... اتازونی ... رئیس جمهوری اتازونی ...
اعلان ... امریکا را ... امریکائیها واگذاشت ... اروپا ... امریکا مال امریکائیها است Amérique
aux Américains ... ... امریکائیها شد و حقیقتاً قدرت و
اتازونی ... اروپا ... در ۱۸۹۸ اتازونی برای ...
شعار ... از ... جنگ ... اسپانیا ... ولی چون ... کرده ...
... امریکا ... قدرت ... کوبا ... کرده و ...

سوسیته Porto Rico را تصرف آورده جزایر فیلیپین را هم از اسپانیا گرفته و در سایه این کار [illegible] کوبا را [illegible] آزادی داد جزایر
صاحب کشتی و صاحب نفوذ در سیاست دنیا خواهد بود. و این حال آرزوی را [illegible] Imperialisme آرزوی گویند

(تمدن اروپا در قرن نوزدهم)

قرن نوزدهم بزرگترین دوره‌ای است که تاریخ تمدن دیده شده است زیرا در این قرن چیزی از تمدن نیست که تغییرات و تجدیدات مهمی در آن نکرده باشد [illegible] بسیاری چیزها است که در [illegible] ظاهر [illegible] تا اواخر قرن هیجدهم اثری از آنها نبود. تغییرات و تجدیدات قرن نوزدهم [illegible] اوضاع سیاسی و اجتماعی و علوم و صنایع و تمام اموری است که در مفهوم لفظ تمدن داخل است. تغییرات اوضاع سیاسی را شرح دادیم [illegible] و احوال آن از [illegible] آزادی [illegible] و [illegible] انتظام ادارات [illegible] تغییرات و تجدیدات اوضاع اجتماعی [illegible] نتیجه تغییر اوضاع سیاسی و بیشتر نتیجه ترقی علوم و صنایع بوده است و به همین جهت [illegible] علوم و صنایع خواهیم [illegible] اوضاع سیاسی [illegible] علوم و صنایع را نتیجه آن [illegible] از امور [illegible] است و اتفاق غریب این است که در قرن نوزدهم [illegible] ادبیات و صنایع [illegible] و رونق آن [illegible] علم [illegible] رونق فوق العاده [illegible] است گذشته از اتفاق [illegible] از علت [illegible] تمام این تمدن را نتیجه آن [illegible] از انقلاب کبیر فرانسه و وقایع مهم [illegible] نتیجه [illegible] دانست [illegible]

یکی از خصوصیات [illegible] آخر قرن نوزدهم و تمام قرن نوزدهم تغییر [illegible] است [illegible] چیزها [illegible] بین طرفداران ترتیب قدیم و جدید در اوضاع سیاسی [illegible] بین [illegible] طرفداران [illegible] در اوضاع اجتماعی [illegible] طرفداران اوضاع اجتماعی قدیم [illegible] حفظ [illegible] قدیم [illegible] در ادبیات و صنایع [illegible] کلاسیک Romantique [illegible] حکمت [illegible] را [illegible] علم [illegible] فرق علم [illegible] طبیعی [illegible] ماوراء الطبیعه [illegible] حکمت را نتیجه علوم ریاضی و طبیعی و تابع آن علوم قرار دادند [illegible] رمانتیسم — [illegible] ادبیات فرانسه [illegible] از حیث فصاحت و اهمیت آن در قرن نوزدهم از جهت [illegible] مطالب جدید [illegible] ادبیات فرانسه [illegible] اکثر [illegible] واقع [illegible] قرن نوزدهم [illegible]

[illegible] در آلمان [illegible] رسید [illegible] ادبیات فرانسه نظم و نثر آلمانی را [illegible] آن زبان خارج کرده و از حیث معنی و لفظ [illegible] از جهت [illegible] رجوع [illegible] قدیم [illegible] خود [illegible] جدید در نظم و نثر خود داخل کند [illegible] عقیده [illegible] انگلیس [illegible] کرد [illegible] همان طریقه [illegible] زبان [illegible] و [illegible] ادبیات در آلمان و انگلیس [illegible] در اواسط قرن نوزدهم [illegible] از [illegible] فرانسه [illegible] الفنید شد و این طریقه روز به روز قوت گرفته طریقه جدید ادبی [illegible] با طریقه قدیم [illegible] کلاسیک [illegible] اول آنکه [illegible] کلاسیک [illegible] زیاده از اندازه [illegible] به استعمال لغات فصیحه [illegible] فصاحت [illegible] شدند و حوزه الفاظ و طرز بیان [illegible] و دایره خیال [illegible] لغات و قانون [illegible] (classique) [illegible] دوم آنکه کلاسیکها [illegible] موضوع حکایات خود [illegible] قدیم را [illegible] طبقه ادبای جدید موضوع حکایات خود را از میان [illegible] و تمام [illegible] و طنی [illegible] موضوع [illegible] آن عصر [illegible] Romantisme [illegible] شدند [illegible] طبیعت [illegible] کلاسیکها [illegible] وصف امور طبیعی کمتر [illegible] وصف [illegible] طبیعی کمتر [illegible] حالات طبیعی [illegible] رمانتیسم [illegible] نظم و نثر خود وصف مناظر طبیعی [illegible] چیز [illegible] حالات طبیعی [illegible] رمانتیسم [illegible] طبیعی [illegible] رمانتیسم [illegible] [illegible] در نظم و نثر [illegible] در نظم [illegible] ۱۸۵۰ رئالیسم Réalisme یا ناتورالیسم Naturalisme — [illegible] قرن نوزدهم [illegible] رمانتیک [illegible] طبیعی [illegible] رمانتیک [illegible] [illegible] وصف [illegible] واقعیت [illegible] کند و این ترتیب را [illegible] واقع (Réalité) گفته [illegible]

موسوم به Naturalisme Réalisme (طبیعی یا [illegible]) شده

صنایع مستظرفه — اختلافات مکاتب و مرادات [illegible] که در ادبیات بروز شده به صنایع مستظرفه هم سرایت کرد ولی معلوم است که طریقه رمانتیسم در صنایع مستظرفه دیرتر مانده است اختلاف یک طریقه در نقاشی (ازدلیت پیروی رمانتیسم و کلاسیک) و معماری ظاهر است اما در موسیقی کمتر ظاهر شده است زیرا این فن [illegible] بوده و بروز آن اختلاف منحصر است که در قرن نوزدهم صنایع مستظرفه در فرانسه بیشتر از سایر ممالک (باستثنای موسیقی) رونق داشته است و رونق نقاشی بیش از حجاری و معماری بوده است در ابتدای قرن نوزده امپراطوری ناپلیون سبک کلاسیک بیشتر غلبه و رونق داشت و استاد بزرگ این فن David نقاش مخصوص ناپلیون بوده و موضوع پرده‌های آن عموماً امور تاریخی است ولی در آن زمان [illegible] سبک رمانتیک بجای آن شروع شد در همین زمان بزرگترین استاد Ingres و در طرح پرده نقاشی [illegible] مهارت داشته است در نیمه دوم قرن نوزدهم انواع مختلفه نقاشی معمول شد و در اندازه یک از بزرگترین اساتید Corot از نقاشان [illegible] در آلمان هم طبقه نقاشی بزرگ معتبر آمد در رأس ایشان Cornelius و Overbeck می‌باشد در انگلیس نقاشهای معتبر زیاد بوده که کارهای آنها دنباله موسوم به Tableau de genre می‌باشد

معماری قرن نوزدهم سبکهای خیلی مختلف بوده است اما همه تقلید صرف از قدما می‌باشد در زمان ناپلیون و مدتی از [illegible] سبک کلاسیک خیلی رواج داشته است در فرانسه تقلید رومیها و در آلمان تقلید یونانیها را مینمودند و از اواسط قرن نوزدهم معماری رمانتیک پیدا شده سبک ابنیه قرون وسطی را اختیار کردند ولی بناهای خراب قدیم را تغییر کرده [illegible] بیشتر هنری در معماری نموده شد که همین تعمیر ابنیه قدیمه است و این [illegible] فن Restauration مینامند بزرگترین ارباب معماری [illegible] در قرن نوزدهم بیش از تمام اعصار ابنیه جدیده ساخته شده است بسبکهای مختلف و بطرز معماری سبکهای قدیم چندان ترقی نداده و تفاوت آن بیشتر در مصالح و لوازم کار [illegible] در بنا است در قرن نوزدهم شعبه از صنایع مستظرفه دارای همه بیشتر اهمیت داره موسیقی است و اهمیت این فن [illegible] رسیده است که قرن نوزدهم را عصر موسیقی گفته‌اند و عظمای

رونق موسیقی در آلمان و ایطالیا بوده است زیرا این دو مملکت دارای آن طبقه برای موسیقی مستعد می‌باشند در اطریش هم به تبع دو مملکت آلمان و ایطالیا موسیقی ترقی کرد و جامع سبک ایطالیائی و آلمانی بوده است علت اهمیت فوق‌العاده موسیقی در اروپا اینست که هنرمندان بزرگ این فن [illegible] لوازم و اسبابهای جدید ساختند و [illegible] ترکیبی از شعر و آواز بیشتر افزوده شده است [illegible] موسیقی [illegible] باشند و اساتید آلمانی آهنگها با اشعار از انواع مختلف ساختند که از بعضی قطعات [illegible] آهنگهای (اوپرا [illegible] و غیرها) می‌باشد در ایطالیا آهنگها را همراه با تأتر میسازند و در نوع معتبر [illegible] Opéra میگفتند از اساتید موسیقی و فنون ایشان نمیتوانیم [illegible] کنیم زیرا اهل ما از موسیقی [illegible] اطلاع خیلی کم است فقط باید تذکر شود که ترقی موسیقی از ابتدای قرن ۱۸ بوده است چنانکه Mozart مشهورترین اساتید اطریش [illegible] مشهور است و در قرن نوزدهم بزرگترین اساتید موسیقی در اول است و دنیائی مشهور است Beethoven آلمانی میباشد و [illegible] اساتید [illegible] موسوم به Wagner و تغییراتی در سبک موسیقی ایطالیائی [illegible] داده است [illegible] و آهنگ موسیقی [illegible] در فرانسه اساتید ایطالیائی [illegible] طرف توجه [illegible] در اواخر در تمام ممالک اروپا موسیقی جزو عادات خیلی معمولی شده و خیلی اهمیت پیدا کرد

ادبیات — ذکر شده که [illegible] سبک رمانتیسم در آلمان و انگلیس [illegible] است [illegible] از قید تقلید فرانسه [illegible] در آلمان بزرگترین شعرای [illegible] و [illegible] شعرای آخر قرن ۱۸ و ابتدای قرن نوزدهم بوده‌اند از تقلید فرانسه خارج شده [illegible] Lessing و Goethe و شیلر Schiller طریقه [illegible] اختیار کرده [illegible] ولی بزرگترین شعرای آلمان در تمام ادوار [illegible] از ابتدای تاریخ ادبیات آلمان گوته و شیلر بوده است [illegible] بزرگترین رجال با استعداد دنیا بوده است زیرا که گذشته از فنون ادبی [illegible] تحقیقات [illegible] و [illegible] انواع مختلفه را [illegible]

شعرای بعد اول شان چوسر و دانت و شکسپیر شده است و لذ [illegible] تمام ترجمه لفظ [illegible] این بعد خود بزرگ و [illegible]
کارهای او با شیللی بعد است

در انگلیس شعرای رمانتیک در اواخر ماه هیجدهم این یک را [illegible] کرده Wooder و Cowper بعد از او در بین
شعرای انگلیس هم [illegible] می باشند و از شعرای اینها ای ماه نوزدهم محسوب شده یا بر سر [illegible] Bayron و [illegible] بر سرم ۲۱
Shelly که داعی [illegible] ترینه شیللی و Kalle دراکان بشه و Bayron اول شعرای انگلیس
[illegible] است و با شیللی [illegible] بر به او لفظ [illegible] صفات باتون قدری یک دو قانع از کانه او خطاط [illegible]
افزای است اگرچه بدات طبع و بلندی مقام شعر و گفته شدن او در [illegible] بعقدل زبان از اثر [illegible] و قانع از کانه
او تقدیم کرده است یک مقصد Bayron و شیخ شعر اکثر شعرای [illegible] انگلیس و آلمانی آل زمان یک [illegible] Scotte
مقارن زمان این شاعر بزرگ [illegible] بر نویس بزرگ هم در انگلیس پیدا شده است بر سرم به
و Walter و این [illegible] جزو شعرای بزرگ هم محسوب است . . . .
محسوب است و بیتر آنها ر او قصص زنده نویسی از بیه [illegible] شهر شده است از نیمات به مخترع زمان تاریخی هیچ از [illegible]
اولی مهم ماه نوزدهم می باشد در فرانسه یک رمانتیسم ماه نوزدهم بزرگ بر آن [illegible] کرده یکی
Stael ده [illegible] Chateaubriand دیگری مادام دشتال [illegible] از [illegible]
رمانتیسم [illegible] [illegible] کرد [illegible] محسوب شود [illegible] به Allemagne که
لفظ [illegible] است [illegible] و [illegible] الان را [illegible] کرده اهمیت آنها بر [illegible] میان است داب
[illegible] فضای فرانسه [illegible] ادبیات انگلیس کرده است [illegible] تو بین [illegible] از [illegible] بزرگ رمانتیسم
می باشد [illegible] به Génie de Christianisme موسوم است یک ادبیات فرانسه را
[illegible] کرده است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] لطیفه [illegible] محسوب

کرده است [illegible] مراجع فرانسه [illegible] مذهب کرده است
سبک رمانتیسم را در فرانسه [illegible] Lamartine و Victor Hugo شعرای اول
[illegible] رسانیدند لامارتین [illegible] [illegible] فرانسه [illegible] سبک رمانتیک [illegible] آن [illegible] است [illegible]
[illegible] است او [illegible] کمال [illegible] رمانتیک واقع شد اما ویکتور هوگو [illegible] در نظم اکثر فنون
نظم و نثر و طول عمر [illegible] فصحای ماه نوزدهم شد و در نیمه اول و دوم ماه نوزدهم [illegible] اولین فصحا محسوب [illegible]
رمانتیسم [illegible] داشته [illegible] برتر [illegible] کلاسیک و رمانتیک واقع شد [illegible]
کلاسیک و رمانتیک است

در نیمه اول ماه نوزدهم [illegible] ادبیات [illegible] ذوق داشته [illegible] آلمان و انگلیس و فرانسه و ایطالیا [illegible]
[illegible] دیگر [illegible] در نیمه دوم این ماه [illegible] [illegible] ممالک هم [illegible]
[illegible] ادبیات ماه نوزدهم [illegible] کرده [illegible] سبک [illegible] ماه [illegible] نباشد [illegible]
[illegible] ماه از تمام [illegible] تر شده است و انواع [illegible] در نظم و نثر [illegible] و اهم آنها چهار نوع است اول شعر
[illegible] Critique چهارم نقادی Roman سیم رمان drame دوم [illegible] (
[illegible] دیگر [illegible] داشته [illegible] است نوع تاریخی [illegible]
از اواخر ماه هیجدهم تا ۱۸۳۰ [illegible] شعر [illegible] Uhlan [illegible]
و Heine [illegible] [illegible] انگلیس [illegible] Bruns و
[illegible] Coleridge و در فرانسه لامارتین و Alfred de Musset و دیگر [illegible]
[illegible] در فرانسه و انگلیس [illegible] [illegible] دیگر [illegible] Alfred
de Vigny [illegible] [illegible] شعرای [illegible] فرانسه Coppée [illegible]

و Sully Prud'homme بوده است

در باب Drame یک تیاتر است که رمانتیک‌ها در مائهٔ نوزدهم در مقابل یک تراژدی و کمدی قدیم اختراع کردند
و ترکیبی از تراژدی و کمدی است و به بعضی نظرها از نیز بر منوع فارج است و معتبرترین دراماها در فرانسه از دیکتور هوگو است و در آلمان
از گوته و شیلر بوده است در نیمهٔ دوم مائهٔ نوزدهم یک درام تغییر کرده و موضوع آن به عنوان لفظ اختصاً به عصاری شده است
(طریقه Réalisme) ترجمان در مائهٔ نوزدهم شاید از حیث کثرت و اهمیت و در مائهٔ نوزدهم از تمام فنون ادبیه
بیشتر اهمیت داشته است [illegible] این مائه رمان را مقتدا دانسته و اکثر رمان‌نویسان این مائه [illegible]
رمان نویسنده بوده‌اند در نیمهٔ اول رمانها غالب رمانتیک و نیمهٔ دوم غالب Réalisme بوده و موضوع آن شرح Drame
[illegible] عادتی بوده است در مقابل این نوع رمان‌ها Roman de moeurs می‌گویند یک نوع دیگر هم بوده است
مرسوم به رمان تاریخی [illegible] و واضع آن والتر اسکات انگلیسی بوده است که رمان‌نویسی طرز در مائهٔ نوزدهم [illegible]
است و در بعضی از مرض هم اثر کرده و ترکیب آنها از حقه آن رمان نویسی شده است [illegible] در انگلیس و آلمان
در روسیه و آلمان و فرانسه و [illegible] رمان‌نویسان [illegible] معروف‌ترین آن [illegible] شعرا دیکنس
Gogol در انگلیس Edgar Poë در امریکا و Elliott و Dickens
و George Sand و Balzac و Freytag در آلمان و تورگنیف در روسیه Tolstoi
(ژن ها) رمان نویس [illegible] Alexandre و Zola در فرانسه مؤسس Réalisme
کرتیک Alexandre Duma fils و رمان‌نویس و Dumas Père [illegible] از [illegible]
[illegible] رمان نویس و تیاتر نویس بوده
کرتیک — قبل از مائهٔ نوزدهم نقد ادبی در ادبیات [illegible] [illegible] [illegible] اکتفا کرده
[illegible] [illegible] و در تاثیرات [illegible]

در آثار طبیعی و تمام اشیاء موضوع تحقیق قرار دادند و نتیجه آن که [illegible] طبقهٔ از حکمای [illegible] و از معروفترین
نقادها Macaulay ماکولی در انگلیس و Sainte-Beuve و Taine و Renan
در فرانسه [illegible] نقاد و حکیم و مورخ بوده است و کتاب معروف او Vie de Jésus است و [illegible] از ادبیات مذاهب
را هم [illegible] و تاریخی موضوع انتقاد قرار داده است
تاریخ را هم به جز علوم ذکر کنیم [illegible] مورخین فرانسه را [illegible] از حیث ادبی [illegible] [illegible] [illegible] اثر کرده‌اند [illegible]
مورخین Augustin Thierry و Edgar Quinet و Michelet و [illegible] از
بزرگترین نویسندگان بزرگ و صاحب تاریخ [illegible] [illegible] می‌باشد
حکمت — [illegible] [illegible] [illegible] ادبیات فرانسه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] فرانسه [illegible]
حکمت آلمانی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کانت
Kant [illegible] [illegible] [illegible] در مائهٔ نوزدهم حکمت [illegible] [illegible] اهمیت داشته [illegible] در آلمان [illegible] در انگلیس
در فرانسه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در مائهٔ نوزدهم [illegible] [illegible] [illegible] یک حکمت آلمانی
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ماوراء الطبیعه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ترقی [illegible]
اصطلاحات علوم طبیعی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حکمای انگلیس و فرانسه [illegible]
[illegible] طریقه تجربه [illegible] [illegible] [illegible] حکمت [illegible] تحقیق در احوال نفس [illegible] [illegible] حکمت [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اگرچه طریقهٔ حکمای انگلیس [illegible] [illegible]
این زمان است [illegible] [illegible] حکمای آلمان [illegible] [illegible] [illegible]
معروفترین حکمای آلمانی به ترتیب زمانی از [illegible] اول Kant و Fichte و Schelling و
Hegel و Schopenhauer [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

اعتقاد و انتقاد و حیثیت علمی بهم زده است چنانکه صاحب فنون بزرگی از ارباب نقض عالم شمرده است نظیر نقض لاواتیه. طریقه فلسفی کانت طریقه ایست معروف بانتقادی Critique و در بحث انتقاد و نتیجه طریقه او این نتایج است و معتقد به انتقاد و صفات [illegible] از او است

و Ficht و Schelling تقریباً پیرو کانت بوده و پس از او از روی تحقیق [illegible] اهمیت داده اند

Hegel در طریقه خود [illegible] بحث [illegible] (Etat) [illegible] حقیقی [illegible]

و غلبه عقل را [illegible] ترقی [illegible] این [illegible] است

Schopenhauer ترقیات و الفاظ طریقه به بنی Pessimisme نیز اول [illegible]

و [illegible] را [illegible] شمرده و [illegible] است

فلاسفه انگلیس منسوب به [illegible] شد (Ecole Ecossaise) در سر طریقه ایشان Thomas Reid

و [illegible] ایشان Stuart Mill [illegible] از اواسط مائه نوزدهم فلسفه انگلیس بیش از

همه مسالک اهمیت [illegible] Darwin [illegible] قانون Evolution (Transformisme) (تکامل

حیوانات و نباتات) را کشف کرده است و آخرین حکیم بزرگ مائه نوزدهم Spencer انگلیسی است فلسفه [illegible] مبنی بر

علوم طبیعی و قانون ارتقاء میباشد

در فرانسه گذشته از تقلید آلمانها و انگلیسیها در طریقه فلسفی مخصوص ظاهر شده است اول طریقه Eclectisme و واضع آن Cousin

[illegible] اول مائه نوزدهم است این طریقه جمع طرق [illegible] است زیرا ترکیبی است از مذاهب (طریقه های) مختلفه حکمت [illegible]

طریقه Positivisme که Auguste Comte در اواسط این مائه وضع کرده است و مبنی بر این است که [illegible]

به ماوراء الطبیعه فقط فوق فهم انسان است [illegible] فلسفه علوم طبیعی و ریاضی [illegible] طریقه Positivisme [illegible]

از بابت اینکه ظاهراً مبنی بر [illegible] علوم طبیعی و ریاضی است و البته [illegible] نفی [illegible] ماوراء الطبیعه [illegible]

ولی ابتدای ترقیات [illegible] ماوراء الطبیعه [illegible] است

سایر علوم — در مائه نوزدهم ترقی علوم بزرگی رو داده اول تکمیل علوم قدیمه و رفع خطاها از آن علوم و ارد [illegible] در اصلاح [illegible]

آن [illegible] تکمیل علومی [illegible] در قرون جدیده شروع کرده بودند [illegible] وضع علوم جدیده و نتیجه این سه طریق ترقی علوم این شده است که علما علوم و

مباحث و مطالب آنها بی اندازه زیاد شده است تا مائه نوزدهم [illegible] تمام [illegible] ترقیات علوم [illegible] [illegible]

تمام علوم کشف [illegible] در این مائه کار [illegible] است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

در [illegible] متخصصین در علوم محدوده است این ترقی فرق [illegible] شعب علوم معدوم است در مائه نوزدهم تمام شعب مختلفه ترقی داشته است جز اینکه

گذشته از تخصصات [illegible] بعضی علوم به بعضی از ملل اختصاصی پیدا شده در [illegible] اول مائه نوزدهم [illegible] در ریاضیات اختصاص [illegible] [illegible]

[illegible] در [illegible] علمی در فنون جمیع ریاضیات [illegible] ولی علوم [illegible] بزرگ در تمام علوم کار کرده اند [illegible] اول

از [illegible] ترقی علم و [illegible] های بزرگ فرانسه [illegible] انگلیس و آلمان [illegible] [illegible] [illegible] (این [illegible]

[illegible] مائه نوزدهم است هرچند بعضی ملل دیگر نیز ترقی داشته اند ولی انگلیس و آلمان و فرانسه [illegible] داشته اند)

تاریخ و فروع آن — یکی از خصایص مائه نوزدهم این است [illegible] بعضی معلومات [illegible] جزو علم شمرده نمیشده در این مائه [illegible] است

و [illegible] جزو علوم شمرده [illegible] از جمله است علم تاریخ [illegible] علم [illegible] تاریخ و اکتشافات تحقیقاتی در تاریخ قدیم

[illegible] علم بزرگی پیدا کرده و جامع علوم مختلفه و فروع متعدده است یک شعبه از تاریخ تاریخ قدیم است [illegible]

[illegible] قدیمه استخراج شود (Archéologie) و از شرح وقایع قدیمه [illegible] جزو علم شمرده [illegible] استخراج مطالب

[illegible] از [illegible] علمی [illegible] از [illegible] تاریخ [illegible] قدیمه است

و [illegible] Archéologie نتیجه کشف [illegible] دیگر کشف طریقه [illegible] خطوط قدیمه

[illegible] را در [illegible] شرق [illegible] [illegible] از فروع تاریخ [illegible] تاریخ قدیم [illegible] لغات [illegible] مختلفه است [illegible]

[illegible] وضع علم السنه Linguistique و علم [illegible] Philologie [illegible] مختلفه [illegible] است

و یک فرع دیگر [illegible] تاریخ [illegible] مربوط بمعرفة الارض [illegible] علم [illegible] تاریخ است [illegible] مائه نوزدهم [illegible]
archéologie préhistorique

گذشته از فروع عمده‌ی تاریخ قدیم ملل شرق تاریخ یونان و روم و همچنین تاریخ قرون وسطی و قرون جدیده و معاصر موضوع بحث و تحقیق واقع شده و مورخین بزرگ پیدا نموده و هر کدام در یکی از این قسمتها متخصص شده‌اند در جمع [illegible] تاریخی از قبیل کتیبه‌ها و اسناد و archives های مختلف ملل در تمام قسمتهای تاریخ ملی تاریخ معاصر مشغول هستند در فصل تاریخ و فروع آن آلمانها بیش از تمام ملل کار کرده از محققین علم تاریخ [illegible] و اما راجع به شرق در آلمان هم رونق دیگر دارد (Orientalisme) [illegible] و فرانسه‌ها هم در این خصوص کار کرده‌اند فرانسه‌ها در علم [illegible] و انگلیسها در تاریخ ممالک ملل شرق

جغرافیا — علم جغرافیا را هم آلمانها خیلی ترقی داده‌اند لیکن اگر در ابتدای این مائه خیلی تغییر کلی داده شد [illegible] کلیه جغرافیای امروزه از آلمانها است و اول عالم آلمانی که تغییر کلی و کلیه جغرافیا بر داشته Alexandre Humboldt می‌باشد و از علمای دیگر جغرافیای بزرگ مائه نوزدهم بوده است و بعد از او Karl Ritter طریقه او را تعقیب و تکمیل نموده و بعد از آن کلیه این دو نفر جغرافیا را داخل علوم حقیقی کرده‌اند جغرافیون بزرگ فرانسه هم از اواسط مائه نوزدهم پیدا شده‌اند و در حقیقت مقلدین آلمانها بوده [illegible] جغرافیا [illegible] علم معرفة الارض و [illegible] تا حال جغرافیای طبیعی کمک کرده و علم ثروت است و در جغرافیا و تاریخ هم کار می‌کنند

علوم اجتماعی — تاریخ علوم اجتماعی [illegible] بیشتر به تاریخ علم ثروت و تاریخ طریقه‌ای [illegible] می‌شود

علوم ریاضی و طبیعی و فروع آن — در تاریخ علوم و جمع تمام ترقیات علوم اجتماعی و شعب تاریخ و غیر آن بیشتر آن که مائه نوزدهم در علوم طبیعی است نظر به اینکه این علوم بیش از سایر شعب معلومات انسانی از طرف تمام علما و حکما [illegible] از حیث طریقهٔ استدلال و تحقیق مطلب و در این علوم کار برده است زیرا [illegible] طریقهٔ استدلال [illegible] محققین و علمای حالیه متفق شده طریق استدلال ریاضی و طریق استدلال مبنی بر تجربه و امتحان است که در علوم طبیعی کار برده [illegible] و اهمیت سایر علوم نسبت به درجه داخل شدن این طریقهٔ استدلال در آن علوم است یعنی هر علمی به اندازه‌ای که طریق استدلال علوم ریاضی و طبیعی را در آن داخل کند به همان اندازه صحت آن علم و تحقیق مطلب معتبر شناخته است

شعب علوم ریاضی و طبیعی هم در این مائه به اندازه‌ای تقدم یافته است که [illegible] در طبیعیات علوم جدید همه [illegible] و بعضی علوم جدید در کار وضع شده است مثل معرفت کائنات جو Météorologie در این دوره علمای بزرگ و کلیه علوم سابقه را [illegible] نموده یا وضع علوم جدید کرده‌اند بیشتر به آن در درجه اول فرانسه است و چون بخواهند علمای درجه اول را اسم ببرند اکثر از فرانسه‌ها هم بوده [illegible] و از این قبیل بیشتر Laplace و Francois Arago از ریاضیون و طبیعیون صدر مائه نوزدهم و Cuvier از علمای تاریخ طبیعی اواسط این مائه و Berthelot از بزرگترین علمای شیمی مائه نوزدهم که از آخر عمر خود [illegible] در تمام علوم را داشته است و Pasteur از علمای شیمی و تاریخ طبیعی و مشهورترین کاشفین [illegible] مائه نوزدهم است و Henri Poincaré را که بزرگترین ریاضیون معروف این مائه نوزدهم و ابتدای مائه بیستم [illegible] و خارج فرانسه در این رده علمای معتبر بسیار از جمله [illegible] Darwine انگلیسی را بیشتر اسم ببریم.

اما کارها و تحقیقات خیلی بزرگ که در علوم ریاضی و طبیعی شده است از قرار ذیل است

در فیزیک اهم اکتشافات الکتریسیته مغناطیس یعنی Electro magnetisme: در الکتریک و فیزیک که در [illegible] مائه نوزدهم کار کرده‌اند (Arago و Ampère) و کشف قانون تبدیل قوه‌های مختلفه مثل حرارت و حرکت و [illegible] به یکدیگر و مهمترین [illegible]

و در این علم اختراع Spectroscope است تجزیهٔ نور و نتیجهٔ آن (تشخیص جنس اجسام) و از حرکت
و حرکت از مهمهای بسیار است. شناختن اجسام کره‌ای که در حرکتند و حرکتهای آنها. از اخیرین اکتشافات مهمه راجع به فیزیک
کشف Radiation یعنی کشف اشعهٔ مخصوصه غیر نور یا اشعهٔ الکتریکیه و غیره که موسوم است
از قبیل اشعهٔ X و Rentgen آلمانی کشف کرده و با اسم کاشف آن نیز خوانده
میشود و اشعهٔ نورانیه از اجسام صلب با ورا عبور میکند و اشعهٔ مختلفه که از رادیوم منتشع میشود
و بعضی از آن از جنس اشعهٔ X است

اما مبحث Radiation بیشتر به فیزیک مربوط است

شیمی — شیمی در اواخر سدهٔ هجدهم ترقی کرد عالمهای بزرگی پرورید Sheel و کاوندیش انگلیسی
و Priestley و شیمی از همه به واسطهٔ تجزیهٔ آب و دلایل آن طریقهٔ سنجش وزن در
امتحانات و تحقیقات شیمیائی مرتبط Lavoisier حیثیت علمی پیدا کرده است و اکتشافات

مهم این علم در مائهٔ نوزدهم تجزیهٔ اکثر اجسام و کشف اجسام بسیطه بسیار و تجزیه و ترکیب مواد آلی نیز
حیوانی و نباتی است و علم شیمی آلی از آن نتیجه شده است و این کار خیلی اهمیت دارد زیرا تا
اواسط مائهٔ نوزدهم تصور میکردند ساختن مواد آلیه محال است و امروز تمام آن مواد را
ترکیب میتوان کرد و امّا ملتفت و حیرت‌آور است یکی از اخیرین اکتشافات مهم شیمی که خیلی در دنیا معروف شده
و تغییر اساسی در تحقیقات علمیه داده است کشف Radium است بعهد ما در بین مائه
نوزدهم و بیستم بتوسط Curie و زن او Madame Curie (

در تاریخ علمی مبحث حیوان‌شناسی Geoffroy Saint-Hilaire ثابت کرده بود
تمام حیوانات و نباتات مرکب از یک نوع مواد است و Cuvier سابق الذکر یک طبقه‌بندی جدید
حیوانات را ترتیب داد و مبنی است بر تقسیم حیوانات به حیوانات عالیه و حیوانات سافله بنا بر درجهٔ بزرگی
آنها و کمال اعضای ایشان

در یک شناسی که تحت کلمه اکتشافات مهمه وضع تشریح نباتات و وظایف الاعضای نباتی است در Géolo-
gie — کوویه Cuvier به واسطهٔ کشف طریقهٔ برای معلوم کردن احوال حیوانات قدیمه و
اثبات این نکته که حیوانات قدیمه با حیوانات حالیه مختلف بوده از طریقهٔ جدیدی برای شناختن
قدمت طبقات نسبت بهمدیگر به توسط حیوانات و نباتات متحجر Fossiles نشان داد
و بعد از او خیلی اسباب تکمیل این علم شد مخصوصاً از کشف Cuvier در علم جدید خلق کرده
تشریح مقایسه‌ای Anatomie comparée و تقسیم مربوط به حیوان‌شناسی و دیگری Palé-
ontologie — و شیئی دیگر که در حیوان‌شناسی و طبقات الارضی هر دو مربوط است کشف کوویه
یکی از معجزات علوم جدیده نظر به اینکه زیرا به عبارتیست از وسیله برای معلوم کردن تمام بدن یک حیوان
و وظایف الاعضای او به توسط یک قسمت مختصری از بدن آن حیوان مثلاً یک پاره استخوان

در طب تغییرات و اکتشافات جدید بسیار است و از همه معتبرتر خلق علم Physiologie است
و علمای بسیار در آن کار کرده‌اند و یکی از اولین ایشان از حیث زمان Claude Bernard
و وضع علم Physiologie نیز علم و یکی از معتبر مهمتران از تشریح ذره‌بینی اسم کشف و ...
در این فن کار کرده‌اند یکی از تحقیقات بسیار مهم در حیوان‌شناسی مربوط شرح و معنی شاخه‌های حیوان‌شناسی و
دیگر شناسی و زمین‌شناسی کرده است.

تحقیق Darwin در حکمت موسوم بطریقه Darwinisme و مبنی بر این است که تمام حیوانات و
نباتات را از یک اصل میدانند و Darwinisme که قانون تکامل ترجمه شده است و مبنی تمام علوم راجع
بحیوانات و نباتات و ... راجع با آن شئ ... کرده است داخل این قانون است و وضع
بدن موجودات و ... بواسطه تغییر در مقتضیات طبیعی ... زندگانی ایشان ... تغییر میکند
و آن تغییرات بواسطه ارث کم کم ... ثابت میشود و موجودات بواسطه ... و وجود از جهة
قوای جسمانی و روحانی قابل ... تغییرات ... میشوند ...
... موجودات ... در ... (قانون ارتقاء)

یک فقره از اکتشافات مهم راجع به ... طبی کشف میکربهای بعضی امراض ... و رفع آنها
از قبیل استعمال Sérum و antitoxine و کشف این میکربها و طریقه معالجه آنها است
اینها ... Pasteur شد ... و ...
و بعد از او ... Docteur Roux ... Docteur Koch ...
serum ... Diphtérie ... کشف کرده ... (Bacille de Koch)
... از ... کشف کرده است

ریاضیات هیئت — در ریاضیات ... در مائه نوزدهم ... در ابتدای مائه ... چند نفر ریاضیون
بزرگ مثل لاپلاس و Lagrange و Monge و Leverrier ... مائه ...
بواسطه ... ریاضیات و هیئت ... تعیین ...
جغرافیا ... از روی ...
در هیئت در ابتدای مائه نوزدهم ... ریاضی ... از هیئت ... ریاضیات ... بزرگ ...

فرض لاپلاس ... در باب عالم شمسی ... کشف ... مائه ... سیارات
... Leverrier فرانسوی ... منجم انگلیسی ... مائه نوزدهم ... طبیعی ...
... astronomie physique میگویند

اختراعات مبنی بر علوم سابق الذکر — از مخصوصات بزرگ علوم جدید ... مائه نوزدهم ... علوم ریاضی و طبیعی
... مائه نوزدهم ...
... اول ...
...
...
شروع کردند

ماشین بخار ... مائه هفدهم و هجدهم ... ماشین بخار ... از مائه هجدهم ...
در مائه نوزدهم ... ماشین بخار را برای حرکت کشتی و ... راه آهن ... Fulton ...
... انگلیسی ...
... ۱۸۱۵ کشتی بخار ... حرکت ...
... انگلیسی ... راه آهن ...
انگلیسی ... در مائه نوزدهم ...
... حرکت ...
... ۱۸۲۱ ...
راه آهن ... از ۱۸۳۰ ... راه آهن

کار کرده‌اند و به‌تکمیل تلگراف برقی نائل شده‌اند و برادر سیمنس Siemens [illegible] که تکمیل نمود —

اول استعمال مهم الکتریسیته در اختراع تلگراف بکار رفته است (استعمال الکترو ایمان) و این اختراع بین سنه ۱۸۳۳ و ۱۸۳۸

در فرانسه و انگلستان و آلمان توسط مخترعین مختلف شده است و تکمیل شده و بعد از آن کرده‌اند [illegible] در ترتیب الفبای تلگراف

است و ترتیبی هم در تلگراف انگلیسی‌ها حالیه معمول است ترتیب الفبای Morse مورس فرانسوی است ولی بعد از آن هم یک ترتیب دیگر ایجاد کرده‌اند

تلگراف‌های اروپا مطلب را درست بحروف معمولی می‌نویسند استعمال مهم دیگر الکتریسیته در تلفن است که بواسطه الکتریسیته اصوات را با ارتعاشات

صوت [illegible] و از آن تلفن حاصل میشود اختراع تلفن [illegible] مسبوق باختراع آلتی است که توسط Philipp Reis فیلیپ

Reis بود و اصوات بنقطه دیگر انتقال میداد و نیز [illegible] Graham Bell بواسطه تکمیل آن آلت دقیق

آن را تکمیل تلفن را اختراع نمود و تلفن مخترع او در [illegible] ۱۸۷۶ در نمایشگاهی نشان داده شد و بعدها بطرز دیگر تکمیل یافت

Edison مخترع معروف امریکائی نیز تلفن را تکمیل کرد بعد از این اختراع Edison [illegible] ارتعاشات صوت را

هم بواسطه الکتریسیته برای حبس صورت بکار برد و فنوگراف را اختراع کرد که در ۱۸۷۷ این اختراع را خود بعد از اختراع [illegible]

[illegible] Scott نموده و بواسطه ارتعاشات صورت انتقال میکرد [illegible] الکتریسیته [illegible]

[illegible] حرکت [illegible] الکتریسیته حرکت میکند علاوه براین استعمال الکتریسیته در امتحانات

[illegible] و تحقیقات [illegible] الکتریسیته [illegible] کشف [illegible] مربوط به الکتریسیته و [illegible] از آنجمله [illegible] ارتعاشات

[illegible] از الکتریسیته [illegible] الکتریسیته [illegible] در [illegible] Hertz [illegible] کشف شد [illegible] Ondes Hertziennes

[illegible] آن اختراع تلگراف بی‌سیم [illegible] X

ترکیب [illegible] و [illegible] تأثیر [illegible] اختراع عکس‌برداری است مخترعین آن فرانسوی‌ها بوده‌اند [illegible] اثر اشعات [illegible]

[illegible] واقع شده است [illegible] از [illegible] Daguerre

فرانسوی [illegible] ۱۸۳۹ اختراع خود را [illegible] Arago [illegible] است [illegible]

بسیار [illegible] است و مهمتر از همه اختراع عکس رنگین است [illegible] و [illegible] بطور کمال [illegible] و کشف شعه X یا اختراع

عکس جدید [illegible] است [illegible] ممکن ~~[illegible]~~ باطنی باشد

یکنفر [illegible] از اختراعات بزرگ [illegible] در [illegible] که [illegible] اند [illegible] اختراع [illegible] بعضی [illegible]

حرکت میکند و این [illegible] خاصیت بزرگ [illegible] که [illegible] بزرگ [illegible] حرکت [illegible] بواسطه این اختراع

[illegible] Aeroplane [illegible] است و اختراع [illegible] از اختراعات [illegible]

صنعت — [illegible] علمی و اختراعات [illegible] بواسطه اختراعات [illegible] اهمیت اختراعات [illegible] و از فروع

آن [illegible] صنایع [illegible] و [illegible] صنایع را [illegible] از [illegible] تغییر داده است [illegible]

[illegible] صنایع [illegible] و [illegible] الکتریسیته [illegible]

[illegible] از [illegible] اختراع [illegible]

اختراعات جدید [illegible] بالعموم [illegible] است بطوریکه امروز [illegible] کارخانه‌ها [illegible] عالم [illegible] شیمی [illegible] در

کارخانه‌های [illegible] احتیاجات علمی و [illegible] کارخانه‌ها و [illegible] از [illegible]

و [illegible] و [illegible] این [illegible] از [illegible] انواع صنایع [illegible] است

[illegible] بواسطه [illegible] کارخانه‌ها [illegible] سریع [illegible] شده است

زراعت – ترقیات علوم و اختراعات و از آن نتیجه شده زراعت را هم خیلی بیش از اندازه [illegible] ترقی داده و تکمیلات زراعت از سه راه است اول اختراع ماشینهای زراعتی که خیلی بهتر از آلات و ادوات قدیمه کار میکنند دویم اختراع کودهای شیمیائی و تحقیق کود (پهن) را خیلی بهتر و پر اثرتر کرده است سیم کار رفتن [illegible] که در احوال حیوانات و نباتات و حیوانات [illegible] و کشفیات استخراج مثلاً [illegible] برای [illegible] حیوانات و نباتات [illegible] بکار کردن [illegible] نمودن حیوانات [illegible] برای احتیاجات انسانی و یک نتیجه همه ترقیات زراعت ازدیاد زراعت کلی شده است و یک نتیجه دیگر کاشتن اراضی است بدون اینکه مدت زیادی آن اراضی را بیکار کنند

تجارت – ترکیب تمام این [illegible] اهمیت تجارت را از ابتدای مائه نوزدهم تا به حال چندین برابر کرده است چنانکه از ۱۸۳۵ تا ۱۸۸۰ تجارت اروپا و امریکا [illegible] ثبت بالا رفته است یعنی از [illegible] میلیارد به ۷۵ میلیارد رسیده است و بعد از آن [illegible] ترقی تجارت سریع تر باشد و مخصوصاً [illegible] آن ممالک خارج اروپا و امریکا خیلی زیاد شده است اما امور جدیده مذکوره عبارت است از ازدیاد روابط بواسطه تلگراف و راه آهن و کشتیهای بخار و راههای [illegible] (از زمان اختراع راه آهن بجای اینکه راههای [illegible] خیلی [illegible] و راههای تازه [illegible] ساخته اند) دویم ترقی صنعت و زراعت که مقدار مال التجاره را خیلی زیاد

کرده سیم ازدیاد جمعیت نه تنها جمعیت اروپا و امریکا در مائه نوزدهم هم بواسطه [illegible] عملیات بر ترقی صنعت کمک کرده و بواسطه ازدیاد مصرف ایجاب تجارت را خیلی بسط داده است و چون ازدیاد جمعیت در مائه نوزدهم یکی از خصایص عمده این مائه میباشد در اینجا تذکر میدهیم جمعیت دنیای متمدن در این مائه چندین برابر سابق شده است و علت این ازدیاد چند امر است اول ازدیاد طبیعی جمعیت اروپا دویم علمی رفاه و جلوگیری از تلف مردم بواسطه ترقی تمدن و صنعت و تجارت که سابقاً [illegible] (از قبیل امنیت و جلوگیری از قحطی و غیره و بواسطه [illegible] و جلوگیری از امراض بواسطه حفظ الصحه)

اما نتایج ازدیاد تجارت را [illegible] میتوان تقسیم کرد به نتایج اجتماعی و نتایج سیاسی – در نتایج اجتماعی [illegible] اکثر [illegible] راجعه به تجارت از قبیل [illegible] راجع به اعتبار [illegible] Crédit و کشفی [illegible] صندوق ذخیره Caisse d'Épargne و غیره آن [illegible] موضوع [illegible] است [illegible] در مائه نوزدهم موضوع خارجی [illegible] در این مائه اهمیت آن خیلی زیاد شده است [illegible] تمام این امور [illegible] علت [illegible] [illegible] متعدده و آن علت [illegible] تجارتی است [illegible] بزرگ [illegible] اجتماعیه [illegible] و یک [illegible] بزرگ [illegible] بهبودی حال کارگران است [illegible] اثر [illegible] و [illegible] آن کارگران است و آن [illegible] است [illegible] به دارائی [illegible] اشتراکی [illegible] یا اشتراکی [illegible] صنعت و تجارت و [illegible] از ابتدای مائه نوزدهم معمول شد و در اکثر ممالک [illegible] [illegible] هست ولی [illegible] عموماً بزرگ [illegible] واقع شده است و [illegible] اهمیت [illegible] نتیجه سیاسی [illegible] صنعتی تجارت [illegible] [illegible] اروپا و [illegible] دارای [illegible] عمده اروپائی [illegible] است به [illegible] مال التجاره خود را به آن [illegible] (Débouchés) و [illegible] جمعیت [illegible] اروپائیها به [illegible] خارج اروپا [illegible] است

(اکتشافات جغرافیائی)

یکی از امور که در تاریخ تمدن اروپا خیلی اهمیت دارد اکتشافات جغرافیائی مائه نوزدهم است در این مائه [illegible] و [illegible] [illegible] جغرافیائی خیلی زیاد شده و [illegible] از ازدیاد آن [illegible] ترقی مردم [illegible] است [illegible] [illegible] [illegible]

جغرافیائی بعمل آمد خیلی زیاد کرده و از طرف دیگر بواسطه معلومات و اختراعات جدیده وسایل مسافرت تحقیقات ایشان را سهل نموده با وجود
این تسهیل وسائل و تکلفات ~~اکتشافات~~ مسافرت در ممالک مجهول باز هم تعدادی زیاد کرده است در بین آن کشف تهیه
جدید در جنب آن تکلفات قابل ذکر نیست و تاریخ اکتشافات جغرافیائی امری است که از تمام امور دیگر ترقی کلفه‌تری نموده
نزول اروپائی و فداکاری علمای جدید را در راه علم نشان میدهد زیرا در هیچ کار دیگر خطرات جانی باین اندازه نبوده و با هیچ مرحمت قبلی
از وقت معلوم نبوده است اکتشافات جغرافیائی ابتدا فقط بمقصد ترقی علم بوده لی از دیاد معلومات جغرافیائی آنرا راه اول
اروپا را بممالک خارج این قطعه باز کرد و در نیمه دوم مائه نوزدهم اکتشافات جغرافیائی اراضی جدید مستعمره ترقی کرده مستعمرگان در
افریقا اکتشافات آخر مائه نوزدهم مقدمه مملکت گیری و تقسیم کلی آن بوده است ... باز مراد اولی شهر کشف قطعی نواحی قطبی که تا امروز
نفع سیاسی هیچ نداشته است

تا اواخر مائه هیجدهم باستثنای نواحی قطبی در باقی کره زمین اکتشافات دریائی تا حدی تمام شده بود ولی در مائه هیجدهم نقطه دریای جنوبی
و قسمتی از جزایر و سواحل آن دریا که تا آن وقت هنوز مجهول بود در کشف آن نواحی را هم کوک Cook انگلیسی و بعضی سیاحان
با نام سیاحتنامه ... قطعات جدید اکتشاف شد ... امریکا کشف شده بود ... افریقا و استرالیا و جزایر عظیمه اقیانوس
بیشتر ... افریقا معروف ... داخل آنکه ... اروپائیان مجهول بود سیاحان ... تمام این نواحی
را با نقشه نواحی قطبی شمالی و جنوبی کشف کردند ... [illegible]
... افریقا و ... اروپائیان ... [illegible]
... فقط بعضی تحقیقات در نواحی
قطبی و جزایر اقیانوس باقی است

پلتیک اروپا در خارج این قطعه و انتشار تمدن عالم

یکی از نتایج مهم ترقی تمدن اروپا برای اروپائیها تسلط ایشان بر بیشتر ممالک عالم و در ... اروپائیها انتشار تمدن در

اواسط ... اروپائی کرده است در عالم چون برتری تمدن اروپا بر قطعات عالم از ابتدای قرون جدید شروع شده تسلط
اروپائیها هم بر دنیا از ابتدای قرون جدید شروع گردیده است چنانکه کلنیهای اروپائی از ابتدای قرون جدیده بعد تدریجاً
پیش رفت و در آخر مائه هیجدهم اروپائیها بر قسمت مهمی از دنیا مسلط بودند اسپانیائیها بر قسمت مهمی از امریکا پرتقالیها بر قسمتی از امریکا
و بعضی نواحی محصور در آسیا هلندیها بر مالزی انگلیسها بر قسمتی از امریکا و قسمتی از هندوستان و مقداری از جزایر مشرق
در نواحی مختلفه دنیا بنابراین در آخر مائه هیجدهم و ابتدای مائه نوزدهم گذشته از هندوستان و سیبری در آسیا دست ... متصرفات
بوده و افریقا و متصرفات اروپائی در آن قطعه نواحی ساحلی ... در استرالیا هندوستان و اقیانوسیه ... از مالزی
و بعضی جزایر اطراف آن اروپائیها هیچ محل را در آن قطعه در تصرف نمیدند در مائه نوزدهم ترقی فوق العاده تمدن اروپائی
تسلط اروپائیها را بر ممالک خارج آن قطعه ... نموده بطوری که در ابتدای مائه بیستم غیر از چین و ژاپون و ایران و حبشه و سیام
جائی از تصرف اروپائیها خارج نمانده است ... هم ... از تحت نفوذ اروپائی خارج نیست در دنیا ... با هم ...
مستعمله امریکا هم از حیث نژاد اهالی اروپائی محسوب میشوند ترقی تمدن اروپائی در مائه نوزدهم یک نتیجه دیگر هم داده است و آن
تغییر پلتیک دول اروپا نسبت بخارج آن قطعه تا اواخر مائه هیجدهم غیر از انگلیس و تا اندازه هلند تمام دول دیگر اروپا با مور داخل
آن قطعه خیلی بیشتر توجه داشته اند تا به امور خارج با نتیجه دول در تا ابتدای مائه هیجدهم در خارج اروپا دارای متصرفات شده بود
اشتغالی بلشکر کشی در خارج اروپا نمیشد و تمام هم خود را صرف ازدیاد قوت و بسط خاک خود در اروپا مینمودند در مائه نوزدهم
در نیمه دوم این مائه از زیادی جمعیت و تهیه اروپائیها و از دیاد محصولات صنایع و ترقی صنعت و بسط تجارت تمام دول
اروپا معلوم کرد که داشتن متصرفات در خارج اروپا یک مسئله حیاتی ... داخل آن قطعه اهمیت دارد و در هیچ دوره دول را
در صدد لشکر کشی برای خود بدنیا ها از قبیل ... شده مثل روسیه و آلمان ... جغرافیائی مملکت خود برای ...
راه بخارج داشته

طریقه ... متصرفات جدیده اروپا هم ... طریقه بوده است یکی طریق ظرفیت ... اجتهاد ... متصرفات ...

شبه جزیره هند و چین و غیره و از این ملاحظات یک نتیجه را حاصل کنند اول آنکه راه تجارت خود را در آن ممالک باز کرده آن ممالک را در تحت نفوذ ثروت خود درآورد دوم آنکه در صورت ظهور اختلاف شدید یا ضعف شدید از جانب آن ممالک [illegible] تمامی مملکت یا قسمتی از آن را متصرف در بیاورد طریقه دوم استفاده از کشف مسائل جغرافیائی ایشان در ممالک مجهوله یا در تحت [illegible] با کشف مسائل جغرافیائی برای اینکه در ضمن افکار ممالک مجهوله را تازه کشف شود متصرف شود (در نیمه اول مائه نوزده حال اول غلبه داشته و در نیمه دوم حال دوم غالب بوده) در طریقه اول نتیجه سیاسی پلتیکی و جنگهای مهم پیش آمده است در طریقه دوم قضایای [illegible] و اختلافات [illegible]

پلتیک دول اروپا در خارج این قطعه مختصراً ذکر کنیم

(۵) پلتیک دول اروپا در خارج این قطعه — سیاست را میتوانیم در تحت این [illegible] درآوریم از قرار ذیل (۱) تصرف کامل هندوستان توسط انگلیس (۲) پلتیک روس در آسیا و لوازم تصرفات آن دولت (۳) تصرف الجزایر و طرابلس توسط فرانسه (۴) جنگهای چین (۵) تصرف هندوچین توسط فرانسه (۶) تصرف ممالک داخله افریقا (۷) جنگ انگلیس و ترانسوال

(۱) تصرف هند — کمپانی انگلیسی هند [illegible] در اواسط قرن هیجدهم مشغول تصرف این مملکت زرخیز شد تا ابتدای مائه نوزدهم بیش از نصف هندوستان را متصرف بود و قسمت شمالی هند را در قسمت مرکزی و شمالی آن باشد بعد از ۱۸۱۵ تدریجاً با زحمت زیاد تصرف شد و در این ولایات و ممالک تصرف پنجاب از همه مشکل‌تر شده بود و بعد از [illegible] بالنسبه [illegible] هم انجام گرفت ولی ممالک هندوستان [illegible] که نسبت [illegible] دولت انگلیس در امور هند هیچ مداخله نمیکرد تا در ۱۸۵۷ شورش سختی بر ضد انگلیسها در گرفت و علت شورش این بود که هندیها انگلیسها را مخصوصاً بواسطه تعرض مذهبی ایشان دشمن داشتند و پیش گوئی شده بود که [illegible] لشکر خارجیها در هند در صد سال [illegible] بر خواهد افتاد [illegible] از جانب سپاهیان [illegible] انگلیسی واقع شد این شورش [illegible] خود [illegible] اراده بجزئی [illegible] چون [illegible] از اتصال آن شکسته اشاعه کردند [illegible] رسید در این ترتیب [illegible] از عهده جلوگیری برنیامد نزدیک بود هندوستان از دست انگلیس بیرون رود [illegible] انگلیسها [illegible] در هندوستان [illegible] در خطر بود دولت انگلیس [illegible] نانا صاحب [illegible]

قدیم بود [illegible] شهر دهلی و [illegible] [illegible] از شورشیان تسلط خود را بر هندوستان [illegible] برقرار کرد و پارلمان انگلیس کمپانی را بعنوان عدم کفایت از مداخله در امور هند محروم کرده حکومت هندوستان را بدولت انگلیس سپرده و وزارتخانه مخصوص برای هندوستان جزو وزارتخانه‌های لندن تأسیس کردند (علاوه بر وزارت کلنی) و در هندوستان یک نایب السلطنه تعیین نمود و در ۱۸۷۶ پارلمان ملکه ویکتوریا را امپراطریس هندوستان لقب داد [illegible]

انگلیسها در همان اوقات که مشغول بسط تصرفات خود در هند بودند باطراف هند هم حمله کرده قسمتی از برمانی را هم گرفتند در اواخر [illegible] فرانسه در هند و چین جلو انگلیسیها لوازم متصرفات خود را در برمانی و شبه جزیره مالاکا را برای جلوگیری از نفوذ فرانسه در سمت شرق هند تکمیل نمودند ۱۸۸۵ و در طرف مغرب و شمال در صدد نفوذ [illegible] بر افغانستان و بلوچستان برآمدند در افغانستان دو مرتبه قشون انگلیس با جنگ تصرف شدند و انگلیسها نفوذ خود را بواسطه اطمینان و همراهی با افغانها در مسئله هرات [illegible] افغانستان و در پیش از همه بواسطه مساعدت با عبدالرحمن خان که مدعی امارت شیر علی خان بود در افغانستان برقرار کردند (امیر شیرعلی خان ۱۸۷۸ [illegible] عبدالرحمن خان امیر افغانستان بود در زد و خورد با عبدالرحمن خان مغلوب شده بایران پناه آورد و مرحوم انگلیسها [illegible] شد ولی چون [illegible] قرار کرده بسمت افغانستان برگشت انگلیسها او را [illegible] در بلوچستان هم [illegible] یکی از خوانین جزء تسلط خود را برقرار کردند و بدست آوردن کلات نصیرخانی [illegible] معتبری است [illegible] ۱۸۸۵

(۲) پیشرفتهای روسیه در آسیا — روسیه در عهد پتر کبیر پلتیک اختیار کرده بود که بنا کردن راه هند برای روسیه از راه ترکستان رسیدن بدریا و بالتیک و تقسیم [illegible] دیگر روسیه [illegible] از او برای این [illegible] خود را قسطنطنیه برسانند [illegible] دریای سیاه و بواسطه جاذبه مملکت گیری از طرف شرق تا قفقاز رسیدند و در این طرف از ابتدای مائه نوزدهم بنای [illegible] گذارده و تدریجاً ولایات ممالک قفقاز را گرفته تا در عهد [illegible] درتحت تبعیت ایران یا مستقیماً متعلق بایران [illegible] بر [illegible] ایران دیداریم [illegible] از ایران را هم گرفته [illegible] در طرف شرق خزر [illegible] ترکستان [illegible]

ولی این شکست روسها را مجبور کرد مبارزه را بر اندازند ترکمانان را با تیول [illegible] شروع به پیش آمدن در ترکستان کردند و از
۱۸۴۵ تا ۱۸۸۴ با آن طوایف زد و خورد کردند ابتدا از طرف شمال و بعد از آن از طرف جنوب [illegible] بحر خزر به
ترکستان قشون وارد کردند و صدمات بسیار دیدند تا قبایل قرقیز و بعد از آن طوایف ترکمن و [illegible] ترکستان را یک یک
مقهور و مطیع نمودند و قسمت بزرگتر از همه این جنگها جنگهای خیوه بود و آخرین واقعه جنگ گک تپه بود با ترکمانهای اطراف مرو
به علاوه ژنرال [illegible] که سردار معروف [illegible] و تصرف مرو در ۱۸۸۴ بعد از آنکه قشون ایران از عهده
تسخیر مرو بر نیامد از ترکمانها شکست خورده و فرار کردند از آن تاریخ روسها مدعی اند که دولت ایران رسماً تصدیق کرده باشد [illegible]
در ضمن این وقایع میل پیش آمدن سمت هندوستان ایران و پامیر روسها گذشته از خیال رسیدن به دریای گرم ترکیه تا خیال
رسانیدن خود به هندوستان هم افتادند بسبب آنکه دفعی [illegible] از دریای گرم [illegible] خود [illegible] را قرار دادند در ضمن رسیدن به آن خلیج هندوستان
هم میتوانند دست یابند و رقابت [illegible] روس و انگلیس در آسیا از این جا ناشی شد بعد از آنکه روسها از [illegible] رسیدن به قسطنطنیه
مأیوس شدند به علاوه در تصرف داشتن سیبری بخیال افتادند به دریاهای گرم اقیانوس کبیر برسند و از آن زمان به سیبری بیشتر توجه کردند
و در ۱۸۵۷ موقع گرفتاری چینیها را در جنگ با فرانسه و انگلیس مغتنم دانسته با آن دولت [illegible] آمور را از چینیها
گرفته و بندر ولادیوستک را بنا نمودند

(۳) **الجزایر و طونس** — الجزایر و طونس اگرچه در تحت تبعیت عثمانی بود ولی هر کدام سلطانی یا بیگ داشته و از عثمانی اطاعت
نمیکردند الجزایر دزدهای بحری عرب سواحل اروپا و دولتهای دریای مدیترانه [illegible] اروپائی [illegible] انگلیسها بکرات
بندر الجزایر را گلوله ریزی کردند اما این کار نتیجه نداد دزدهای بحری را نگرفت تا اواخر سلطنت شارل دهم [illegible] که فرصتی به اهالی الجزایر
داده بودند بین بیک الجزایر و نماینده فرانسه کشمکشی واقع شد و نماینده فرانسه را بیک با بادبزن زد فرانسه برای رفع توهین
یک کشتی جنگی به بندر الجزایر فرستادند و [illegible] ظاهراً بجائی نگذشت ولی در موقع خروج کشتی از بندر اعراب کشتی را سنگ زدند
دولت فرانسه [illegible] قشون به الجزایر فرستاد و [illegible] را گرفتند و جبران این فتح [illegible] شارل دهم را مغرور کرده به علاوه شدت

خود (امضای احکام اربعه) اسباب بروز شورش ۱۸۳۰ شد [۱۸۴۷] از آن زمان بعد فرانسویها با اهالی الجزایر زد و خورد میکردند تا
~~۱۸۳۷ [illegible] الجزایر [illegible]~~ وقسمت عمده جنگهای آنها جنگهائی بود که برای گرفتن
قسطنطنیه نمودند (و در ۱۸۳۷ این شهر را گرفتند) و جنگهائی که با عبدالقادر از رؤسای روحانی الجزایر اهالی آن مملکت را باتفاق
با یکدیگر وا داشته بر فرانسه شورانیده بود نمودند و عبدالقادر در ۱۸۴۷ بعد از صدمات و زحمتهای بسیار که به فرانسویها وارد آورده
بود تسلیم سردار فرانسوی شد و برخلاف [illegible] آن سردار با او داده بود فرانسه او را بفرانسه برده در یکی از قلاع [illegible] منزل داد
(عبدالقادر با سردار مزبور شرط کرده بود او را به قاهره بفرستد) عبدالقادر [illegible] الجزایر [illegible] مملکت مربوط الی [illegible]
تکیه و [illegible] زد و خوردهای خود با فرانسه [illegible] فرار کرده [illegible] جنگ را با آن مملکت کشانید
تصرف طونس [در آوردن] در تحت تبعات فرانسه [illegible] طونس و حکومت فرانسوی الجزایر شده و علت عمده توجه فرانسویها به
این بود [illegible] بعد از فراغت از [illegible] توجه طونس شدند و فرانسویها [illegible] را با الجزایر
صلح [illegible] طونس در ۱۸۸۱ بعد از زد و خورد [illegible] در تحت حمایت فرانسه در آمدند
نتیجه دیگر تصرف الجزایر برای فرانسه ادعای حق نفوذ در مراکش شد ولی مراکش [illegible] از طونس بزرگتر و قوی تر بود و علاوه
[illegible] رقابت اسپانیا هم [illegible] برای حقوق [illegible] در کار بود و مسئله مراکش اسباب کشمکش [illegible] بین انگلیس و فرانسه
و مراکش و آلمان شد [illegible] کار [illegible] بین فرانسه و آلمان کشید [illegible] انگلیس مراکش را از
حوزه تصرفات خود [illegible] و فرانسه [illegible] با سلطان مراکش بعد از زد و خوردها [illegible]
[illegible] با اتفاق اسپانیا [illegible] در مراکش کردند (در [illegible] مراکش [illegible] زد و خوردی [illegible]
سلطنت بود) [illegible] طونس بسته [illegible] ولی هنوز نمی توان گفت مراکش در تصرف فرانسه است

(۴) **جنگهای چین** — اروپائیها [illegible] از ابتدای [illegible] قرون جدید [illegible]
[illegible] کرده [illegible] چینیها در اول [illegible] ایشان را [illegible] ولی اروپائیها (پرتقالیها) [illegible]

شدند و از آن وقت چینی‌ها ایشان را از چین بیرون کردند و فقط اجازه داشتند که تا به حال در شهر کانتن داد و ستد کنند (در دفعه
چین فقط پرتغالی‌ها و فرانسوی‌ها توقف داشتند) در قرن نوزدهم وقتی که اروپائی‌ها خصوصاً انگلیس‌ها در اراضی چین نافذ شدند انگلیس‌ها
تریاک هند را به چین می‌بردند اما از همان وقت دولت چین در دفعه از بابت آوردن تریاک ممانعت می‌کرده از ورود تریاک
به مملکت خود راضی نبود در ۱۸۳۹ چینی‌ها بیست هزار صندوق تریاک را از مغازه‌های انگلیس‌ها بیرون آورده در دریا
ریختند انگلیس‌ها بر این سبب در ۱۸۴۰ جنگ با چین کردند این جنگ طول کشید معروف به جنگ تریاک شد قشون انگلیس
کانتن و شانگهای را گرفته تا نانکن پایتخت قدیم چین پیش رفتند چینی‌ها در نانکن عهد صلح بسته جزیره هنگ کنگ
را به انگلیس دادند و پنج بندر را برای تجارت با اروپائی‌ها باز کردند در ۱۸۵۶ مخاصمات جدیدی بین انگلیس‌ها و چینی‌ها
در کانتن ظاهر شده و در همان وقت یکنفر از دعاة فرانسوی را چینی‌ها کشتند ناپلئون سوم با انگلیس‌ها متفق شده
فرانسه و انگلیس با اتفاق قشون به چین فرستادند چینی‌ها ابتدا اهالی شهر پکن را بر سفرای متحدین تحریک نمودند
بموجب معاهده در تین تسن بسته شد در خصوص آنچه فرانسه و انگلیس را مطالبه بود از حق فرستادن سفیر دائمی در دربار چین
و بعضی تسهیلات برای تجارت اروپائی‌ها قبول کردند اما بعد از این معاهده به علت تجمل خود اقدامات پکن را نکرده
نمودند و چون سفرای فرانسه و انگلیس به چین رسیدند به سبب آن ایشان را شکست دادند فرانسه و انگلیس با اتفاق قشون
به چین فرستادند و بعد از یک جنگ (جنگ Palikao) در هشت هزار نفر و ... بر چهل هزار نفر چینی غالب
شد شهر پکن را گرفت و در عوض کشتار چینی‌ها از اسرای اروپائی‌ها عمارت تابستانی امپراطور را غارت نموده
سوزانیدند و دولت چین بموجب عهدنامه پکن ۱۸۶۰ هفت بندر جدید را برای تجارت با اروپائی‌ها باز کرد
(۵) تصرف هند چین توسط فرانسوی‌ها — هند و چین تا نیمه قرن نوزدهم ... عبارت از سه (
(۱) انام (۲) کامبوج و آنام عبارت از چند مملکت بود در تحت حکومت یک امپراطور دولت آنام در قرن هجدهم
از فرانسوی‌ها حمایت خواسته بعد رابطه بین فرانسوی‌ها و آنام قطع شد اما اهالی آنام عیسویان بومی آن مملکت

را آزار می‌کردند و در صدد ۱۸۵۸ چند نفر دعاة فرانسوی را کشتند ناپلئون سوم موقع جنگ چین را مناسب دانسته در همین فرستادن
قشون به چین دسته قشونی هم به اراضی آنام پیاده کرد و اطراف Saigon با [illegible] آنام تدریجاً زد و خورد کرد
نتیجه آن شد در ۱۸۶۳ دولت آنام سه ولایت از مملکت کوشن چین را و در ۱۸۶۷ تمام آن مملکت را به فرانسه واگذار
نمود و در بین این مدت دولت کامبوج در زیر حمایت فرانسه قرار گرفت دولت فرانسه قرار داد تدریجاً از تصرف کوشن چین
Francis Garnier از صاحب منصبان فرانسوی خیال کرد که می‌توان از راه رود مکنگ راه تجارتی
ولایات جنوبی چین باز کند و لیکن مقصود خود نائل نشد و بعد از او فرانسوی را موسوم به دوپوئی داده است برای استان را
در راه سن کوئی Tonkin ... از تونکن عبور بکند بنابراین انگلیس‌ها تقدیم کنکش‌نامه بین فرانسه و دولت آنام شد
بین ابتدا صاحب منصبان فرانسوی به دولت بعضی قسمت از تونکن را گرفتند اما دولت چین به حمایت از آنام که ...
فرانسه و چین کشیده و فرانسوی‌ها بر آنام و چین هر دو غالب شدند نتیجه این جنگ معاهده‌ای شد در چین در ۱۸۸۵ با فرانسه بسته
بموجب این عهدنامه تونکن قطعاً متعلق به فرانسه شده و دولت آنام در تحت حمایت آن دولت درآمد

(۶) مسئله مصر — نوادهٔ محمدعلی پاشای مصر موسوم به اسمعیل پاشا خدیوی مصر ... اسراف و اقدامات بزرگ کرد
چونکه لقب خدیوی را با ... از عثمانی خریده و تمام پول آن قرض را که ... از اروپا قرض کرد
مصر شده و دولت مصر قرض به ۲ میلیون فرانک رسید ... دول اروپا ... دخالت فرانسه و انگلیس در امور مالیه مصر
به آن دو دولت اسمعیل پاشا را مجبور کرد که مالیه مصر را در تحت حمایت مصر بگذارد از ۱۸۷۶ فرانسوی و انگلیسی به میزان
مرتبه جوئی ... صاحب منصب ... این مسئله ... در مصر شده یکی از صاحب منصبان ... است
اعرابی پاشا ... بزرگ ... اروپائی ... اتفاق ... انگلیس ...
از ... مصر ... دولت ... واقعه ... فرانسه ... از راه ...
فرستادن قشون ... مصر ... انگلیس‌ها ... قشون مصر ... در ۱۸۸۲ ...

قشون خدیو را از مصر خارج نموده و بعنوان نظارت تمام امور ادارات مصر را در تحت اختیار خود درآوردند
در مدت عقب نشینی مصر در سودان شرقی شخصی ادعای مهدویت کرد معروف به محمد مهدی شد و شهر خرطوم را گرفت
۱۸۸۵ محمد مهدی بعد از چندی درگذشت اما پیروان او دنبال کار را رها نکردند و خلیفهٔ محمد مهدی در سودان شرقی سلطنت نمود
و بعدها بدست انگلیسها و لرد کیچنر که مرکب از قشون مصری و انگلیسی بود سودان شرقی و ممالک جنوبی مصر تصرف شد و آن ممالک
را ابتدای فتح کردند ۱۸۹۸ و ممالک واقع در جنوب مصر تا سرچشمه‌های نیل در تصرف مصر و در معنی در تصرف انگلیس درآمد

۷) جنگ ماداگاسکار — فرانسه‌ها از زمان لوئی سیزدهم در سواحل ماداگاسکار تاسیس یک شعبه کرده بودند با شعبهٔ اعظم
ماداگاسکار در تحت نفوذ اروپائی واقع شده بود و طوایف Hovas هوس که از اهالی ماداگاسکار و حکومت آن جزیره
در دست ایشان بود با انگلیسها متحد شده بودند و در بارها ماداگاسکار متمایل به انگلیس و فرانسه بود در اواخر ۱۹ در قرن اخیر
ترقی تجارت ماداگاسکار به انگلیسها زیاد شده بود با ایشان بافرانسه‌ها سکنی آن جزیره نیز در دست قوای را نگذارده در این ترتیب بعضی به مبادرت
و حمله تاماتاو Tamatave و سایر بنادر ماداگاسکار شد و ملکه ماداگاسکار خود را در تحت حمایت فرانسه شناخت اما مدت
ده سال از قبول از زمان فرانسه‌ها طفره کردند تا در ۱۸۹۵ دولت فرانسه قشون به ماداگاسکار فرستاده آن جزیره را مستقیماً
تصرف نمود

۸) جنگ ترانسوال و اورانژ — اهالی مستعمرات انگلیسها در جنوب افریقا با فرانسه از هلند گرفته بودند از مهاجرین
هلندی و پرتگالیها فرانسوی و بزرگتر ایشان و مهاجرین انگلیسی با آن کمتر سازش نداشتند تا جائی که نخواسته تحت حکومت
انگلیس زندگی کنند و از کاپ خارج شده در اطراف آن سکنی گرفته و بعدها به ترتیب سه مملکت ناتال و اورانژ و ترانسوال
تشکیل دادند. مملکت ناتال را انگلیسها در ۱۸۴۳ گرفته و بزودی ترانسوال و اورانژ نیز زیرا این دو مملکت از جهت ثروت
طبیعی قابل توجه نبودند ولی کشف معادن طلا ۱۸۸۵ دفعتاً این دو مملکت را در نظر انگلیسها جلوه داده بود اهمیت داد و در
مهاجرین جدید بخصوص عده زیادی انگلیسی برای استخراج معادن به آن جمهوری رفته و برای استخراج معادن داخلی اهمیت داشتند

شهروندی تابعیه کرد و چون که لیت و زیر کبیر انگلیس را انگلیسها ترانسوال و اورانژ تحت نظر جمهوری بدکرداری نمودند که کابینه
اهالی ترانسوال و اورانژ مقاومت کردند انگلیسها کردند در آن وقت بیرون شده متدرجاً بعداً اهالی جمهوری نیز بر ضد معادل
۲۰۰ هزار قشون به آن مملکت فرستاده متجاوز از پنج سال روز ایشان جنگ کرد ولی عاقبت در ۱۹۰۲ مجبور شدند
اهالی ترانسوال و اورانژ مغلوب شدند و آن دو جمهوری جزء متصرفات انگلیس شد اهالی قدیم کاپ منجمله ترکیب فرانسه و هلند ممالک
خود شهر را انگلیسی دادند یعنی دهقان که رئیس جمهوری پیر بود ترانسوال در زمان خود به اروپا رفت
کنار رفته بود و موسوم به Kruger کروگر شهرت داشت

این طریقه‌ای که برای تقسیم کلیه ممالک ذکر کردیم یعنی استفاده از الکشافات جغرافیائی برای چندان قابل شرح نیست زیرا
اکثر ممالک آنها به ترتیب تقسیم شده در نیمهٔ اخیر قرن نوزدهم در دست شده و شرح تقسیم آنها با جغرافیا بیشتر مربوط است
و در نیمه همین قدر باید تذکر دهیم در اواسط قرن بعد از فرانسه و انگلیس یعنی در اواخر قرن نوزدهم در همه ممالک برآمدند آلمان و ایتالیا نیز
در افریقا سهمی بودند پرتقالیها بواسطه سابقه تصرفاتی که در افریقا داشتند و همچنین در اکتشافات جغرافیائی شده بودند متصرفات
خود را در افریقا نگاه داشتند آلمانها بواسطه ازدیاد جمعیت مملکت خود و کثرت مهاجرت اهالی مجبور شدند که برای تحصیل مستعمرات برای جمع
کردن مهاجرین خود در آن محلها دست بکار زدند و بعضی از تجار آلمانی در ترکیب... بزرگ دست اندازی به خارج اروپا
تغییر رسید و ملاحظات پیشرفت ایشان را بوجود آورد و بعدها آلمانی در اکتشافات جغرافیائی هیچ کاری که قابل ذکر باشد نکردند
دولت آلمان بعد از جنگ ۱۸۷۰ قوی گردید و بمیل بیسمارک این پیشرفت را همراهی کرد و آن دولت محلهائی را اختیار کرد
در بعضی ممالک معتبر در جاهائی واقع شده در آن محلها استفاده تا بعضی از ممالک که دیگران تمکن بود ولی خود آن محلها هم بستری که
قابل طمع دیگران باشد نبود

ایطالیها هم چندان مناسب که برای تشکیل ممالک نداشتند همین پیشرفت هم حاصل کردند اما از ۱۸۸۰ به بعد در این طریق هم در تصرف و ملل اروپا
در آنها سرحدی حاصل که قابل توجه است که ترکیب دریای مدیترانه است بعضی سواحل دریای سرخ و گرفتن آن بسیار معتبر ...

پنجم کانادا — در این طریقه هم بعد مانع در اصل را توقف کرده‌اند بلکه بواسطهٔ اکثر موانع تصرفی او تلقی داد و مشکلات زیاد شاید که
این مطلب را هم گفته باشیم که تقسیم و تعیین حدود مستملکات ابتدا در کنگرهٔ برلن ۱۸۸۸ تنظیم شده است

نتایج نفوذ اروپائیها در خارج اروپا

اروپائیها تمامی ممالک عالم را بقصد نفع خود از اروپا بخارج قدم گذاشته و چنانکه دیدیم سعی داشته و دارند که ملل دیگر دنیا را در تحت قبضه اطاعت خود درآورند. و البته دست اندازی بر استقلال ملل دنیا نسبت به آن ملل ظلم صریح و فاحشی است علاوه برآن اروپائیها در استیلای خود ملل دیگر را همیشه برأفت و مهربانی رفتار نکرده‌اند بلکه در بسیاری مواقع نهایت درشتی و خشونت را بکار برده‌اند. اما با این همه دو نکته را ملتفت باید شد فراموش نکرد اول آنکه جمعیتی از دانشمندان اروپا در کشف ممالک مجهوله و معلوم ساختن اروپائیان با ممالک عالم پرداخته‌اند تنها بقصد کشف حقیقت و ترقی علم و انسان دوستی داشته‌اند. دوم آنکه ملل اروپا در ضمن سعی در استیلای بر ملل دیگر و توسعهٔ تجارت خود ترقی تمدن را نیز در سایر قطعات عالم انتشار داده‌اند. گاهی برای بازکردن راه تجارت خود اقدامات کرده‌اند مثل حفر کانال سوئز که فردینان دولسپس از ۱۸۵۹ الی ۱۸۶۹ بخرج کمپانی که خود او رئیس آن شده بود حفر نموده است. و گاهی بنظرهای نظامی و سیاسی راه‌آهنها مثل راه‌آهن ماوراء خزر و راه‌آهن سیبری کشیده‌اند از همهٔ اینها رابطهٔ ملل عالم را با یکدیگر خیلی زیاد کرده‌اند. در ممالکی که در تحت ادارهٔ خویش گرفته‌اند طرز ادارهٔ منظم اروپائی و تأسیسات علمی و تربیتی خود را در آن ممالک داخل نموده‌اند. در ممالکی که فقط رابطهٔ تجارتی داشته‌اند بواسطهٔ رفت و آمد تجار و سیاحان و مأمورین سیاسی و غیره ایشان کم‌کم آداب و اخلاق و تمدن خود را نشر داده‌اند و تمام اینها اموری است که خواهی نخواهی واقع میشود و در هر موقع که یک ملت با ملل متمدنه تماس حاصل کند بواسطهٔ تمدن آن بسیاری ملل متمدن شده‌اند. این است که امروز غیر از آنکه اینقدر فعلاً نظر بترقی فوق العاده تمدن اروپا تمام عالم را حتی ممالک دور از یکدیگر واقعه را داخل طریق تمدن و ترقی خواهد کرد.

متأسفانه تاکنون چنین بنظر میاید که تقصیر بیشتر ملل غیر اروپائی دنیا چنین بوده است که در ضمن تسلط کامل اروپائیها تمدن اروپا را قبول ننمایند و در عین حال هم مدتی با قبول آن تمدن مخالفت نمایند و بواسطهٔ این تعلل ترقی عالم را قدری عقب بیندازند از

طرف دیگر خود را بتقصیر خویش بیشتر محکوم و مجبور در چنگ اروپائیها قرار دهند. تمدن اروپا در تمام دنیا کم‌کم پیش رفته است. اما قسمت عمده از ممالکی که درست دارای این تمدن شده‌اند ممالکی بوده که اهالی بومی آنها در جنب اروپائیها مستهلک شده‌اند و حتی آن کشف شدن آن ممالک از بومیان اروپائیها شده‌اند مثل امریکائیها استرالیائیها زلاند جدید و غیره و در بعضی از ممالک متمدن تمدن اروپائی بیشتر نفوذ کرده است تا جائی که آن ملت را از تمدن اروپائی که لفظ کرده‌اند از چیزهائی است که در ردیف بازیچه و لهو و لعب تعبیر کند. در صورتیکه در تمام ادوار تاریخ دارای درجه تمدن تام ملل مکلف بحفظ استقلال خود شده. در این زمان حفظ استقلال در مقابل اروپائیها بسته بقبول جدی تمدن اروپائی است. بعضی از ملل علوم و فنون اروپا را بلکه بسیار خوب استقبال کرده‌اند بشرط آنکه بجائی نه رسیده زیرا بر اطاعت اروپائیها این حال را اختیار کرده‌اند بعضی دیگر در حفظ استقلال خود کوشیده‌اند و بواسطهٔ رشد و ترقی پیشرفتهائی نموده‌اند. اما هیچ یک از ملل در ترقیات علمی و فنی اروپائیها شده‌اند و فقط یک ملت در دنیا قبول تمدن اروپائی را با غیرت حفظ استقلال خود توأم کرده است و آن ملت ژاپون است و با بعضی دول در ردیف بزرگترین ملل اروپا درآمده است.

ژاپون — ژاپون اگرچه قدمت تاریخی چین را ندارد معذلک از ملل قدیمهٔ شرق اقصی محسوب میشود. چنانکه میگویند بیش از دو هزار سال است که سلسلهٔ حالیه در آن جزایر سلطنت میکند. ژاپونیها در ابتدای رفت و آمد اروپائیها بشرق اقصی از اروپائیها بد استقبال کردند و مدتی سعی در آن جزایر پیشرفت حاصل کردند. اما بعد ایشان در امور داخلی ژاپون ... شده رفت و آمد اروپائیها را ممانعت کرد و خیلی سخت تر از چینیها جلوگیری کردند و فقط هلندیها حق داشتند که به بندر ناکازاکی داخل شوند تا در ۱۸۵۴ در زمان اقدام دولت آمازونی به باز کردن ژاپون از تجارت امریکا ... قبول کرد در ژاپونیها دلو

مدت چندین بار به ژاپون اوضاع اجتماعی آن مملکت حالی بود که ده بعد چیزی باقی داشت قرون وسطی و جمعیتی ... ثروت حاصل کرده و ملک املاک شده بودند و رئیس ایشان ملقب به Shogun (Taicoun)

منزله صدر اعظم شده ترتیب نظمی داد از آنکه دیگر در مقابل میکادو که رئیس مذهبی و رئیس مردم بود قدرت زیادی حاصل کرد و میکادو
هیچ وقت در میان مردم طرفدار نمیشد و پادشاه واقعی شگون بود. در ۱۸۵۴ نیکیته کشتی جنگی امریکائی برای ژاپون
آمد باسم رئیس جمهوری امریکا و از ژاپون خواهش کرد بندر را برای تجارت اروپا خواهش نمود. شگون در این باب
رفت و آمد کرد و قوهٔ نظامی آنها را دیده دانسته که مقاومت امکان ندارد و ترتیب را به شگون فهمانید ولی در
خواست امریکائیها را قبول کرد و بعد از آن مجبور شد همین درخواست را از اروپائیها قبول کند. ژاپونیها از این کار
فوق العاده متغیر شده و اشراف (Daimios) هر دو رشته متفق شدند که دیگر شگون نباشد و بر اولاد
مرحله سلطنت میکادو در امور کشوری دیگر بر اولاد شگون شدند که رد خود در گرفت و در واقع زود خود
یکی دو شگون بود و چون آن یکی دو شگون هر دو مرده یکی دو جدید لازم به Mutsuhito
رجعی با بزرگی و با کفایت بود. وطن خواهان ژاپونی در ۱۸۶۸ اسباب انقلاب فراهم کرده همراه شده شگون جدید را
مقهور و مجبور با استعفای از مقام خود کرده و طرح حکومت جدیدی به تقلید حکومتهای اروپائی و برای آنکه تغییر وضع خوب
ظاهر شود پایتخت خود را تغییر داده و از آن [زمان] نظام یکی دو دری او در کمال جد بر ضد فرقهٔ متعصبین اروپا و اشراف
شده چنین اروپائی و تأسیسات جدید بسیار ترتیب داد آنها و کارخانه ها و اصلاح نظام دیگر آن مملکت خود را از همه جهت تغییر
داده و قوانین جدید اخذ از قوانین اروپائی وضع نموده و در سنه ۱۸۸۹ (سال صدمین انقلاب فرانسه) [illegible]
در میکادو در ابتدای کار رخنه داده بود که [illegible] ژاپون اعلام شد. قشون ژاپونی در عرض ده بیست سال
نظیر بهترین قشونهای اروپائی شده و استحکامات [illegible] قشون لازم بود لهذا در ۱۸۹۴ در صدد شدند که ژاپونیها اعلام
جنگ با چین نمودند

جنگ چین و ژاپون — کره مملکتی بود در تحت حمایت چین ولی همیشه منازعه بین چین و ژاپون بود و مستور شده
بود چینیها و ژاپونیها به اتفاق که در تحت حمایت خود داشته باشند در ۱۸۹۴ چون چینیها خواسته تنها خود را

به کره [illegible] تر از ژاپونیها که ژاپونیها لشکرها بردن [illegible] جنگ بین چینیها و ژاپونیها بعد از جنگهای انگلیس و فرانسه
بخیال [illegible] قوه در مقابل اروپائیها اتحاد نمودند [illegible] جدید تأسیس کرده لیکن نمیدانستند
سایر اصلاحات هم لازم است [illegible] در تحت نظام دولتی که [illegible] جنگ (سمت جنوبی
ویت کرده) از ژاپونیها شکست خوردند و بعد از دو خورده بسیار نزدیک شده ژاپونیها به پکن رسیدند لهذا چینیها
تسلیم شدند و کره را بیطرفی به موجب معاهدهٔ Simonoseki [illegible] در ۱۸۹۵ کره را بیطرف
ژاپون دادند و جزیرهٔ فرمز را با قسمتی از منچوری و بندر پورت آرتور جزو آن بود و بندر Wei Hai Wei
را به ژاپون دادند. اما روسها که به منچوری نظر داشته دول اروپا را وادار نمودند که [illegible] مداخله این شده و ژاپون برگشت
که در تحت حمایت خود تصرف جزیره فرمز اکتفا کند. ژاپونیها در آن ترتیب مصالحت خود را در مقابل اروپائیها زیرا
ولی [illegible] گشته [illegible] اول آنکه قوه ایشان برای [illegible] است با اروپائیها [illegible] دوم آنکه [illegible]
[illegible] و نفوذ ژاپون در چین پیشرفت ژاپون [illegible] مسلم شده [illegible] خود را کوتاهی کنند [illegible] برای جلوگیری
از مقاصد روس بدست آوردند

فتنهٔ Boxers در چین — طوریکه ذکر شد در چین پیش بینیهای ژاپونیها را [تسریع] [illegible] ژاپونیها
موقعی داده قشون خود را در مقابل قشون اروپائی هم امتحان کند
چینیها از نفوذ اروپائیها در مملکت خود خوششان نمی آمد و قدری از روی تعصب [illegible]
و تأسیسات ایشان [illegible] مخالفت داشتند در چین انجمنهای مخفی بسیار است [illegible]
آن مملکت نفوذ دارد انجمن [illegible] چین را مطیع خود کرده بر ضد اروپائیها [illegible]
با [illegible] چین [illegible] مدتی سفارت اروپائیها را [illegible] Boxers [illegible]
و [illegible] در ۱۹۰۰ اتفاق افتاد و اروپائیها هم در چین [illegible]

دول اروپا بواسطهٔ اشتغالات سیاسی خود مدتی در رفع غائله تاخیر کردند چون معتقد شده ژاپون را بی مداخلت کذارند و بعدیکه
حرکت قشون اروپائیها در پیشرفت بود از ژاپونیها خواهش کردند که قشونی بطرف تین‌تسین روانه کنند بهر حال قشونی بر کمک دول
اروپا و ژاپون را تا رفع بلوا [illegible] را رفع کردند و سپس دولت چین مجبور شد دیگر [illegible]
در استقلال چین و خاک آن را از استیلای [illegible] حفظ کند

جنگ روس و ژاپون — ژاپونیها در نتیجهٔ [illegible] کفایت قشون خود را در جنگ با قشون اروپائیها نموده با دول
اروپائی فهمیده و بوضوح طرز جنگ اروپا و ترتیبات [illegible] ایشان را بدست آورده [illegible] روسها در پورت آرتور
را بواسطه مراجعهٔ اروپائیها در جنگ چین و ژاپون از جنگ ژاپون بیرون آورده بود در عوض این مدت از چین اجازه
گرفت در راه آهن سیبری را تا آن بندر وصل کند و بعد از رفع فتنه [illegible] بعنوان [illegible] دول اروپا در حفظ چین [illegible]
بود بهانهٔ محافظت راه آهن خود قشون خود را بعنوان موقتی در منچوری [illegible] و پورت آرتور را [illegible]
نظامی قرارداده مستحکم نمود ژاپونیها که نتیجهٔ زحمتهای خود را در تحت اقدامات روس در ۱۹۰۲ با انگلیس عقد اتحادی
بسته [illegible] بروس در [illegible] از جانب اروپا [illegible] ایشان [illegible] و در ۱۹۰۳
بروسها اخطار کردند [illegible] در چین و منچوری برقرار شده [illegible] قشون روس از منچوری [illegible]
[illegible] خود را [illegible] ژاپونیها در ۱۹۰۴ بعد از یک اولتیماتوم بدون
اعلان جنگ رسمی [illegible] روس حمله نموده [illegible] روس را در [illegible] در همان روز [illegible] اول از کار انداختند
و مشغول [illegible] کردن [illegible] پورت آرتور [illegible] قشون منچوری [illegible] روسها [illegible] راه آهن سیبری
مشغول [illegible] قشون منچوری [illegible] بزرگترین [illegible] پایتخت [illegible] جنگ [illegible]
شرق اقصی [illegible] در تمام جنگهای کوچک و بزرگ ژاپونیها غالب شدند و جنگ روس و ژاپون از حیث استعمال
قوای نظامی [illegible] بزرگترین جنگهائی است که تا این زمان واقع شده در [illegible]

آن [illegible] و [illegible] پورت آرتور و [illegible] بلیک برده است
سردار کل قشون ژاپون مارشال أیاما Oyama و سرداران زیردست او [illegible] Kuroki
و [illegible] و Nodzu [illegible] ایشان [illegible] Togo [illegible]
[illegible] را در تحت ریاست Rojdestvensky [illegible] شرق اقصی رسیده بود معدوم کرد
این واقعه در بسال صدم واقعهٔ Trafalgar واقع شده [illegible] آن جنگ [illegible] ژاپونیها [illegible]
عاقبت رئیس جمهوری اتازونی Roosevelt [illegible] را دعوت [illegible] Portsmouth
اتازونی در ۱۹۰۵ عقد صلح بسته شد [illegible] ژاپونیها [illegible] از [illegible] جنگ [illegible]
[illegible] (اعضای [illegible] ژاپون [illegible])

نتیجه — خلاصهٔ تمام [illegible] تاریخ [illegible] است [illegible] قدیم [illegible]
[illegible] الاطراف [illegible] بواسطه موانع طبیعی [illegible] تمدن [illegible] اما [illegible]
[illegible] الاطراف [illegible] و از شرق [illegible] شده در [illegible]
فوق العاده [illegible] فوق العاده [illegible] در ترقیات امروزه تمدن اروپا [illegible]
طبیعی [illegible] است [illegible]
راحت [illegible] ملل [illegible] شده است [illegible] ملل وحشی [illegible] متمدن [illegible]
[illegible] ملل وحشی در شمال و جنوب [illegible] وقت [illegible]
[illegible] ملل وحشی [illegible] متمدن [illegible] ایشان [illegible]
در دولت ایران و روم ملل متمدن عالم را از [illegible] وحشیان شمالی حفظ کردند [illegible]
[illegible]

اما در مقابل این مدت برخی از ایشان زیادتر بود زیرا ملل وحشی تمایل دارند برای قبول تمدن مستعدتر باشند چونکه وجود زمین مدتی تمدن را متوقف داشت اما از ترکیب زمین با ملل اروپا ملل حالیه اروپا بیرون آمدند ولی وحشیهای شمال آسیا همیشه ترجمه جمعی با ایران بوده همیشه دست خود را ولی استعداد برای قبول تمدن و دانش از آن دارا بودند وجود شدت و وحشیگری بیشتر رحم که باشد دارای اخلاق فاسده ملل متمدنه شده فاسد بودند شدت زندگی وحشیه

خطر تمدن خانگی که گفتیم از دو راه بوده است یکی جمعیت وحشیها یکی فساد خود متمدنین آنها تجربه مینماید [illegible] در مورد هجوم قبایل وحشی در ممالک ما آمده اند در تمام مراتب دیگر فساد خود متمدنین خطرناک تر بوده است زیرا [illegible] که هرچه دانش [illegible] وسعت تمدن برای ملل متمدنه تولید سکنه مهلکه میکرد وحشیها در اسباب [illegible] متمدنین [illegible] وحشی است [illegible] ملل متمدن اسباب غلبه وحشیها میشود و بر فرض اینکه یک ملت متمدن فاسد گردد ملل وحشی [illegible] خود منجر [illegible] معدوم میشود چنانکه بسیاری از ملل با آن کثرت مشهور ملل متمدنین شده اند و لیکن بعضی از اقوام که برطرف گردیدند تاریخ [illegible] نوع [illegible] از تاریخ طبیعی اخراج کرده اند [illegible] کلیه موجودات ذی حیات [illegible] زیرا [illegible] از [illegible]

انتقالی دفتر
مکتبة
الامام امیر المؤمنین علیه السلام
بازبینی شد
۱۳۷۱
در تهران
به کتابخانه
آستان قدس رضوی
در مشهد



